

روحانی باید انتظارات  
رای دهندگان را برآورده کند  
گفت‌وگو با پروانه مافی



انتقام‌گیری ولیعهد  
داوود احمدزاده

پشت پرده‌ها را  
به مردم بگویید  
گفت‌وگو با محسن رهامی



موشک قابل مذاکره نیست  
حسن بهشتی‌پور

گفت‌وگوی صادق زیباکلام و محمد قوچانی  
درباره رابطه روحانی با حاکمیت و اصلاح‌طلبان

## لاریجانی - جهانگیری دوقطبی مطلوب روحانی برای ۱۴۰۰

**زیباکلام:** هیچ نوری در انتهای تونل از نظر اقتصادی برای دولت روحانی نمی‌بینم / باید با تمام وجود این نظام را حفظ کنیم / من فکر نمی‌کنم روحانی هیچ وقت آزادی‌خواه یا طرفدار حقوق زنان بوده / **قوچانی:** جدا از اصلاح‌طلبان، نقش شخص روحانی در رای آوردن دیده نمی‌شود / معتقدم اصلاح‌طلبان از لاریجانی حمایت نمی‌کنند

**سرفروش ۲۴ میلیون رای**

در میان اصلاح‌طلبان خطر سرخوردگی بدنه اجتماعی گوشزد می‌شود

**زمزمه مذاکره موشکی  
از زبان اصلاح‌طلبان**

به این سؤال پاسخ داده‌ایم: چرا مذاکره موشکی خلاف منافع ملی است؟

**پروژه تولید جنگ‌هراسی**  
احتمال وقوع درگیری نظامی  
میان ایران و عربستان وجود دارد؟

**کاسبان زلزله**

برخی چهره‌های سیاسی  
سعی کردند از حادثه کرمانشاه  
سوءاستفاده کنند





# با کوثر کارت

## از تیم محبوبتون حمایت کنید



• امکان افتتاح حساب در هر یک از ۳۵۱ شعبه موسسه اعتباری کوثر در سراسر کشور  
• حمایت از تیم بدون پرداخت هزینه و تنها با افزایش تراکنش های مالی با کوثر کارت







aparat.com/iranpl.ir



p.r.@iranpl.ir



instagram.com/iranpl.ir



telegram.me/iranplir



www.iranpl.ir



## کتابخانه بازسازی شده ارغوان تهران

کتابخانه عمومی ارغوان واقع در بوستان ارغوان خیابان دولت، در سال ۱۳۸۵ تأسیس شد. این کتابخانه در حال حاضر با مجموعه‌ای بالغ بر ۳۰ هزار جلد کتاب و داشتن بخش‌های کتب لاتین، نشریات، کودک، منابع دیداری و شنیداری و سالن مطالعه (روزی‌های زوج و ویژه آقایان و روزهای فرد ویژه خانم‌ها) به مردم منطقه ۳ تهران خدمت‌رسانی می‌کند. امکان دسترسی به این کتابخانه از طریق خطوط قطار شهری (خط یک: ایستگاه‌های شهید صدر و قلهک و خط سه: ایستگاه نوبنیاد) میسر است.



## کتابخانه‌شناسی

## کارتون کتاب



طرح: سومین دوسالانه کارتون کتاب

ندا اشجعی

## پیشنهاد کتاب

از حضور راوی در لانه جاسوسی است که شامل روزنوشت‌های وی درباره مشاهدات خود در این مکان است. نویسنده کتاب بیان می‌کند: «برنامه‌ریزی تسخیر لانه جاسوسی، توسط دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف و پلی تکنیک (امیر کبیر) انجام شد و آن‌ها از دانشجویان دانشگاه‌های تهران و ملی (دانشگاه شهید بهشتی) برای اجرای برنامه دعوت کرده بودند. این کتاب دریچه‌ای تازه به وقایع تسخیر لانه جاسوسی و روز ۱۳ آبان را به روی خواننده می‌گشاید و او را از نمای نزدیک با اتفاقات آن روزها آشنا می‌کند. با توجه به اینکه گزارشات به صورت روز شمار نوشته شده، جزئیات حوادث و حس و حال آن به خوبی به مخاطب انتقال می‌یابد، همینطور متن نسبتاً کوتاه گزارش‌های روزانه نیز بر اثر بخشی آن افزوده است.

وطن ریشه کن و نقشه‌هایشان را نقش بر آب کرد. اراده و بصیرت ملت شریف ایران موجب شد، ساختمان دیپلماتیکی که حیات خلوت آمریکا در ایران محسوب می‌شد، امروز به یکی از جاذبه‌های گردشگری پایتخت ایران تبدیل شود. «روز خدا» خاطرات روز شمار سید محمد هاشم پوریزدان پرست از دانشجویان پیرو خط امام از نخستین روزهای تسخیر لانه جاسوسی است. کتاب «روز خدا» با بررسی علل و زمینه‌های تسخیر سفارت آمریکا در ایران آغاز می‌شود و به موضوعاتی چون قائله گنبد، عدم همراهی دولت موقت با سیاست‌های انقلاب اسلامی و مروری بر فعالیت‌ها و ترور شهید مطهری و نیز فعالیت‌های سیاسی و مطبوعاتی بنی‌صدر و رحلت آیت‌الله طالقانی می‌پردازد. متن این کتاب در ادامه شامل روز شمار ۲۴ روز

وقتی خدا بخواهد یک هدف الهی محقق شود؛ حتی اگر دشمنان تا بین دندان مسلح، به انواع امکانات مادی مجهز شوند کاری از پیش نخواهند برد و عاقبت «روز خدا» فرامی‌رسد. حماسه آگاهانه دانشجویان قهرمان در ۱۳ آبان ماه سال ۱۳۵۸ یکی از روشن‌ترین مصداق‌های این کلام بلند امام خمینی رحمت‌الله علیه است: «سلاحداران نادان، هرگز نخواهند توانست بر اراده یک ملت حاکم گردند». وقتی آمریکایی‌ها که با پیروزی انقلاب اسلامی به شدت خسارت دیده بودند و دستشان از منافع استراتژیک‌ترین کشور وابسته به آمریکا (ایران) کوتاه شده بود با همه عوامل پیدا و پنهان خود، دست به کار انجام کودتایی علیه انقلاب نوپای اسلامی شدند؛ بصیرت و تدبیر جوانان انقلابی آخرین بازمانده‌های ملعونشان را از خاک پاک



نام کتاب ..... روز خدا  
نویسنده ..... محمد هاشم پوریزدان پرست  
انتشارات ..... سوره مهر  
تعداد صفحات ..... ۲۴۰ صفحه

## خبر ویژه

**خبر ویژه: فصلنامه «تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی» منتشر شد**

شماره ۸۹ فصلنامه علمی- پژوهشی «تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی» شامل ۷ مقاله پژوهشی و سخن سردبیر با عنوان «رابطه رؤیت‌پذیری و منزلت اجتماعی» منتشر شد. علاقه‌مندان می‌توانند نسخه الکترونیکی این شماره را در وبسایت فصلنامه به نشانی [www.publi.ir](http://www.publi.ir) مشاهده کنند.



فصلنامه «تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی» در حوزه‌های موضوعی کتابداری، اطلاع‌رسانی، مآخذشناسی، نسخه‌شناسی، آرشیو، مدیریت اطلاعات و شبکه‌های اطلاعاتی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، مباحث فلسفی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و تربیتی مربوط به این حوزه مقاله می‌پذیرد.



برای مشاهده آخرین اخبار نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور می‌توانید توسط گوشی تلفن همراه خود از رمزبته‌های روبه‌رو عکس بگیرید







# خانواده بزرگ ورزش

حامی ورزش و فدراسیون های ورزشی کشور

[www.sbf.ir](http://www.sbf.ir)





## پروژه تولید جنگ هراسی

احتمال وقوع درگیری نظامی میان ایران و عربستان بسیار کم است





# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكَلِّكَ جَعَلْنَاكَ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ  
وَيُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مصطفی آجورلو

سردبیر: سعید آجورلو

## ◀ هوشیاری، بیداری واقتمدار ملت ایران

الآن تسابق می‌کنند تمام کشورهای  
بزرگ برای رابطه پیدا کردن با ایران، این چی  
است؟ این افراد ایران است؟ این جمعیت  
کثیر ایران است؟ ایران جمعیتی ندارد در  
مقابل عالم. این ایمان جوانهای ماست،  
این برکات رسول اکرم است، این برکات امام  
صادق است. این برکاتی است که چشم دنیا  
را خیره کرده است و همه را مضطرب کرده.  
آنهایی که گمان می‌کردند که با یک تشر  
ایران را می‌توانند چه بکنند، گمان کردند که

حالا هم زمان قاجار است. حالا هم زمان پهلوی است که  
مردم بیدار نبودند. امروز زمان بیداری مردم ماست، زمان  
هوشیاری و شکوفایی ایمان است در این کشور. و لهذا،  
می‌بینید که الان هر رادیویی را باز کنید از خارج، از هر گوشه  
عالم راجع به قضایای آمریکا و راجع به خضوع او در مقابل  
ایران صحبت می‌کنند و حرفها را هم می‌زنند. اضطراب در  
کلمات خودریگان این قدر هست، تناقض گویی، اضطراب  
هست که انسان نمی‌تواند باور کند که یک آدمی که رئیس  
یک همچو کشوری هست و ادعایش آن قدر زیاد است،  
این قدر تناقض گویی، این قدر اضطراب، این قدر وحشت  
که او را گرفته است، امروز یک چیز مهمی است. نه فقط او  
را، کرملین هم همین طور است، آنها هم مسابقه می‌کنند با  
امریکا در رابطه با ایران.

## خبرنامه

معرکه جدید بهاری‌ها  
بودجه عملیاتی بهانه‌ای برای سیاسی کاری  
دیروز خانه نشینی، امروز بست نشینی  
زلزله مجازی و حقیقی در مسکن مهر

۸-۱۷

## گفتارها

رمز جنگ افروزی علیه حزب الله  
روایای خلع سلاح حزب الله  
بدترین گزینه ریاض  
پایان دوران جانسون

۱۸-۲۵

## سیاست

سرنوشت ۲۴ میلیون رای  
بحران ناکارآمدی و آینده اصلاح طلبان  
سه ضلعی چالش برانگیز اصلاحات  
پشت پرده‌ها را به مردم بگوئیم

۳۰-۴۹

تحریریه:

دبیر تحریریه: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - علی حاجی ناصری - امید کرمانی ها

حنیف غفاری

بین الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

اقتصاد: محمد مهدی صدرزاده (دبیر)

دیدار: افشین خماند (دبیر)

ورزش: مهدی ربوشه (دبیر)

فکرنو: علی حاجی ناصری (دبیر)

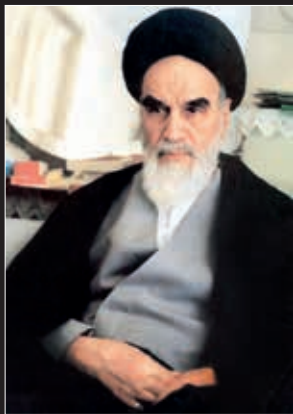
فرهنگ: امیر خوش صحبتان (دبیر)

بازار: محمد شکراللهی (دبیر)

مشاور هنری: نیما ملک نیازی

مثلاً: هفته‌نامه‌ای خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه  
از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشار‌های است به سه ضلع استقلال،  
آزادی و جمهوری اسلامی. مرامش تقویت گفتمان انقلاب اسلامی، چارچوبش  
اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام‌خواهی در  
سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم  
شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزش رواداری و تألیف قلوب اهالی انقلاب  
و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت  
قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان  
فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان  
مستمر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب  
و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.





غافل نباشید از این، برکات وحدت شما در تمام امور است. غافل از این وحدت نباشید، غافل از این حظ الهی نباشید. در عین حال انسان می بیند که در حالی که کاخ کرملین به لرزه در آمده است و کاخ سیاه سیاهپوش شده است

و می خواهند توجیه کنند هی حرفهای خودشان را و هی از این ور به آن ور می زنند که توجیه کنند این خطایی که کردند و این کسی را که اینجا فرستادند و با رسوایی از اینجا بیرونش کردند، می خواهند توجیه کنند. مع الأسف، بعض از اشخاصی که در خود ایران هستند، توجه به مسائل یا ندارند یا معتمدند. اینها هم به تبعیت از تبلیغات آنها، آنها هم با همان لسان، اینجا تبلیغ می کنند.

چی است مسئله؟ چی شده است ایران؟ چه قصه ای در ایران واقع شده است که سابق چنانچه در زمان سلاطین سابق، در زمان قاجار، در زمان پهلوی اگر یک کلمه در آنجا می گفتند، اینها تمام کنار می رفتند، اگر یک تشکر می زدند آنها خلع سلاح می شدند. چه شده است که حالا پاسدارهای ما هم اعتنا به آنها نمی کنند؟ برای اینکه آن وقت مردم را خواب کرده بودند. تبلیغات دامنه دار دشمنهای اسلام، مردم را خواب کرده بودند، از هم جدا کرده بودند، شهرها از هم جدا بود، احزاب مختلفه همه با هم مختلف بودند، حکومتها همه دست نشانده بودند. اما امروز مسئله این نیست، امروز ایران بیدار شده است امروز اسلام در ایران رواج پیدا کرده است. امروز حقیقت ایمان در ایران شکوفایی پیدا کرده است، اینها برکات ایمان است.

## سیاست خارجی

۵۰-۵۶

بازلی که تکمیل نمی شود  
ایران باید توان موشکی اش را افزایش دهد  
توافقات ثانویه نداریم  
اقتدار درون را



## بین الملل

۵۸-۶۷

پروژه تولید جنگ هراسی  
انتقام گیری ولیعهد  
معماری امنیت خاورمیانه  
از موازنه بخشی تا ائتلاف سازی



## ورزش

۶۸-۷۳

قبولی ناپلئونی استقلال و پرسپولیس  
مشکلات حقوقی و مالی سرخابی ها جدی است  
من مسبب بحران مالی پرسپولیس نیستم  
همه ما لرزیدیم



طراح جلد: مصطفی مرادی



با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیتاله ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی  
مهندس صدوقی حسین محمد پورزندی - محمدابراهیم محمد پورزندی  
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن زاده - هادی انباردار  
مهندس تکلو

سازمان آگهی ها: تلفن: ۸۵۰۵۸۴۸-۰۹۱۲  
چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان  
توزیع: نشر گستر امروز  
نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (توانیر)، خیابان نظامی گنجوی، کوچه پناه،  
پلاک ۱۹  
تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

گرافیک و صفحه آرایی: فاطمه قناتی - علی آجورلو  
افشین جم و محمد محمودی  
پردازش تصاویر: هومن سلیمیان  
عکس: امیر طلایی کیوان - عدنان جعفری و محمد برنو  
ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی، نرگس حاجیلو و فاطمه پور مهر  
مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار  
سازمان آگهی ها: محمد شکرالهی  
بازرگانی و بازاریابی: محمد علی آجورلو  
امور اداری: علیرضا اسدالهی - علی اکبر پیمانی  
انفروماتیک: شهرام زحمتی  
ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا

## ایران سوگوار شد

زمین لرزه‌ای که ساعت ۲۱:۴۸ شامگاه یکشنبه گذشته رخ داد، در نوع خود بی‌سابقه بود؛ زلزله‌ای که به بزرگی ۷.۳ ریشتر در چند کشور احساس شد. زلزله کرمانشاه شاید از منظر خسارت‌های جانی و مالی تنها محدود به همان نقطه خاص جغرافیایی باشد اما دل‌های همه مردم ایران با شنیدن خبر زلزله در غرب کشور به لرزه درآمد.

تیتریک

## کاسبان زلزله

برخی چهره‌های سیاسی سعی کردند از حادثه کرمانشاه سوءاستفاده کنند

### کاسب‌کاری‌های سیاسی

در این میان اما اقدامات غیرقابل دفاع و سوءاستفاده گرایانه‌ای نیز از سوی برخی طیف‌های سیاسی انجام گرفت که از جمله آن‌هایی می‌توان به زیرسوال بردن پروژه مسکن مهر و همچنین نوع امدادرسانی‌های نیروهای مسلح اشاره کرد. این اقدامات یک روز پس از وقوع زلزله و مشخص شدن خسارت‌های کلی آن آغاز شد. درحالی که مردم ایران دل‌واپس جان و مال هم‌وطنان آسیب‌دیده از زلزله بودند و نیروهای مسلح و دستگاه‌های امدادی با تمام قوای خود به مناطق زلزله‌زده شده بودند، برخی رسانه‌ها تمرکز خود را بر تخریب واحدهای مسکن مهر در چند شهر زلزله‌زده قرار دادند. از ابعاد دوشنبه، به دفعات تصویری از تخریب شدن چند ساختمان در شهرهای غربی در فضای مجازی منتشر شد که مدعی بودند این ساختمان‌ها مربوط به مسکن مهر هستند اما دلیلی برای اثبات ادعای خود نمی‌آوردند. اینکه کدام دستگاه مسئول ایمنی ساختمان‌ها - اعم از مسکن مهر و ساختمان‌های شخصی - است، باید در فرصت مناسب به آن پرداخته شود اما مطمئناً اکنون که هنوز چندروزی از زلزله نگذشته و تعدادی از شهروندان زیر آوار هستند و هزاران نفر نیز آواره و بی‌خانمان شده‌اند، فرصت و مجال پرداختن به این موضوع نیست. اقتراح پروژه مسکن مهر در استان کرمانشاه به‌خصوص در شهر سرپل ذهاب در بهمن‌ماه ۹۴ نشان می‌دهد که اگر واحدهای مسکن مهر دچار نقص فنی و عدم ایمنی بوده‌اند، مسئولان دولت فعلی نیز به سهم خود مقصرند. ضمن آنکه اصولاً مسائل ایمنی و فنی ساختمان‌ها فقط منحصر به دولت نیست و نظام مهندسی و شهرداری‌ها هم در این زمینه مسئولیت دارند. البته باز هم از این واقعیت

هفت نفر قربانی در این زلزله خبر می‌داد اما صاحب فردای زمین لرزه اخبار حکایت از تعداد قابل توجهی از قربانیان این حادثه ناگوار داشت؛ به گونه‌ای که قربانیان به بیش از ۲۰۰ نفر رسیدند.

شهرستان‌های سرپل ذهاب، اسلام‌آباد غرب، ثلاث باباجانی، کرد غرب و قصرشیرین مناطقی بودند که زلزله در آنها تلفات برجا گذاشته بود. براساس آخرین آمار تا شامگاه دوشنبه، ۴۴۵ نفر در این شهرها جان خود را از دست دادند و هفت‌هزار و ۱۰۰ نفر نیز زخمی شدند.

این گونه بود که مردم سراسر ایران دست به دست یکنیگر دادند تا هر کمکی از دست‌شان برمی‌آید برای آسیب‌دیدگان زمین لرزه کرمانشاه انجام دهند. در بسیاری از شهرهای کشور پایگاه‌های جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای آسیب‌دیدگان زلزله برپا شد و حتی بسیاری از مردم راهی مناطق زلزله‌زده شدند تا مستقیماً در امدادرسانی حضور داشته باشند. پلیس راهور اما بلافاصله وارد گود شد و اعلام کرد که پلیس راه از تردد اتومبیل‌هایی که مسئولیتی در مناطق زلزله‌زده ندارند جلوگیری خواهد کرد.

جمعیت هلال احمر، سازمان انتقال خون، سازمان مدیریت بحران، ستاد حوادث غیرمترقبه، وزارتخانه‌های کشور، بهداشت و رفاه، سازمان بسیج مستضعفین، سپاه پاسداران، ارتش، ستادکل نیروهای مسلح و... از مهم‌ترین نهادهای ارگان‌هایی بودند که تمام امکانات خود را برای امدادرسانی به آسیب‌دیدگان این حادثه به کار گرفتند؛ هرچند انتقاداتی از سوی کارشناسان نسبت به عملکرد برخی دستگاه‌ها وارد شد که به نظر می‌رسد زمان بیان آن زمان مناسبی نبود و باید پس از امدادرسانی به آسیب‌دیدگان زلزله کرمانشاه مورد نقد قرار گیرد.

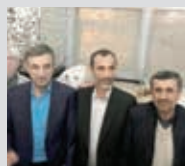
آن شب دیگر صدای لالایی کردی مادر نمی‌آمد. به جایش ضجه و موره می‌کرد. فرزندی نبود که برایش لالایی بخواند. گهواره خالی فرزندش را تکان می‌داد و آه و ناله‌اش تا به آسمان می‌رسید. پدر در سوی دیگر حیاط خانه گریه و زاری می‌کرد و دل هر رهگذری را به درمی‌آورد. کودک حالا زیر خروارها خاک خوابیده بود و شاید هیچ‌گاه به ذهن پدر و مادرش هم خطور نمی‌کرد که فرزندشان را این قدر زود از دست بدهند. برای فهمیدن داغ این پدر و مادر نیازی به فهمیدن زبان کردی نبود؛ فهمیدن درد مردم نیازی به دانستن زبان آنها ندارد و ترجمه نمی‌خواهد. درد به هر زبانی درد است؛ گاهی از وضعیت چشمان داغ‌دیده و گاهی از صدای فرد مصیبت‌زده یا حتی سکوت او می‌توان به عمق دردمندی‌اش پی برد. پنجم دی‌ماه ۸۲ پس از زلزله مخرب بم، ناله‌های مادران و پدران عزادار آسمان کویر را فرا گرفته بود و حالا صدای شیون و زاری در کرمانشاه تا بالاترین نقاط کوه‌های بیستون، دالاهو و پراورسید.

### زلزله‌ای به وسعت ایران

زمین لرزه‌ای که ساعت ۲۱:۴۸ شامگاه یکشنبه گذشته رخ داد، در نوع خود بی‌سابقه بود؛ زلزله‌ای که به بزرگی ۷.۳ ریشتر در چند کشور احساس شد. زلزله کرمانشاه شاید از منظر خسارت‌های جانی و مالی تنها محدود به همان نقطه خاص جغرافیایی باشد اما دل‌های همه مردم ایران با شنیدن خبر زلزله در غرب کشور به لرزه درآمد. در نقاط مختلف ایران مردم با دل‌پره و نگرانی اخبار لحظه‌به‌لحظه زمین لرزه در کرمانشاه را پیگیری می‌کردند و دست به دعا برداشته بودند که خسارت‌های جانی این حادثه کمترین مقداری باشد که تصور آن می‌رود. آمار اولیه تنها از دو تا



## دیروز خانه نشینی امروز بست نشینی



## بودجه عملیاتی بهانه‌ای برای سیاسی کاری



## واکنش مهناز افشار به ادعای تخلفات همسرش

می‌گذریم که ساختمان‌های مسکن مهر که در زلزله یکشنبه گذشته تخریب شدند، در دولت روحانی تکمیل و افتتاح شده بودند و اگر ایمنی آنها ایراد داشته است، این دولت هم به سهم خود باید پاسخگوی مردم باشد. در حوادث و بلایی که روی می‌دهد، اکثر مردم به دنبال کمک و یاری رساندن به آسیب‌دیدگان هستند و هر آنچه در توان دارند بی‌هیچ دریغی عرضه می‌کنند اما در این میان افرادی هم پیدا می‌شوند که به فکر غارت و دزدی می‌افتند. هر چند این پدیده در ایران بسیار کم است ولی باز هم مشاهده می‌شود که برخی با اعلام شماره حساب‌هایی به دنبال سوء استفاده مالی از کمک‌های مردمی هستند. برخی نیز مایحتاج و اقلام را به غارت می‌برند و حتی تعدادی با حضور در مناطق آسیب‌دیده در پی سرقت هستند. اما در کنار این رفتارهای زشت و عریان، برخی اظهار نظرها و تحلیل‌ها همچون نمک روی زخم مردمی است که در انتظار کمک‌ها و اقلام هستند اما در فضای مجازی و رسانه‌ای به تنها چیزی که اشاره نمی‌شود دقیقاً همین است. صفحه نخست برخی روزنامه‌ها تنها یک چیز را نشان می‌دهد: «مسکن مهر»، حتی دو روز پس از زلزله، تحلیل‌ها و گزارش‌های مربوط به مسکن مهر در این روزنامه‌ها و سایت‌ها، به مرکز نقل آنها تبدیل شده و برخی از مقامات مسئول نیز بدون توجه به ابعاد حادثه و بررسی‌های اولیه، این اخبار را دامن می‌زنند. مشکل اصلی ایران در زمینه حوادث طبیعی مانند سیل، زلزله و توفان مدیریت بحرانی است که تنها در زمان وقوع حادثه و پس از آن نام آن شنیده می‌شود. البته این سخن به معنای دفاع از مسکن مهر یا طرح‌های مشابه نیست. بیش از ۲ میلیون مسکن مهر در یک دهه اخیر ساخته و به بهره‌برداری رسیده است. نوسازی بافت‌های فرسوده که از زمان زلزله بم مورد توجه مسئولان قرار گرفت، بعد از بیش از دو دهه همچنان یکی از اصلی‌ترین چالش‌های کشور است. مسکن مهر طرحی برای شتاب در ساخت مسکن برای کسانی بود که خانه‌دار شدن برای آنها یک آرزو شده بود؛ آرزویی که ۵ سال است از سوی دولتمردان مورد تخطئه قرار می‌گیرد. در طول برنامه پنجم توسعه تنها ۱۳٫۷ درصد عملکرد نوسازی بافت‌های فرسوده در کل کشور بوده که این به معنای آن است که بافت‌ها و مناطق بسیاری نیز همچنان در معرض آسیب دیدن در مقابل بلایای طبیعی و حتی حوادثی مانند آتش سوزی‌های گسترده قرار دارند. اما وای این مباحث

که می‌بایست به صورت ریشه‌ای اجرایی شوند، صحبت بر سر این نکته است که چرا برخی عادت کرده‌اند پس از هر حادثه‌ای توپ را در زمین رقیب سیاسی خود بیندازند و خود در گوشه‌ای از عافیت همچنان به تحلیل‌هایی که نمک بر زخم مردم آسیب‌زده می‌ریزد بپردازند. در زلزله کرمانشاه، علت حادثه مشخص است و زلزله‌ای که همیشه در ایران همیشه انتظاری می‌رود، بار دیگر روی داده است و صدها نفر قربانی این بلای طبیعی شده‌اند. در این میان حتی برخی از بیمارستان‌ها که باید از مستحکم‌ترین بناها باشند، نیز ویران شده‌اند. بررسی علت برخی از تخریب‌ها بایستی برعهده گروه‌های کارشناسی بی‌طرف باشد تا هرگونه شبهه‌ای در آینده‌ای نزدیک برطرف شود ولی اینک با وجود آگاهی از کم‌کاری‌ها و سوء مدیریت‌ها، اولویت اصلی کمک به مردم آسیب‌دیده و التیام اندکی از دردهای جانگاہ آنان است. مردم کردی که پاسدار مرزها بوده‌اند و در صوری و مهریانی، الگو هستند. باید با آگاهی بخشی مانع سوء استفاده برخی از سارقان فضای مجازی برای بهره‌برداری نامشروع از احساسات در جهت منافع حزبی و شخصی خود شد و همچنین از سوء استفاده کسانی که به دنبال لاپوشانی ضعف‌های خود در مدیریت بحران هستند، جلوگیری کرد.

## وضع گیری‌هایی که اپوزیسیون را به وجد آورد

در این بخش مروری داریم بر برخی مواضع رسانه‌هایی که به جای همراهی با موج مردمی امداد رسانی به زلزله‌زدگان نمک بر زخم آنها پاشیدند. روزنامه همدلی در تیتراژ اصلی خود با عنوان «آشی که تو پختی» نوشت: «دیروز تصاویر زیادی از زلزله مهیب غرب کشور منتشر شد اما تصاویر مربوط به ساختمان‌های ویران شده «مسکن مهر» در سریل ذهاب، بیشترین توجه‌ها را به خود جلب کرد. تصویرهایی که در خود مفهوم فراتر از ویرانی یک ساختمان را نشان می‌دادند؛ آن مهرورزی معروف، آن حکمرانی میان‌مایه، آن لمپنیسم سیاسی و آن روزگاری را که ایران افتاده بود دست طبقه‌ای نوظهور که هیچ جور نمی‌شد درست تحلیلش کرد، از بس که ریشه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی‌اش ناپیدا بود.» این روزنامه در بخش دیگری از گزارش نوشت: «مسکن مهر دقیقاً مصداق روشن سوء مدیریت دولتی است که میان‌مایگان در ایران ساختند. دولتی که می‌خواست

به هر قیمت بگوید هوادار مستضعفان است، چه آنکه انقلاب، وام از همین واژه می‌گرفت. دولتی که هر طور بود می‌خواست نشان دهد و فقط نشان دهد- که پشتیبان مردمی است که رنج کشیده روزگار اند، اما اگر بگوییم تیشه بر ریشه همان مردم زد، بیراه نگفته‌ایم. مگر یادمان می‌رود که طی هشت سال سفره‌های مردم، هر روز کوچک و کوچک‌تر شد و «چاره»، گمشده‌ای بود که همه در ذهن و زندگی‌شان به دنبالش می‌گشتند. ما امروز تصویر خانه‌های ویران شده مهر در سریل ذهاب را به شکل عکس سلفی محمود احمدی‌نژاد بدست‌پخت دولت‌داری‌اش می‌بینیم.» روزنامه دولتی ایران نیز در گزارشی با عنوان «مسکنی که مزار شد» نوشت: «وضعیت مسکن مهر در سریل ذهاب بدتر از بقیه‌جایی است که از صبح آنها را دیده‌ام. ساختمان‌های مکعبی که نمای آنها به کلی پایین آمده و اگر پس‌لرزه‌ای دیگر رخ دهد، چه بسا باقیمانده‌اش کاملاً فرو بریزد و تصویری شبیه به آن چیزی شود که در موصل و حلب دیده‌ایم.» روزنامه شرق نیز در مطلبی با عنوان «کابوس مسکن بی‌مهر؛ دومین مجموعه مهرورزی در کرمانشاه فرو ریخت» نوشت: «تصاویر گویاست؛ ساختمان‌های مسکن مهر فروریخته‌اند و ساختمان‌های دیگر با تخریب‌هایی کمتر، هنوز بر قامت خود ایستاده‌اند. این نمای کلی از مسکن مهر سریل ذهاب است. ساکنان مسکن مهر نشین آن قدر نگرانند که آرام آرام آغاز به تخلیه مسکن‌های مهر کرده‌اند. خبر تخلیه مسکن مهر روانسر در استان کرمانشاه هم همان ساعات اولیه پس از انتشار تصاویر خرابی‌ها و قیاس مسکن مهر و دیگر خانه‌ها، خبر ساز شد و این پروژه را تبدیل به کابوسی ملی کرد.» همچنین روزنامه قانون در مطلبی با عنوان «گسلی به نام مسکن مهر» نوشت: «واقعیت تلخ مسکن مهر با شدت و حدت هر چه تمام‌تر برملا شد؛ سرنوشتی که به سرعت به وقوع پیوست تا مسئولان با چشم خود، حاصل بی‌تدبیری خود را ببینند.» این رویکرد موجب ذوق زدگی بی‌بی‌سی فارسی شد. این رسانه بیگانه با انتشار تصویر صفحه اول روزنامه همدلی در مطلبی نوشت: «خرابی گسترده مسکن مهر سریل ذهاب که از یادگاران دولت احمدی‌نژاد است، با انتقاد روزنامه‌های میانه‌رو و هوادار دولت روبه‌رو شده است.» این در حالی است که این رسانه‌ها که مدعی عدالت‌خواهی هستند کمتر به خراب شدن بیمارستان تازه تاسیس پرداختند. ▶



روزنامه‌های اصلاح طلب نهایت بهره‌برداری سیاسی را از زلزله کرمانشاه انجام دادند.

## معركة جدید بهاری ها

کیفرخواست صادره از ناحیه دادسرای عمومی و انقلاب تهران و با رعایت همه جهات قانونی امر رسیدگی به این پرونده را عهده دار است.»

به گفته اسماعیلی «برخی با شانتاژهای تبلیغاتی نمی توانند برای خود وجهه و آبرو درست کنند.» او تاکید داشت که جلسه بعدی دادگاه هم برگزار خواهد شد. حمید بقایی به اتهامات مالی در دوره معاونت ریاست دوره احمدی نژاد در حال محاکمه و دادگاهی است. او در آخرین دادگاه بعد از خروج از دادگاه در جلوی درب ساختمان مجتمع قضایی حرف هایی زد که عموماً علیه خود و خانواده رئیس قوه قضائیه بود.

احمدی نژاد نیز در سخنرانی خود صراحتاً مخالفت با خانواده لاریجانی حرف می زند. اگرچه آنها توانستند شب اول را به دلیل تعطیل کردن حرم در همان جا بمانند اما بازتاب این موضوع تا رسانه های خارج از کشور نیز رسید. ▶

نبرده است. بر خلاف نظر رهبری انقلاب، تحت فشار قرار دادن و محدود کردن ما و اعمال تصمیمات از قبل گرفته شده تحت عنوان رسیدگی قضایی آشکار است...» احمدی نژاد که به دیدار بقایی رفته بود در حرم ضمن خواندن نماز مغرب برای جمعی از مردم سخنرانی کرد و حرف های تندى علیه مسئولان کشور، خصوصاً مسئولان قضایی زد.

اما این رفتار بدون پاسخ نماند. رئیس کل دادگستری استان تهران در واکنش به عدم حضور حمید بقایی در سومین جلسه محاکمه اش با اشاره به این رفتارها گفت: «قوه قضائیه بر اساس ضوابط و مقررات قانونی در چارچوب

۱ دو روز بعد از اینکه اسفندیار رحیم مشایی به دادگاه فراخوانده شد، حمید بقایی به همراه علی اکبر جوانفکر و حبیب الله جزء خراسانی به حرم عبدالعظیم حسنی رفتند و بست نشستند.

حمید بقایی در روزی به بست نشینی روی آورد که باید در دادگاه حاضر می شد. اما او با انتشار بیانیه ای تندوتیز علیه قوه قضائیه در این دادگاه حاضر نشد و به شهرری رفت تا در حرم سیدکریم بست بنشیند. عصر همان روز احمدی نژاد هم به دیدار آنها رفت.

او در بیانیه خود نوشت: «پیگیری های قانونی و مستدل و اعتراضات مکرر و حقوقی ما تا کنون راه به جایی



حرفش «خانه نشینی» کرد، موجب شد تا بخش مهمی از سرمایه های اجتماعی اش را از دست بدهد. حالا نیز همان راه را می رود. تفاوتی میان «بست نشینی» امروز یارانش با «خانه نشینی» آن روزهای خودش وجود ندارد. اگر آن روز خانه نشینی برایش سودی به همراه آورده، امروز هم می تواند برای همراهانش سودمند باشد. اما اگر او نگاه واقع بینانه داشت، می دانست که بازتولید رفتارهای عصر مشروطه نمی تواند نظرش را به کشور تحمیل کند. آیا احمدی نژاد مرد این راه است که آن را تا به انتها ادامه دهد، یا به زودی و مانند دوران خانه نشینی اش از آن دست می کشد؟ ▶

مانع از ورود مشایی به دادگاه شود. بقایی نیز مجری این طرح است. البته پرونده او روال طبیعی خود را دنبال خواهد کرد. آنها با وارد شدن به این فاز در واقع خود را در مقابل ساختار رسمی و قانونی کشور قرار داده اند. رفتاری که می تواند برایشان هزینه های زیادی تولید کند. گذشته از این باید گفت که احمدی نژاد به هر صورت به خاطر سال هایی که در ریاست جمهوری بود هوادارانی دارد که دل بسته نظام اسلامی هستند. بازی ای که او شروع کرده است، در واقع پشت کردن به سرمایه های اجتماعی خودش است. او این راه را یک بار دیگر هم تجربه کرده بود؛ آن روزی که برای به کرسی نشاندن

## دیروز خانه نشینی امروز بست نشینی

صابر کرامت  
خبرنگار

۲ «آقا ما با این خانواده مخالفیم. ما با خانواده لاریجانی مخالفیم. جرم است؟» این جملات محمود احمدی نژاد بود وقتی برای دیدار بقایی به حرم عبدالعظیم حسنی رفته بود. او دیگر مانند گذشته از مخالفت با «خانواده هاشمی» حرف نمی زند. حالا جای آنها را خانواده لاریجانی در ادبیات تیم احمدی نژاد گرفته است؛ تقابلی که با نگاهی بلندمدت انجام می گیرد تا در آینده بتوانند آن این تقابل را در انتخابات های بعد بخورند.

رفتار اخیر احمدی نژادها یک دلیل مهم دارد: اینکه مشایی به دادگاه فراخوانده شده است. آنها تلاش می کنند به هر ترتیب شده، مانع از حضور مشایی در دادگاه شوند. برای این تیم حضور مشایی در دادگاه به معنای حضور احمدی نژاد در دادگاه است. همان طور که او خودش بارها هم گفته بود: «مشایی یعنی احمدی نژاد و احمدی نژاد یعنی مشایی» برای همین قصد دارد تا

### ولایتی اظهارات حریری را تکذیب کرد

مشاور بین الملل رهبر انقلاب با اشاره به اظهارات حریری گفت: «اینکه در دیدار اخیر به بنده گفته «ایران در امور داخلی لبنان دخالت نکند»، درست نیست چرا که او اصلاً چنین حرفی در آن ملاقات ن زد.» وی افزود: «آنچه درباره این ملاقات عنوان شد که ملاقاتی تند و خشن بوده، دروغ بوده و القانات سعودی ها و دیگرانی است که مایل نیستند لبنان را در آرامش ببینند.» ولایتی گفت: «غیر از



بنده و حریری، دو نفر از طرف آنان و سفیر ما هم در آن حضور داشتند. حریری می خواست میان ایران و عربستان وساطت کند، بنده گفتیم ما مشکلی با مذاکره نداریم و از آن استقبال می کنیم.»

### مذاکرات حقوق بشری باید دو جانبه باشد



آیت الله آملی لاریجانی بیان اینکه مذاکرات حقوق بشری با کشورهای دیگر باید همراه طرح مسائل دو جانبه باشد، توضیح داد: «به این شکل که اگر ایرادات حقوق بشری نسبت به ما دارند، باید در زمینه مسائل مختلف حقوق بشری خودشان نیز پاسخگو باشند.» از سوی دیگر رئیس دستگاه قضا به گفت و گو با گزارشگر حقوق بشر نیز اشاره کرده. او گلايه می کند که هر آنچه منافقین و ضد انقلاب می گوید در گزارشات گزارشگران حقوق بشر وارد می شود. همچنین تاکید می کند که مخالف حضور وی در ایران است.

### افشاگری علیه احمدی نژادی ها

عباس امیری فر، امام جماعت نهاد ریاست جمهوری در دوران محمود احمدی نژاد در گفت و گویی با خبرنگاران گفت که اتهامات احمدی نژاد و بقایی مالی نیست و پای مسائل دیگری در میان است. او گفته: «باتوجه به اطلاعاتی که دارم و از آنجایی که به مسائل قضایی آشنا هستم شک نکنید که او محکوم خواهد شد و خودش هم چون می داند محکوم می شود فرار رویه جلوراکلید زده و می خواهد مملکت را به تشنج بکشد.» امیری فر



همچنین در مورد پرونده های او گفته: «سیاسی که قطعاً نیست اما غیر مالی هست؛ برای نظام ما الحمد الله آبروی افراد مهم است ولی قطعاً شما بدانید فقط تخلفات مالی نیست.»



## واکنش مهنز افشار به ادعای تخلفات همسرش



مهنز افشار در واکنش به ادعای واردات شیر خشک فاسد توسط همسرش گفت: «من هیچ فراری از موضوعی که درباره همسرم مطرح می شود نکرده ام، چون اینکه مطرح می کنند شیر خشک

فاسد وارد کرده و باعث کشته شدن بچه ها شده، جنایتی نیست که بتوان از کنار آن گذشت. هسمر من ۷ ماه بابت پرونده ای که برایش تشکیل شده به زندان رفته و پرونده باز است و با این فضاهایی که علیه او درست شده بعید نیست محکوم بشود ولی اجازه بدهید محکوم بشود بعد ببینید به چه چیزی محکوم شده. این موضوع که درباره پرونده همسرم مطرح شده برای من قطعا مهم است چون حتما به این فکر می کنم که فرزندم را با چه پولی بزرگ می کنم.»

## صادقی: انتشار اسامی فراکسیون امید را مناسب نمی دانم

یک عضو فراکسیون امید مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «اگر فراکسیون امید تصمیم به انتشار اسامی بگیرد به تصمیم فراکسیون احترام می گذارم»، گفت: «پیامدهای منفی انتشار اسامی از پیامدهای مثبتی بیشتر است.» محمود صادقی با بیان اینکه «تا جایی که در جریان هستم هنوز جمع بندی نهایی برای انتشار اسامی اعضای فراکسیون امید انجام نشده است»، گفت: «دیدگاهی بر این نظر است که اسامی منتشر شود البته بنده شخصا با این کار خیلی موافق نیستم و نمی دانم که آیا تصمیمی گرفته شده یا نه. اما اگر چنین تصمیمی گرفته شده باشد به عنوان عضو فراکسیون امید به آن احترام می گذارم.»



## جمله تند ترزای به روسیه



ترزای در انتقادی شدیدالحن علیه روسیه، مسکو را به مداخله در انتخابات ها، خرابکاری سایبری، به خطر انداختن امنیت جهانی، حملات هکری و انتشار اخبار جعلی متهم کرد و این کشور را «تهدید اصلی» خواند. ترزای، نخست وزیر انگلیس گفت: «دولت ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه برای «تضعیف جوامع آزاد» تلاش می کند. آنها «مطالب جعلی طراحی می کنند تا وجود اختلاف در غرب را نشان دهند.» اما او افزود: «در حالی که انگلیس خواهان «رویارویی دائمی» با روسیه نیست اما از منافع خودش حفاظت می کند.» پیش تر نیز روسیه در انتخابات آمریکا و توسط تیم هیلاری کلینتون به دخالت در انتخابات آمریکا با راه اندازی اکانت های فیس بوک و توییتر متهم شده بود.

# بودجه عملیاتی بهانه ای برای سیاسی کاری

وقضایی خبر می دهد: «نوبخت در گزارشی که به مجلس ارائه کرد اعلام کرد ۵۹ دستگاه زیر نظر سازمان تبلیغات هستند که بودجه آنها حذف می شود. انگار همه مشکلات حل شده و فقط مشکل همین موسسات فرهنگی هستند. فارغ از اینکه این موسسات چه کاری انجام می دهند چون نمی توان در مورد عملکرد آنها قضاوت کرد اما حذف بودجه آنها و قراردادن شان زیر نظر وزارتخانه های دولتی، بوی سیاسی می دهد و نگارنیم که اهداف پنهانی تحت عنوان بودجه ریزی عملیاتی پیاده شود. همان کاری که آقای احمدی نژاد می کرد و بودجه دستگاه های مخالف یا غیر مطیع را حذف می کرد. این نگرانی وجود دارد که دولت هم بخواهد به بهانه بودجه ریزی عملیاتی، بودجه این نهادها را قطع کند.» وی با تاکید بر اینکه معتقدم باید گام هایی برای اجرایی شدن بودجه ریزی عملیاتی برداشته شود، گفت: «باید شفافیت، جبهه و جهت دولت باشد که مبنای بودجه ریزی عملیاتی است.»

این نماینده مجلس با بیان اینکه «اشرافی گری با نظام بودجه ریزی بر اساس عملکرد مغایرت دارد»، می گوید: «حتما در درون دولت کسانی که اهل اشرافی و ریخت و پاش هستند با بودجه ریزی عملیاتی مخالفت می کنند. ۱۰۰ درصد با بودجه ریزی عملیاتی موافق هستم اما باید این پیش نیازها وجود داشته باشد و گرنه بودجه ریزی عملیاتی در حد شعار باقی خواهد ماند.» وی تاکید کرد: «از این دولت که بخشی از آنها خسته هستند بعید می دانم چنین قدرت و چنین سلطه ای بر امور اجرایی کشور داشته باشد که بتواند بودجه ریزی عملیاتی را اجرایی کند و قطعا آقای دکتر نوبخت اگر واقعا بخواهد این مسیر را طی کند، کار سختی در پیش دارد و به نظر من اگر طلیعه اراده سازمان بودجه دیده شود اکثریت مجلس از آن حمایت خواهند کرد.»

عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس اظهار داشت: «از سال ۸۰ بودجه ریزی عملیاتی در کشور مطرح شد، از آن تاریخ ۱۶ سال می گذرد. من هم سال ۸۳ وارد مجلس شدم آن موقع آقای سبحانی می گفت باید بودجه ریزی بر اساس عملکرد صورت گیرد.» عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس تاکید کرد: «دولت ها زیر بار بودجه ریزی عملیاتی نرفتند چون جلوی ریخت و پاش ها را می گیرند.»

دولت تصمیم گرفته تا امسال بودجه ریزی کل کشور را به صورت «عملیاتی» انجام دهد. به این معنا که هر کس متناسب با کاری که انجام می دهد مزد بگیرد. دستگاه های عریض و طویل دولتی متناسب با کارشان اعتبار دریافت کنند. سالانه هر دستگاهی برای خودش عملکردی را می نویسد و هر سال تلاش دارد تا بودجه خود را افزایش دهد. نحوه هزینه کرد این اعتبارات نیز خیلی مشخص نیست، ریخت و پاش ها زیاد است و در موضوعات فاقد اولویت، اعتبارات مصرف می شود و در موضوعات اولویت دار، اعتباری وجود ندارد. کار از دست سازمان برنامه و بودجه به عنوان متولی بودجه کشور خارج شده است. محمد دهقان در خصوص تلاش دولت برای جراحی نظام بودجه ریزی کشور معتقد است: «مدیران ما استاد نوشتن گزارش عملکرد هستند. صدها کار نکرده را می نویسند و بابت آن بودجه می گیرند. تمام دستگاه ها یاد گرفته اند که چطور گزارش عملکرد بدهند و پول ناحق دریافت کنند. چه کسی می خواهد بررسی کرده و گزارش دهد که عملکرد صورت گرفته است یا خیر؟»

وی ادامه داد: «اگر بخواهد بودجه ریزی عملیاتی بر اساس گزارش دستگاه ها صورت گیرد، ۱۰ برابر بودجه فعلی را هم به دستگاه ها بدهیم، باز هم کم می آوریم. چون بودجه ریزی عملیاتی به عنوان بودجه ریزی بر اساس عملکرد است و گزارش عملکرد را نیز دستگاه های اجرایی می دهند، که همیشه در گزارش های خود می گویند بودجه ما کم است و هر سال دستگاه های اجرایی مقابل مجلس صف می کشند که دولت به ما پول نمی دهد. هرچه پول هم می گیرند معلوم نیست چه می کنند. وضعیت موجود کشور چاه ویل است هرچه اعتبارات و منابع به آن اختصاص می دهیم پر نمی شود.»

عضو هیات رئیسه فراکسیون نمایندگان ولایی با ابراز نگرانی از وجود اهداف پنهان و سیاسی در شعار بودجه ریزی عملیاتی گفت: «ممکن است اهداف پنهانی در بودجه ریزی عملیاتی وجود داشته باشد که دولت آقای احمدی نژاد هم دنبال می کرد و الان هم دولت آقای روحانی ممکن است پیگیری کند. مثلا ممکن است در قالب بودجه ریزی عملیاتی، بودجه دستگاه های فرهنگی و دستگاه هایی که با دولت هماهنگ نیستند قطع شود و اسم آن را بودجه ریزی عملیاتی بنامند.» عضو کمیسیون حقوقی

## بازگشت ناطق به سیاست؟

نایب رئیس پیشین مجلس در گفت و گو با اعتماد در پاسخ به اینکه چهره های جریان اصولگرایی، به مرور فاصله گرفته اند آیا اشکالی وجود دارد گفت: «نه، اینها فاصله نمی گیرند. اینها می گویند بخشی از جریان اصولگرایی، تندرو شده است و آن تندروی را برنمی تانند. اصولگرایان نباید میدان را دست تندروها بدهند.» وی با اشاره به لزوم بازگشت ناطق نوری به عرصه سیاست اظهار داشت: «من هم در جلسات خصوصی و هم در پیام رسانه ای، بارها و بارها از ایشان خواسته ام. ایشان حرفی می زند که من احساس تکلیف نمی کنم. ما هم تلاش می کنیم که ایشان را به این احساس برساییم و خوشبختانه نزدیک شدیم و ان شاء الله خبرهای خوبی می شنوید.»



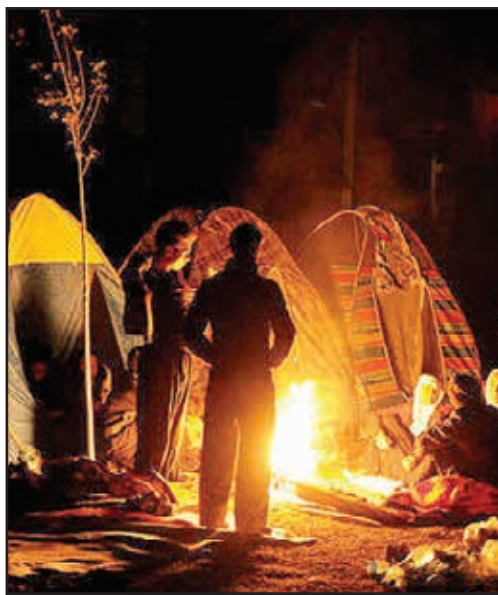
## احتمال عذرخواهی بارزانی از ایران



یک منبع نزدیک به سفارت آمریکا در بغداد به الاخبار گفته که مسعود بارزانی نامه ای محرمانه به قاسم سلیمانی نوشته است. این منبع که از محتوای این نامه اطلاعاتی جزئیاتی ارائه نداده فقط به ذکر این نکته بسنده کرده که ممکن است ایران طی آینده نزدیک «عذرخواهی» بارزانی را بپذیرد و در مرحله آتی شاهد همکاری تهران با بارزانی باشیم. «کامل الزیدی» یکی از رهبران ائتلاف دولت قانون ضمن تایید این خبر گفته که بارزانی تلاش می کند برای خودریسمان نجاتی دست و پا کند و در همین راستا به دنبال ترتیب دادن دیداری با «رجب طیب اردوغان»، رئیس جمهوری ترکیه نیز است.

روزانه حجم بسیاری از عکس‌های خبری به ما می‌رسد. تعداد این عکس‌ها آنقدر زیاد است که گاهی به راحتی از کنار آن عبور می‌کنیم اما شاید بهتر باشد روی بعضی از عکس‌ها تأمل بیشتری داشته باشیم. مثلث در این صفحات، هفته را با مرور عکس‌ها از نو یادآوری می‌کند.

# تصویرنگاری









روزانه حجم بسیاری از عکس‌های خبری به ما می‌رسد. تعداد این عکس‌ها آنقدر زیاد است که گاهی به راحتی از کنار آن عبور می‌کنیم اما شاید بهتر باشد روی بعضی از عکس‌ها تأمل بیشتری داشته باشیم. مثلث در این صفحات، هفته را با مرور عکس‌ها از نو یادآوری می‌کند.

# تصویرنگاری









## به اینستاگرام مثلث بیبوندید

اینستاگرام هفته نامه مثلث فعال شده است. کاربران این شبکه اجتماعی می توانند با پیوستن به اینستاگرام مثلث تصاویر مربوط به هفته نامه را مشاهده کنند.

mosalas\_magazine

## به ما پیامک بزنید:

۳۰۰۴۱۱۷۱۱

❌ برخی مدیران ورشکسته کارخانه ها ضعف مدیریت خود را به گردن دیگران انداخته و شرط راه اندازی مجدد را دریافت میلیاردها تومان از بانک بیت المال بدون رعایت هیچ ضابطه و تعهدی گذاشته اند.

❌ آقایانی که از الان فکر بین تعطیلین هستید اگر تعطیلی بدون حقوق بود باز همچنان حریص تعطیلی بودید؟ کمر ما بازاریان زیر این همه تعطیلی شکست.

❌ یک سوال ساده؛ چرا اروپایی ها اول به گروه ۷۰ نفری رو می فرستند ایران و بعد سران شون قراره بیان؟ پاسخ خیلی ساده است. اول قرارداد رو می بندن و بعد میان طلبکار موشک ما میشن و اگر زیر قرارداد بزنیم میرن سراغ سازمان های دست خودشون و از ما برای کار نکرده جرمه سنگین می گیرن. سازمان ها هم راه ندن یکطرفه از اموال بلوکه ما برمی دارن.

❌ نخست وزیر لبنان به عربستان رفت و در آنجا از سمت خود استعفا کرد، خب به ما چه؟ مگر ما قیم لبنان هستیم که این قدر سر و صدا راه انداخته ایم یعنی لبنان و ایادی آن این قدر برای ما اهمیت دارند؟

❌ لطفا گزارشی از مسئولان تصمیم گیر در خصوص سپرده های ضامن وام موسسه فرشتگان که بالاتکلیف مانده تهیه فرمایید.

❌ چقدر دلم می سوزه برای آقای احمدی نژاد همه از همه طرف می کوبنش؛ از مجلس گرفته تا قوه قضاییه و دولت و رسانه ها اما هیچ تریبونی در اختیار نداره که شفاف رو به روی مردم پاسخ بده. طرفدارانشم قشر متوسط و ضعیف جامعه هستند که اونا هم چیزی ندارند دفاع کنند.

❌ اگر رئیس جمهور کره شمالی در مقابل آمریکا مقاومت نمی کرد، الان بیشتر جاها جنگ بود و این ایستادگی او در مقابل ترامپ به نفع بقیه است. شجاعت او و متحد بودن مردمش با او را یاد بگیریم.

❌ چرا مسئولان برای خودروهایی که دودزا هستند کاری نمی کنند؟ چرا خودروهای بدون معاینه فنی را فقط حالا و آن هم در محدوده طرح ترافیک جرمه می کنند؟ تکلیف موتور جوش ها و دیزل ژنراتورهایی که پیمانکاران در محدوده شهر و هر روز استفاده می کنند و بسیار دودزا هم هستند چه می شود؟

❌ دولت تدبیر و امید! می خواهی بیکاری جوانان را ریشه کن کنی؟ از به کارگیری مجدد بازنشستگان جلوگیری کن. در اداره ما بیداد می کنه.

## زلزله مجازی و حقیقی در مسکن مهر

«کاسبان شارلاتان زلزله

به طور حتم، اگر دولت احمدی نژاد سر کار نیامده بود، تلفات زلزله دیشب، بسیار بسیار بیشتر بود. زلزله ۷/۳ ریشتری یا ۷/۶ ریشتری (آمارهای مختلفی دیدم) در منطقه ای مثل ایران شوخی نیست و قدرت آن تقریباً ۱۰ برابر زلزله ۶/۶ ریشتری بم با تلفات ۲۶ هزار نفری است (البته حواسم هست که زمان زلزله و مدت آن هم در میزان تلفات زلزله نقش دارد).

این زلزله تقریباً با زلزله رودبار و منجیل در سال ۱۳۶۹ قابل مقایسه است که ۷/۴ ریشتر بود و در ساعتی رخ داد که بسیاری از مردم به علت تماشای مسابقات جام جهانی در تلویزیون بیدار بودند. تلفات آن زلزله، ۳۵ هزار نفر بود. تفاوت قابل توجه آمار تلفات به طور حتم به نوسازی تقریباً تمام مسکن های روستایی در دوره احمدی نژاد ربط دارد. حالا عده ای شارلاتان، دوره افتاده اند و با عکس و فیلم چند واحد آپارتمان مسکن مهر از میان صدها هزار واحد مسکن مهر (که البته اسکلتهایشان هم اکثراً در برابر زلزله شدید ۷،۵ ریشتری سالم مانده) عقده گشایی سیاسی می کنند. شارلاتانه ای تبیل و بیعاری که اگر در سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ آنها بر سرکار مانده بودند، الان همچون زلزله رودبار، چند ده هزار جسد روی دست مردم ایران باقی مانده بود. شدت زلزله چندی پیش مکزیک تقریباً شبیه زلزله کرمانشاه ۷/۱ در مقیاس ریشتر بود و خرابی های گسترده و نزدیک به سیصد کشته برجای گذاشت و دنیا با آن همدردی کرد چون مسئولان شان می توانستند دهان شان را ببندند و فقط کار کنند و چنین کردند.»

مصطفی زرقونی یکی از نزدیکان تیم احمدی نژاد هم نوشت: «مردم، مسئولان و امدادگران همگی مشته های خود را بالا می گرفتند به معنی سکوت تا زنده ها را نجات دهند و این اقدام «مشت برافراشته» نام گرفت. در زلزله کرمانشاه اما این بار جوانمردی رخت بر بسته است. در حالی که مردم از بی سامانی و سرما و غم از دست دادن عزیزان و ویرانی خانه و بیمارستان جانشان به لب رسیده و در حالی که هنوز ممکن بود کسانی زنده از زیر آوار بیرون بیایند، مسئولان هیاهو کردند که صدای محرومان گم شود.» ▶

هفته گذشته زلزله غرب کشور مهمترین واقعه ای بود که فضای مجازی با آن درگیر بود. از یک سو برخی تلاش می کردند تا به مردم نشان دهند در این مناطق چه چیزهایی مورد نیاز است، از سوی دیگر تصاویر مربوط به این واقعه در سراسر فضای مجازی منتشر می شد که صحنه های دردآوری را به نمایش می گذاشت. در سراسر جهان نیز عده بسیار زیادی از هنرمندان و بازیگران با این واقعه اظهار همدردی کردند. بسیاری از مسئولان کشورهای مختلف در همان ابتدا با انتشار توثیت هایی در فضای مجازی به مردم ایران تسلیت گفتند. در ایران طرح ها و متن های زیادی در همدردی با مردم ایران و عراق که درگیر زلزله شده بودند، منتشر شد. اما به دنبال وقوع زلزله، تصاویری منتشر شد که نشان از تخریب زیاد ساختمان های مسکن مهر داشت. همین مساله به بحث اختلافی در فضای مجازی تبدیل شد. حامیان احمدی نژاد تلاش کردند تا از او دفاع کنند و در مقابل این نقد که «مسکن مهر بی کیفیت ساخته شده است» می گفتند: «اگر مسکن مهر ساخته نمی شد خانه های روستایی مردم مانند سال ۸۲ و زلزله بم ویران شده بود.» در این میان اشتباه برخی از افراد در انتخاب تصاویر ریزش یک ساختمان مسکونی در مصر نیز حاشیه ساز شد. تا آنجا که حامیان دولت قبل معتقد بودند دستور هماهنگی برای تخریب دستاورد احمدی نژاد در مسکن مهر به کار گرفته شده است. در همین رابطه حمید بنایی، عضو کمیسیون عمران مجلس و نماینده گناباد و بجنستان عنوان کرد: «سازندگان متخلف مسکن های مهر حادثه دیده به مراجع قضایی معرفی می شوند.» به گفته او رئیس مجلس شورای اسلامی دستور داده تا کمیسیون عمران و اجتماعی مجلس به بحث زلزله غرب کشور ورود کنند. روحانی و جهانگیری نیز در این زمینه وارد شدند و از معرفی عوامل ساخت مسکن بی کیفیت به مردم سخن گفتند. در عین حال طرف مقابل و حامیان دولت احمدی نژاد به این انتقادات پاسخ دادند. در یکی از مهمترین متن هایی که در کانال های احمدی نژادی منتشر شد که به این انتقادات پاسخ می داد، آمده است:

## نظر میرسلیم درباره زلزله کرمانشاه



## افشاکری درباره خبری



## هنرمندان با کرمانشاه لرزیدند

طبق روال این سال‌ها که اظهار نظر در فضای مجازی یکی از نخستین واکنش‌های هنرمندان به هر موضوعی است، به فاصله کوتاهی از انتشار خبر زلزله صفحات اینستاگرام یا توییتر هنرمندان پر شد از مطالب و عکس‌هایی که به یاد زلزله‌زدگان انتشار پیدا کرد. نیکی کریمی، هدیه تهرانی، حمید فرخ‌نژاد، محمدرضا گلزار، مهناز افشار، محسن چاووشی، نوید محمدزاده و رامبد جوان از جمله نخستین بازیگرانی بودند که عکسی از نقشه ایران یا عکسی سیاه در صفحات خود در فضای مجازی منتشر کردند. مهناز افشار البته دو روز بعد از زلزله نیز با انتشار متنی در اینستاگرام در مورد کمک‌هایی که این روزهای توانا به یاری زلزله‌زدگان آید، نوشت. جمشید مشایخی بازیگر پیشکسوت هم با انتشار فیلمی گفت: «این واقعه ناگوار را خدمت هم‌میهنان عزیزم، در هر جای ایران که هستند، تسلیت عرض می‌کنم. عزیزی که در زلزله جان‌شان را باختند، هموطنان و همخون ما بودند. من می‌دانم مردم چقدر رنج کشیدند و غصه می‌خورند. من خاک پای ملت ایران بوده، هستم و خواهم بود...» شهرام ناظری، هنرمند پیشکسوت عرصه موسیقی به فاصله چند ساعت از وقوع زلزله در نشست خبری رونمایی آلبوم «عاشق کیست» حاضر شد و همان‌طور که انتظار می‌رفت در بخشی از سخنانش درباره زلزله کرمانشاه سخن گفت. او در سخنانی درباره این حادثه گفت: «از شنیدن این اتفاق ناگوار که برای مردم منطقه کردنشین و برای باوان (خانواده به زبان کردی) خود رخ داده است، دلم گرفت...» معمولاً هنرمندان ایرانی در نخستین ساعات وقوع بحران یا حادثه‌ای در خارج از کشور، با آسیب‌دیدگان و بازماندگان همدردی می‌کنند، اما کمتر پیش می‌آید این اتفاق برعکس بیفتد و خارجی‌ها با مشکلی که در ایران و برای ایرانیان رخ داده همدردی کنند. این بار اما گستردگی فاجعه زلزله در کرمانشاه موجب شد بازیگر سریال «بازی تاج و تخت» و انریکه خوانده سرشناس اسپانیایی با ایرانیان همدردی کنند. اغلب بازیگران و هنرمندان فعال در فضای مجازی با استفاده از امکانی که در این فضا دارند از مردم درخواست کردند تا کمک‌های ضروری را به دست مردمان آسیب‌دیده برسانند تا به این ترتیب علاوه بر ابراز همدردی با آسیب‌دیدگان زمینه کمک‌رسانی مناسب را هم فراهم کنند.

## زمان زلزله، نجفی کجا بود؟

زلزله‌ای که برخی از مناطق مرزی کشورمان را با خسارات شدیدی روبه‌رو کرد و در بیشتر شهرهای کشور از جمله تهران احساس شد، با همه تلخی‌هایش آزمون خوبی برای مدیریت بحران بود. برخی از گزارش‌های میدانی حاکی از آن است که زلزله برخی از مناطق جنوبی شهر تهران را نیز در نوردید و به‌طور خفیفی مردم تهران آن را احساس کردند. همین مساله دستمایه انتقاداتی به نجفی در فضای مجازی شد. محمدعلی نجفی که تا چند روز پیش در بستر بیماری به سبب کمر درد بود، تا یک شب بعد از زلزله نیز در خانه ماند و صبح روز بعد به ستاد مدیریت بحران تهران رفت و از آن بازدید کرد تا نشان دهد که در این حوزه فعالیت‌هایی کرده است. این درحالی بود که این امکان وجود داشت که زلزله خسارات جانی و مالی را به پایتخت وارد کند. شهردار تهران البته پیش از این مشکلات قلبی و عروقی هم داشته و به همین سبب بوده که با نشستن نامهای به رئیس‌جمهور از سمت ریاست سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور استعفا داده است. یکی از کاربران مجازی در این باره نوشت: «با این اوصاف معلوم نیست فردی که دارای مشکلات جسمانی حادی است چگونه می‌خواهد در شرایط حاد و بحرانی کشور مدیریت کند.»

## بررسی رسانه‌ای هفته

### این بار کج به منزل رسید!



فردای روزی که کیهان از توقیف خارج شد، حسین شریعتمداری در کیهان سرمقاله‌ای نوشت و این مساله را ناشی از کینه‌توزی و انتقام‌کشی از کیهان عنوان کرد. مدیرمسئول کیهان معتقد بود: «توقیف دو روزه و بی‌دلیل کیهان که در ادامه خواهیم دید «انتقام کور» از روشنگری‌های این روزنامه» ترجمه گویا و دقیق‌تری برای آن است اگرچه اقدامی ناپسند و پلشت بود ولی تاسف‌بارتر از آن انگیزه و توجیهی است که مسئولان ذی‌ربط برای این اقدام خویش آورده‌اند. برخلاف سنت معهود این بار کج هیأت نظارت و شورای عالی امنیت ملی به مقصد رسید و کیهان را دو روز توقیف کردند. چرا! آقایان درباره چرایی توقیف کیهان هیچ توضیحی نداده و نمی‌دهند و بر این باوریم که حق دارند! چون کمترین توضیح مستند و قابل‌پذیرشی در چپته ندارند. اگر غیر از این است بسم الله! «او ادامه می‌دهد: «برخی از توقیف‌کنندگان کیهان همان جماعتی هستند که فریاد آنان به «دانستن حق مردم است» بلند بوده و اکنون باید برای جامعه‌ای که تشنه دانستن است توضیح بدهند که از کی تا به حال حمایت از رژیم کودک‌کش و منقور آل سعود بخشی از «مصلح ملی» جمهوری اسلامی ایران شده است؟! و از کدام تاریخ حفظ امنیت کلان سرمایه‌داران اماراتی و سایر کشورهای فاسق‌ان‌سوی آب‌های خلیج فارس که از اصلی‌ترین دشمنان کینه‌توز ایران اسلامی و حامیان مالی و تسلیحاتی تروریست‌های داعش بوده و هستند، در فهرست فاکتورهای «امنیت ملی» کشورمان قرار گرفته‌اند» به نوشته شریعتمداری نقش مشاوران و نزدیکان دولت در این امر پررنگ بود: «برخی از شواهد و قرائن موجود حکایت از آن دارد که وادادگی و برخورد متفعلانه در این ماجرا می‌تواند علت‌های دیگری نیز داشته باشد که حضور خط‌رموز سازش در دولت و شماری از مشاوران و نزدیکان آن، نفوذی‌هایی که منافع خود را در آن سوی مرزها تعریف کرده‌اند و... از آن جمله‌اند و اما از نگاه ما که شواهد فراوانی از درستی آن حکایت می‌کنند توقیف کیهان «انتقام کور» از روشنگری‌های آن بوده است.»

### کاسبان اروپایی



روزنامه صبح نو در سرمقاله هفته گذشته خود به موضوع حضور هیأت اروپایی در تهران پرداخته و نوشت: «همایش فعالان اقتصادی ایران و اتحادیه اروپا طی روزهای اخیر در تهران در جریان است؛ نشستی که به بهانه مبادلات تجاری در زمینه‌های کشاورزی و لبنیات، زمزمه راه‌اندازی دفتر اتحادیه اروپا در تهران را مطرح می‌کند آن هم نه به صورت درخواست محترمانه بلکه به سبک غربی‌ها، متکبرانانه و طلبکارانه! آن گونه که کمیسیونر کشاورزی و توسعه روستایی اتحادیه اروپا (عنوان را دقت بفرمایید!) مدعی شده در صورت مثبت‌بودن نتیجه مذاکرات، امکان تأسیس دفتر اتحادیه اروپا در ایران وجود دارد؛ اما واقعیت ماجرا چیز دیگری است و این اتحادیه اروپایی است که سال گذشته و به دنبال بیانیه پارلمان این اتحادیه، مأموریت یافته است تا برای پیگیری مسائل حقوق بشری مورد ادعای خود و ارتباط‌گیری با NGOهای همسو و ایضا مباحث هسته‌ای، دفتری را در تهران راه‌اندازی کند و در واقع مسائل تجاری، امری ثانوی و پوششی برای موضوعات اولیه است. آنچه مسلم است، جمهوری اسلامی هرگز اجازه دخالت‌های بی‌مورد در امور داخلی خود را تحت عناوین حقوق بشری و غیره و ذالک به امدی نخواهد داد و ثانیاً موضوع همکاری‌های اقتصادی نیز از طریق هریک از کشورهای اروپایی، قابل انجام و پیگیری است همان‌طور که اکنون این روابط جاری است ولی متأسفانه اروپایی‌ها فقط به مقصد کالاهای مصرفی خود می‌نگرند. طرفه آنکه خطاب به «آقا اجازه‌های شریک آمریکا» باید گفت: «ما را به خیر تو امید نیست، شر مرسان!»

## پیشنهاد محسن رضایی با اجرای رحمانی فضلی



اعتماد در بخشی از گزارش هفته گذشته خود با عنوان اختیار استانداران افزایش می‌یابد نوشت: «گذشته از تعیین بخشداران توسط استانداران که ناصریان به عنوان اختیارات سیاسی واگذار شده به استانداران برشمرده است، پیش از این وزیر کشور هم به بخشی دیگر از این اختیارات که اغلب اقتصادی هستند، اشاره کرده بود. او ۲۶ مهرماه در نشست شورای آموزش و پرورش استان البرز گفته بود می‌توان درآمد‌های مالیاتی در استان‌ها را صرف توسعه زیرساخت‌ها کرد و با استفاده از این منبع می‌توان به ایجاد زیرساخت‌ها از جمله در بخش آموزشی در استان‌ها اقدام کرد. این در حالی است که طبق قانون مالیات دریاقتی از واحدهای مختلف اقتصادی به خزانه واریز شده و پس از آن در بودجه سنواتی تحت عنوان درآمد‌های دولت برایش ردیف هزینه‌ای در نظر گرفته می‌شود. وزیر کشور، اما گفته است حتی مشکلات آموزشی استان‌ها هم از طریق واگذاری اختیارات دولت به استانداران حل‌شدنی است و با این شیوه استان‌ها می‌توانند بدون کمک دولت روند رشد و توسعه را طی کنند. در واقع رحمانی فضلی دورنمایی از فدرالی شدن استان‌ها را به تصویر کشیده است. در این شیوه پیشنهادی وزیر کشور، استانداران منابع درآمدی استان خودشان را صرف توسعه همان استان می‌کنند و کم‌کم از بودجه دولت مرکزی بی‌نیاز می‌شوند. اما آنچه‌وزیر کشور این روزها به دنبال آن است چندان از طرحی که محسن رضایی، دبیر فعلی مجمع تشخیص مصلحت نظام ارائه کرده بود یعنی فدرال اقتصادی، بیگانه نیست. رضایی در جریان رقابت‌های انتخاباتی سال ۸۸ از طرح خود رونمایی کرد و بعدها در توضیح طرحش گفت: «فدرال اقتصادی نوع محدودشده‌ای از اداره به سبک فدرال است و محدود به امور اقتصادی است.»

## تحولات پیچیده

باتوجه به اهمیت جایگاه لبنان در تحولات غرب آسیا، هرگاه در آن بحران جدی شود، نشان دهنده جدی شدن بحران میان جریانات حاکم بر غرب آسیا است. افزایش تنش در این کشور ممکن است نشان دهنده افزایش منازعات میان محور مقاومت و محور محافظه کار در غرب آسیا باشد که این فرضیه با کاهش تهدیدات داعش و گروه‌های تکفیری در سوریه و عراق دور از ذهن نیست.

# گفتارها



## جعبه سیاه لبنانی

### آیا حریری به بیروت بازمی‌گردد؟

علی اسدی

کارشناس امور بین‌الملل

سوی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی با حمایت آمریکا برای کشاندن عرصه جدید بحران به لبنان و هدف حمله قرار دادن حزب الله، در حال طرح ریزی است، می‌بایست ابعاد طرح را در دو سطح مورد تحلیل قرار داد. ایزود اول، سناریوی عربستان و رژیم صهیونیستی طرح اتهام علیه تهران بود. به گونه‌ای که متعاقب استعفای سعد حریری، حمله موشکی به فرودگاه بین‌المللی ریاض از سوی نیروهای انصارالله اتفاق افتاد. این رویداد مزید بر علت شد تا حملات و هشدارهای مقام‌های عربستانی با حمایت مستقیم آمریکا و دیگر کشورهای عربی آغاز شود. بعد از این حمله مقامات عربستانی و آمریکایی مدعی شدند که مسئولیت این حمله متوجه ایران است و موج اتهامات خود را علیه ایران شروع کردند. هر چند در ابتدای امر این رویدادها طبیعی به نظر می‌رسند و چنین وانمود می‌شود که استعفای حریری بر اساس گرایش شخصی نخست‌وزیر لبنان بوده اما واقعیت این است که روند کنونی در مرحله ابتدایی طرحی منسجم برای افزایش موج ایران‌هراسی بوده و در ادامه طرحی است برای حمله احتمالی و فراگیر به حزب الله لبنان طی ماه‌های آینده.

و به‌طور خاص محمد بن سلمان ولیعهد سعودی‌ها می‌پنداشت، از ابعاد پنهان این استعفا پرده برداشته شد. خبرگزاری رویترز در گزارشی تحت عنوان «چطور عربستان سعودی از سعد حریری رویگردان شد» ابعاد پنهان ماجرا را با آوردن اسناد و منابع مستند فاش کرد. در این گزارش تصریح شده بود که منابع نزدیک به حریری گفته‌اند: «عربستان به این نتیجه رسیده که این نخست‌وزیر که یک هم‌پیمان دیرینه عربستان و پسر رفیق حریری، نخست‌وزیر ترور شده در سال ۲۰۰۵ است، باید برکنار شود زیرا تمایلی به رویارویی با حزب الله ندارد. بنابراین، ریاض امیدوار است که بها الحریری، برادر بزرگتر سعد حریری جانشین او در نخست‌وزیری شود.» در واقع، مساله جایگزینی برادر سعد حریری به جای او، تنها طرح اولیه از سناریویی است که در آینده سعودی‌ها با همکاری آمریکا و رژیم صهیونیستی برای کشور لبنان طراحی کرده‌اند. استعفای حریری رمزی است برای آغاز بحرانی جدید در منطقه؛ بحرانی که اکنون آن از سوریه و عراق به مرزهای لبنان کشیده شود و این بار اکنون ماجرا حزب الله خواهد بود. با نظر به این تفاسیر اکنون برای تشریح این ادعا که طرحی جامع و جدی از

۱ سعد حریری، نخست‌وزیر کشور لبنان روز ۱۲ آبان سال جاری با دعوت مقام‌های عربستان سعودی وارد فرودگاه ریاض شد اما برخلاف سفرهای قبلی نه خبری از استقبال رسمی بود و نه خبری از صف شاهزادگان سعودی برای ادای احترام به بلندپایه‌ترین مقام سیاسی کشور لبنان. گویا از قبل همه رویدادها پیش‌بینی شده بود و تنها این سعد حریری بود که نمی‌دانست چه رخدادی اتفاق خواهد افتاد. در فاصله کوتاه یک روز پس از اقامت در عربستان، سعد حریری در اقدامی غیرمنتظره در صفحه تلویزیون حاضر شد و با بر زبان راندن اظهاراتی از پیش دیکته شده و اتهاماتی غیرمنطقی، ایران و حزب الله را محکوم و استعفای خود را اعلام کرد.

در حقیقت استعفای حریری چنان برنامه‌ریزی شده بود که انگار یک تئاتر یا یک فیلم سینمایی هالیوودی است که در آن به دلیل ترس از ترور و تحت فشارهای خارجی یک رئیس سیاسی، گزینه استعفا را برمی‌گزیند. با وجود این سناریو چینی زودتر از آنکه مقام‌های سعودی



# زنگ خطر بحران

لبنان پیشتاز تحولات منطقه غرب آسیا است

دکتر حسین آجورلو

پژوهشگر موسسه ابرار معاصر تهران

ضمن اینکه عملکرد موفقیت آمیزی هم نداشت. این عدم موفقیت می توانست زمینه ساز شکست جریان المستقبل در انتخابات پیش روی لبنان شود. بنابراین یکی از دلایل می تواند این باشد که سعد حریری از آنجایی که احتمال شکست در انتخابات پیش رو را می داد برای اجتناب از این موضوع، پیش دستی کرده و استعفا داده است. یکی دیگر از علل هم می تواند وجود اختلافات داخلی در جریان المستقبل باشد که امکان داشت شکاف هایی را در این جریان در انتخابات آتی و تضعیف آنها ایجاد کند و منجر به شکست آنها در انتخابات شود. در این بین باوجودی که برخی رسانه ها خیلی به بحث بازداشت حریری توسط سعودی ها می پردازند اما باید گفت هنوز این امر اثبات نشده است که حریری در بازداشت به سر می برد. به همین خاطر چون قطعیتی در بازداشت وی وجود ندارد، واکنش جدی را هم در سطح بین الملل دربر نداشته است. زیرا نه تنها حریری طی این مدت دوبار مصاحبه کرده، بلکه به ابوظبی هم سفر کرده است، بنابراین ظواهر امر بازداشت وی را نشان نمی دهد. اما با فرض اینکه حریری بازداشت شده باشد، رویکرد غرب مشخص است. آنها با عربستان روابط اقتصادی بسیار عمیقی دارند، همچنین سعودی ها لابی های گسترده و سرمایه گذاری های عظیمی در کشورهای غربی دارند. به همین خاطر روابطشان را برای حدس و گمان هایی از این دست تخریب نمی کنند. ضمن اینکه حتی اگر این شک به یقین هم تبدیل شود به نظر می رسد فشار زیادی به عربستان وارد نخواهد شد. با تمام تلاش هایی که در جهت برهم زدن اوضاع در لبنان صورت می گیرد اما باید گفت که صحنه سیاسی لبنان را با این قسم اقدامات و استعفاها نمی توان دچار تحول جدی کرد. ولی قطعا بحران هایی به این کشور تحمیل خواهد کرد. حزب الله لبنان یک قدرت پذیرفته شده است، بخشی از جمعیت شیعه لبنان که در حدود نیمی از جمعیت این کشور را تشکیل می دهند و همچنین بخشی از گروه های سیاسی از حزب الله حمایت می کنند. بنابراین این روندی نیست که به وسیله آن بتوان حزب الله را حذف کرد. تاریخ سیاسی حزب الله نشان داد که آنها می توانند بحران هایی از این دست را پشت سر بگذارند زیرا لبنان یکی از کشورهای بی ثبات منطقه غرب آسیا است که پیش از این چندین سال دچار بحران ریاست جمهوری بوده است. اما اگر رژیم صهیونیستی در این شرایط به جنوب لبنان و حزب الله حمله کند، ممکن است تحولاتی در لبنان رخ دهد. سیاستی که حزب الله تاکنون در پیش گرفته، حل و فصل امور لبنان در داخل خود کشور است؛ همان گونه که از سعد حریری نیز در مقابل فشارها حمایت کردند، بنابراین یک سیاست معقولی را در پیش گرفته اند. اما اگر صحنه سیاسی لبنان دچار بحران شود باید از اقدامات تند و شتابزده جلوگیری کرد تا از درگیری های احتمالی بین برخی از گروه ها اجتناب شود و زمینه حمله رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان فراهم نشود.

در یک جمع بندی می توان گفت با توجه به اهمیت جایگاه لبنان در تحولات غرب آسیا، هرگاه در آن بحران جدی شود، نشان دهنده جدی شدن بحران میان جریانات حاکم بر غرب آسیا است. افزایش تنش در این کشور ممکن است نشان دهنده افزایش منازعات میان محور مقاومت و محور محافظه کار در غرب آسیا باشد که این فرضیه با کاهش تهدیدات دانش و گروه های تکفیری در سوریه و عراق دور از ذهن نیست. ▶

۲ با وجود گذشت دو هفته از استعفای سعد حریری، نخست وزیر سابق لبنان، گمانه زنی ها در خصوص عوامل و دلایل آشکار و پنهان استعفای وی همچنان ادامه دارد. درواقع استعفای سعد حریری، متاثر از عوامل داخلی و خارجی متعددی است که در ادامه به برخی از آنها اشاره شده است. سعد حریری، فرزند رفیق حریری نخست وزیر اسبق لبنان است که توانسته با پشتوانه سابقه سیاسی پدر خود و همچنین استفاده از فضای بعد از ترور وی در صحنه سیاسی لبنان حضور فعالی داشته باشد. وی با حمایت ویژه عربستان سعودی و همچنین جریانات مخالف سوریه در لبنان در رأس جریان المستقبل و جریسان ۱۴ مارس قرار دارد که به مقابله با جریان ۸ مارس می پردازد. بر اساس همین حمایت های ویژه، وی توانست دو بار به عنوان نخست وزیری لبنان انتخاب شود که در چهارم نوامبر ۲۰۱۷، با طرح اتهاماتی علیه جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان از مقام خود استعفا کرد. یکی از عوامل خارجی تاثیرگذار بر این استعفا، استراتژی جدید دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران است. بر اساس اظهارات اخیر رئیس جمهور آمریکا، ایران به عنوان یک کشور بی ثبات کننده منطقه غرب آسیا معرفی شده است و باید مصادیق عینی این نقش نیز وجود داشته باشد. اولین جایی که می توانند نقش بی ثبات کننده را به ایران نسبت دهند، صحنه سیاسی لبنان است؛ بنابراین جمهوری اسلامی ایران و هم پیمانان منطقه ای اش را متهم به کارشکنی در امور سیاسی لبنان کردند. معرفی ایران و نیروهای نزدیک به آن به عنوان بی ثبات کننده لبنان در اظهارات سعد حریری در این راستا قابل تحلیل است. عامل اثرگذار دیگر بالا گرفتن اختلافات جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی است. سعد حریری در دوره نخست وزیری خود بر اساس واقعیت های عرصه سیاسی لبنان، سیاستی تعاملی در قبال رقبا سیاسی خود به خصوص حزب الله لبنان اتخاذ کرده بود که این امر موجب ناراحتی مقامات سعودی شده است؛ به گونه ای که بارها در محافل سیاسی و رسانه ای لبنان صحبت از اختلاف میان عربستان سعودی و سعد حریری بوده است. به نظر می رسد مقامات عربستان سعودی از برخی از اقدامات وی راضی نبوده و به حریری برای استعفا و قطع این روند فشار آورده اند. از سوی دیگر با وادار کردن سعد حریری به استعفا و مقصر جلوه دادن حزب الله لبنان در بحران سیاسی این کشور، سعی در اقدام به ضربه زدن به حزب الله لبنان و جمهوری اسلامی ایران دارند. عامل خارجی دیگر را شاید بتوان نزدیکی سعد حریری به افرادی که مورد غضب محمد بن سلمان قرار گرفتند و نزدیکی به شاهزادگان سعودی که بعضا جزو بازداشت شدگان هم هستند، نسبت داد. زیرا حریری علاوه بر تابعیت لبنانی، تابعیت عربستان سعودی را دارد و شرکت های تجاری فعالی هم در این کشور دارد. به همین خاطر شاید بتوان گفت استعفای حریری نیز در ادامه بازداشت های اخیر به جهت تثبیت قدرت محمد بن سلمان در داخل عربستان صورت گرفته باشد. برخی دلایل داخلی نیز در استعفای حریری می تواند دخیل باشد. سعد حریری در مدت یازده ماه که به عنوان نخست وزیر در لبنان قدرت را در دست داشت، نتوانست وعده هایی که داده بود را تحقق بخشد،

در قالب این اپیزود رسانه های وابسته به عربستان سعودی در پی بزرگ نمایی از مساله استعفای حریری و طرح اتهام علیه ایران برآمدند. همچنین، دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در جریان سفر ۱۲ روزه اش به کشورهای آسیایی مسئولیت شلیک موشک از یمن به پایتخت عربستان سعودی را متوجه ایران کرد و گفت: «از نظر من حمله (به عربستان) کار ایران بوده است.» متعاقب این اقدام تلاش دوم آغاز شد و آن هم عبارت از لابی گری سفارتخانه ها و رسانه های سعودی برای حمایت از مواضع ضد ایرانی حزب الله بود. نماد بارز این امر را می توان پرده برداشتن «باراک رفید» روزنامه نگار اسرائیلی از مضمون نامه ای که وزارت خارجه این رژیم برای تمامی سفارتخانه ها و کنسول گری های خود در کشورهای مختلف فرستاده بود ارزیابی کرد. رفید در یادداشتی نوشت: «برای نخستین بار اسرائیل به صورت علنی به کمک عربستان سعودی شتافت.» در نامه وزارت خارجه اسرائیل آمده است: «دیپلمات های اسرائیلی در تمامی کشورها باید از عالی ترین سطح دستگاه سیاسی کشور محل خدمت خود بخواهند تا در راستای حمایت از عربستان، مانع از حضور حزب الله در دولت بعدی شوند.» از این رو به وضوح مشخص است که در اپیزود اول طرح تلاش برای ممانعت و دور کردن حزب الله از کابینه و دولت لبنان طرح ریزی شده اما این تنها بخش ابتدایی سناریوی مشترک صهیونیست ها و سعودی ها است.

تبدیل بحران به کانون منازعه نظامی و حمله فراگیر به حزب الله

اپیزود دوم عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، بارمز استعفای سعد حریری را می توان در قالب کشاندن دور جدید منازعات خاورمیانه به لبنان ارزیابی کرد. ریاض و تل آویو که در بحران های برخاسته از ظهور داعش در عراق و سوریه با تدابیر سیاسی و عملکرد موفق ایران، با شکست مواجه شده اند، در این تفکر هستند که انتقام شکست های خود را در کشوری دیگر و در مکانی بگیرند که مهم ترین بازوی منطقه ای تحت حمایت جمهوری اسلامی ایران، یعنی حزب الله لبنان حضور دارد. در حقیقت، محمد بن سلمان و نتانیاهو در تلاش هستند که جبهه ای فراگیر را با حمایت واشنگتن برای حمله به حزب الله لبنان ایجاد کنند. در همین راستا، در روزهای اخیر شاهد هستیم سعودی ها در تلاش هستند تا رهبران سیاسی کشورهای عربی را برای آغاز دور جدید از بحران در کشور لبنان با خود همراه کنند.

همچنین در مرحله بعد محمد بن سلمان در تلاش است که رهبران عرب را نسبت به همکاری با ارتش رژیم صهیونیستی برای حمله به مواضع حزب الله لبنان همراه کند. علاوه بر این، می توان پیش بینی کرد که محمد بن سلمان تلاش خواهد کرد که ارتش لبنان، اعراب سنی و مسیحیان را علیه حزب الله بسیج کند. در مجموع در صورت اجرایی کردن این سناریو که می توان از آن به عنوان اتحاد سعودی - صهیونیستی یاد کرد و با توجه به توان مقاومتی بالای حزب الله لبنان و افزایش تجربیات آن در جریان جنگ با داعش، رسماً در کشور لبنان جنگ داخلی جدیدی در خواهد گرفت. این جنگ جدید را می توان کانون جدید بحران و محل جدید روزآزمایی قدرت های منطقه ای دانست که می تواند منجر به جنگی بلندمدت در کشور لبنان شود. اما بدون تردید آنچه مسلم به نظر می رسد این است که استعفای حریری تنها پنهان و ابزاری است برای طرحی بزرگ تر و آغاز بحران جدید در منطقه با محوریت لبنان و مبارزه با حزب الله. ▶



## رویای خلع سلاح حزب الله

ریاض، صحنه گردان تحولات لبنان است

حسین هانی زاده

کارشناس مسائل خاور میانه



تقریباً از دو هفته پیش و همزمان با استعفای غیرمنتظره سعد حریری، نخست‌وزیر سابق لبنان به عربستان، تحولات در این کشور تا حدودی غیرقابل پیش‌بینی شده است. سعد حریری زمانی که در جلسه هیأت دولت شرکت کرده بود، پیامی از سوی محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان دریافت کرد. در این پیام ولیعهد عربستان از نخست‌وزیر لبنان خواسته بود که سریعاً به ریاض سفر کند. در همان روز سعد حریری بدون مشورت با جریان‌های سیاسی همسو و رئیس‌جمهور لبنان، با هوایمی اختصاصی به اتفاق چند تن از اعضای جریان ۱۴ مارس به ریاض سفر کرد و هنگام فرود در فرودگاه بین‌المللی ریاض متوجه حضور ماموران امنیتی عربستان شد. این ماموران بلافاصله تلفن‌های همراه سعد حریری و اطرافیان وی را مصادره و نخست‌وزیر لبنان را تحت الحفظ به کاخ ملک سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان منتقل کردند. در آنجا بود که حریری به دستور محمد بن سلمان، ولیعهد و عادل الجبیر، وزیر خارجه سعودی متن از پیش تهیه شده را به عنوان استعفا نامه خود از طریق شبکه‌های عربستان قرائت کرد. روز بعد هوایمی سعد حریری به اتفاق همراهان وی به بیروت بازگشت اما حریری همچنان در بازداشت باقی ماند. این امر از وجود یک سناریوی جدید برای ایجاد تنش تازه‌ای در منطقه حکایت دارد. بر اساس این سناریو که به صورتی مشترک از سوی ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی و رژیم اسرائیل تهیه شده، قرار است بحران سوریه به لبنان منتقل شود. به موجب این سناریو، قرار شد جریان ۱۴ مارس به

عشقی از مقامات امنیتی عربستان به فلسطین اشغالی به شدت افزایش یافته است. پس از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، موضوع سلاح حزب الله و نفوذ ایران در منطقه در دستور کار آمریکا، اسرائیل و عربستان قرار گرفته و اکنون ریاض برای تأمین امنیت پایدار رژیم صهیونیستی و کاهش نفوذ ایران به شدت فعال شده است.

با اینکه عربستان شرایط سیاسی لازم را برای ایفای نقش تأثیرگذار در منطقه ندارد اما از رژیم صهیونیستی و آمریکا درخواست کرده تا به صورتی مستقیم علیه حزب الله ورود پیدا کنند؛ ریاض نیز قرار است هزینه‌های این جنگ را تقبل کند.

در این میان به نظر می‌رسد که فشارها در آینده بر حزب الله تشدید و اتحادیه عرب با برگزاری جلساتی در سطح وزرای خارجه برای جریان سازی علیه حزب الله و سلاح این جنبش وارد عمل خواهد شد. همچنین جریان ۱۴ مارس فضای عمومی لبنان را برای طرح موضوع خلع سلاح آماده خواهد ساخت. البته موفقیت یا عدم موفقیت این سناریو، منوط به موضع گیری میشل عون، رئیس‌جمهور لبنان خواهد بود. اگر میشل عون در برابر فشارهای عربستان، آمریکا، رژیم صهیونیستی و جریان ۱۴ مارس ایستادگی کند، سناریوی خلع سلاح حزب الله و کاهش نفوذ ایران با شکست مواجه خواهد شد اما اگر میشل عون که جزئی از محور مقاومت است، تغییر موضع دهد و در کنار عربستان و جریان ۱۴ مارس قرار گیرد، خطری جدی در آینده حزب الله را تهدید خواهد کرد. سوالی که اکنون مطرح است اینکه چرا عربستان هجمه‌ای از تبلیغات رسانه‌ای را علیه ایران و حزب الله آغاز کرده، ادعای کند جان سعد حریری در لبنان به خطر می‌افتد و حزب الله را به عنوان یک سازمان تروریستی تلقی می‌کند، در حالی که حزب الله جزئی از کابینه سعد حریری است. در نتیجه این یک پارادوکس در رفتار دولتمردان رژیم آل سعود است. چگونه ممکن است در شرایطی که حزب الله در دولت سعد حریری شرکت دارد و دارای وزیر است و همچنین میشل عون رئیس‌جمهور لبنان، حزب الله را تأیید می‌کند، عربستان آن را یک سازمان تروریستی قلمداد می‌کند؟ در واقع این مسائل همان مسائلی است که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نیز علیه حزب الله مطرح می‌کند و به بیان دیگر، عربستان سخنان نتانیاهو را از عبری به عربی ترجمه می‌کند.

در این میان در رابطه با آینده حریری به نظر می‌رسد که او در آینده‌ای نه چندان دور به لبنان بازگردد و فعالیت خود را از سرگیرد. در واقع حریری در راستای پیگیری سیاست‌های عربستان سعودی، آمریکا و اسرائیل برای خلع سلاح حزب الله به لبنان باز خواهد گشت.

هرچند او اکنون ظاهر در عربستان در بازداشت به سر می‌برد و نهادهای مهم بین‌المللی نیز موضع گیری نسبت به این موضوع نداشته‌اند. این در حالی است که تمام جریان‌های ملی و اسلامی لبنان شدیداً نسبت به اقدام عربستان اعتراض کردند. حتی میشل عون، رئیس‌جمهور لبنان، سرلشکر ابراهیم عباس را به فرانسه اعزام کرد و تماس‌هایی از سوی وی با فرانسه برقرار شد. رئیس‌جمهور فرانسه نیز برای طرح موضوع سعد حریری به عربستان سفر کرد و ضرورت آزادی سعد حریری را با عربستان مطرح کرد؛ اما سازمان ملل همچنان ساکت است. با وجودی که لبنان یک سری تحرکات انجام داده اما از آنجایی که سعد حریری دارای تابعیت عربستان است مشمول قانون مصادره اموال شده است. در هر صورت این اقدام عربستان توهین آشکار به دولت، ملت و پارلمان لبنان و تحقیر آنها است و این اقدام رژیم سعودی آذر بایی در عرصه بین‌المللی است که باید توسط شورای امنیت محکوم شود. ▶

رهبری سعد حریری علیه ایران و حزب الله دست به یک سلسله جریان سازی‌های شدیدی زدند. به موازات آن عربستان نیز یک سلسله اتهام‌زنی‌هایی را علیه ایران مبنی بر اینکه این کشور مشوک باالستیک در اختیار انصار الله یمن قرار می‌دهد، آغاز کرد. این در حالی است که یمن حدود سه سال است از سوی عربستان کاملاً در محاصره قرار دارد و حتی امکان ارسال دارو نیز از سوی نهادهای بین‌المللی برای مردم یمن وجود ندارد. بنابراین در چارچوب این سناریوی خطرناک قرار است از سوی عربستان سعودی به اتحادیه عرب درخواست نشست اضطراری در سطح وزرای خارجه داده شود تا در این جلسه حزب الله به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی شود. همچنین آمریکا و عربستان با کمک رژیم صهیونیستی از شورای امنیت سازمان ملل درخواست خواهند کرد تا حزب الله را تحت بند هفت منشور سازمان ملل قرار دهد. در این صورت یک اجماع جهانی با مدیریت آمریکا، اسرائیل و عربستان برای حمله علیه حزب الله و خلع سلاح این جنبش صورت خواهد گرفت. در واقع این محور عربی-عبری-غربی در پی آن است که حزب الله را از صحنه معادلات نظامی حذف و به یک حزب سیاسی بی‌تأثیر در عرصه‌های منطقه‌ای و داخلی لبنان تبدیل کند تا بدین طریق نفوذ ایران در منطقه را نیز کاهش دهد. همکاری آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان از سال ۲۰۱۱ میلادی و همزمان با آغاز بحران سوریه شکل گرفت. اما به دلیل نگرش متفاوت باراک اوباما، رئیس‌جمهوری سابق ایالات متحده آمریکا نسبت به اسرائیل و عربستان تا این حد پیش رفت که تصمیم به حذف کامل حزب الله و کاهش نفوذ ایران گرفته شود. اگرچه ریاض طی شش سال گذشته بیش از ۴۰ میلیارد دلار به دستور آمریکا در اختیار گروهک‌های تروریستی قرار داده اما توانسته شطرنج سیاسی سوریه را به نفع اسرائیل تغییر دهد. اخیراً سفرهای عادل الجبیر، وزیر خارجه، ترکی فیصل، رئیس سابق سازمان امنیت و سرلشکر انور



اهداف عربستان از برکناری سعد حریری چیست؟

## بدترین گزینه ریاض

موقعیت عربستان در لبنان باشد تا مقامات سعودی بتوانند از طریق پیوندهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که با وی و حزب تحت سرپرستی اش یعنی حزب المستقبل دارند، در انتخابات آتی لبنان که بهار آینده برگزار خواهد شد، نقش آفرینی کنند؛ هرچند بنا بر اغلب برآوردها، حزب المستقبل به سرپرستی سعد حریری فاقد موقعیت لازم برای کسب آرای بیشتر در انتخابات پارلمانی بهار آینده بود و توان جلب افکار عمومی را به علت برخی از همسویی‌هایش با ارتجاع منطقه و کشورهای غربی از دست داده بود.

به هر ترتیب تصمیم ابلهانه مقامات ریاض برای مجبور کردن سعد حریری به استعفا و کناره‌گیری وی از قدرت، سبب شد تا میان مردم لبنان و فرهیختگان و نخبگان سیاسی این کشور، حساسیت‌های بیشتری نسبت به مداخلات سلطه‌طلبانه رژیم عربستان ایجاد شود و انتقادات به موضوع برکناری اجباری سعد حریری و به ویژه اعتراضات شدید به موضوع بازداشت وی در عربستان، موقعیت حزب المستقبل را نیز به بدترین موقعیت تبدیل کند. در واقع در اینجا بود که موضوع بازگشت قریب الوقوع سعد حریری مطرح شد و وی در مصاحبه تلویزیونی سوال برانگیز دیگری از بازگشت خود سخن گفت؛ آن هم دقیقاً در شرایطی که مقامات لبنانی باتوجه به حساسیت‌های افکار عمومی در این کشور از عدم آمادگی خود برای پذیرش سعد حریری سخن گفتند.

به هر ترتیب آنچه مسلم است، مقامات سعودی در این ماجرا به هیچ وجه تنها نبودند و در واقع تصمیم آنها به انجام چنین مداخله‌ای در لبنان، ناشی از یک سلسله رایزنی‌ها و تبادل نظرهایی بود که بین ریاض، تل‌آویو و واشنگتن صورت گرفت؛ کما اینکه جملاتی هم که در این فاصله زمانی از جانب سعد حریری صادر شد، نشانه‌های آشکاری از مواضع ماه‌ها و هفته‌های اخیر نتانیاهو و ترامپ را نیز به همراه داشت و از اجرای پروژه توطئه‌آمیزی خبر می‌داد که به سرعت به شکست انجامید. ▶

کرد؛ چرا که این بار نیز به جای دستیابی به اهداف و اغراضش، موقعیت از دست رفته منطقه‌ای عربستان را بیش از پیش در معرض خطر قرار داد.

اگرچه در اغلب رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از عجیب بودن استعفای سعد حریری و واکنش‌های بعدی وی سخن گفته شده و بر نامتعارف بودن و غیرمعمول بودن این گونه اقدامات او تاکید شده است، با این حال شاید عجیب‌تر از آن، تصمیمات نابجا و بی‌سرانجامی است که مقامات ریاض برای ترمیم جایگاه منطقه‌ای خود اتخاذ کرده و می‌کنند و پس از عملی شدن آن، نادمانه می‌کوشند تا آن را به گونه‌ای جبران کرده و به اصطلاح آب رفته را به جوی بازگردانند.

البته نگاهی به کارنامه چند سال گذشته مقامات سعودی در منطقه، بیانگر فهرستی طولانی از اشتباهاتی است که آنها در سیاست‌های خود در منطقه غرب آسیا مرتکب شده و به جای ارتقا یا تثبیت جایگاه منطقه‌ای‌شان، موقعیت خود را در اغلب کشورهای منطقه از دست داده‌اند. چنان که در این خصوص کافی است تا به اوضاع کنونی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نگاهی بیندازیم و سستی و از هم گسیختگی پیوند هریک از اعضای این شورای که روزگاری از نزدیکترین متحدین حکومت ریاض به شمار می‌رفتند، آشکارا مشاهده کنیم و این علاوه بر موقعیت بسیار نامطلوبی است که رژیم سعودی به‌رغم هزینه‌های میلیاردری چند سال گذشته، در دو کشور سوریه و عراق بدان دست یافته و امکانی نیز برای ترمیم آن در کوتاه‌مدت و حتی در میان‌مدت وجود ندارد.

حال در چنین شرایطی، این کشور لبنان بود که می‌توانست نقطه‌امیدی برای جلوگیری از تزلزل و تزلزل بیشتر جایگاه منطقه‌ای عربستان باشد، زیرا در چنین احوالی، حضور سعد حریری نخست‌وزیر عربستانی تبار لبنان در رأس دستگاه اجرایی این کشور (پیش از استعفای اجباری) به خودی خود می‌توانست، روزنه‌ای برای حفظ

جعفر قنادباشی

کارشناس مسائل خاورمیانه



۴ ماجرای استعفای غیرمنتظره سعد حریری، نخست‌وزیر لبنان و به ویژه واکنش‌هایی که وی در مواجهه با انتقادات صورت گرفته از این اقدام، از خود نشان داد، به خودی خود کافی است تا از تحرکات شتابزده و سبکسرانه‌ای که مقامات آل سعود به منظور جبران شکست‌های منطقه‌ای خود آغاز کرده‌اند، پرده بردارد و نگرانی‌های فزاینده آنها را از ادامه روندی که به از دست رفتن موقعیت‌شان در لبنان خواهد انجامید، آشکارتر سازد. اینک برای همه محافل سیاسی و رسانه‌ای کاملاً مسجل شده است که در ورای استعفای غیرمنتظره سعد حریری و تحرکات بعدی وی، تصمیمات عجولانه و انفعالی مقامات سعودی، نقش اصلی را ایفا کرده و این سرکردگان عربستان بوده‌اند که بدون پیش‌بینی پیامدهای زیانباری که برای آنها در پی خواهد داشت، در اقدامی مداخله‌جویانه، نخست‌وزیر لبنان را بازداشت و او را مجبور به قرائت استعفانامه کرده‌اند تا شاید از این طریق بتوانند روند جاری منتهی به برگزاری انتخاباتی قانونی را در لبنان متوقف کرده و با فراهم کردن زمینه تنش‌های سیاسی و اجتماعی از آشکار شدن واقعیت‌های سیاسی در این کشور جلوگیری کنند.

بنابراین شاید این تعبیر که «حکومت ریاض با مجبور کردن سعد حریری به کناره‌گیری از قدرت، در صدد بود تا تنها کشور باقیمانده در حیطه نفوذ را همچنان برای خود حفظ کند» نزدیک‌ترین برداشت از واقعیات موجود باشد؛ همچنان که این واقعیت نیز صحیح است که حکومت ریاض در رسیدن به این مقصد، بدترین گزینه را انتخاب



# پایان دوران جانسون

وزیر خارجه انگلیس به درب خروج نزدیک می‌شود

سعید سبحانی

خبرنگار

نام بوریس جانسون برای بسیاری از افرادی که تحولات سیاسی انگلیس را دنبال می‌کنند آشناست! جانسون یکی از سرشناس‌ترین اعضای حزب محافظه‌کار انگلیس محسوب می‌شود. آلکساندر بوریس دو ففل جانسون (Alexander Boris de Pfeffel Johnson) سیاستمداری ۵۱ ساله است که خود را لایق مسند نخست‌وزیری کشورش می‌داند. او طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ میلادی زمانی که شهردار لندن بود، توانست برای خود میان طرفداران حزب محافظه‌کار و حتی برخی افرادی که دارای گرایش سیاسی خاصی نبودند محبوبیتی به دست آورد. او همچنین نسبت به اتخاذ رویکردهای لیبرالی میان محافظه‌کاران شهرت دارد و از وی به عنوان سیاستمداری متفاوت با بسیاری از اعضای حزب محافظه‌کار مانند دیوید کامرون و ترزا می یاد می‌شود.

جانسون در جریان برگزاری همه‌پرسی برگزیت، از اصلی‌ترین طرفداران خروج کشورش از اتحادیه اروپا بود. اتخاذ این موضع در قبال خروج انگلیس از اروپا، منجر به خشم بسیاری از هم‌حزبی‌های جانسون از جمله دیوید کامرون، نخست‌وزیر این کشور شد. پس از استعفای دیوید کامرون از سمت نخست‌وزیری، بسیاری از تحلیلگران مسائل انگلیس تصور می‌کردند که جانسون به عنوان نخست‌وزیر جدید این کشور معرفی خواهد شد اما در نهایت شاهد حضور ترزا می در راس معادلات سیاسی و اجرایی انگلیس بودیم.

در جریان برگزاری انتخابات سراسری سال ۲۰۱۷ انگلیس، که منجر به شکست نسبی محافظه‌کاران گردید،

برخی هم‌حزبی‌های جانسون از وی خواستند تا خود را برای حضور در مسند نخست‌وزیری انگلیس آماده کند. کار به جایی رسید که برخی رسانه‌های انگلیسی از جانسون به عنوان جانشین ترزا می نام بردند. با این حال در نهایت وزیر امور خارجه انگلیس ترجیح داد در سمت خود باقی بماند.

هم‌اکنون جانسون بخت و اقبال زیادی برای حضور در راس معادلات سیاسی و اجرایی لندن ندارد. به عبارت بهتر، بسیاری از افرادی که معتقد بودند وی جانشین خوبی برای ترزا می خواهد بود، از این ایده صرف نظر کرده‌اند. در چنین شرایطی جانسون باید فکر حضور در خانه شماره ۱۰ داونینگ استریت را از سر خود بیرون کند بسیاری از رسانه‌ها در انگلیس متفق القول هستند که جانسون مرد گاف‌های بزرگ در عرصه سیاست است.

واقعیت امر این است که جانسون از زمان حضور در مسند وزارت امور خارجه انگلیس، نتوانسته است به عنوان سیاستمداری متفاوت ظاهر شود. همین مساله سبب شده است تا امیدها نسبت به نقش‌آفرینی موثر وی در دیگر موقعیت‌های سیاسی و اجرایی نیز کاهش یابد. نکته جالب توجه اینکه بوریس جانسون در ایالات متحده آمریکا (در ایالت نیویورک) متولد گردیده و دارای دو تابعیت آمریکایی و انگلیسی بوده است. با این حال جانسون در سال ۲۰۱۶ میلادی از تابعیت آمریکایی خود صرف نظر

کرده است. بوریس جانسون پس از حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید، مانند دیگر وزرای امور خارجه در کشورش، خود را با سیاست‌های دولت آمریکا وفق داده است. اکثر سخنان جانسون، در تایید اظهارات دونالد ترامپ بوده و حتی در مسائلی مانند برجام نیز این رویکرد کاملاً مشهود است. به عنوان مثال بوریس جانسون در تازه‌ترین سخنان خود، بر لزوم حفظ توافق هسته‌ای با ایران تاکید کرده است. این در حالی است که مقامات انگلیسی نیز همگام با ترامپ از تغییر در برجام استقبال می‌کنند. جانسون اخیراً درباره ادامه حمایت دولت انگلیس از سرمایه‌گذاری خارجی در ایران اظهار کرده است:

«هسته مرکزی برجام که یک بده بستان در رابطه با رفتار خوب ایران در رابطه با برنامه هسته‌ای‌اش و پیشرفت اقتصادی این کشور است، تغییری نکرده و برجام از سوی رئیس‌جمهوری آمریکا لغو، پاره و دور انداخته نشده است. مادامی که ایران به توافق پایبند باشد ما باید شاهد تعاملات اقتصادی و پیشرفت باشیم. این مهم است که مردم ایران قادر باشند تا منافع برجام را لمس کنند و بسیار مهم است که ما به کار تجارت و سرمایه‌گذاری میان دو کشور ادامه دهیم.»

رویکرد جانسون در قبال «برجام» و «برگزیت» نشان‌دهنده هم‌پیمانی مطلق او با سیاست‌های دولت فعلی آمریکاست. او در قبال برجام، مانند دونالد ترامپ و سیاستمداران آمریکایی، قائل به تغییر توافق هسته‌ای و گنجانده شدن موضوعاتی مانند توان موشکی ایران در توافق جدید است. چندی پیش و در آستانه برگزاری نشست شهریور ماه امسال مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، رسانه‌های غربی گزارش دادند که دولت انگلیس (وزارت امور خارجه انگلیس) موافقت خود را با بازتعریف توافق هسته‌ای بر اساس اهداف ایالات

متحده آمریکا اعلام کرده است. بدیهی است که جانسون در این روند نقشی پررنگ داشته و در آینده نیز از طرفداران ایده‌پردازی‌های ترامپ در قبال برجام خواهد بود.

نکته دیگر اینکه در خصوص مساله «برگزیت» نیز میان مواضع ترامپ و جانسون نوعی همخوانی قابل تامل وجود دارد. همان گونه که اشاره شد، وزیر امور خارجه فعلی انگلیس از محدود طرفداران خروج کشورش از اتحادیه اروپا در حزب محافظه‌کار بوده است. این در حالی است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا نیز در سال گذشته و در بحبوحه دوران رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶، از برگزیت حمایت کرده بود. ترامپ پس از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال گذشته نیز بار دیگر حمایت خود را از خروج انگلیس از اروپای واحد اعلام کرد و حتی از دیگر کشورهای اروپایی نیز خواست تا به این روند بپیوندند. پس از این موضع‌گیری ترامپ، بسیاری از سیاستمداران اروپایی نسبت به رویکرد ضد اروپایی رئیس‌جمهور ایالات متحده واکنش نشان دادند.

با این حال در این خصوص خبری از واکنش بوریس جانسون به عنوان وزیر امور خارجه انگلیس نبود. به عبارت بهتر، وزیر امور خارجه انگلیس با سکوت خود نشان داد که موافق مواضع ترامپ در خصوص تضعیف اروپای واحد است. هم‌اکنون بوریس جانسون به شدت نگران آینده سیاسی خود است. در صورتی که وی از سمت خود استعفا دهد و برکنار شود، وی فرسنگ‌ها از اصلی‌ترین خواسته خود مبنی بر تصدی پست نخست‌وزیری کشورش دور خواهد شد. این موضوع ذهن بوریس جانسون را به شدت درگیر ساخته است. ضمن آنکه برخی تحلیلگران از اکنون پایان تاریخ مصرف سیاسی وزیر امور خارجه فعلی انگلیس را اعلام کرده‌اند. ▶





استعمار و به خطر انداختن جان شهروندان همراه بوده، مدت‌ها تحمل کردیم و الان زمان آن است که او برود.» نکته دیگر اینکه بوریس جانسون، وزیر امور خارجه انگلیس قرار است به زودی به ایران سفر کند تا ضمن دیدار با مقامات وزارت امور خارجه کشورمان، پیگیر وضعیت نازنین زاغری باشد. با این حال مقامات وزارت امور خارجه کشورمان اعلام کرده‌اند که سفر جانسون از قبل برنامه‌ریزی شده و ارتباطی با مباحث اخیر مطرح شده در خصوص نازنین زاغری در داخل انگلیس ندارد. بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان در پاسخ به سوالاتی در مورد سفر آتی بوریس جانسون به تهران و اینکه آیا این سفر به پرونده نازنین زاغری هم ارتباط دارد، گفت: «موضوع خانم زاغری بحث قضایی است و ایشان در اختیار سیستم امنیتی و قضایی است. قوه قضاییه مسیری را دنبال کرده و ایشان (زاغری) حکمی دریافت کرده است و طبق قوانین ایران دوران محکومیت خود را می‌گذرانند. سفر وزیر خارجه انگلیس به تهران از قبل مطرح بود و این سفر ارتباطی به اظهارات اخیر ایشان و انتقاداتی که مطرح شده، ندارد. دو طرف همواره طیف وسیعی از مسائل را داشته‌اند و در دوران اخیر هم باتوجه به روندی که تهران - لندن دارند و ارتقای سطح روابط دو کشور به سطح سفیر، تصور می‌کنم مسائل دوجانبه، مسائل منطقه، برجام و موضوعات دیگر جزو مسائلی است که پیرامون آن باید بحث و تبادل نظر صورت بگیرد.» البته سخنگوی دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان در قسمتی دیگر از سخنان خود به طرح مساله نازنین زاغری در تماس تلفنی میان بوریس جانسون و محمدجواد ظریف نیز اشاره کرد:

«در تماس تلفنی وزیران خارجه ایران و انگلیس مجموعه مسائل دوجانبه و مسائل منطقه‌ای مطرح شد، بوریس جانسون در این مکالمه در مورد خانم زاغری هم صحبت کردند که از سوی وزیر امور خارجه پاسخ لازم داده شد. وزیر امور خارجه ایران در این تماس اشاره کردند که باتوجه به مسائل انسان‌دوستانه و با وجود اینکه موضوع قضایی است، پیام ایشان را به سیستم قضایی منتقل و در این خصوص مساعدت می‌کنند. مباحث مطرح شده در این خصوص مباحث داخلی انگلیس است که ما نباید خود را درگیر آن کنیم.»

واقعیت امر این است که بوریس جانسون خود نیز در خصوص دخالت‌های مکرر و مستمر انگلیس در معادلات داخلی کشورمان آگاه است. این مداخله‌جویی‌های وقیحانه دهه‌هاست ادامه دارد، با این تفاوت که در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با واکنش قاطع جمهوری اسلامی ایران روبه‌رو شده است. سوابق سیاه انگلیس در ایران، جایی را برای دفاع از انگلیس و اعتماد نسبت به سیاستمداران این کشور و ادعاهای آنها در خصوص عدم دخالت در امور داخلی کشورمان باقی نمی‌گذارد. بدون شک بوریس جانسون در سفر به ایران (اگر تا آن زمان استعفا ندهد یا برکنار نشود)، سعی خواهد کرد روی مساله نازنین زاغری مانور ویژه‌ای دهد. به عبارت بهتر، جانسون متعاقب سخنانی که اخیراً در خصوص نازنین زاغری بیان کرده است، به شدت در منگنه قرار گرفته و سعی دارد از فشار انتقادات رسانه‌ای و سیاسی در انگلیس رهایی یابد. بدون شک، ماهیت این پرونده (پرونده نازنین زاغری) حقوقی و قضایی بوده و در اینجا اسناد، شواهد و مستندات سخن می‌گویند. بدیهی است که آنچه در معادلات سیاست داخلی انگلیس می‌گذرد، محدود به همین کشور خواهد بود. ►

## گاف «بوریس»

آیا وزیر خارجه انگلیس استعفا خواهد کرد؟

حسین یاری

خبرنگار

۲

طی روزهای اخیر، فشارها بر وزیر امور خارجه انگلیس برای استعفا از سمت خود افزایش یافته است. یکی از اصلی‌ترین دلایل در این خصوص، اظهارات وی در خصوص «نازنین زاغری»، محکوم امنیتی در ایران بوده است. صورت مساله این است که «جانسون» چهارشنبه ۱۰ آبان ماه سال جاری و در جریان نشست کمیته امور خارجی پارلمان این کشور درباره این محکوم جرائم امنیتی در ایران گفته بود: وقتی نگاه می‌کنیم که نازنین زاغری (در ایران) در حال انجام چه کاری بود، آن‌طور که من می‌فهمم فقط در حال «آموزش روزنامه‌نگاری» بوده است. این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که براساس ادعاهایی که رسانه‌های انگلیسی مدام مطرح می‌کنند، نازنین زاغری -راتکیف، کارمند بنیاد خیریه تامسون رویترز است که در آخرین سفر خود به ایران در فروردین ۱۳۹۵ به دلیل اتهامات امنیتی بازداشت و سپس به پنج سال حبس محکوم شد. آنچه مسلم است اینکه میان اظهارات جانسون در خصوص آموزش روزنامه‌نگاری در ایران توسط زاغری و ادعاهای قبلی مبنی بر سفر تفریحی وی به ایران، تفاوتی معنادار وجود دارد.

اما پس از مدتی اندک و تحت فشارهای سیاسی و رسانه‌ای در انگلیس، وزیر خارجه این کشور سخنان پیشین خود درباره فعالیت «نازنین زاغری» حین بازداشت وی را پس گرفت و از این بابت مجبور به عذرخواهی شد. وزیر خارجه انگلیس پس از بازگشت از نشست وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در بروکسل به کشورش با حضور در مجلس عوام

انگلیس گفت: «زاغری برای گذراندن تعطیلات به ایران سفر کرده بود و هدف سفر او نیز همین بود. اگر من به صورت غیرعمدی باعث آزرده‌گی خاطر زاغری یا خانواده‌اش شده‌ام، معذرت‌خواهی می‌کنم.» پس از اظهارات جانسون، برخی وزرای کابینه ترزا می در صدد دفاع از مواضع وزیر امور خارجه این کشور و به عبارت بهتر، لاپوشانی گاف وی برآمدند! یکی از این افراد، «مایکل کاو»، وزیر محیط زیست انگلیس بود. وی از اینکه رسانه‌های انگلیسی جانسون را بابت احتمال افزایش مدت محکومیت نازنین زاغری مورد شماتت می‌کنند انتقاد کرد. اما ماجرا به این نقطه نیز ختم نشد. «جرمی کوربین»، رهبر حزب کارگر و «صادق خان»، شهردار لندن، خواستار استعفا «بوریس جانسون» از پست وزارت خارجه انگلیس شدند. به گفته صادق خان، شهردار لندن، جانسون اخیراً گاف‌هایی داده و اظهاراتی را بر زبان آورده که موجب ناراحتی اسپانیا، آمریکا و لیبی شده است. رهبر حزب کارگر انگلیس بوریس جانسون وزیر خارجه این کشور را به تضعیف کشور متهم کرده است. انتقادات جرمی کوربین از بوریس جانسون به شدت تند بوده و فضای سیاسی و رسانه‌ای در انگلیس را تحت تاثیر خود قرار داده است.

جرمی کوربین به سخنان «غیر دیپلماتیک و نامناسب» بوریس جانسون از زمان روی کار آمدن او به عنوان وزیر امور خارجه در ژوئیه سال گذشته اشاره کرد. جرمی کوربین او را به «بازگشت تمایلات استعماری در سطح جهان» و «آبروریزی مکرر کشور» متهم کرد. رهبر حزب کارگر در این خصوص تاکید کرده است: «ما «رفتار شرم‌آور و تضعیف‌کننده» بوریس جانسون را که با بی‌کفایتی و دیدگاه‌های بازگشت



# چند قدم با «ابطال الصفا»

## نگاره‌ای از تجربیات فرهنگ عمومی در تجمع اربعین

محمد صدیقی

خبرنگار

۱ اربعین سال قبل بود که به پیشنهاد فرهاد تصمیم گرفتیم در قسمتی از مسیر پیاده‌روی نجف تا کربلا همراه کاروانی از بصره شویم. فرهاد دو سال قبل از آن با این کاروان آشنا شده بود. همان وقتی که در اولین تجربه پیاده‌روی اربعینش گوشه یکی از موکب‌های ابتدای طریق در تب و هذیان می‌سوخت و جوانان کاروان «ابطال الصفا»ی شهر زبیر استان بصره او را پیدا کردند و برادرانه با خود به کربلا بردند و در طول سفر پرستارش بودند و تا فرودگاه نجف بدرقه‌اش کردند. ارتباط فرهاد با زائران بصری از طریق فیس‌بوک و واتس‌آپ و تلگرام ادامه پیدا کرد و همان جوانان صمیمی و

و پاک‌دست و توزیع پیکسل و پیشانی‌بند و جزوه و برچسب و... صف و صف و صف... برای همه‌چیز؛ از غذا تا قضای حاجت. و گاهی هم جواب سربالا به زائری خسته که دیر رسیده و دنبال یک‌متر و هفتاد سانت جا می‌گردد برای دو ساعت استراحت و شارژ موبایل؛ چیزی که از موکب‌داران عراقی در این سال‌ها به‌ندرت دیدیم و شنیدیم.

قرارمان با بصری‌ها حوالی مسجد کوفه بود. وقتی بهشان ملحق شدیم همه سی، چهل نفرشان یکی یکی آمدند و معافه و مصافحه‌ای گرم کردند و به اصرار بارمان را به دوش گرفتند.

فرهاد بیشتر از همه با «رعد» رفیق بود. مهندس کامپیوتر بلندبالای سبزه‌ای که به زبان انگلیسی مسلط بود و می‌توانستیم بیش از بقیه با او صحبت کنیم و دمخور شویم. سال قبل برادر «رعد» علمدار کاروانشان بود و

جبران زیارت مختصرشان، هرشب مجلس عزاداری به پا می‌کنند.

پرسیدم چقدر در کربلا می‌مانید؟ گفت تقریباً ده دقیقه در حرم هستیم و برمی‌گردیم به طرف بصره. تعجبم را که دید گفت: «ما مطیع سیدسیستانی هستیم و اگر غیر از این بود، عراق بارها نابود شده بود.» باور اینکه کسی با دمپایی و دشداشه و یکی دو دست لباس اضافه بیش از ۵۳۰ کیلومتر با سرعت زیاد پیاده‌روی کند، برایم سخت بود. حتی «مهمین» - پسر بچه پنج‌شش ساله و بازیگوش کاروان - هم همین وضعیت را داشت. یک دست گرمکن ورزشی با دهپایی و یک ساک کوچک که پدرش به دوش گرفته بود. مضاف بر اینکه مهمین به خاطر همین بازیگوشی و رفت و برگشت‌ها و سرکنشی به موکب‌های دوطرف مسیر، باید چندکیلومتر بیشتر از بقیه راه می‌رفت.

نه خبری از کوله‌پشتی لول‌آپ‌این و کفش نایک و سالامون بود و نه از پست‌ها و استوری‌های دم به دقیقه و گزارش ساعت به ساعت سفر در اینستاگرام.

از کوفه که حرکت کردیم، نوبتی می‌آمدند و کمی حرف می‌زدند و چیزی می‌گفتند و می‌رفتند. بیشترین چیزی که درباره‌اش حرف می‌زدند سوال می‌پرسیدند «مرجعیت» بود و اینکه مقلد چه کسی هستی؟ خودشان به دقت این چیزها را دنبال می‌کردند و مراجع ایران را هم تقریباً می‌شناختند. عمده دقت‌شان هم در اختلاف فتاوی‌ای علما در باب تطهیر (قمه‌زنی) و مجالس فرجه‌الزهره سلام‌الله علیها (جشن‌های نهم ربیع الاول) و احکام غلو درباره ائمه‌السلام بود.

احمد - که تازه داماد کاروان بود و ملقب به لقب موقت احمد عریس - با دقت و وسواس برآیم گفت که هرکدام از اعضای کاروان مقلد چه کسی است. بعد از من پرسید که تو مقلد کدام مرجع هستی؟ گفتم به تقلید از آیت‌الله بهجت باقی هستم. نام آیت‌الله بهجت را که شنید، چشمانش برق زد و یاداد و فریاد چهار پنج نفر را صدازد و دوره‌ام کردند.

یکی پرسید تو خودت آیت‌الله بهجت را دیده‌ای؟ وقتی جواب مثبتم را شنید، چشمانش پر از اشک شد. با هیجان گفت: «خطیب مسجدمان گفته آیت‌الله بهجت به محضر امام عصر علیه‌السلام رسیده. من هروقت نام بهجت را می‌شنوم یا عکسش را می‌بینم، به یاد امام زمان علیه‌السلام می‌افتم و گریه‌ام می‌گیرد.»

به نجف رسیدیم. زیارت مختصری کردند و کمی در صحن نوحه و جز خواندند و به طرف وادی‌السلام راه افتادند. به گمان زیارت قبور حضرات هود و صالح نبی علیهما‌السلام همراهشان شدیم. بعد از یک پیاده‌روی طولانی و نفس‌گیر در خیابان‌های قبرستان و لابه‌لای قبور، ناگهان همه بی‌آنکه چیزی بگویند در نقطه‌ای ایستادند. سرها پایین افتاد و شان‌ها شروع کرد به لرزیدن. من و فرهاد با تعجب نگاه می‌کردیم. گریه‌ها آرام و بی‌صدا بود تا وقتی «ابوالاستر» آمد، با قد بلند و چهارشانه و صورت آفتاب‌سوخته‌اش. گریه نمی‌کرد اما انگار غصب‌آلود بود. بی‌آنکه به کسی نگاه کند یا چیزی بگوید به وسط جمعیت آمد و پرچم کاروان را بالای قبری محکم به خاک فرو کرد و ناگهان بغضش ترکید... صدای گریه‌ها بلند شد و زود تبدیل به ضجه شد. ضجه‌های بلند... خیلی بلند. آنقدر که نمونه‌اش را هیچ‌وقت در عراقی‌ها ندیده‌ام.

کناز پرچم آمد. پایین پرچم قبری بود و عکسی که به ما لینک می‌زد و زیرش نوشته شده بود: «الشهید البطل، سعد جاسم الصرافی».



علمدار یعنی رکن کاروان. همه باید با به پای پرچم سفید بزرگ «لیک یا حسین» راه بروند. هر جا ایستاد بایستند و هر جا راه افتاد راه بیفتند.

امسال اما علمدارشان عوض شده بود. «ابوالاستر» علمدار جدید کاروان بود و عکس علمدار سال قبل با لباس نظامی در گوشه پرچم به ما لینک می‌زد؛ عکسی که زیرش نوشته شده بود: الشهید البطل، سعد جاسم الصرافی. «سعد» چند ماه قبل در نبرد با داعش در شهر بیجی به شهادت رسیده بود. در کوفه میهمان یکی از افراد عشیره‌شان شدیم. وقتی چهره من و فرهاد را دید و فهمید میهمان‌های جدید کاروان هستیم حساسی شرمندمان کرد؛ از تکریم و پذیرایی و تعارف بی‌امان آب و چای و میوه و سیگار و پماد پیروکسیکام. بعد از نماز عشا هم بساط زیارت عاشورا و سینه‌زنی راه انداختند. نماز صبح فردا را که خواندیم فهمیدیم زیارت عاشورا جزو تعقیبات همه نمازهایشان است. «رعد» برآیمان توضیح داد که به خاطر جمعیت زیاد زوار اربعین در سال‌های اخیر، به دستور آیت‌الله سیستانی در کربلا توقف ندارند و سریع به طرف بصره برمی‌گردند تا فرصت زیارت برای زوار غیرعراقی مهیا شود، برای همین در طول مسیر برای

خونگرم سال بعد از فرهاد خواستند که باز هم همراهشان باشد. همراه زوار هم عشیره‌ای که حدود ۱۷ روز قبل با پای پیاده از مدینه‌الزبیر بصره راه افتاده بودند و در طول مسیر هم چند روزی موکبی علم کرده بودند و آب و چای و غذای ساده‌ای... تا از فیض خدمت به زوار هم محروم نباشند. برای من که از غرزدن‌ها و خودبه‌ترسینی‌های بعضی زوار هموطن و موکب‌های شیک و کارهای عجیب و غریب بعضی نهادهای نفتی ایرانی در این غوغای اربعین دل خوشی نداشتم، پیشنهاد خوبی بود که چندروزی همراه زوار عراقی باشم که به‌قول فرهاد همه‌چیزشان ساده و بی‌تکلف بود.

عموم عراقی‌ها در اقامه این مناسک و شعائر جدی‌اند. هم زوارشان و هم خادمین موکب‌هایشان. این را می‌شود از خدمات کاربردی و منطقی بر نیازهای اولیه و سهیل‌الوصولی که به زوار می‌دهند فهمید؛ از سه وعده پذیرایی ساده صبحانه و ناهار و شام و آب و چای تا تعمیر کالسکه و ویلچر و ماساژ و مشت و مال زوار خسته و کوفته و تامین نیازهای حداقلی برای استراحت و خواب. در موکب‌های تر و تمیز ایرانی اما تا دلتان بخواهد برنامه‌های فرهنگی مهیاست و بلوتوث نوحه و سخنرانی



بیاوریم، بسیار موفق خواهیم بود. از این روست که من به جامعه‌شناسان می‌گویم، تحلیل‌ها و الگوهای از پیش طراحی‌شده، برای تحلیل این پدیده‌های مهم اجتماعی برانده و قواره نیست. باید مدلی جدید طراحی کرد. مدلی که سوای از عمومی‌سازی این کارکردها، بتواند ارزیابی درستی از این اجتماع و معادلات آن به‌دست دهد.

تجمع اربعین به‌عنوان یک مورد مطالعات در مطالعات جامعه‌شناسی باید خوانده شود. اینجا مهم‌ترین نقطه حضور جامعه‌شناسان است. ممیزه دیگری که باید درباره تجمع اربعین به آن اشاره کرد، افزایش میل کنشگران حاضر به یاری‌رساندن به دیگران است. اصلاً تمایل افراد برای کمک کردن به دیگران، در این تجمع، به طرز غریبی افزایش می‌یابد. تمایلی که شاید در زندگی شهری در ما جاری نیست. ما در بسیاری از موارد به‌سادگی از کنار معضلات همشهری‌ها و هموطنان گذر می‌کنیم! حتی در مواردی با اغفال از مشکلات آنها، خودمان را از وقایع کنار می‌کشیم. طوری که مبادا درگیر مسائلی از این دست شویم. این در حالی است که رفتار معمول در جریان تجمع اربعین چیزی کاملاً متفاوت از این امر است. معنویت یکی از مهم‌ترین ممیزات اربعین است. فرصت خودسازی و رسیدن به خود، خلوت و محاسبه یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اربعین است که باید توجه زیادی به آن داشت؛ ویژگی‌ای که لازمه زندگی در جامعه امروز نیز هست. ویژگی‌های دیگری همچون بخشش نیز یکی از وجوه ممیزه فرهنگ عمومی کنشگران در اربعین است. چیزی که من چنین تعبیری درباره آن دارم؛ عراقی‌ها در اربعین به طرز عجیبی می‌بخشند؛ بخششی نه از جنس آنچه ما در میان خود شاهد آن هستیم. ما حتی در جریان بخشش نذری، ممکن است درخواست یک فرد برای دریافت نذری، بیش از یک بار را به‌سادگی پاسخگو نباشیم، اما در میان عراقی‌ها این دست اقدامات با روی باز اجابت می‌شود.

یکی از همسفران من در جریان اربعین که یک فرد بحرینی بود، در این رابطه اینچنین می‌گفت. او می‌گفت که تفاوت شما و عراقی‌ها در این است؛ شما پس اندازتان را برای عید نوروز جمع می‌کنید و عراقی‌ها برای اربعین. ما برای خودمان جمع می‌کنیم و آنها برای بخشش به دیگران. این همان بستر فرهنگی‌ای است که پیش از آن اشاره کردیم؛ عنصری تأثیرگذار در فرهنگ عراقی که می‌تواند بسیاری از مخاطبان را جذب کند. این جلب نظر نیز قطعاً خروجی‌های زیادی خواهد داشت. ▶

## همزیستی مسالمت‌آمیز

تحلیل پیاده‌روی اربعین با مدل‌های قدیمی جامعه‌شناسی جواب نمی‌دهد

دکتر مرتضی مهدوی سمنون

عضو هیات علمی دانشکده الهیات

**۲** دکتر مرتضی مهدوی سمنون، عضو هیات علمی دانشکده الهیات و ادیان و عرفان دانشگاه شهید بهشتی است. او که تجربه زیادی از حضور در راهپیمایی اربعین داشته، این تجربیات را در قالب مدل‌های تحلیل علمی و جامعه‌شناختی پیاده کرده و از این منظر به پدیده تجمع اربعین نگرینسته است. این گفتار خلاصه‌ای از کلام ایشان درباره وجوه ممیزه اربعین به‌عنوان یک پدیده اجتماعی از پدیده‌های مشابه خود است.

در تحلیل مورد تجمع اربعین، پیش از هر چیز باید زاویه دید را به دقت مشخص کنیم. اینکه ما از زاویه جامعه‌شناسی به مسأله نگاه می‌کنیم یا از زاویه مطالعات دین‌پژوهی، همچنین اینکه مقایسه این تجمع با مشابهاً آن در دیگر کشورها، می‌تواند کمک به کشف این ممیزات کند. فارغ از این مقایسات اما یکی از ممیزات اساسی اربعین، وجودداشتن تماشاگر در این حرکت مذهبی است. چیزی که شاید در جریان عزاداری‌هایی مثل سینه‌زنی و تعزیه هم وجود داشته باشد، اما در اربعین چنین چیزی وجود ندارد. البته ما در صدد ارزیابی دینی و اخروی این مفهوم نیستیم، اما به هر حال این افراد در کنه کنش وجود ندارند. آنها نه همراه کنش‌ها هستند و نه مخالف آن! مثل افرادی هستند که به تماشای یک کارناوال ایستاده‌اند یا حتی این حضور و مشارکت از باب سرگرمی صورت پذیرد. در اربعین اما تمام حضار ذیل دو عنوان مشارکت کرده‌اند؛ زائر و خادم.

زائر فردی است که سفر را برای شرکت در مراسم و تجمع انجام داده و خادم فردی است که در سرزمین مقصد، تلاش‌های زیادی در راه خدمت‌رسانی به این زوار انجام می‌دهد. این دسته همان موکب‌داران عراقی، پزشکان، بهداشت‌یاران و... هستند که مشغول خدمت‌رسانی به زائران در جریان اربعین هستند. حتی خبرنگاری که برای تهیه گزارش به تجمع اربعین آمده، به این سبب که مشغول صورت‌دادن یک اکت است، در زمره کنشگران فعال به

حساب می‌آید. او نیز خدمت پوشش مراسم را بر عهده داشته، هرچند مذهب شیعه ندارد.

مشارکت در خدمت یک امر مهم در این باره است. مشارکتی که با هر توان و بضاعت مالی و جسمی و... صورت می‌پذیرد. چه زن سالمندی که تمام توانش تهیه ده لقمه نان برای زوار است، چه عالم ناتوانی که تنها قدرت پیاده‌روی به اندازه پنجاه قدم را دارد و چه بسیار از افرادی که مشابه این نوع از سختی‌ها و مشقات را در راه مشارکت برمی‌دارند. مشقتی که برای رسیدن به باورهای خود آنها را تحمل می‌کنند و از کاستی‌ها چشم می‌پوشند.

ممیزه دیگری که می‌توان در این راستا به آن اشاره کرد و من همواره در جمع دوستان و همکاران جامعه‌شناس نیز به آن اشاره کرده‌ام، تحمل است. شما در هیچ تجمع یا اجتماعی شاهد وجود چنین بافت نامتجانسی نیستید! بافتی که متشکل از ضعیف‌ترین تا قوی‌ترین اقشار مردم است. فرهنگ‌های مختلف، میزان پایبندی به آداب اجتماعی در سطوح گوناگون و... از مهم‌ترین ممیزه‌های این اجتماع است. انواع متفاوت در این جمعیت وجود دارد. اقشار و افرادی که از یک کشور نیامده‌اند، از عرب تا عجم و کرد و ترک و... جمعی ناهماهنگ که در کنار هم جمع شده‌اند. در یک موکب و در کنار هم می‌خوابند. صحبت می‌کنند و تعامل برقرار می‌کنند. تعاملی که در غالب موارد بدون خلل است!

این افراد ممکن است در بسیاری از مواقع از این تفاوت‌ها آزار ببینند اما به قدری خود را برای این فضا آماده کرده‌اند که دچار خلل جدی نمی‌شوند. این در واقع همان تساهل موردنظر شرع اسلام است. همه تساهل و تحمل لازم را برای همزیستی مسالمت‌آمیز در خود پرورانده‌اند. حالا شما فرض کنید که چنین تساهل و تحملی در فضای کشورها عمومیت یابد. چه آرامشی به فضای عمومی جامعه تزریق خواهد شد؟! زندگی در پی این آرامش چه رنگ و بویی می‌گیرد؟

ما در بسیاری از مواجهات و برخورد‌های اجتماعی امروز، قادر به تحمل یکدیگر نیستیم. مثلاً در مترو! اما در صورتی که ما بتوانیم چنین تحملی را به فضای اجتماع



## از دریچه‌ای دیگر

ما در این صفحات سعی خواهیم کرد موضوعات مختلف را از دریچه علوم انسانی بنگریم و در عین حال به برخی از حوزه‌ها مانند محیط زیست، دانشگاه، حوزه‌های علمیه، فرهنگ و هنر نگاهی داشته باشیم. در واقع این صفحات، صفحات فکر و ایده و اندیشه مجله است. نوعی عقلانیت ارزش مدار برعکس علوم انسانی غربی که ابزار مدار هستند.

## ایدئولوژی بدون روتوش

پشت طراحی تکنولوژیک چه چیزی نهفته است؟



می‌بریم دشوار نیست. سخت‌افزار یک چیز دوجنبه‌ای است، شیوه‌ای از انجام کار در جهان که نوعی دوگانگی در خود دارد. توانایی سخت‌افزار برای انجام یک کار از یک طرف به مجموعه‌ای از قواعد و دستورالعمل‌هایی برمی‌گردد که معیارهای اساسی کاری را که باید انجام شود تشکیل می‌دهد و به آن برنامه (کد) می‌گویند. از طرف دیگر به چیزهایی برمی‌گردد که این دستورالعمل‌ها روی آن کار می‌کنند؛ داده‌ها، بازنامه‌هایی از جهان که به قالب اعداد صفر و یک درآمده‌اند، یعنی به قالب زبان کلی و دوتایی موتورهای پردازش اطلاعات دیجیتال. در عالم سخت‌افزار هیچ نظم‌ی بدون برنامه (کد) و هیچ معنایی بدون داده، وجود ندارد. می‌توان فهمید این فرآیند در زندگی‌های روزمره ما چگونه کار می‌کند، مثلاً در پیشخوان مغازه‌ها و وقتی از کارت اعتباری استفاده می‌کنید، سخت‌افزارهای ایست‌های بازرسی فرودگاه‌ها در عمل متشکل از مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های مشروط‌ند که برای هر کدام یک برنامه‌نویسی چندخطی شده و تحت شرایط خاص تابع الگوی واکنش مشخصی‌اند. ولی کدام شرایط و کدام واکنش‌ها؟ هر دوی اینها تابع الزامات تجاری واضح و روشن‌اند. به اعتقاد گرینفیلد، ما نباید تکنولوژی‌های شبکه‌ای اطرافمان را هدایایی ساده و امری داده‌شده بپنداریم. باید به آنها همچون حاملان ایدئولوژی بنگریم. این تکنولوژی‌های رادیکال که زندگی روزمره ما را با موفقیت استعمار کرده‌اند به تدریج گزینه‌های در دسترس ما را نیز در سال‌های آتی معین می‌کنند.

هرجا می‌نگریم یک دستگاه جدید و هیجان‌انگیز ظهور می‌کند و وعده می‌دهد زندگی‌های ما را دگرگون خواهد کرد. ولی به چه قیمتی؟ آدام گرینفیلد، متفکر برجسته در حوزه تکنولوژی، در کتاب جدیدش به واکاوی عصر اطلاعات می‌پردازد و ما را وامی‌دارد در نسبت‌مان با اشیا، خدمات و فضا‌های شبکه‌ای که زندگی ما را تعریف می‌کنند تجدیدنظر کنیم. ما در زندگی‌های روزمره‌مان برای پیش‌بردن هر جنبه از هستی و حیات‌مان کاملاً وابسته‌ایم به گوشی‌های هوشمند. می‌گویند ابتکارهای جدید زندگی را آسان‌تر، بی‌دردتر و مولدتر خواهد کرد. چاپ سه‌بعدی وعده نظارت بی‌سابقه بر فرم و توزیع ماده می‌دهد و زنجیره بلوکی احتمال دارد انقلابی در همه چیز به پا کند؛ از ثبت و انتقال ارزش تا شیوه‌سازماندهی واقعیت‌های روزبه‌روز زندگی ما. در عین حال، الگوریتم‌های بسیار پیچیده در پشت پرده مشغول کارند؛ اقتصاد را از نو شکل می‌دهند، شرایط بنیادی سیاست ما را تغییر شکل می‌دهند و معنای انسان بودن را از نو تعریف می‌کنند. بسیاری از ما تشخیص نمی‌دهیم پشت طراحی محصولات و خدمات تکنولوژیکی یک ایدئولوژی نهفته است، چه رسد به اینکه در بایم این ایدئولوژی از کجا می‌آید. بسیاری از ما متوجه نیستیم که این محصولات و خدمات ارزش‌های متفاوتی را به صحنه می‌آورند. در نتیجه حواس‌مان نیست که این‌ها عرصه‌های محل نزاع‌اند که می‌توان در وجود و کارکردشان مناقشه کرد. اگر به نحوه کارکرد سخت‌افزارها دقت کنیم درک این جنبه‌ها از جهانی که در آن به سر



## فلسفه همچون سیاست فرهنگی

ریچارد رورتی از مهم‌ترین فیلسوفان تحلیلی معاصر است و بسیاری بر این باورند که بزرگ‌ترین فیلسوف آمریکایی است. او نظرات جدیدی در سنت پراگماتیسم ارائه کرده است. اگرچه برخی او را به خاطر نظرات نسبی‌گرایانه‌اش، پست‌مدرن می‌نامند، خود او چنین عنوانی را هرگز نپذیرفت و آن را از اساس بی‌معنا می‌دانست. رورتی در ایران نیز فیلسوفی کاملاً شناخته‌شده است. او حتی در سال ۱۳۸۴ و درحالی‌که هیچ اثری از او به فارسی ترجمه نشده بود به ایران آمد. پس از آن ترجمه آثار او کلید خورد و این روند تا امروز نیز همچنان ادامه دارد. به تازگی یکی دیگر از آثار رورتی به فارسی منتشر شده است؛ «فلسفه همچون سیاست فرهنگی». رورتی در کتاب حاضر برخلاف مجموعه مقالات قبلی، کمتر به دفاع از خود در برابر اتهاماتی همچون نسبی‌گرایی و پست‌مدرنیسم می‌پردازد. کتاب حاضر چهارمین مجموعه مقالات اوست که انتشارات کمبریج منتشر کرده و آخرین کتاب ریچارد رورتی است.

مقالات این کتاب مربوط به ۱۰ سال پایانی عمر رورتی و در نتیجه شامل پخته‌ترین استدلال‌ها و توصیف‌های رورتی است. این کتاب در مقایسه با سه مجموعه قبلی رورتی کمتر به مسائل فنی فلسفی می‌پردازد و زبانی کمابیش ساده‌تر دارد. البته چه‌بسا برای پژوهشگران جدی آثار رورتی، «پیامدهای پراگماتیسم» و «فلسفه و آئینه طبیعت» شروع بهتری باشد، ولی برای مخاطب غیرآکادمیک کتاب حاضر شاید بهترین کتاب رورتی به حساب آید که هم چندان وارد جزئیات فلسفی نمی‌شود و هم فشرده‌ای از آرای رورتی را در طیف بسیار وسیعی از موضوعات شامل می‌شود.

این کتاب برجسته‌ترین استدلال‌های رورتی در فلسفه اخلاق، ذهن، زبان و علم را دربر می‌گیرد که از موضعی متفاوت‌تر از سایر فیلسوفان ارائه شده است. رورتی در این کتاب کمتر به استدلال‌های به اصطلاح فلسفی می‌پردازد و بیشتر با نگاهی که به تاریخ غرب دارد و با تکیه بر احساسات و تجربیات مشترک انسانی استدلال می‌کند.

## پاسخگویی به مطالبات دینی مردم

آیت‌الله شبیری زنجانی



جامعه مورد تکریم و تعظیم قرار می‌گیرد و الا جایگاه خود را در بین مردم از دست خواهد داد. «آیت‌الله شبیری زنجانی گفت: «وقتی طلبه می‌تواند در جامعه موثر باشد که مردم او را قبول داشته باشند و الا نمی‌تواند کاری انجام بدهد و در نشر معارف الهی موفق نخواهد بود.»

او با تکیه بر این استدلال از طلبه‌ها خواست تلاش کنند تا اموری را که مورد رضایت خداوند و سفارش معصومین علیهم‌السلام است و مردم نیز همین‌ها را از این قشر توقع دارند به درستی انجام بدهند. او متذکر شد: «باید در این مسیر از خداوند متعال و اولیای الهی هم کمک بگیریم.» این مرجع تقلید در بخش دیگری از سخنان‌ش با اشاره به تحولات اخیر حوزه‌های علمیه از تلاش‌های حجت‌الاسلام اعرافی قدردانی کرد و گفت: «اینکه حوزه امروز در ابواب فقهی جدید و مسائل مستحدثه در حال برنامه‌ریزی و ورود است، اقدام بسیار ارزشمند و بجایی است، چراکه امروز حوزه بیش از پیش باید پاسخگوی مطالبات دینی مردم باشد.»

آیت‌الله شبیری زنجانی گفت: «طلاب و روحانیون معظم حوزه‌های علمیه علاوه بر تقوایی که دارند باید دو مساله مهم علم و اخلاق را توامان با هم به جلو ببرند و در هر دو به کمال برسند.» آیت‌الله سیدموسی شبیری زنجانی از مراجع تقلید قم در دیدار مدیر حوزه‌های علمیه ضمن تقدیر از تلاش‌های حجت‌الاسلام اعرافی در مدیریت حوزه اظهار داشت: «یکی از مسلمات جامعه این است که رفتار کسانی که لباس روحانیت را بر تن دارند در اعتقادات مردم تاثیر دارد و اگر رفتار این قشر مطابق با فرامین الهی، سنت نبوی و مرضی ملت نباشد، افراد به دین بی‌اعتقاد می‌شوند.»

او ادامه داد: «تا وقتی طلبه معمم نشده ممکن است بگویند این شخص مثل بقیه افراد جامعه یک فرد عادی است، اما وقتی معمم شد در نظر مردم رسماً یک روحانی است و رفتارش مورد توجه آنهاست، در این شرایط مردم از او توقع دارند که هم از نظر تقوی ممتاز باشد و هم از نظر علم و اخلاق یک سر و گردن از بقیه بلندتر باشد.» این مرجع تقلید یادآور شد: «اگر روحانی واجد این شرایط باشد در





## تاریخ و نظریه اجتماعی

### نوذری از دیدگاه‌های برک می‌گوید

حسینعلی نوذری، استاد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی کرج در نشست «تاریخ اجتماعی از منظر پیتر برک»، گفت: «برک در کتاب «تاریخ و نظریه اجتماعی» مفهوم تاریخ اجتماعی را در پیوند نزدیک با تاریخ فرهنگی به کار می‌گیرد. در حوزه فرهنگی آثاری چون تنوعات تاریخ فرهنگی، تاریخ فرهنگی چیست و دو مجموعه مقالات چاپ شده است. من نیز تلاش می‌کنم به این موضوع بپردازم که اساسا تاریخ اجتماعی در پاسخ به چه ضرورت‌هایی صورت گرفته و تاریخ فرهنگی از چه منابع و آبخورهایی تغذیه می‌کند. به صورت کلی تاریخ اجتماعی به حوزه‌هایی می‌پردازد که در حاشیه قرار گرفته و برخی مورخان به آن نپرداخته‌اند.» او با بیان اینکه تاریخ اجتماعی تلاش می‌کند زمینه‌هایی را طرح کند که نقش عوامل حاشیه‌ای و کم‌رنگ در ایجاد شرایط و بستر ظهور وقایع بزرگ تاریخی عیان شود، یادآور شد: «تاریخ اجتماعی به مباحثی می‌پردازد که محل اعتنا نیست اما نقش‌شان در وقوع وقایع بزرگ غیرقابل اعتناست. در گذشته همکاری بین تاریخ و علوم اجتماعی محل توجه نبوده و هرکدام از رشته‌ها خود را بی‌نیاز از رشته‌های دیگر می‌دانسته اما همان گونه که برک در کتابش تأکید می‌کند امروز ضرورت همگرایی علوم اجتماعی و تاریخ احساس می‌شود.» استاد علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج خاطر نشان کرد: «مفهوم تحول اجتماعی در حوزه مطالعات جامعه‌شناختی

در حکم نوعی استعاره بود اما در حوزه تاریخ اجتماعی نیز بنا به آنچه پیتر برک می‌گوید قابل تحلیل است. تلاش برای سیاست‌زدایی از تاریخ اجتماعی از دهه ۸۰ به بعد راه به جایی نبرده است. البته باید دقت داشت که تاریخ اجتماعی را چندان هم از جهت‌گیری‌های سیاسی تهی نکنیم چون نه تاریخ اجتماعی، بلکه هیچ تاریخی نمی‌تواند به یکی از ساختارهای اساسی در جامعه که قدرت سیاسی است بی‌توجه باشد.» نوذری گفت: «مساله دیگر این است که تاریخ اجتماعی، تاریخ مردم و قشرهای گوناگون است و باید توجه داشت به دام شوونیسم اجتماعی، فرهنگی و تاریخی نیفتیم. ساختارهای جمعیت‌نگارانه و ساختارهای اجتماعی یکی دیگر از مسائل مورد توجه در تاریخ اجتماعی است. همچنین مطالعات تاریخ اجتماعی تلاش کرده تا زمینه پیدایش بسیاری از جنبش‌های اجتماعی را در جامعه بررسی کند، در حالی که پیش از این تصور می‌شد تنها جامعه‌شناسی قادر است چنین کاری را انجام دهد. حال آنکه توجه به این حوزه‌ها نشان‌دهنده نقشی است که مورخ اجتماعی در پیوند تاریخ با جنبش‌های اجتماعی دارد. تاریخ‌نگاری اجتماعی همسو با رویکردهای پیشین و از سوی دیگر با زاویه‌گیری نسبت به جریان‌های پیشین حرکت کرده، ولی این بدان معنا نیست که رابطه‌اش با گذشته قطع شده، بلکه همواره از منابع گذشته تغذیه کرده است.»



## کسری بودجه دولت؟

انتشار گزیده آمارهای اقتصادی ۶ ماهه نخست امسال نشان می‌دهد وضعیت بودجه‌ای دولت چندان مناسب نیست و در نیمه اول امسال کسری بودجه به رقم ۱۸ هزار میلیارد تومان رسیده و از ۳۶ هزار میلیارد تومان بودجه عمرانی مصوب، تنها هفت هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان آن محقق شد. با این وضعیت به نظر می‌رسد دولت کار سختی برای به پایان رساندن سال جاری در پیش داشته باشد؛ زیرا نه درآمد‌هایش به اندازه کفایت است و نه امکان عمل به وعده‌های خود را دارد. این در شرایطی است که افزایش اختلافات منطقه‌ای و جدال‌های لفظی میان سران دولت‌های حاشیه خلیج فارس و ایران، موجب شده تا بسیاری از کارشناسان وضعیت اقتصادی در نیمه دوم سال جاری را سخت‌تر از نیمه اول پیش‌بینی کنند. براساس گزارش منتشر شده از سوی بانک مرکزی، میزان نقدینگی تا پایان شهریورماه سال جاری ۱۳۸۹ هزار میلیارد تومان اعلام شده است. این رقم نسبت به اسفندماه سال گذشته ۹/۱۰ درصد و نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۳/۸ درصد افزایش داشته است. به طور کلی نقدینگی کشور نسبت به خرداد ۹۲ به طور چشمگیری رو به افزایش بوده و نسبت به رقم ۴۷۲ هزار میلیارد تومانی آن سال سه برابر افزایش را تجربه کرده است. این افزایش در حالی رخ داد که در همین مدت چهار سال و سه ماه نرخ تورم کاهش یافته و تورم کم‌رنگی شده. به نظر می‌رسد دلیل عدم افزایش قیمت‌ها به نرخ تورم بالا در سه ماه نخست دهه ۹۰ بر می‌گردد. همچنین به دلیل عوارض تورم در آن سال‌ها و رسیدن آن به نرخ ۳۵ درصدی در سال ۱۳۹۲ توزیع درآمد در کشور را مختل کرده و به همین دلیل افزایش نقدینگی به دلیل شکاف درآمدی و طبقاتی به تمام بخش‌های جامعه نرسیده و همین امر سبب پایین ماندن سطح تقاضا شده است؛ پایین بودن سطح تقاضا رکود را استمرار می‌بخشد و به همین دلیل برخی باور دارند با آغاز دوره رونق در بخش‌های اصلی اقتصاد مانند مسکن و صنعت، احتمال بازگشت تورم دورقمی بسیار محتمل است. نگرانی بابت افزایش نرخ نقدینگی به همین نکته خلاصه نمی‌شود چرا که سهم پول از کل نقدینگی کشور تنها ۱۶۸ هزار میلیارد تومان است و مابقی یعنی ۱۲۲۱ هزار میلیارد تومان از نقدینگی کشور متعلق به بخش شبه پول است. شبه پول بخش خطرناک نقدینگی است؛ چرا که شبه پول عبارت است از سپرده‌های غیردیداری (مدت‌دار) مانند سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و بلند مدت و حساب‌های پس‌انداز، اوراق قرضه و اسناد خزانه. به بیان دیگر تمام بخش سرمایه‌گذاری‌های پولی که به شکل خودبه‌خودی نرخ سود به آنها تعلق می‌گیرد در این بخش است و اگر تا سال آینده هیچ افزایشی هم در این بخش نباشد، به دلیل نرخ سود ۱۵ درصدی بانک‌ها و نرخ سود حدود ۲۰ درصدی اسناد خزانه، این بخش حداقل رشدی بیش از ۱۵ درصد را تجربه خواهد کرد. مجموع بدیهی بخش دولتی به بانک‌ها نیز با افزایش ۲/۱۶ درصدی نسبت به سال گذشته به ۲۳۷ هزار میلیارد تومان افزایش یافت.

## خریدار شخصی

### داستانی درباره ارتباط با دنیای ارواح

آخرین ساخته الیوبر آسیایس، منتقد و فیلمساز فرانسوی، اگرچه بهترین اثر کارنامه‌اش نیست اما منظره تازه‌ای در برابر چشم تماشاگر از داستان‌هایی با حضور ارواح گشوده است. «خریدار شخصی» (Personal Shopper) داستان برادر و خواهر دوقلویی است که براساس علاقه و توانایی مشترک‌شان در ارتباط با دنیای ارواح و دنیای پس از مرگ و بیماری مشابه و نادر خود با یکدیگر قرار می‌گذارند که هرکدام پس از مرگ برای امکان اثبات ارواح نشانه‌ای از دنیای دیگر برای قل دیگر بفرستد! دختر که خریدار شخصی مدلی مشهور و متمول است، در خانه باد و باران خورده‌ای منتظر نشانه‌ای از روح برادرش است. فیلم، روایتی است فلسفی و غریب از حضور ارواح سرگردان و تأثیرشان بر زندگی دیگران. «خریدار شخصی» فیلم شخصیت است. می‌توان ادعا کرد در زمان نزدیک به دو ساعت، سکانسی در فیلم بدون حضور شخصیت اصلی داستان وجود ندارد. شخصیت‌های دیگر هم با حضورهای مقطعی و نقش‌های کوتاه‌شان مانند اشباحی سرگردان کمتر در خاطر می‌مانند اما برای پیشرفت داستان و نمایان کردن ابعاد مختلف شخصیت



سینما / تئاتر

اصلی مهم و ضروری‌اند. کریستین استوارت بعد از نقش آفرینی تحسین‌شده در نقش مکمل فیلم درخشان «ابرهای سیلس ماریا» که برایش جایزه سزار را به ارمغان آورد، این بار هم در دومین همکاری پی‌درپی با آسیایس در نقش مورین کارترایت (که یک آمریکایی است در پاریس) بازی باورپذیر و پر جزئیاتی از نقشی پیچیده با ریشه‌های روان‌شناسانه ارائه می‌دهد و قدرتمندانه فیلم را از آن خود می‌کند. در این تریلر معمایی که اندکی کشدار روایت می‌شود، با اینکه پلات فیلمنامه در شروع از عناصری از فیلم‌های ترسناک بهره برده اما در توالی رخدادها با تلاش برای برهم زدن مولفه‌های ژانر تبدیل می‌شود به تجربه‌ای رادیکال در همراه کردن تماشاگر با شخصیت اصلی و دنیای خاص و غریبی که حول محورش شکل گرفته است. داستان به تدریج به طریقی ظریف با تمرکز بر حساسیت‌های زندگی مورین در نقش خریدار شخصی مدلی مشهور و متمول از فضای ترس و دلهره فیلم‌های مشابه با حضور ارواح فاصله می‌گیرد و با راه یافتن به خلوت‌ها و ترس‌های ممنوعه قهرمان فیلم و ارتباط عجیب و نزدیکی که با ارواح دارد درامی پر تعلیق بنا می‌کند.



## علم نوپدید

### فلسفه عرفان از زایش های اسمی غربی

کیاشمشکی گفت: «اصل چستی فلسفه عرفان و اینکه معرفت و دریافت های عرفانی جنبه شناختی دارد یا خیر یا با چه ابزاری می توان دریافت های معرفتی شناختی را تبیین کرد در این عرصه باید بحث شود.» او همچنین گفت: «در عرصه چستی فلسفه عرفان باید گفت فلسفه در غرب با فلسفه اسلامی یک تفاوت گوهرین و بسیار مهم دارد؛ به خصوص با مطرح شدن مباحثی چون اصالت وجود از سوی صدرالمتألهین تفاوت اندیشه اسلامی با غربی مشهودتر شد.» استاد فلسفه و حکمت اسلامی یادآور شد: «در اینجا باید دو فلسفه عرفان غربی و اسلامی را برابر با سنت فلسفه تعریف کنیم؛ تعریف فلسفه عرفان در مفهوم غربی قابل نگرش است زیرا لفظ فلسفه عرفان از زایش های اسمی غربی است.» او با اشاره به دیدگاه های ابن سینا، سهروردی و ملاصدرا ادامه داد: «در غرب، ماجرا کاملاً متفاوت است و تحولاتی که در ماهیت فلسفه رخ داده داستان را عوض می کند؛ پس از کانت روح فلسفه در غرب متحول شد که به سمت معرفت شناسی رفت زیرا پیش از کانت وجودشناختی مرسوم بود.» کیاشمشکی گفت: «رسالت فلسفه و غایت و مباحث فلسفه تحت تأثیر چرخش های متوالی در غرب قرار گرفت و بالطبع ماهیت فلسفه های مضاف نیز تغییر کرد.» او همچنین گفت: «فرق بین علم و فلسفه در غرب در نوع پرسش هایی است که مربوط به ظاهر ماهیت یا وجه تجربه پذیر ماهیت است؛ زمانی که فلسفه عرفان از روانشناسی عرفان متمایز می شود باز هم از حیث ماهیتی آن را تغییر نمی دهند.»

حجت الاسلام محمد مهدی گرجیان در دومین پیش نشست همایش ملی فلسفه عرفان با موضوع درآمدی بر فلسفه عرفان در مدرسه عالی امام خمینی (ره) در قم گفت: «فلسفه عرفان علمی نوپا است و باید کارهای جدیدی در این زمینه انجام شود.» او با بیان اینکه فلسفه عرفان به عنوان علمی نوپدید اذهان بسیاری پژوهشگران و اساتید را به خود متوجه کرده است، گفت: «فلسفه عرفان نگاه درجه دومی به یک علم است؛ این بحث را می توان از زوایای مختلفی مورد توجه قرار داد؛ یکی از این موارد حجیت آموزه های عرفانی است.» عضو هیات علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع) ادامه داد: «عده ای بیان کرده اند که حدود ثمانیه عرفان را فلسفه عرفان گویند و برخی دیگر نیز نگاه فیلسوفانه به عرفان را فلسفه عرفان گویند؛ برخی دیگر نیز ارزیابی مبانی و زیرساخت ها و یا نگاه کلی و بیرون نگر و فراگیر را فلسفه عرفان می نامند.» او یادآور شد: «ساختار فلسفه عرفان نیز بسیار مهم است و مباحثی جسته و گریخته بسیاری در این عرصه وجود دارد که باید به بحث ساختاری در عرصه فلسفه عرفان پرداخت؛ افزون بر اینکه در عرصه غایت، ماهیت و ظرفیت فلسفه عرفان قابل بحث است باید آن را در مسائل دیگر نیز جست و جو کرد.»

گرجیان گفت: «مفهوم شناسی، قلمرو عرفان، معناشناسی، تناقض نماهای داخل در مبانی عرفانی، ساخت گرای، جاودان گرایی، ارزش کشف و شهود عرفانی، معرفت عرفانی و وحی، اثبات پذیری و جایگاه معرفت شهودی در بحث فلسفه عرفان مورد بحث قرار می گیرد.» در ادامه این نشست حجت الاسلام

### خشکسالی مرگ آفرین

کم آبی و خشکسالی در ایران پدیده جدیدی نیست. بخش زیادی از مرکز، شرق، جنوب و جنوب شرقی فلات نیمه خشک ایران میانگین بارش سالانه اندکی دارد و بخش های دیگری مانند خطه زاگرس در غرب کشور و خطه سبز شمال هم که به نسبت از وضعیت بارشی بهتری برخوردارند، از تبعات و بحران های کم آبی و کم بارشی در امان نمانده اند. از استان های زاگرسی و بلوط خیز کردستان و کرمانشاه تا ایلام، لرستان، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد به دلیل همین مشکلات زیست محیطی و تغییرات اقلیمی سبک زندگی و کار جمعیت زیادی از کشور دستخوش تغییر یا آسیب شده است. به عنوان مثال، کشاورزان زیادی در منطقه شرقی استان اصفهان که صدها سال کار اصلی آبا و اجدادشان کشاورزی بوده، پس از خشک و کم آب شدن زاینده رود، مجبور به تغییر شیوه و سبک زندگی خود شده اند. می توان این گونه انتظار داشت که همین تغییرات نیز منجر به بروز برخی اختلالات روحی، روانی و جسمی در وضعیت سلامتی آنها شده باشد. در نمونه ای دیگر، در سال های گذشته و همراه با تسریع روند خشک شدن دریاچه ارومیه، همواره اخباری درباره افزایش بیماری های تنفسی، ریوی، پوستی و سرطانی در منطقه آذربایجان و دیگر استان های هم جوار به گوش می رسید که این امر موجب شد وزارت بهداشت با اجرای طرحی، تأثیرات خشک شدن این دریاچه را بر افزایش بیماری های کشنده در این منطقه بررسی کند. در سال های اخیر که موضوع محیط زیست و تبعات ناشی از آن به موضوع روز رسانه ها، مردم و حتی مسئولان بدل شده است، بارها و بارها از اثرات خشکسالی و کم آبی و دیگر بحران های زیست محیطی بر زندگی و اقتصاد مناطق آسیب دیده صحبت شده است؛ اما کمتر پیش آمده که موضوع سلامت جسمی و روانی افرادی که در معرض این تغییرات و آسیب ها هستند نیز مورد بررسی قرار گیرد و پیرامون آن پژوهش یا اظهار نظری رسمی شود. مردادماه امسال بود که خبری درباره افزایش خودکشی کشاورزان هندی در پی تشدید خشکسالی منتشر شد؛ براساس این خبر، مقامات محلی هندوستان، خشکسالی، ناتوانی در بازپرداخت وام های بانکی و مشکلات خانوادگی را از مهم ترین علل خودکشی این کشاورزان عنوان کردند. براساس آمار منتشر شده، از ابتدای سال جاری فقط در ایالت مهاراشترای این کشور، ۵۸۰ کشاورز اقدام به خودکشی کرده اند. به جز این، براساس گزارشی که دانشگاه کالیفرنیا منتشر کرده است، در سه دهه گذشته گرما، خشکسالی و سیل باعث خودکشی ۵۹ هزار نفر در هند شده است. بی تردید چنین سرانجامی را برای هر کشور و منطقه دیگری از جهان که با مشکلاتی از این دست مواجه باشد، می توان پیش بینی کرد. زمین همواره خشک و خشک تر می شود و با خشک شدنش همه چیز را با خود خشک و نابود می کند و همه مجبور می شوند خانه و زندگی خود را رها و به اجبار کوچ کنند.

## پیر و عاشق؟

### روزهای آخر زندگی علامه روی آنتن رادیو



پدرش شیخ علی از مدرسین و استادان حوزه علمیه قم و داماد حضرت آیت الله طباطبایی بود. در زمان شهادت محمدحسن، پدرش آیت الله شیخ علی قدوسی بر کرسی دادستان کل انقلاب اسلامی تکیه داشت اما با این وجود، باز هم کمتر کسی متوجه شد که دومین مقام قضایی کشور، عزادار فرزند خویش است. تنها ۸ ماه بعد، آیت الله شیخ علی قدوسی، دادستان کل انقلاب اسلامی توسط منافقین ترور شد و به پسر شهید پیوست. منقول است محمدحسن، در یکی از دفعاتی که از جبهه به دیدار پدرش آمده بود به وی گفت: «من در جبهه ها احساس کردم زمانی که دشمن حمله می کند و ما در محاصره خمپاره های دشمن قرار می گیریم و آن قدر خمپاره به طرف ما شلیک می کنند که گویی از آسمان خمپاره می بارد، آن وقت است که معلوم می شود چه کسی خداپرست است و محدود واقعی کیست.» یکی دیگر از برنامه های تازه تولید شده از سوی رسانه ملی در رابطه با حوزه علمیه، مستند مدرسه فیضیه است. این مستند به کارگردانی عباس صالح مدرسه است و با موضوع بررسی سیر تاریخی تشکیل و فعالیت های مدرسه فیضیه تولید شده است.

نمایش رادیویی «پیر و عاشق» به مناسبت بزرگداشت آیت الله علامه سید محمدحسین طباطبایی روی آنتن رادیو نمایش رفت. «پیر و عاشق» نوشته علی دبیوی ساروی به روزهای آخر زندگی علامه طباطبایی و اعزام نوه وی به جبهه می پردازد. این نمایش با بازی مهرداد میهماندوست، مهرخ افضلی، احمد گنجی، مهرداد عشقیان و عبدالعلی کمالی به تازگی در اداره کل هنرهای نمایشی رادیو تولید شده است.

«پیر و عاشق» به تهیه کنندگی مهتاب امینی، کارگردانی حمید منوچهری، صدابرداری پیروز صدراپی و افکت محمد رضا قبادی فر، صبح چهارشنبه هفته گذشته از رادیو نمایش پخش شد. شاید بسیاری ندانند که محمدحسن قدوسی، از فاتحان لانه جاسوسی آمریکا و یکی از همزمان شهید سید محمدحسین علم الهدی که دوشادوش او در ۱۶ دی ماه ۱۳۵۹ گنجد تا به شهادت رسید و پیکر پاکش زیر تانک های بعثی له شد، نوه دختری مفسر کبیر قرآن صاحب المیزان، آیت الله محمدحسین طباطبایی (رضوان الله تعالی علیه) است. شهید محمدحسن قدوسی دانشجوی رشته جامعه شناسی دانشگاه مشهد بود. او در سال ۱۳۳۶ در قم متولد شد.



## تحول دنیا

آیت الله مجتبیٰ تهرانی

بحار الانوار، جلد ۷۴، صفحه ۱۴۵



روی عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: الدُّنْيَا دُولٌ فَمَا كَانَ لَكَ أَتَاكٌ عَلَيَّ ضَعْفُكَ وَ مَا كَانَ مِنْهَا عَلَيْكَ لَمْ تَدْفَعْهُ بِقُوَّتِكَ وَمِنْ أَنْقَطَعَ رَجَاؤُهُ مِمَّا فَاتَ اسْتِرَاحَ بَدْنُهُ وَمِنْ رَضِيَ بِمَا قَسَمَهُ اللَّهُ قَرَّتْ عَيْنُهُ. (۱) از رسول خدا (ص) منقول است که فرمود: دنیا متحول است و ثبات

و قرار ندارد. آنچه برای تو مقرر شده است به تو خواهد رسید، گرچه در نهایت ضعف و ناتوانی باشی؛ و آنچه به ضرر و زیان تو باشد باز هم به تو خواهد رسید، گرچه در کمال قدرت و نیرومندی باشی و هرگز جلوی آن را نتوانی گرفت. و هر کس امید خود را از آنچه از دست رفته قطع کند، بدنش آسایش خواهد داشت و آن کس که راضی باشد به آنچه خدا روزی او کرده دل و چشمش روشن خواهد شد. شرح حدیث: «الدُّنْيَا دُولٌ». حضرت در ابتدا وضع دنیا را بیان می فرمایند. دنیا در گردش است. یعنی دنیا هیچ گاه برای هیچ کس ثابت نیست. دنیا هیچ ثبوت و قراری برای هیچ کس ندارد. این وضع دنیاست. «فَمَا كَانَ لَكَ أَتَاكٌ عَلَيَّ ضَعْفُكَ». آنچه خدا

تقدیر کرده به تو خواهد رسید گرچه در نهایت ضعف و ناتوانی باشی. چه بسا انسان فکر می کند از نظر امور دنیایی توان به دست آوردن فلان منفعت را ندارد، ولی چون مقدر شده به او خواهد رسید. «وَمَا كَانَ مِنْهَا عَلَيْكَ لَمْ تَدْفَعْهُ بِقُوَّتِكَ» در جایی هم که مواردی به ضرر و زیان تو باشد باز به تو خواهد رسید هر چند در کمال قدرت و نیرومندی باشی؛ هرگز نمی توانی آنها را از خودت دفع کنی. بنابراین، نه می توانی برای خودت جلب منفعت کنی و نه می توانی از خودت دفع ضرر کنی. «وَمِنْ أَنْقَطَعَ رَجَاؤُهُ مِمَّا فَاتَ اسْتِرَاحَ بَدْنُهُ». اگر انسان از چیزهایی که دلش می خواسته به دست بیاورد اما به دست نیآورده قطع امید کند، بدنش راحت می شود. به عبارت ساده ضعف اعصاب نمی گیرد! یعنی در فکر این نباش که ای کاش به دست می آوردم! ای وای فلان چیز از دستم رفت! این افکار و خیالات، باعث فشار عصبی و روحی برای تو می شود. این به نفع توست که به چیزهایی که به آن دست نیافتی امید نبندی. «وَمِنْ رَضِيَ بِمَا قَسَمَهُ اللَّهُ قَرَّتْ عَيْنُهُ». اگر کسی به آنچه خدا داده خشنود باشد، چشمش روشن می شود. چون خدا داده خوشحال هم می شود. هسته مرکزی این جملات چیست؟ این است که خیال نکن تو می توانی کاری انجام بدهی. نافع خداست، ضار هم خداست. اوست که امور را برای تو تقدیر می کند. بی جهت خودت نقشه نکش. اگر نقشه بکشی، خدا به نقشهات ضربه می زند. بنابراین، تو برو به وظایف عمل کن. این چیزها را به او واگذار کن. برو سراغ خودش که سرخ منافع و مضار به دست اوست. این را بدان که تو هیچ کاره ای. او گفته در محدوده شرع بلند شو و به دنبال روزی برو، تو هم بگو چشم! بقیه اش را به او واگذار کن. نفع مال اوست، دفع ضرر هم از اوست. منافع را از او بخواه، از او این را هم بخواه که ضررها را از تو دفع کند. روی خودت، توانت و فکر ت هیچ وقت تکیه نکن. هنگامی هم که او برای تو تدبیر کرد و به دست رسید، آن را که به تو داده قبول کن، خوشحال و راضی شو.



## تلاش برای حفظ مطبوعات کاغذی

روایت معاون مطبوعاتی از وضعیت رسانه ای کشور

هزار نسخه است. تازه نسخه فروش رفته این روزنامه ها رقم پایین تری است. «او یادآور شد: «بر دولت ها فرض است که یارانه ای را به مطبوعات اختصاص بدهند، اگرچه این مقدار خیلی کم است اما سایر ابزار را باید به خدمت گرفت. طی سال های گذشته طرح هایی اجرا شده تا ما در برابر موج از بین رفتن مطبوعات کاغذی متغیر نباشیم و تلاش خودمان را بکنیم. اگرچه این تغییر الگوی مصرف رسانه ای را قبول می کنیم اما کاملاً با افرادی هم رای نباشیم که می گویند دوره مطبوعات کاغذی تمام شده است. در خارج از کشور هم اینگونه نیست.»

معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد گفت: «ما طرح هایی داریم همچون خرید مجلات برگشتی برای اینکه نگذاریم اینها خمیر شوند و مجلات را در اختیار جاهایی که توان خرید مجله ندارند مثل پایانه ها، کتابخانه های روستایی، زندان ها و بیمارستان ها بگذاریم تا در اوقات فراغت به سمت مسیر فرهنگی حرکت کند.»



حسین انتظامی، معاون امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، یکشنبه گذشته میهمان برنامه «چشم شب روشن» بود و با سیدعلی کاشفی خوانساری، کارشناس مجری این برنامه گفت و گو کرد.

انتظامی درباره پیوند خود با مطبوعات گفت: «من مهندسی نفت خوانده ام. یادم هست سال ها پیش که آقای غرضی وزیر نفت بود و در دولت بعدی برای وزارت پست و تلگراف و تلفن آن زمان مطرح شد، یکی از مخالفان ایشان در مجلس گفت من تعجب می کنم کسی که وزیر نفت بوده، حالا بخواهد وزیر پست بشود، الا اینکه بخواهد نامه های مردم را آتش بزند! من هم موقعی که وارد کار مطبوعات شدم، دانشجوی رشته نفت بودم. «او با بیان اینکه خوشبختانه طی این سالیان، کارم همیشه مطبوعات بوده است، درباره مطالعه گفت: «وقتی ما می گویم سرانه مطالعه شامل مطبوعات هم می شود چه بسا، مطبوعات نقطه عزمیت به مطالعه برای خیلی ها باشد. سال ۸۳ که در هیأت نظارت بر مطبوعات نماینده مدیران مسئول شده بودم، برنامه ام این بود که مرتب با مدیران مطبوعات جلساتی داشتم. به آنها گفتم من وکیل شما هستم و شما می دانید من مخالف نشریات زرد هستم؛ بنابراین جهت گیری ام در این هیأت در جهت محدود کردن این نشریات است.»

انتظامی ادامه داد: «اکنون شوربختانه تیراژ روزنامه ها رو به کاهش است و جمع تیراژ روزنامه های کشور که بالغ بر ۱۷۰، ۱۸۰ عنوان است، کمتر از ۸۰۰

## ادبیات

### خانواده موسکات

روایتی از زوال و نابودی یک خانواده

تا ۱۹۴۸ به چاپ رسید و بعد از آن به صورت کتاب و به زبان های ییدیش و انگلیسی منتشر شد. «خانواده موسکات» رمانی است با شخصیت های اصلی و فرعی متعدد و بازه زمانی حدوداً ۳۰ ساله ای را از ۱۹۱۱ تا شروع حمله آلمان به لهستان در جنگ جهانی دوم دربر می گیرد. آن طور که در توضیحات کتاب هم آمده، سینگر در این رمان با تصویری پانورامیک، به یهودیان حسیدی و ارتدکس، ظهور سکولاریسم، فروپاشی سنت های قرن نوزدهمی و... پرداخته است. او در این رمان ضمن روایت سرگذشت شخصیت های خود روش زندگی و سنت های یهودیان ورشو پیش از جنگ جهانی دوم را روایت کرده است. از این رو می توان گفت که سینگر در این رمان هم کیشان و هم وطنان خود را با تمام «سایه روشن های اخلاقی شان» به تصویر کشیده است. چنین است که بسیاری این رمان را به عنوان سندی تاریخی درباره زندگی یهودیان و جوامع اروپای شرقی در نظر گرفته اند. در این رمان می توان بسیاری از آداب و رسوم و سنت های حاکم بر جوامع یهودیان را نظاره کرد و از این حیث «خانواده موسکات» نه فقط به لحاظ ادبی بلکه به دلایل دیگری هم اهمیت زیادی دارد. «خانواده موسکات» روایتی از زوال و نابودی یک خانواده و به عبارت بهتر زوال بسیاری از سنت های یهودیان اروپا در گذر زمان است.

«خبر اینکه رب مشولام موسکات برای سومین بار ازدواج کرده، به سرعت در خیابان های محله یهودی ورشو پیچید. پسران و دختران او، از هر دو همسر اول و دومش، بهت زده شدند. انتظار داشتند پیرمرد برای آزار آنها به هرکاری دست بزند، اما به فکر هیچ کدام نرسیده بود که او دوباره ازدواج کند. عقیده عمومی این بود صاف و ساده - یک بز پیر. بارها و بارها درباره خبر بحث کردند و هر بار به همین نتیجه رسیدند: این کار کوپل بود. کوپل، پیشکار و همه کاره اصلی، برای اربابش زن گرفته بود تا فرزندان موسکات را از حقوق حقه شان محروم کند. در نمازخانه های حسیدی گژیوف، تورادا و گئوینا حتی پیش از اینکه نماز مغرب به پایان برسد همه داستان را می دانستند. وراجی در حدی بود که دعاخوان به سختی می توانست ذکر خود را به آخر برساند.» این بخشی از رمان «خانواده موسکات» آیزاک باشویس سینگر است که مدتی است با ترجمه فریا ارجمند در نشر روزنه به چاپ رسیده است. آیزاک باشویس سینگر از نویسندگان شاخص قرن بیستم است که در سال ۱۹۷۸ برنده نوبل ادبی شد و «خانواده موسکات» از مشهورترین آثار او به شمار می رود. سینگر این رمان را نیز مانند دیگر آثارش به زبان ییدیش نوشت و عجیب آنکه این رمان طولانی اولین بار به شکل پاورقی در فاصله سال های ۱۹۴۵

## دوراهی تعیین کننده

اصلاح طلبان چه راهی را انتخاب خواهند کرد. یا ترجیح می دهند که برای پیشبرد پروژه‌ای که تعریف کرده‌اند از اصلاح طلبی گذشته و به قول برخی چهرهای اصلاح طلب تاکتیک را به استراتژی ترجیح دهند و یا اینکه بر اساس ایدئولوژی ترجیح می دهند حتی به قیمت ریسک کردن و شاید دور ماندن از قدرت برای قدرت گرفتن رقیب از خود هزینه نکنند. به نظر این مساله اکنون بحثی مهم میان اصلاح طلبان است. این بحث سرنوشتی تعیین کننده دارد.



گفت و گوی صادق زیباکلام و محمد قوچانی  
درباره رابطه روحانی با حاکمیت و اصلاح طلبان

# لاریجانی - جهانگیری

## دوقطبی مطلوب روحانی

### برای ۱۴۰۰



داشتم ادله‌اش را بشنوم اما دلیلی ندیدم. یعنی آن چیزی که شنیدم، یکسری نشانه‌هایی است که می‌شود تک‌تک مورد ارزیابی قرار داد و دید اینها چقدر درست است، بعد در کنار هم بگذاریم، به یک تحلیل در جامعه تبدیلیش می‌کنیم. الان آن قدر دیکتاتوری شبکه‌های اجتماعی قوی شده که وقتی یک موضوعی را ۱۰ جا نقل می‌کنند، انگار درست است، در حالی که ممکن است یک موضوعی میلیون‌ها بار تکرار شود و درست هم نباشد. من احساس می‌کنم این روش بحث کردن براساس داده‌های احتمالی درست نیست چون خود آقای دکتر زیبا کلام هم همه‌اش تاکید کردند که «احتمالا این طور باشد»، بعد رسیده‌اند به آن پیش‌بینی و هشدار که درست هم می‌تواند باشد اما این تحلیل خیلی راه‌گشا نیست. نکته دوم اینکه من اشاره کردم و یک چیزهایی را نوشتم. ترجیح می‌دهم به جای اینکه کلی صحبت کنم، جزء به جزء صحبت کنم. منطق سیاست «با چپ انقلاب کردن و با راست حکومت کردن»، محصول یک جمع‌بندی از تاریخ حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی است. واقعیتش این است که اگر چپ را به معنای نیروی انتقادی، نیروی روشنفکری و نیروی اپوزیسیون در نظر بگیریم وظیفه‌اش نقد کردن است، خب این یک تعریف حداقلی از چپ است؛ حالا تعاریف مختلف اعم از اقتصادی و جامعه‌شناختی وجود دارد. ارزیابی این است که نیروی چپ، نیروی انتقادی است. هنگام مبارزات انتخاباتی، بیش از آنکه برنامه‌ها را بی‌آورد، نقدها و آسیب‌شناسی‌ها ملاک رای دادن مردم قرار می‌گیرند. اینکه می‌گوئیم با راست حکومت کردن، منظور از این راست، جناح راست نیست چون معلوم نیست که چنین جناحی وجود داشته باشد. منظور آن کسانی هستند که منطبق حکومت کردن و اداره کردن را دارند، یعنی بدنه بوروکراتیک و ساختار. واقعیت امر این است که مردم در این انتخابات یا انتخابات بعدی نه تنها به این درکی که مدنظر شما است رسیده‌اند، بلکه همان ایامی که مردم رفتند و به آقای روحانی از بین آن همه گزینه رای دادند همین مساله بود، یعنی من اتفاقا می‌خواهم بگویم همان مردمی که آقای دکتر به آنها اشاره کردند، چه در نیروهای محروم جامعه و چه در طبقه متوسط جامعه به این درک رسیدند که از میان چند نامزدی که همه آنها مکلا و روشنفکر بودند و همه نیز به این تحلیل رسیده بودند که «مردم دیگر امکان ندارد به روحانی رای دهند» و خود اصولگراها نیز در انتخابات ۹۲ حتی یک نامزد روحانی معرفی نکرده بودند، مردم رفتند و به یک روحانی رای دادند. دوره‌ای تلقی می‌شد آقای هاشمی رای منفی خیلی بالایی دارد؛ آقای دکتر می‌فرمایند دیگر آقای هاشمی زنده نیست اما در یک زمانی آقای هاشمی از منظر بخشی از افکار عمومی مظهر همه موضوعات منفی تلقی می‌شد ولی افکار عمومی به آن درک رسید. در ثانی مردم هم می‌دانستند که آقای روحانی اصلاح‌طلب به معنای تشکیلاتی کلمه نیست چون یک نامزد اصلاح‌طلب تشکیلاتی، یک نامزد تکنوکرات اصولگرا و یک نامزد راست‌میان در همان انتخابات وجود داشت، خب چرا مردم به آقای روحانی رای دادند؟ آقای روحانی چه وعده‌ای به آنها داده بود؟ وعده داده بود زن‌ها را وزیر می‌کند؟ وعده داده بود که اهل سنت را وزیر و مدیر می‌کند؟ هیچ کدام اینها نبود. اصلا آقای روحانی خود نظام، بنیانگذار و دبیر شورای امنیت ملی نظام بود. این تحلیل انتخابات ۹۲ بود. در تحلیل انتخابات ۹۶ هم همین وضعیت ادامه و عمق پیدا کرد، یعنی جالب اینجاست که ما یک جریان اصولگرایی داشتیم که رسماً از مارکسیسم اسلامی دفاع می‌کرد، یعنی از فیلمی که ساخته بود، از تبلیغاتی که انجام می‌داد، شعارهایی که بیان می‌کرد؛ اصلاً به آنها نمی‌آمد. مثلاً یک شخصی مثل آقای قالیباف که در قالب‌های

**۱** انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم وقتی به پایان رسید، خیلی از اصلاح‌طلبان انتظار داشتند روحانی در دولت دوم خود با یک کابینه‌ای تمام‌اصلاح‌طلب کار کند اما به تعبیر خیلی از آنها نه تنها کابینه اصلاح‌طلب نشد، بلکه دُز اصولگرایی‌اش نیز بالا رفت. این مساله نه فقط برای اصلاح‌طلبان بلکه برای بخشی از پایگاه رای او قابل فهم و درک نبود. از این حیث تحلیل «چرخش روحانی به سمت راست» مطرح شد. نکته دیگر عملکرد سوال برانگیز فراکسیون امید بود که به رغم وعده‌های رنگینش، نتوانست انتظارات را برآورده کند و یک کار تشکیلاتی قوی را در پارلمان از خود به نمایش بگذارد. علاوه بر دو این موضوع، نوع نگاه محمدعلی نجفی، شهردار تهران در انتصابات نیز مزید بر علت شد که دیگر برخی نیروهای جریان اصلاحات صریح و علنی نسبت به آینده سیاسی این جریان هشدار دهند و بگویند «اگر بخواهیم با این وضعیت پیش برویم در انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات ریاست جمهوری روبه‌رو شدن با شکست، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود». امروز خیلی‌ها وقوع چنین پدیده‌هایی را برآمده از نگاه تکنوکراسی می‌دانند که نه تنها شانس پیروزی را از اصلاح‌طلبان در آوردگاه‌های سیاسی آینده می‌گیرد بلکه هویت جناح اصلاحات را از بین می‌برد. نشریه هفته‌نامه مثلث در موضوع «آینده اصلاح‌طلبان با توجه به عملکرد روحانی، عارف و نجفی» می‌زبان صادق زیباکلام و محمد قوچانی بود و آنها نقطه‌نظرات خود را در این رابطه بیان کردند.

نظر من خیلی مهم بود، هم به اصولگرایان و هم به آقای روحانی هشدار دادم و نوشتم: «اگر واقعا این حدس درست باشد و شما با اصولگرایان وارد یک معامله تجاری پایاپای شده بوده باشید، ببخشید آقای روحانی، هم شما و هم اصولگرایان سخت در اشتباه هستید. هم شما و هم آقای علی لاریجانی و همه آن کسانی که با آنها وارد این شراکت شدید، سخت در اشتباه هستید، برای اینکه اگر شما در زمینه اقتصادی موفق نشوید - که احتمالش خیلی زیاد است چون دست کم من هیچ نوری در انتهای تونل از نظر اقتصادی برای دولت آقای روحانی نمی‌بینم- بازنده فقط شما نیستید، اتفاقا اصولگرایان و آقای علی لاریجانی از شما بازنده‌تر هستند، برای اینکه یک موج گسترده و نیرومند پوپولیسم عین سال ۸۴ حالا شاید با احمدی‌نژاد یا رئیسی به راه خواهد افتاد و دیگر آقای هاشمی فرستجانی نیست که او را سبیل کنیم و بگوئیم او مسئول است، او و خانواده‌اش اشرافی زندگی می‌کنند. این موج و سبیلی که به راه افتد، اتفاقاً اولین جاهایی که می‌کند و با خودش می‌برد، لاریجانی است و ایفای نقش قربانی پوپولیسم نیز به شما می‌افتد که با لاریجانی وارد شراکت شدید بنابراین همه حساب و کتاب‌هایتان غلط از آب در خواهد آمد. این موج شما را با خودش خواهد برد،

**آقای قوچانی! اگر این نگاهی که شما از آن دفاع می‌کنید و می‌گویید «با چپ باید بلند شد و با باید راست نشست» آیا مردم هم به این دیدگاه رسیده‌اند که با اصلاح‌طلبان در این شرایط نمی‌شود در حاکمیت بود و لاجرم باید با طیف آقای لاریجانی بیشتر همکاری کرد؟**

**قوچانی:** فرمایشات دکتر را باید از این منظر نگاه کنیم که درباره آقای روحانی یکسری گمانه‌زنی کردند و بعد یک پیشگویی انجام دادند. الان هم آنچه بیان کردند، دوست

یک بحث بسیار مهمی وجود دارد از بعد انتخابات تا به امروز بعضی از آنهایی که به آقای روحانی رای دادند، می‌گویند که «سر ما کلاه رفته است چون یک چیز دیگر به ما گفتند و آمدم رای دادیم اما نتیجه چیز دیگر شد». اما بعضی‌ها هم می‌گویند که «از اول هم باید همین می‌شد». مثلاً آقای قوچانی دو تا جمله مهم دارد می‌گویند «با چپ باید بلند شد و با راست باید نشست. با چپ باید انقلاب کرد، با راست باید حکومت کرد». در مورد این تفکر خیلی می‌شود حرف زد که «چپ‌ها مردم را پای صندوق رای بیاورند، بعد راست‌ها سر کار بیایند». دقیقاً این همان رفتاری است که ما داریم از آقای روحانی، فراکسیون امید مجلس و آقای نجفی می‌بینیم، فکر می‌کنم این نقطه خوبی باشد که در موردش بحث کنیم که اصلاً بدنه‌ای که آمد و رای داده، بعد با چه رفتاری مواجه شد؟

**زیباکلام:** شاید بیش از هر کس دیگری من وسط مرافعه این بحثی که شما مطرح کردید، بودم. برای اینکه من در جریان انتخابات کار و زندگی‌ام را رها کردم و شهر به شهر و دانشگاه به دانشگاه، ستاد به ستاد برای کمپین آقای روحانی رفتم و حضور یافتم. حالا موفق بود، موفق نبود کاری نداریم اما آقای روحانی ۲۴ میلیون رای آورد و رئیس‌جمهور شد. بعد ما با آقای روحانی ای مواجه شدیم که به نظر می‌رسد که متوقف شده است، یعنی با آن شتابی که در دوران انتخابات و یکی، دو هفته بعد از ۲۹ اردیبهشت راه افتاده بود، به نظر آمد که این حرکت پرشتاب متوقف شد و اصلاً انگار نه انگار این همان روحانی زمان انتخابات است. مثل این می‌ماند که گویا ترمزدستی‌اش کشیده شده باشد. مشخصاً بعد از بازداشت ۲۴ ساعته برادر او یعنی آقای حسین فریدون این اتفاق افتاد. حالا اگر از قبل هم افتاده باشد یا قرار بوده او چنین رویکردی را اتخاذ کند، به هر حال بازداشت ۲۴ ساعته آقای حسین فریدون این را به صورت یک نقطه عطف در آورد. این باعث شد من یک نامه سرگشاده به آقای روحانی نوشتم. نوشتم: «آقای روحانی ۲۴ میلیونی که به شما رای دادند، یک خواسته‌هایی داشتند، مطالباتی داشتند، به نظر می‌رسد که فراموش شده یا شما نمی‌خواهید به این مساله توجه زیادی داشته باشید چون به نظر می‌رسد که شما مهم‌ترین دغدغه‌تان این است که یک طوری حرکت کنید، حرف بزنید و موضع گیری کنید که مدنظر اصولگرایان یا رهبری اصولگرایان باشد». در همان نامه سرگشاده‌ام دو حدس زدم و خطاب به آقای روحانی گفتم: «شاید در جریان بازداشت ۲۴ ساعته آقای حسین فریدون اتفاقی افتاد که شما مجبور شدید این روش را اتخاذ کنید اما بعید به نظر می‌رسد که مساله این باشد. اتفاقی محتمل‌تر این است که یک توافق کلی بین شما و اصولگرایان معتدل و میانه‌رو مثلاً به لیدری علی لاریجانی صورت گرفته که آنها از شما در مجلس خبرگان حمایت کنند». حالا از انتخابات مجلس دو سال دیگر چیزی در نامه سرگشاده‌ام نگفته بودم، ولی گفتم: «چیش کابینه‌ات هم بیشتر باب طبع اصولگرایان بود تا باب طبع اصلاح‌طلبان. آن مطالبات اهل سنت، کردها و زنان هم به طور کل فراموش شد. بعید به نظر می‌رسد آقای روحانی شما اینها را فراموش کرده باشید، بعید به نظر می‌رسد که شما متوجه نشده باشید که چقدر در کردستان به شما رای دادند و امروز ساکنان آن منطقه در انتظار استاندار و فرماندار کرد هستند. چقدر در مناطق اهل سنت به شما نگاه می‌کنند؟ بخواهید یا نخواهید، این به صورت مطالبه مطرح شده است. در آن معامله‌ای که شما با اصولگرایان کردید، قرار است اینها هم کنار گذاشته شوند». در پاراگراف آخر نامه‌ام که به



بسیار عادی و طبیعی پیش رفت، همان طوری که پیش‌بینی می‌شد. یعنی آقای روحانی قبل از انتخابات می‌دانست که این اتفاق می‌افتد و کار خاصی نیز برای این موضوع نکرد، به عبارت دیگر این‌طور نیست که ریش آقای روحانی در گرو چنین مسأله‌ای باشد. این خبر منتشر شد و بازتاب‌هایش هم آمد، یعنی یک نقل قولی که آقای صادق خرازی کرد و گفت که «نزد آقای روحانی بودم و آن لحظه آقای روحانی گفت نظر من نظر قانون است» بنابراین در داستان آقای حسین فریدون هیچ ردپایی از آقای روحانی نیست، هر چیزی که هست، پرونده شخصی آقای حسین فریدون است. اینکه بخواهیم انگیزه و ریشه پیدا کنیم، خب این تحلیل ممکن است برای خیلی از افراد وجود داشته باشد، ولی اگر فکر کنیم که رئیس‌جمهور از یک چنین پدیده‌ای آسیب می‌بیند، به نظر من این حرف، حرف درستی نیست. نکته بعدی در مورد مسأله حضور زنان و اهل سنت در کابینه است، من واقعا سوال می‌کنم؛ آقای خاتمی فاصله‌هایش با آقای ناطق خیلی بیشتر بود و آقای خاتمی در زمانه‌ای که به قدرت رسید، خلاصه توان اجتماعی پشت سرش بیشتر از آقای روحانی بود، اما آقای خاتمی آیا توانست به این نظر عمل کند و زنان یا اهل سنت را وارد کابینه کند؟ واقعا آقای روحانی برای این کار تلاش نکرد؟ من از استادی مثل آقای دکتر زیبا کلام انتظار دارم که به همان اندازه که به مسائل جامعه‌شناسی و اجتماعی توجه می‌کند، به مسائل خود علم سیاست هم توجه کند. در سیاست فقط نیروی اجتماعی نیست که موثر است؛ معادلات و قدرت هم موثر است. به هر حال به خصوص در یک نظام سیاسی مثل نظام ما که همه قدرت در دولت و قوه مجریه نیست، حتی نظر مجموعه حاکمیت ممکن است انجام نشود. شما می‌دانید ما در مسأله‌ای مثل وزارت زنان، نظر منفی رهبری را نداریم. رهبری خیلی مخالفت ذاتی با این مسأله ندارند. اما یک نیروی اجتماعی در حوزه‌های علمیه قم است که وزارت زنان را از جنس ولایت می‌داند که این استدلال قابل بحث و گفت‌وگو است. من وجه شرعی‌اش را نمی‌دانم ولی من فکر می‌کنم می‌شود به لحاظ سیاسی استدلال کرد که آیا وزارت زنان واقعا از جنس ولایت است یا نیست؟ چون آنها ولایت را منحصر به مردان می‌دانند. حالا پروژه‌های مختلفی می‌شود به وجود بیاوریم؛ نواندیشی دینی کنیم، سنت‌گرایی کنیم، مصلحت‌سنجی کنیم. به هر دلیل شما با یک دولتی مواجه هستید که یکی از کارهای مهمی که کرده، جلب اعتماد نهاد روحانیت و حوزه است. الان هم می‌دانیم که نهاد روحانیت در حقیقت پشتوانه خوبی برای اجرای بخشی از برنامه دولت به خصوص در عرصه سیاست خارجی است. در گذشته دولتی‌ها می‌خواستند که یک دفعه یک وزیر زن معرفی کرد؛ بماند که آن وزیر زن چقدر به مسأله زنان توجه داشت ولی به هر حال وزیر زن معرفی کرد و اصلا هم برایش نظر آن بخش از نیروهای حوزه مهم نبود، چون پشتش به جای دیگری از قدرت بند بود و به خاطر اینکه دچار یک توهمی از نیروی اجتماعی شده بود، زمین خورد.

شاید برخی بگویند آقای روحانی باید مستقل از نهاد روحانیت عمل کند. روشنفکران ظاهرا طرفدار آزادی هستند ولی آخرش در ذهن‌شان رویای رفتار رضاخانی دارند که باید یکسری مطالبات را فراتر از ظرفیت اجتماعی، با زور و اراده انجام داد. امروز وزارت زنان، مطالبه خوبی از طبقه متوسط جامعه است اما آیا این قدر ارزش دارد که وقتی در جامعه‌ای بدیهی‌ترین مسائل اقتصادی و اجتماعی حل نشده، یک درگیری بزرگ را در سطح نهادهای اجتماعی برسر این موضوع به وجود آوریم؟ همین را می‌توان در مسأله اهل سنت بیان کرد. من فکر می‌کنم حتی مولوی عبدالحمید انتظار یک چنین چیزی ندارد که دوستان ما دارند. یعنی به هر حال ایشان خیلی

همه احترامی که برای مجموعه اصلاح‌طلبان و اصولگرایان معتدل و دیگران قائل هستم، من فکر می‌کنم که مردم در مورد شخص آقای روحانی به این جمع‌بندی رسیدند، شما این عامل مستقل را اصلا بررسی نمی‌کنید که مردم به یک نامزد راست میانه‌رای دادند. من استفاده از واژه اصولگرا را به شدت پرهیز دارم، چون آقای روحانی هیچ‌وقت اصولگرا نبوده است. واژه اصولگرایی، واژه جدیدی است که برانزده آقای حداد عادل و آقای احمدی‌نژاد ساخته شد. در واقع رئیس فرهنگستان زبان فارسی گشت یک واژه‌ای پیدا کرد که بنیادگرا و محافظه‌کار نباشد و به واژه اصولگرا رسید، نمادش هم احمدی‌نژاد شد، حالا هر چقدر هم احمدی‌نژاد بگوید «من اصولگرا نیستم». بنابراین مجموعه راست‌گرایان را نمی‌شود اصولگرایان گفت. آن موقع آقای روحانی مدت‌ها بود که از این جریان جدا شده بود و در حقیقت دیگر در مجموعه این جریان نمی‌گنجید. خب آقای روحانی به عنوان یک راست میانه همیشه این سابقه را داشت. مردم ما نیز خلاصه به یاد دارند که آقای روحانی در سال‌های بعد از ۸۸ مدت زیادی سکوت کرد، یعنی این جوری نبود که مردم حساب کنند هر کس جنجالی‌تر است، هر کس تندتر است، هر کس را دیکتاتور است، آقای دکتر هر کس افراطی‌تر است، به آن رای دهند. آقای دکتر زیبا کلام در این نامه‌ای که اشاره کردند جمع‌بندی خوبی داشت چون در شبکه‌های اجتماعی حرف‌های بی‌ربط و بی‌اساس خیلی زیاد است. درباره آقای روحانی آنچه به عنوان عصاره شک می‌شود بیان کرد، آقای دکتر زیبا کلام در آن نامه به عنوان یک روایت منسجم بیان کرد. من فکر می‌کنم این روایت را یک بار دیگر مرور کنیم. آقای روحانی پس از انتخابات، یعنی در ایام انتخابات و مجموعه کارهایی که داشت انجام می‌داد، هیچ تغییر اساسی نکرد یعنی آن چیزی که به عنوان المان‌های تغییر صحبت می‌کنند، این محصول همان مسیری است که در طول چهار سال اول ریاست‌جمهوری آقای روحانی طی شد و امروز نیز همان مسیر را دارد ادامه می‌دهد. بحث‌هایی در مورد بازداشت حسین فریدون مطرح می‌شود. حالا من می‌خواهم حدس و گمان‌های آقای دکتر را به خبر نزدیک کنیم تا حدی که من خودم اطلاع دارم این‌طور نبود که آقای روحانی قدیمی برای آقای حسین فریدون برداشته یا حساسیتی برای آقای حسین فریدون نشان داده باشد. خود آقای فریدون هم این را می‌داند، یعنی روال یک روال

مختلفی در انتخابات گذشته ظاهر شده بود. یک زمانی تکنوکرات‌مدن بود، یک زمانی نزدیک به آقای هاشمی بود و اصلا می‌توانست یک بدیلی برای آقای هاشمی و آقای روحانی باشد، آمد و خودش را در یک قامت دیگری قرار داد. خب مردم باز به این درک رسیده‌اند که بروند به شخص آقای روحانی رای بدهند. الان فرض ما بر این است که این رای آقای روحانی ناشی از این بوده که آقای خاتمی یا دیگران از آقای روحانی حمایت کردند. حتما درصد بالایی از این وضعیت محصول اجماع بود که آنها انجام دادند. اما هم در انتخابات ۹۲ و هم در انتخابات ۹۶ آن کسی که در جدال‌های درونی اصلاح‌طلب و میانه‌رو خودش را ثابت و وادار کرد؛ یعنی شما فکر نکنید که در انتخابات ۹۲ آقای روحانی به‌راحتی توانست آقای عارف را کنار بگذارد. آقای روحانی در مناظره‌ها نشان داد که مردی است که می‌تواند بیاید و صحبت کند و پای حرف‌هایش بایستد و یک دیدگاه دارد. این مسأله خود را در نظرسنجی‌ها و فراتر از نظرسنجی در تحلیل‌های محتوایی نشان داد که آقای روحانی خودش را ثابت کرد. در این انتخابات هم همین اتفاق افتاد. فقط یک حمایت و یک تکرار کافی نبود. آقای روحانی از یک جایی از انتخابات نشان داد که اهل مبارزه انتخاباتی است و من اطلاع دارم که دوستان اصلاح‌طلب با برخی از آن ادبیات و صحبت‌ها مخالف بودند و شخص آقای روحانی و فقط شخص آقای روحانی این مسأله را به گونه‌ای پیش برد که این مبارزه انتخاباتی است، البته اصلا تلاش نداشت که تندش کند. الان یک فرضی وجود دارد که آقای روحانی در انتخابات ۹۶ مطالبات را به گونه‌ای دامن زد چون از خودش یک شخصیت رادیکال نشان داد که این شخصیت رادیکال قابل پیش‌بینی نبود، پس این برنده انتخابات شد. اولاً اذعان کردن به اینکه رادیکالیسم موجب برندگی در انتخابات می‌شود، به خصوص در مقابل شخصیت اصولگرایان، برای خود اصولگرایان خوب نیست. ثانیا چه کسی این را شروع کرد؟ یعنی اگر دقت کنید آقای روحانی در این چند مناظره‌ای که برگزار شد، در مناظره‌های اول خیلی عادی برخورد می‌کرد. اصلا من می‌دانم و خبر دارم که آقای روحانی گفته که «من شروع کننده داستان نبودم و شروع کننده داستان کسی دیگر بود و اتفاق فکر داشت، در واکنش به آن وضعیت این اتفاق افتاد». واقعیتش این است که رسیدن به شخص آقای روحانی، محصول یک عمق و دوراندیشی در خود رای دهندگان و مردم است و با





سه‌میه اصلاح‌طلبان در دولت است. بعد کسی را که خود اصلاح‌طلبان خلق کردند، می‌خواهند با او بجنگند و موفق هم نمی‌شوند. دیدار فرماندهان سپاه با روحانی نشان داد که ایشان واقعیت فضای سیاسی کشور را می‌شناسد. الان توجهی که به مقوله ارتش می‌شود، چه در انتخاب وزیر، چه حتی در همین ماجرای زلزله؛ می‌خواهم بگویم استراتژی آقای روحانی توازن قوا است، رسیدن به یک موقعیت متناسب میان دو نیروی اجتماعی که نمی‌توانند همدیگر را حذف کنند. می‌توان برنامه‌های اصلاح‌طلبانه را با نیروهای اصولگرا پیش برد. این همان تعبیر راست و چپی است که اول خدمت شما عرض کردم. اگر از منظر برنامه‌های آقای روحانی، من کاملاً با شما همراهی می‌کنم، اما از نظر کارگزارانش و حرف‌هایش به نظرم نقد درستی نیست.

اگر بخوایم مصداقی بگویم می‌توانم به آقای قوچانی میانه‌رو و به حضرت‌تعالی اصلاح‌طلب بگویم. این تفاوتی است که از سال ۸۸ تا الان به وجود آمده، یعنی سال ۸۸ اگر من می‌خواستم خطاب کنم، هر دو نفر شما بزرگوار را اصلاح‌طلب می‌گفتم اما حالا گرایش یکی مثلاً چپ‌تر و یکی راست‌تر است. در واقع قضایای سال ۸۸ و مناقشه هسته‌ای شکافی در بین خود اصلاح‌طلبان ایجاد کرد. همانطور که در بین اصولگراها و جریان راست این شکاف ایجاد شده و آنها را تبدیل به جریان‌های مختلفی کرده است. با این اوصاف آقای قوچانی می‌گوید در انتخابات ۹۲ و ۹۶ شخص روحانی مهم بود؛ صحبتی که اصلاح‌طلبان غلظت به آن نمی‌دهند و می‌گویند «شخص روحانی هم موثر بود اما اصل کار و اصالت با حمایت آقایان خاتمی، هاشمی و اصلاح‌طلبان است». آقای دکتر زیبا کلام درباره این موضوع دیدگاه شما چیست؟

**زیبا کلام:** من اتفاقاً با همه آن‌چه که آقای قوچانی دارد می‌گوید، موافق هستم، درست دارد می‌گوید. یعنی تمام مدتی که ایشان صحبت کرد، درست می‌گفت. دست کم اگر من با آقای قوچانی موافق هم نباشم، می‌توانم بفهمم که چه دارد می‌گوید. ناراضی هم باشم، مخالف هم که باشم، می‌توانم بفهمم چه دارد می‌گوید. جمهوری اسلامی ایران و کسانی که در آن کشگر هستند در این مجموعه دوره بیشتر ندارند. یکی اینکه کلاً از این نظام دست بشوییم، همچنان که خیلی‌ها دست شسته‌اند و بگوییم این نظام درست‌شدنی نیست، همه این انتخابات هم بازی، سرکاری است و فریب ملت است. از این حرف‌ها

را کردم». اما آقای روحانی نشست به همان آقای فرجی دانا گفت «الان این اتفاق نمی‌تواند برایت بیفتد». برای اولین بار در کشور رسماً اعلام شد که به جز وزرای عضو شورای عالی امنیت ملی، حداقل سه وزیر دیگر باید با نظر رهبری یا استمجاز از ایشان انتخاب شوند. خب آقای خاتمی هم همین کار را می‌کرد، آقای هاشمی هم همین کار را می‌کرد. لیست کابینه اول آقای هاشمی بنا به آنچه در خاطراتش آمد، با توافق کامل بود یعنی با رهبری توافق کردند. من این اتفاق را منفی نمی‌دانم، یعنی من فکر می‌کنم بهترین دوره اداره کشور بین سال ۶۸ تا سال ۷۳ بود که بین رهبر و رئیس‌جمهور در همه عرصه‌ها هماهنگی وجود داشت. یعنی اگر آقای کرباسچی شهردار تهران اگر می‌توانست کاری کند، محصول یک توافق بود. اگر مثلاً آقای وردی‌نژاد خبرگزاری جمهوری اسلامی مقابل کیهان ایستاد، به خاطر این بود که خط مستقیم با دفتر رهبری داشت ولی الان به هر دلیلی در دوره دوم آقای هاشمی، دوره آقای خاتمی و دوره آقای احمدی‌نژاد، سطح کابینه و دولت پایین آمد و اعضا به کارگزاران صرفاً اجرایی تبدیل شدند اما کابینه اول آقای هاشمی بهترین کابینه بعد از انقلاب بود. چون آقای خاتمی، آقای معین، آقای نوری و از آن طرف نیروهای راست‌سستی مثل آقای ولایتی در آن حضور داشتند. این ترکیب کابینه محصول یک توافق بود. خب آقای روحانی همین توافق را به گونه‌ای عمل کرد و رسماً نیز اعلام شد که به نظرم اتفاق مهمی است. ثانیاً بالاتر دید بخش عمده‌ای از این کابینه محصول انتخاب دوستان ما بود. مثلاً در مورد همین آقای وزیر علوم؛ من می‌دانم که یک کارگروهی به ریاست آقای فرجی دانا، عضویت آقای توفیقی و احتمالاً خانیکی و دیگران وجود داشت که مورد به مورد مصادیق را بررسی می‌کردند. یعنی به راحتی آقای روحانی می‌توانست یک نفر از نیروهای راست را وزیر علوم بگذارد و مشکلی با این توافق حل می‌شد؛ مثلاً اگر آقای فرهاد رهبر وزیر علوم می‌شد، ما فقط غرغری می‌کردیم و می‌گفتمین ان شاء الله خیر است اما چرا آقای روحانی این کار را نکرد؟ چرا سعی کرد به یک نقطه دیگر برسد؟ علتش همان است که گفتم. دلیل اینکه با آقای لاریجانی هم کار می‌کند؛ روشن است چون الان مجلس دست آقای لاریجانی است. امروز سه فراکسیون نضف و نیمه در مجلس هستند. فراکسیون امید تندترین حرف‌ها را می‌زند، ولی عمل نمی‌تواند بکند؛ یعنی هم چوب را می‌خورد و هم پیاز را. آقای ربیعی جزو

واقع بین‌تر از بعضی از دوستان ما هستند. همین مساله در مورد حصر نیز صادق است. واقعا چقدر می‌دانیم که آقای روحانی برای رفع حصر کاری نکرده است؟ خب می‌دانیم که آقای روحانی و آقای علی لاریجانی جزو کسانی بودند که در شورای عالی امنیت ملی از حل مساله حصر حمایت و به صورت جدی استدلال کردند، به نتایج خوبی هم رسیدند. این نتایج خوب حتی در این حد بود که ممکن بوده در کوتاه‌مدت حل شود اما به دلیل همان عدم توازن قوا و به دلیل همان وضعیتی که در سطح کلان مملکت وجود دارد، این مساله به تعویق افتاد تا با برنامه‌ریزی درازمدت‌تری انجام شود. ما یک کابینه‌ای داریم که در این کابینه وزیر کشور توانست چهار انتخابات برگزار کند و پیروز انتخابات در مجموع با همه مشکلات، نیروهای معتدل جامعه بودند. آقایان عبدالله نوری، موسوی لاری یا مصطفی تاج‌زاده همه جزو دوستان ما هستند و احتمالاً اگر الان به ما بگویند ایده‌آلتان برای تصدی وزارت کشور چیست. ما یکی از اینها را برای وزارت پیشنهاد دهیم تا انتخابات را برگزار کند. وزیر کشور آقای روحانی انتخابات را برگزار کرد که رئیس مجلس خبرگان و نظریه‌پرداز جریان اصولگرا به مجلس خبرگان راه پیدا نکرد اما اصولگرایان تحمل کردند و پذیرفتند یا ۳۰ نامزد ناشناخته در تهران برای انتخابات مجلس شورای اسلامی رای آوردند. همین وزیر کشور ماشین‌های مشکوک در نزدیکی تهران را متوقف کرد و گفت من اجازه نمی‌دهم هیچ کس برای جابه‌جایی رای وارد تهران شود. در انتخابات ریاست جمهوری حریف آماده ریاست جمهوری بود. روزنامه‌های کیهان و وطن امروز مسلم و مسلح دو روز قبل تیتیر خود را زده بودند. یعنی اصلاً اوضاع مثل انتخابات سال ۸۰ نبود. در سال ۸۰ پیروزی آقای خاتمی در دور دوم انتخابات معلوم بود، جناح رقیب فقط می‌خواست رای آقای خاتمی را کم کند. تعداد زیادی نامزد را هم وارد عرصه انتخابات کرده بودند اما نه برای آنکه پیروز شوند اما در سال ۹۶ رقیب آمده بود که رئیس‌جمهور شود و کار را تمام کند. وزیر کشور دولت آقای روحانی انتخابات را برگزار کرد و همه نیز نتیجه آن را پذیرفتند. معتقدم ما اصلاح‌طلبان سال ۸۴ بدترین انتخابات را برگزار کردیم چون آقای احمدی‌نژاد با ۷۰۰ هزار رای به مرحله دوم راه پیدا کرد حال آنکه می‌شد انتخابات مرحله دوم بین آقای کربوی و آقای هاشمی برگزار شود، ولی وزارت کشور وقت نتوانست. هفته پیش روزنامه همشهری لیستی از استاندارهای دولت دوازدهم را چاپ کرد؛ در دولت دوم آقای روحانی فقط سه استاندار اصولگرا هستند. بقیه اصلاح‌طلب میانه‌رو و معتدلند. می‌خواهم بگویم آنچه الان وجود دارد، عملکرد آقای روحانی است. حتی الان در موضوع ورود زنان به عرصه‌های عالی مدیریتی، این کار به صورت جدی در وزارتخانه‌ها دارد انجام می‌شود. در بحث اهل سنت نیز باید این اتفاق بیفتد. من حتماً نقد را می‌پذیرم، ولی در بحث ائتلاف با راست میانه، من فکر می‌کنم آقای روحانی کار درست را انجام داد؛ هم ماهیت آقای روحانی و هم ماهیت اداره کشور این است و هم آقای لاریجانی کسی نیست که اسمش را اصولگرایی میانه‌رو بگذاریم. آقای لاریجانی دارد یک کاری در مجلس انجام می‌دهد که به نظر من کار بسیار مهمی است. ما اصلاً نباید برایمان گرایش سیاسی او مهم باشد؛ چون ما با خویشاوندی و فامیلی که نمی‌خواهیم کشور را اداره کنیم. حالا از بین نیروهای ما باشد یا نباشد. دفاع آقای لاریجانی از سپنتا نیکام بهتر از یک اصلاح‌طلب دونبش بود، اگر این اصلاح‌طلب دونبش در آن جایگاه قرار می‌گرفت، چون مساله فقط بیان یک حرف نیست. آقای روحانی می‌توانست آقای فرجی دانا را روز اول به عنوان وزیر علوم معرفی کند، درگیر هم نشود، بعد به مردم بگوید «مردم، من کار خودم

خیلی زیاد به من می گویند که «تا این نظام با این وضعیت وجود داشته باشد، هیچ امیدی به آینده نیست و هیچ کاری نمی شود کرد، یعنی اصلاً بن بست است. شما هم دارید وقتتان را تلف می کنید. آقای زیبا کلام به رغم اینکه استاد دانشگاهی هستی یا نمی فهمی و ناآگاهی، یا خودت را زدی به آن راه، نمی خواهی واقعیت ها را ببینی و قبول کنی چون سوپاپ اطمینان هستی و باید نقش بازی کنی تا مردم را پای صندوق رای بیاوری.» حالا من چرا با آقای قوچانی موافق و هم‌رای هستم؟ چون من با این نگاه که نظام به بن بست رسیده و نباید امیدی به آن بست، موافق نیستم، من معتقدم که آن راه حل نیست، به فرض تغییر به هیچ وجه انتهای تونل باز نمی شود بلکه برعکس، اتفاقاً ما به عقب می رویم. شما اگر از من صادق زیبا کلام بپرسید که به عنوان یک کنشگر سیاسی هدف سیاسی شما چیست؟ عدالت برایت محبوب است؟ دنبال چه هستی؟ چه چیزی را می خواهی به دست بیاوری؟ می گویم خیلی ساده، دموکراسی، آزادی، حاکمیت قانون، انتخابات آزادی و محدودیت قدرت را می خواهم. بعد شاید از من سؤال شود، آیا اینها در کشورهای دیگر تحقق پیدا کرده است؟ می گویم در هند، در نروژ، در فرانسه، در آمریکا و در خیلی جاها تحقق پیدا کرده است. بعد شاید سؤال شود که الان یعنی آبان ۹۶ به دموکراسی در ایران، عربستان، نروژ و هند چه نمره ای می دهی؟ می گویم به عربستان ۶-۷ و به نروژ و هند نمره ۱۶-۱۸ می دهم اما به جمهوری اسلامی نمره قبولی می دهم. منتها این خیلی مهم نیست که من چه نمره ای می دهم، به عنوان کسی که تدریس اصلی اش در دانشگاه، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی معاصر

ایران است می گویم اگر این نظام بر اثر حمله نظامی آمریکا، اسرائیل و عربستان یا علل داخلی تغییر کند، بعد از آن نمره دموکراسی در ایران ۲ و ۳ می شود. این را برای دل خوش کتک آدم ها نمی گویم. چون وقتی در ایران ساختار قدرت فروپاشد، از هر طرف نیروهای گریز از مرکز به راه می افتند. پس اشتباه نکنیم، پس از هر تغییر بزرگی در ماهیت نظام هیچ چیز از این مملکت نمی ماند، حداقل در کوتاه مدت، به عمر من و شما هیچ چیز از این جا باقی نخواهد ماند چون این نظام اگر تغییر کند، هیچ طور نمی توانم تصور کنم که آمریکا، کویت و عربستان ما را رها کنند و بگویند ما همچنان به تمامیت ایران احترام می گذاریم. به همین دلیل است که هیچ چاره ای نداریم الا با تمام وجود این نظام را بپسبیم و نگذاریم تغییر کند، چون اگر تغییر کند، پس رفتیم؛ بنابراین صحبت از اینکه در انتخابات شرکت نکنیم، بگذاریم تغییر کند اشتباه است. من کسانی را می شناسم که سال ۱۳۸۸ آمدند و به آقای محمود احمدی نژاد رای دادند، چون عطف به آن چهار سال ۸۴ تا ۸۸ گفتند «اگر این ریاست جمهوری اش ادامه پیدا کند، خیلی سریع تر این فرآیند اتفاق می افتد». چه شد؟ نظام باقی ماند، فقط ما بدبخت شدیم، آدم ها بدبخت شدند. نظام باقی ماند، یعنی دود سیاست های احمدی نژاد در چشم فرد دهمه ما رفت بنابراین من معتقدم که نظام را باید حفظ کرد. حالا که نظام را باید حفظ کنیم، آیا آقای زیبا کلام با همه چیز موافق هستی؟ خیر، من خیلی خواسته دارم. خب خواسته هایم چگونه باید تحقق پیدا کند؟ آیا به جز صندوق رای وزارت کشور، ما آلترناتیو دیگری داریم؟ خیر، آلترناتیو دیگری نداریم.

بنابراین مجبور هستیم از همین پنجره هایی که من اسمش را گذاشتم «صندوق رای وزارت کشور»، نورمان را بگیریم و بدانیم آینده مان از این پنجره است، اگر یک روزی بخواهیم فرار کنیم، از این پنجره باید فرار کنیم. من اگر در انتخابات دویدم با جان و دل برای آقای روحانی کار کردم اصلاً هیچ تصویری نداشتم که او مهندس مهدی بازرگان یا دکتر محمد مصدق یا نلسون ماندلا است بلکه می دانستم او محافظه کار است؛ آقای روحانی در طول تاریخ زندگی اش که نزدیک ۶۹ سالش است، من فکر نکنم هیچ وقت از آزادیخواه یا طرفدار حقوق زنان و جنبش دانشجویی بوده باشد. یعنی یک آدمی است مثل آقای علی لاریجانی، مثل خیلی از محافظه کاران دیگر، مثل اسدالله بادامچیان، مثل مرحوم عسکروالادی. اینها محافظه کار هستند، محافظه کار یعنی چه؟ یعنی با تغییر و تحول خیلی مزاجشان سازگار نیست. شاید برخی بگویند «پس چرا آنقدر از روحانی طرفداری می کنی، برو از رئیسی طرفداری کن؟ خیر، من دلایلی از روحانی در انتخابات حمایت کردم چون معتقدم با او می توانیم یک گام به جلو برویم اما با رئیسی ما نمی توانستیم به جلو برویم. کمترین دلیلی هم که برای شما می آورم این است که اعضای ستاد آقای رئیسی همه شان احمدی نژادی بودند، بنابراین اگر آقای رئیسی رئیس جمهور می شد، همه احمدی نژادی ها دوباره برمی گشتند و می آمدند و همان داستان های ۸۴ تا ۹۲ دوباره تکرار می شد.

اما این تنها تفاوت آقای رئیسی و آقای روحانی نیست. از آقای روحانی من می توانم انتقاد کنم؛ این خیلی نکته مهمی است. من می توانم با تمام توان از آقای روحانی انتقاد کنم شانس اینکه در نتیجه فشار، روحانی یک گام به جلو بردارد، خیلی زیادتر است تا اینکه همان فشار و انتقاد را به رئیسی وارد کنیم و انتظار داشته باشیم او یک گام به جلو بردارد. پس چرا دارم گله می کنم و نامه سرگشاده می نویسم و می گویم این چه وضعی است؟ برای اینکه آدم های محافظه کار را باید هل داد. رئیسی محافظه کار است، روحانی هم محافظه کار است، منتها روحانی را با هل دادن می توان یک قدم به جلو برد ولی احمدی نژاد را با بولدوزر هم نمی توانستیم یک قدم به جلو ببریم. خیلی از محافظه کاران بودند که با هل دادن جلو رفتند. اکبر هاشمی رفسنجانی از جمله آنها بود که اصلاً مثل فتر به جلو پرید. سید محمد خاتمی و عبدالله نوری نیز همین طور بودند؛ در واقع این قابلیت را داشتند. این واقعیت را باید بپذیریم. گلايه ام از آقای روحانی این است که باید با مردم حرف بزند، مردم فقط یک توده ای نبودند که به نفع او پای صندوق رای آمدند. منتها مشکل اساسی این است که بین روحانی و رده دوم، یک دریا فاصله است. بدبختی بزرگ این است. یک نفر از این کسانی که با روحانی هستند، از سال ۹۲ به این طرف یک نطق درست و حسابی نداشتند. نوبخت، نهاوندیان، ترکان و حسین فریدون کدام شان یک نطق مناسب انجام دادند؟ یعنی همه بار به جلو رفتن دولت بر دوش آقای روحانی است، بالاخره آقای روحانی این ۲۴ میلیون نفر جارختی نبودند که بیایند به شما رای بدهند، خیلی هایشان تحصیل کرده هستند، آقای روحانی نمی خواهی با این ها صحبت کنی؟ آشنا می توانی با این ها صحبت کنی؟ نه. حسین فریدون می تواند صحبت کند؟ نه. نوبخت می تواند صحبت کند؟ نه. نهاوندیان می تواند صحبت کند؟ نه. هیچ کدامشان این رادیکال را ندارند که بیایند با فرهیختگان و با آن ۲۴ میلیون که به آقای روحانی رای دادند، صحبت کنند. آقای روحانی خیلی قشنگ می تواند بیاید و بگوید نه، نمی توانم اهل سنت را در کابینه بیاورم. من نمی توانم اهل سنت و زن به کابینه بیاورم. منتها اینکه آقای روحانی یک طوری رفتار می کند که انگار نشنیده است. این دردآور است.





مورد اطلاع‌رسانی و روابط عمومی آقای روحانی می‌گوید، کاملاً درست است. یعنی بحران رسانه‌ای از روز اول دامنگیر این دولت بود، به دلیل اینکه دولت به این حوزه توجهی نداشت. به دلیل اینکه بوروکراسی زیادی در بخش رسانه‌ای وجود دارد که هم‌دیگر را خنثی می‌کند. روحانی واقعا تنها است. روحانی یک فردی است که بار زیادی از سخنرانی، نطق و صحبت کردن را خودش برعهده بگیرد، در حالی که باید دیگران یعنی مفسرین، محققین، نویسندگان مستقل یا حامی دولت بگویند؛ آقای خاتمی این مشکل را نداشت، آقای خاتمی یک حلقه روشنفکری دور و برش بود که بخشی از آنها این بار را به دوش می‌کشیدند، اما آقای روحانی به هر دلیلی چون این حلقه را ندارد، بار زیادی روی دوش دارد و یک جاهایی که احساس می‌شود این شانه به آن شانه می‌کند، می‌گویند دارد کوتاه می‌آید اما خیلی از این موضوع‌ها را رئیس‌جمهور نمی‌تواند بگوید و نباید بگوید و در شأن رئیس‌جمهور نیست. یعنی مثلاً وقتی ایشان می‌گویند من تحت هیچ فشاری نبودم، خوب این هم درست است و هم غلط. درست است به این معنا که یک تعامل و گفت‌وگویی می‌طلبید اما در شأن رئیس‌جمهور مملکت نیست که مسائل را با افکار عمومی در میان بگذارد. حتی رئیس‌قوه قضائیه و رئیس‌قوه مجریه نباید این کار را بکنند. این را دیگران باید بیایند موشکافی و ادله مثبت و منفی‌اش را بیان کنند. متأسفانه اصلاح‌طلبان این پیوستگی را که ندارند، آنهایی هم که به عنوان نیروهای معتدل شناخته می‌شوند، هیچ کس نمی‌خواهد مسئولیت این کار را برعهده بگیرد و این انتقاد شما کاملاً بجاست و باید از آقای

بود. امروز می‌گویند «آقای روحانی با جامعه روحانیت مبارز دیدار کرد، پس بازگشت به اصلش داشته» این هم جزء همان خبرهاست، در حالی که خبر غلط است. درخواست دیدار از طرف خود جامعه روحانیت بود. در واقع آنها آمدند سمت آقای روحانی و صحبت کردند. نیروهای میانه‌روشان هم آمدند. آقای دکتر زیباکلام و من هر دو جزو جناح سازشکار اصلاح‌طلب هستیم. دوستان مشارکتی که یک زمانی هر دو نفر ما را نقد می‌کردند، البته آقای دکتر را بیشتر، مخصوصاً آن موقع که آقای دکتر زیباکلام از آقای هاشمی حمایت می‌کرد اما آنها امروز دنبال آقای ناطق‌نوری هستند و معتقدند که آقای ناطق‌نوری شخصیت معتدل و معقول است و به درد کشور می‌خورد. آیا این تاکتیکی است؟ هر تاکتیکی در نهایت به یک راهبرد هم تبدیل می‌شود؛ حداقل در طول زمان یاریگری می‌کند. دو نکته دیگر هم عرض کنم. یکی اینکه آقای دکتر باید همین نقش را داشته باشد. ایشان می‌فرمایند «به عنوان یک استاد دانشگاه، به عنوان یک فرد منفرد». من شنیدم که دوستان ما در کارگزاران از ایشان خواهش کردند که در حزب تشریف بیاورند، گفتند «من مستقل باشم، اثرم خیلی بیشتر است». این کاملاً هم روشن است و می‌بینید که ایشان چه اثری در حوزه افکار عمومی دارند؛ چون زاویه دید اصلی‌شان هم همین است که می‌فرمایند؛ اصلاح‌طلبی به معنای دقیق کلمه. به هر حال این موقعیت باید حفظ ولی درست شود. اما واقعیتش این است که این نقدها باید در عرصه افکار عمومی مطرح شود، حتماً پاسخ‌هایی بگیرد و مسئولان هم به خودشان بیایند. مثلاً در مورد حرفی که آقای دکتر در

از ۲۹ اردیبهشت به این‌ور هیچ دانشگاهی نرفتم که با اعتراضات گسترده دانشجویان علیه روحانی روبه‌رو نشده باشم. آخری‌اش بابل یا امل بود. من مقصر را روحانی می‌دانم، نه به خاطر اینکه این اقدامات را نکرده، چون می‌دانستم نمی‌تواند بکند. مگر من بچه‌ام، مگر من در این مملکت زندگی نمی‌کنم، مگر فقط آقای محمد قوچانی در این مملکت زندگی می‌کند؟ من عقلم نمی‌رسد که آقای روحانی نمی‌توانست وزیر زن بیاورد؟ پس دنبال چی هستم؟ دنبال اینکه آقای روحانی نشان دهد که تمایل داشته وزیر زن بیاورد ولی شرایط اجتماعی ما به گونه‌ای است که نمی‌تواند وزیر زن بیاورد. اینکه دوازده برای آن ۲۴ میلیون، برای عواطف و احساسات آن ۲۴ میلیون ارزش قائل نیست، این دردآور است.

**قوچانی:** من و آقای دکتر اصلاً اختلافی در اصل تحلیل نداریم. واقعیتش من قبول ندارم الان یک جناح سومی به اسم معتدلین و میانه‌روها پیدا شده است. من معتقدم که کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران برای دموکراسی به دو جناح سیاسی و فکری نیاز دارد؛ این دو جناح هم اصلاح‌طلب و اصولگرا است. در درون این‌ها فراکسیون‌هایی وجود دارند که هر چند وقت یک بار گفت‌وگو می‌کنند با هم بر آن چپه‌شان می‌شود. یک زمانی در فراکسیون اصولگرایی - که دوست دارند اسمش را بگذارند اصولگرا و ما هم می‌پذیریم، چون هر کسی باید اسمش را خودش بگذارد - جریان راست حاکم بود. یک زمانی هم جریان تندتر بر آنها حاکم است. در اصلاح‌طلبان نیز همین‌طور بود، یک زمانی جریان چپ حاکم بود؛ آقای روحانی واقعا به صورت ماهوی با آقای بادامچیان و راست‌سنی و محافظه‌کار به معنای کلاسیک کلمه تفاوت می‌کند. آقای روحانی به لحاظ رفتارهای سیاسی محافظه‌کار بوده است اما از محافظه‌کار دو تلقی وجود دارد: تلقی عمومی جامعه یعنی ترسو و مخالف تغییر اما تلقی دوم به معنی ترجیح عقل بر جهل است، یعنی آدمی که محاسبه می‌کند و ذره ذره متناسب با تحولات جامعه سعی می‌کند خودش را همراه و هم‌هنگ کند، به راحتی تحولات را نمی‌پذیرد، هیجان‌زده نمی‌شود، چون رادیکالیسم را اگر هیجان‌زده بدانیم، در حقیقت می‌توانیم بگوییم آقای روحانی از همان اول انقلاب از این جنس بود که با احتیاط برخورد می‌کرد، ولی هم‌زمان متوجه عناصر تغییر و تحول در جامعه هم بود، بنابراین هیچ وقت در فراکسیون‌های راست آن موقع هم قرار نمی‌گرفت. الان یک جریان چپی داریم که خیلی طرفدار لیبرالیسم اقتصادی، روابط بین‌الملل، آزادی و غیره است، آقای روحانی این را در دهه ۶۰ داده، یعنی هم در بخش اقتصاد و هم در بحث سیاست خارجی. یکی از اعضای دولت به من می‌گفت «در دولت آقای هاشمی برخی چهره‌های سرشناس جریان چپ موقعی که رابطه ایران با انگلیس داشت برقرار می‌شد مخالف بودند اما چند سال بعد همان‌ها می‌خواستند رابطه با آمریکا را درست کنند». او اعتقاد داشت منطق آقای روحانی منطق حکومت است. آقای روحانی مناصب امنیتی داشت، از جنس امنیت ملی بود، نه امنیت جریان یا گروه. در جناح رقیب هم همین‌طور است، الان وقتی مطالب اقتصادی در دهه ۶۰ در مجله «نور علم»، یک مجله سنتی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را می‌خوانم، احساس می‌کنم که آن حرف‌ها از این حرف‌های دوستان چپ ممتزقی و جلوتر بوده، یا در بحث‌های مربوط به آمریکا، آقای جواد لاریجانی الان از خودش یک آدم رادیکال نشان می‌دهد که من اصلاً درکش نمی‌کنم. اما در گذشته می‌گفت: «با شیطان در قعر جهنم می‌شود مذاکره کرد و هیچ ایرادی ندارد، با آمریکا باید رابطه داشته باشیم». مجله بیان آن زمان را مطالعه کنیم، مجله بیان نماد همان چپ رادیکال آن زمان



دکتر تشکر کرد که بخشی از افکار عمومی را در این جهت منسجم می‌کنند. اما آن چیزی که در اوایل صحبت ایشان بود، آن محور اصلی حرف من بود. مردم چرا به روحانی رای دادند؟ مردم برای این به روحانی رای دادند که ایران در خطر بود. واقعا آن چیزی که ایشان به عنوان خطر تجزیه طلبی راجع بهش صحبت می‌کنند، یک رویش تجزیه طلبی است روی دیگر عدم توجه به حقوق اقوام، اقلیت‌ها و فرهنگ‌ها است. یعنی من می‌گویم هر دو طرف قضیه را باید ببینیم. باز سال ۹۶ این مساله رای آورد. اتفاقا الان مساله فراتر از دموکراسی است. آن ۲۴ میلیونی که شما می‌فرمایید: من نه جزو پوپولیست‌ها هستم نه ستایش کنندگان مطلق مردم باشم و نه ضد مردم هستم، ولی من فکر می‌کنم که ناخودآگاه مردم به یک درک بالایی رسیدند که یک کسی رفت و گفت ما اینقدر سوسپد به شما می‌دهیم؛ روحانی گفت من نمی‌دهم، یا اصلا صحبت خیلی برجسته‌ای نکرد، مردم به اون کسی که یارانه نمی‌داد، رای دادند. یکی اصلا در انتقاد از دولت، گوی سبقت را از هر چه ضد انقلاب است، بود. چون ما الان در اردوگاه اصولگرایی با یک پدیده عجیبی روبه‌رو هستیم که از موضع به اصطلاح خودشان - انقلاب اسلامی - می‌خواهند جمهوری اسلامی را نقد کنند. می‌گویند جمهوری مظهرش آقای هاشمی، آقای روحانی، آقای خاتمی و حتی احمدی نژاد است در حالی که خودشان این را به وجود آوردند، ولی امروز می‌گویند نه؛ از منظر ارزش‌های انقلاب اسلامی می‌خواهیم این جمهوری اسلامی را نقد کنیم؛ این دولت‌ها اشرافیت، فساد، دزدی و بی‌عدالتی دارد. انقلاب اگر هم یک مفهوم قابل دفاعی باشد، می‌گویند فقط انقلاب اسلامی قابل دفاع است که سال ۵۷ رخ داد و آن انقلاب ارزش‌هایش را در این جمهوری اسلامی نشان داد؛ خوب یا بد، هر چه که هست. آقای روحانی مثل آقای احمدی نژاد نیست که همزمان هم اپوزیسیون باشد و هم حاکمیت را داشته باشد. آقای روحانی دارد از یک موقعیتی دفاع می‌کند. این همان محافظه کاری است و به نظر من محافظه کاری مطلوب هم هست. آقای روحانی مثل شما فکر می‌کند در این کشور حزب یا نگرفته، روشنفکرانش درست است محبوب هستند، به دلیل اینکه الان در مسند حکومت نیستند، اما انسجام ندارند. با عرض معذرت شبیه همان اصطلاح گله‌گرگ‌هاست، چون هیچ روشنفکری زیر بار حرف روشنفکر دیگری نمی‌رود. شما در این کشور دو، سه تا نهاد ملی دارید که اگر روزی واقعا موجودیت ایران تهدید شود، هنوز کار می‌کند. یکی‌اش روحانیت است، هنوز یک کسی مثل آقای خاتمی آنقدر قدرت دارد که وقتی به مردم بگوید «بیاید و پای صندوق رای به این لیست رای بدهید»، مردم در تهران می‌روند و رای می‌دهند. همین روشنفکران و نخبگان براساس نظر او رای می‌دهند. بخشی از این برای روشنفکری است، بخشی از این برای سیادت است، بخشی از این برای روحانی بودن است، بخشی از این برای

سنتی بودن است، بخشی از این هم برای سالم‌بودن است. آقای هاشمی که اینقدر علیه‌اش منفی بودند و همه ما نقدش کردیم، در هنگام تشییع جنازه او چه اتفاقی افتاد، از هر جایی آمده بودند. خب این اتفاق عجیبی است. من در مورد سپاه می‌خواهم رک صحبت کنم. یک زمانی تحلیل‌مان این است که سپاه نباید از هیچ حزب سیاسی و انتخاباتی در رقابت‌های انتخاباتی دفاع کند. ولی باید برای حفظ ایرانی که در آن دموکراسی باشد، وجود یک نهاد ملی سراسری ضرورت دارد و باید دست سپاه را هم ببوسیم. آقای روحانی همین حرف را زد. در مقابل ترامپ هم از سپاه دفاع کرد، یعنی آقای خاتمی هم دفاع کرد، آقای هاشمی بود دفاع می‌کرد. می‌خواهم بگویم رسیدن به این نقطه نه محافظه کاری و نه عدول از اصول است بلکه پیوند و محکم کردن یک وحدت محسوب می‌شود، الان شما می‌بینید که واقعا در بحث مربوط به برجام من کاری به کیهان ندارم، کاری به جریان‌های رادیکال ندارم، ولی آن چیزی که وجود دارد، نظام از برجام دفاع کرده است. ممکن است برجام خیلی هم ایراد داشته باشد. واقعا خطر بزرگی که الان نظام را تهدید می‌کند، موجودیت خود ایران است، معتقدم در ایران ما زمانی می‌توانیم با جناح اصولگرا که قابل حذف نیست، به توافق برای اداره کشور برسیم. شاهد بودیم در قضیه سینتانیکنام، آقای ضرغامی آمد صحبت کرد. حالا از لاریجانی من دیگر عبور می‌کنم، چون اصولگرایان لاریجانی را به معنای اصولگرا قبول ندارند. اینکه فکر کنیم حتما آقای لاریجانی رئیس جمهور شود، من خیلی به این بدبین هستم. چون من معتقدم اصلاح‌طلبان از لاریجانی حمایت نمی‌کنند، اصولگرایان هم حمایت نمی‌کنند. ما قرار است اگر پروژه آقای روحانی به اینجا برسد که یک انتخاباتی در سال ۱۴۰۰ برگزار شود که دو گزینه وجود داشته باشد؛ از طرف اصولگرایان آقای لاریجانی بیاید و از طرف اصلاح‌طلبان آقای جهانگیری، این برای کشورمان ایده‌آل است چون ما به نقطه سال ۷۶ برمی‌گردیم که آقای ناطق و آقای خاتمی هر کدام رئیس جمهور می‌شدند، کشور دچار بحران نمی‌شد، یعنی کسی نمی‌آمد بگوید این دولت را منحل کنیم، آن را تعطیل کنیم، این را بگیریم. دو نفرشان ۲۰ درصد اختلاف دیدگاه با همدیگر داشتند. همانطور که در آمریکا این اتفاق می‌افتد. هدف آقای روحانی رسیدن به این نقطه است. البته من خوش‌بین نیستم به اینکه چنین اتفاقی بیفتد، ولی می‌خواهم بگویم آقای روحانی نسبت به آقای لاریجانی می‌خواهد بالاتر برقرار کند. اینکه آقای عارف نمی‌تواند به آقای لاریجانی در مجلس برسد، مشکل خودش است. به هر حال آقای روحانی داشت می‌رفت یزد، آقای عارف را کنار دست خودش نشان داد، از لیست امید هم دفاع کرد؛ اصلا با پایمردی دولت، لیست امید چه در انتخابات مجلس، چه در انتخابات شورای شهر رای آورد. شهرداری آقای نجفی اگر آقای روحانی نبود، اتفاقی نمی‌افتاد. دیگر

این اخبار دقیق پشت صحنه است که آقای روحانی پای شهرداری آقای نجفی ایستاد که وزیر کشورش را مکلف کرد که حکم او را امضا کند. آقای روحانی کار مهمی انجام داد که جناح سومی درست نکرد. می‌خواهد میانه‌روی و اعتدال را به عنوان یک گفتمان در دو جناح مطرح کند که یک گزینه‌اش می‌شود علی لاریجانی. امیدواریم آقای باهنر به این کار کمک کند محقق شود که این گفتمان بر گفتمان پایداری، بر گفتمان ایناگران، در مجموعه اصولگرایی حاکم شود. اگر واقعا گفتمانی مثل آقای جهانگیری شود و گفتمان مثلا اکبر گنجی‌ها حاکم نباشد، به نظر برای کشور رسیدن به یک نقطه تعادل است و این انتقال قدرت هم همان گردش قدرت بین دو جریان است. حالا کشور را هشت سال این اداره کند، هشت سال هم یکی دیگر اداره کند. اینکه همه ما فکر کنیم آقای روحانی پشت سر علی لاریجانی قرار گرفته که رئیس جمهور شود، این طور نیست. آقای روحانی برای خرج کردن از اعتبار سیاسی خودش آدم خسیسی است. اینکه علی لاریجانی بتواند آیت‌الله آملی را قانع کند که در ماجرای سینتانیکنام و کمک کند، خب این یک توفیق است، این کمک کردن به یک گفتمان است. واقعیت امر این است که در کشور ما رسیدن به یک نظام سیاسی دو قطبی معتدل، که کشور هر هشت سال یک بار دچار انقلاب نشود مناسب است تا دوباره برنگردیم به اینکه همه چیز را از نو اختراع کنیم. اگر این محصول سیاسی آقای روحانی باشد، اگر آقای رحمانی فضلی، اگر آقای علوی، اگر آقای سید عباس صالحی از پایگاه اصولگرایی بیایند از آزادی دفاع کنند، این یک توفیق است. مثلا اگر آقای مسجداجمی در مقام وزارت قرار گرفت، چقدر برنامه‌های ایشان می‌توانست تفاوت کند؟ ما با همین معیارها باید نقد کنیم؛ مثلا در بحث زنان من از آقای دکتر زبیا کلام سوال می‌کنم که این نامه را نوشت. چقدر راجع به مبانی فکری و سیاسی‌اش بحث کردید؟ حالا اساتیدی وجود دارند، افرادی وجود دارند. ما بیاییم راجع به این موضوع صحبت کنیم، واقعا با حوزه علمیه یک گفت‌وگو راه بیندازیم. فقهای نواندیش هستند، فقهای سنت‌گرا هستند. یک زمانی است که ما می‌خواهیم صورت مساله را شبیه رضاخان پاک کنیم و بگوییم هر چه شد اصلا مهم نیست، این بحث دیگری می‌شود. این اصلا توفیق نیست. این همان مدرنیسم و ارونه است، همان مدرنیسم آمرانه است. ما باید با آنها گفت‌وگوی جدی کنیم. ایراد این است که آقای خاتمی دوستانی دارد در اطرافش که هر آن چه خسرو کند، شیرین بود. اما آقای روحانی نه خودش به این توجه دارد، نه اطرافیان این جنسی دارد و حتی شاید فکر می‌کند که کارش را خراب می‌کند. سیاستمدار حرفه‌ای از بدنام شدن هم نباید بترسد، اگر در جهت اهدافش باشد. یعنی بعضی‌ها اگر به آن اهداف و برنامه‌ها وفادار باشند، عیب ندارد، در کوتاه‌مدت شاید بدنامی را به جان بخرند، ولی تاریخ در موردش قضاوت خوبی می‌کند. مثل آقای هاشمی. آقای هاشمی الان که ما او را قضاوت می‌کنیم، من نیز جزء منتقدین آقای هاشمی بودم، به این نتیجه رسیدم که او کامیاب‌تر بوده است. خلاصه کلام من و نکته‌ای که می‌خواهم در مورد آقای روحانی به عنوان عصاره بگویم، آقای روحانی دارد یک منشی را در حکمرانی پایه گذاری می‌کند، یک گفتمانی درست می‌کند فراتر از دو جناح. به نظر من اسیر آدم‌هایش شویم، نه اسیر خیلی از این نقدها. اگر امروز آقای ایکسی که من نمی‌دانم ژنتیکی اصلاح طلب شده یا خیر، می‌رفت فلان پست را می‌گرفت، همه‌مان به به و چه چه می‌کردیم؟ اصلا معلوم نیست ملاک اصلاح طلبی چیست. اینکه مثلا من ۲۰ سال بود در جریان چپ بودم، یک روز از دیوار سفارت بالا





بدهم. من معتقدم که اگر روحانی در این چهار سال شکست بخورد، فقط روحانی شکست نخورده؛ کل حاکمیت شکست خورده است. البته در سال ۸۳ این ها هم می گفتند که بعد از خاتمی مردم دیگر نمی آیند و تمام است، اما دیدیم که مردم آمدند و امور ادامه یافت، ضمن اینکه متغیرهای خارجی هم مهم است.

**قوچانی:** اتفاقا متغیرهای خارجی مهم است، به دلیل اینکه من مساله مردم را که آقای دکتر اشاره می کنند، می خواهم عرض کنم که بحث برجام و بحث سیاست خارجی این دفعه مساله نخبگی نبود. سال ۷۶ و سال ۸۰ مردم دموکراسی ای که می گفتند این بود که سخنرانی باشد، دانشگاه باشد، نشریه باشد. الان در مورد آقای روحانی به نظرم نخبگان حتی از این هم عبور کردند. تلگرام که اولاً همه چیز را آزاد کرده است. همه نشریه دارند؛ یعنی الان ایران فردا هم درمی آید، اتحاد ملت هم حزب دارد، نهضت آزادی هم عملا هست. عوام الناس هم فهمیده اند که اگر جنگ شود، نان شان اجر می شود، یعنی مساله سیاست خارجی که مساله ای پیچیده است و باید در دانشکده حقوق و علوم سیاسی تدریس شود، به زبان عامه درآمده است. اگر آقای روحانی شکست بخورد، این دفعه نخبه و عامی، هر دو می دانند که سیاست خارجی ما مشکل پیدا کرده است.

### زمان آقای خاتمی هم می گفتند اگر خاتمی شکست بخورد نظام شکست خورده است.

**زیباکلام:** به چند دلیل امروز با زمان آقای خاتمی فرق می کند. اول آنکه وضع اقتصادی کلان کشور امروز از دوره خاتمی خیلی اسفناک تر است. **قوچانی:** دولت خاتمی صندوق ذخیره ارزی را پر پول تحویل دولت بعد داد.

**زیباکلام:** دوران آقای خاتمی ما چقدر بیکار داشتیم، الان چقدر بیکار داریم؟ حدس زده می شود که ظرف چهار سال آینده سالی یک میلیون نیروی کار وارد بازار کار خواهند شد یعنی هفت میلیون الان بیکار داریم، چهار میلیون هم در این چهار سال خواهیم داشت، آمار بیکاران ۱۱ میلیون نفر می شود. این ها شوخی نیست. دولت پنج میلیون حقوق بگیر دارد؛ اگر متوسط ماهانه دو میلیون حقوق به آنها بدهد، نیم میلیون هم بیمه و پاداش و مزایا به آنها اختصاص دهد، سالی ۱۰۰ هزار میلیارد تومان می شود، هر کسی رئیس جمهور فرقی نمی کند احمدی نژاد، رئیسی یا روحانی باید این حقوق را اختصاص دهد. آن وقت سال گذشته کل بودجه ای که صرف عمران و معمر شد، ۱۵ هزار میلیارد تومان بود. ممکن است ظرف دو، سه ماه آینده دولت آقای روحانی برای حقوق دادن مشکل پیدا کند. این ها در زمان خاتمی نبود. آدم ها کور نیستند. آقای روحانی خیلی با نظام است؛ خاتمی اینقدر با نظام نبود. بنابراین آقای روحانی اگر سقوط کند، به نیروهایی چسبیده که آنها هم با او پایین می آیند اما نظام مدت ها دستش را از خاتمی شسته بود. ▶

چه هستیم؟ اگر یک نیرویی از آسمان ظاهر شود و اصلاح طلبان همه کاره مملکت بشوند، چه کار می خواهند بکنند؟ این را باید توضیح داد چون واژه اصلاح طلبی خیلی مبهم شده است. من به آقای دکتر عارف و کسانی که این کار را می کنند، پیشنهاد کردم که هیچ تعریفی شما نمی توانید بیاورید، بسازید و ایجاد کنید برای اصلاح طلبی به جز دموکراسی خواهی. این چیزهایی که آقای قوچانی دارند در مورد آقای روحانی می گویند، در حقیقت آن روی سکه است که من دارم می گویم. حرف ایشان این است که آقای روحانی دارد می رود به سمت دموکراسی می رود، به سمت آزادی، دارد می رود به سمت حقوق بشر؛ هلش ندهید و بگذارید بپوش بپوش برود. حالا بگوییم اصلاح طلبان دارند نزدیک به روحانی می شوند، بگوییم روحانی دارد به اصلاح طلبان نزدیک می شود، مهم نیست، بلکه یک مساله خیلی مهم تر دارد اتفاق می افتد که هم اصلاح طلبان و هم روحانی بدون اینکه خودشان متوجه باشند، دارند می روند به سمت دموکراسی. این اتفاق مهمی است که دارد می افتد، بنابراین من خیلی نگران اینکه روحانی مثلاً خط سوم شود، نیستم. من هم با آقای قوچانی موافق هستم و اصلاً این چیزها نیست که یک خط سوم به وجود بیاید چون هر خطی به وجود آید، باید بگوید نسبتش با دموکراسی چیست، نسبتش به انتخابات آزاد چیست، نسبتش با شورای نگهبان چیست. اما در خصوص سوال دوم که تکلیف آن ۲۴ میلیون چه می شود؟ ۲۴ میلیون اگر فردا انتخابات شود، ۲۰ میلیون شان نخواهند آمد. این را قطعی بدانید. بنابراین تکلیف آقای قوچانی، تکلیف زیباکلام، تکلیف ما که معتقدیم نظام باید بماند و هیچ گزینه دیگری به جز اینکه همین نظام را اصلاح کنیم و آن را به جلو ببریم نداریم، اینکه باید ظرف چهار سال آینده تمام تلاش مان را به کار ببریم که آن اعتبار اجتماعی که باعث شد آن ۲۴ میلیون ۲۹ اردیبهشت پای صندوق برونند، آن اعتبار را از دست ندهیم. کلاه که سرشان نمی خواهیم بگذاریم و این چیزهایی را که دارم می گویم، برای این نیست که آن ۲۴ میلیون را گول بزنم تا دوباره پای صندوق بیایند؛ نه، واقعا اعتقاد است که باید ببریم به سمت دموکراسی. بنابراین ظرف چهار سال آینده کار دشواری داریم. فقط این سوال مطرح است که آیا ظرف چهار سال آینده آقای روحانی می تواند یک مقداری، یک درصدی از نظر اقتصادی موفق شود یا نه؟ اگر بتواند موفق شود، من صادق زیباکلام در آن حرکتی که باید بکنم تا آن ۲۴ میلیون در سال ۱۴۰۰ پای صندوق بیایند، در جاده صاف حرکت قدم می گذارم یعنی جهت باد به نفع من است اما اگر روحانی در پیشرفت اقتصادی موفق نشود، از آن ۲۴ میلیون، ۲۴ نفرشان هم را نمی توانم پای صندوق ببرم.

**قوچانی:** اگر روحانی شکست بخورد...

**زیباکلام:** آقای قوچانی من مقصود شما را از این سوال نمی فهمم، ولی دوست دارم جوابش را به شما

رفتم، یک روز با بدحجابی برخورد کردم، یک روز گفتم هرچه شرکت خصوصی است باید تعطیل شود، بعد رفتم دانشگاه درس خواندم و آدم تبدیل شدم به اصلاح طلب ولی یکی دیگری که از بازار آزاد دفاع می کرد و می گفت سفارت آمریکا را تسخیر نکنید، نمازخواندن در آن محل غصبی اشکال دارد، می شود جناح راست و همیشه محکوم است. آقای روحانی به لحاظ گفتمانی به نظر بنده اصلاح طلب تر از خیلی از اصلاح طلبان ماست؛ به لحاظ گفتمانی، نه به لحاظ تشکیلاتی. شاخص هایش هم مشخص است. در تفکیک امر نظامی از امر سیاسی، در مدرن تر شدن اقتصاد، در اداره کشور بر اساس نظر بوروکراسی و کارشناسی یعنی چیزی که به عنوان دولت مدرن معنا می گیرد. در مجموع مدرنیزه کردن راست در حقیقت پروژه ای برای اصلاح طلبی است؛ اتفاقی که در چپ افتاده است، اگر به آن وفادار باشد.

**زیباکلام:** آن چه را که شما گفتید، من به این صورت می گویم که برای من صادق زیباکلام که دموکراسی غایت است، بله، با روحانی ما بیشتر به جلو می رویم تا آن نامزدهای دیگری که بودند. حتی معتقدم که اگر امر بین محمدرضا عارف دایر شود، من باز هم به سمت حسن روحانی می روم، نه به خاطر اینکه روحانی از آقای عارف دموکراسی خواهر است؛ نه، اتفاقاً آقای دکتر عارف خیلی دموکراسی خواهر است، ولی نمی تواند گام بردارد در جهت دموکراسی، ولی روحانی می تواند گام بردارد.

### آقای دکتر زیباکلام! اگر فرضیه آقای قوچانی

در مورد غلبه یافتن گرایش جناح راست در اصلاح طلبان را بپذیریم، آیا این حرف ها و این نوع دفاع کردن ها از آقای روحانی که گفتمان اصلاح طلبی مهم است، نه تشکیلات اصلاح طلبان، منجر به استحاله این جریان سیاسی نمی شود؟ اگر تصورات مردم از اصلاحات مساوی شود با همین تعریفی که آقای قوچانی دارد، سرنوشت ۲۴ میلیونی که به آقای روحانی رای دادند برای سال ۱۴۰۰ چه می شود؟ اگر در آن سال انتخابات باز اصلاح طلبان گزینه ای نداشتند و انتخابات بین دو گزینه اصولگرا مثل آقایان قالیباف و لاریجانی یا رئیسی و لاریجانی شد، آیا اصلاح طلبان می توانند این پایگاه رای ۲۴ میلیون را قانع کنند که فرضاً به آقای لاریجانی رای دهند؟ آیا فضا در ۱۴۰۰ اینگونه می ماند؟

**زیباکلام:** در مورد اول که آقای روحانی دارد بپوش بپوش یک گفتمان می شود، پس آن وقت تکلیف اصلاح طلبان چه می شود؟ اتفاقاً شما دست روی نقطه مهمی گذاشته اید، برای اینکه به تدریج آن جریان چپ که ما به عنوان اصلاح طلب می شناسیم، مجبور است بگوید اصلاح طلبی یعنی چه؟ از سال ۷۶ تا الان که سال ۹۶ یک نسل است، یعنی کسی که سال ۷۶ متولد شد الان یک جوان ۲۰ ساله است و در این ۲۰ سال مدام اصلاح طلبان، اصلاح طلبان و اصلاح طلبان شنیده است. الان زمانش رسیده که اصلاح طلبان خود را بازتعریف و پوست اندازی کنند. حدود یک ماه پیش خانم دکتر کولایی یک نامه رسمی به امضای دکتر عارف به من داد و یک سری سوالات در مورد جریان اصلاح طلب در آن بود. من سوالات را که خواندم، دیدم یک بحث خیلی اساسی تر و بنیادی تر مطرح است که در پاسخ آقای دکتر عارف این را برداشتم، نوشتم که آقای دکتر عارف، الان زمان آن رسیده که اصلاح طلبان باید اصلاح طلبی را بازتعریف کنند، برای کسی که امروز ۲۰ سالش است بگویند اصلاح طلبی یعنی چه؟ ما اصلاح طلبان به دنبال







## سرنوشت ۲۴ میلیون رای

در میان اصلاح طلبان خطر سرخوردگی بدنه اجتماعی گوشزد می شود

جدی بر تعریف این رابطه و نسبت دارد، در پیچه ای است برای مسائل چند سال بعد مربوط به آنها و روحانی. اما به تازگی افرادی همچون تاجزاده، کواکبیان و رسولی به این سوال، پاسخ های متفاوتی داشته اند. ایلنا در این باره نوشته است: «مصطفی تاجزاده در واکنش به ادعای برخی تحلیلگران در خصوص گردش به راست رئیس جمهور پس از انتخابات و علت این رویکرد جدید اعلام کرد: «شخصاً با این پیش فرض که روحانی چرخش به راست داشته، مخالفم و معتقدم رئیس جمهوری پس از انتخابات نه تنها چرخش به راست نکرده، بلکه اساساً نمی تواند گردش کند.» همین خبرگزاری در متن مصاحبه دیگری با حسن رسولی، عضو شورای شهر پنجم تهران نوشته است: «رسولی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه برخی از فعالان سیاسی معتقدند آقای روحانی قصد بازگشت به اردوگاه اصولگرایان را دارد، عنوان کرد: «معتقدم یکی از مهم ترین خصوصیات افکار عمومی امروز ایران به برکت توسعه اطلاعات و گسترش رسانه ها، افزایش فهم یا سواد سیاسی است.» او افزوده بود: طی ماه های پس از برگزاری انتخابات، آقای روحانی با هر توجهی که هنوز توضیح نداده اند نسبت به کسانی که برای وی مایه گذاشتند غیر عادلانه برخورد کردند! خبرآنلاین هم در قسمتی از مصاحبه تازه خود با مصطفی کواکبیان به او گفته است: «شاید یک نگاه دیگر هم این باشد که اصولگرایان در تلاش برای تعامل با روحانی هستند، حالا یا استراتژی مقطعی آنهاست یا...» و کواکبیان پاسخ داده

میانرو) در سیاست رسمی ایران با ابتکار اطلاع طلبان بوده است، یا در گذشته ائتلاف نانوشته رئیس دولت اصلاحات، هاشمی، ناطق و الان ائتلاف رئیس دولت اصلاحات، روحانی، ناطق... و سعید شریعتی نیز درباره ائتلاف با روحانی گفت: «ائتلاف اصلاح طلبان و میانه روها برای منزوی کردن جریان تندرو در کشور اتفاق افتاد که در این زمینه موفقیت هایی هم حاصل شد.» به ناگاه از جناح موسوم به اصلاح طلبی صدایی بلند شد که با گفته های اشاره شده تفاوت جدی داشت. صاحب این صدا عبدالله ناصری عضو شورای مشورتی اصلاح طلبان بود که در یادداشتی در روزنامه آفتاب یزد نوشت: «از انتخابات مرحله دوم که ایشان (روحانی) رای بسیار چشمگیری هم آورد و می توان گفت عملاً روحانی با حمایت و سازماندهی تشکیلات اصلاح طلبان به قدرت رسید؛ به نظر می رسد یک مقدار فاصله معناداری را برای خودش به وجود آورده است... من فکر می کنم بیشتر آقای روحانی آینده بعد از چهار سال دوم خود را برنامه ریزی می کند. آقای روحانی چهره ای است که با توجه به مختصات هم که دارد برای حضور در آینده قدرت و سیاست کشور برنامه دارد و کسی است که اگر مخیر شود میان حضور در قدرت سیاسی و یا جامعه مدنی انتخابش گزینه اول خواهد بود.» بیان چنین نظری در زمانی که پس از وقفه ای کوتاه دوباره رابطه و نسبت جناح موسوم به اصلاح طلبان با دکتر روحانی و دولت دوازدهم از موضوعات جدی این جناح شده؛ افزون بر اینکه تاثیر

۲ اوضاع در جناح اصلاح طلب متفاوت تر از همیشه شده است؛ آن هم درست در شرایطی که گمان می شد پیروزی حسن روحانی در انتخابات جای پای آنها را در قدرت رسمی استوارتر از ۴ سال خواهد کرد. اکنون آنها پیش روی خود یک دوگانه تعیین کننده می بینند. اینکه با حسن روحانی که حالا دگرگون شده است باقی بمانند و به قول برخی تصمیم سازان اصلاح طلب پروژه اصلاح طلبان را پیش ببرند یا اینکه به تجویز برخی دیگر از چهره هایشان از او جدا شده و به اصلاح طلبی فکر کنند. هر چه هست حالا یک دوگانه تعیین کننده میان آنها پدید آمده که سرنوشت سرپرستی ۲۴ میلیون رای را در هاله ای از ابهام فرو برده است.

### تشکیک در ائتلاف

مدت کوتاهی پس از اینکه بهزاد نبوی ائتلاف با روحانی را منکر شد و گفت: «تا آنجا که من اطلاع دارم حتی ائتلافی با آقای روحانی صورت نگرفته که ایشان نسبت به مفادش عهدشکنی کرده باشد. علت رای اصلاح طلبان به آقای روحانی، صرفاً به دلیل مصالح کشور و نظام بوده است.» و حمیدرضا جلالی پور و سعید شریعتی، هر دو از جناح موسوم به اصلاح طلب مقابل نبوی ایستادند و جلالی پور نوشت: «روند پیروزی بخش در سه انتخابات گذشته نه وادادگی و نه میان مایگی اصلاح طلبان که شکل گیری ائتلاف نانوشته میانه روها (متشکل از اصلاح طلبان، اعتدالگرایان و اصولگرایان



گفته بود: اینک دولت روحانی به مرحله‌ای رسیده که ناگزیر است با برخی واقعیت‌های تلخ روبه‌رو شود، اگرچه اصلاح‌طلبان همچنان از دولت‌ش حمایت خواهند کرد و اصولگرایان معتدل نیز بیش از گذشته به او نزدیک خواهند شد، نمی‌توان توقع زیادی از آنان داشت. روحانی هرچه به‌سوی آینده گام برمی‌دارد، این اتحادها و ائتلاف‌ها شکننده‌تر می‌شود. این سوال اساسی در حال شکل‌گیری است که آیا روحانی آمادگی تنها ماندن را دارد یا نه؟»

#### حسام‌الدین آشنا مجاهد شنبه

از عبدالله نوری که در اشاره به کابینه دوم روحانی گفته بود: جمله خود ایشان (روحانی) را تکرار می‌کنم که شما نمی‌توانید رای خود را از ۲۴ میلیون نفر بگیرید و حرف آن ۱۶ میلیون نفر را عمل کنید، البته حقوق آنها باید محفوظ باشد. فاصله گرفتن از وعده‌های انتخاباتی قطعا پیام امیدبخشی نسبت به ۲۴ میلیون رای‌دهنده نخواهد داشت. تا عبدالله ناصری، عضو شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان که از کابینه اول روحانی با کنایه ناکارآمد و ناهماهنگ یاد کرده است و تا روزنامه اصلاح‌طلب آفتاب یزد که چندی قبل صراحتاً از این نوشت که «حسام‌الدین آشنا مجاهد شنبه است»! همگی نشانه‌هایی دارند از اتفاقات تازه. همین تازگی‌ها روزنامه اعتماد با تیتراژ یک «چالش تغییر» از موضوع جداسازی حسن روحانی از اصلاح‌طلبان و نزدیکی آن به اصولگرایان سخن گفت، موضوعی که به‌نظر می‌رسد جهت بار کردن هزینه دولت روی دوش اصولگرایان کلید خورده است. این در حالی است که اصلاح‌طلبان چه در انتخابات سال ۹۲ و چه در انتخابات اردیبهشت امسال به‌طور تمام‌قد از حسن روحانی حمایت کردند و حتی برای رای آوردن روحانی از دوپینگ سیاسی بهره‌گیری کرده و یک اصلاح‌طلب را به‌عنوان کاندیدای ضربه‌گیر و پوششی روحانی در عرصه انتخابات به میدان آوردند. کاندیدای اصلاح‌طلبی که نقش خود را به‌خوبی ایفا کرد و اینک در دولت به‌عنوان معاون اول در حال فعالیت است. این روزنامه اصلاح‌طلب در این باره نوشت: «انتقادات بدنه رای روحانی به او از ایام چپش کابینه آغاز شد و در جریان معرفی وزیر علوم به او ج‌خودش رسید. در آن ایام خیلی‌ها گفتند روحانی در انتخابات راهنمای چپ زده اما بعد از انتخاب به سمت راست چرخیده است. معیار آنها مقایسه شعارهای تندوتیز روحانی در سفرهای انتخاباتی‌اش به‌ویژه در هفته آخر تبلیغات ریاست‌جمهوری با نحوه چپش کابینه بود.»

با این اوصاف، دولت روحانی با کمک اصلاح‌طلبان روی کار آمد و باید گفت که اگر این دولت در دور دوم خود از ائتلاف با اصلاح‌طلبان هم عبور کند، فرقی در نتیجه انتخابات سال ۹۶ رخ نمی‌دهد و این اصلاح‌طلبان بوده‌اند که باعث روی کار آمدن دولت روحانی هستند و در هزینه‌های این دولت شریک هستند.

#### فرجام یک ائتلاف، آینده ائتلاف

هرچه هست حالا بحث بر سر این است که اصلاح‌طلبان چه راهی را انتخاب خواهند کرد. یا ترجیح می‌دهند که برای پیشبرد پروژه‌ای که تعریف کرده‌اند از اصلاح‌طلبی گذشته و به قول برخی چهارهای اصلاح‌طلب تاکتیک را به استراتژی ترجیح دهند و یا اینکه بر اساس ایدئولوژی ترجیح می‌دهند حتی به قیمت ریسک کردن و شاید دور ماندن از قدرت برای قدرت گرفتن رقیب از خود هزینه نکنند. به نظر این مساله اکنون بحثی مهم میان اصلاح‌طلبان است. این بحث سرنوشتی تعیین‌کننده دارد.

به سایت جماران گفته بود: قاعدتا اصلاح‌طلبان و رئیس‌جمهوری با هم «مربوط هستند و از همدیگر جدا نمی‌شوند؛ حتی اگر انتقادی هم داشته باشند به صورت دوستانه مطرح می‌کنند.» البته می‌توان نتیجه گرفت که حرفی که صوفی زده است نه تنها به هیچ وجه دوستانه نبوده، بلکه می‌توان از آن با عنوان دودی یاد کرد که از دهانه آتش‌فشان جدایی دولت و اصلاح‌طلبان بلند شده است و فوراً آن را خبر می‌دهد.

#### علوی تبار: ما توجیه‌گر کابینه نیستیم / روزنامه شرق: آیا روحانی آمادگی تنها ماندن را دارد؟

علیرضا علوی تبار، از فعالان اصلاح‌طلب چندی قبل در مصاحبه با روزنامه اعتماد در اشاره به تحلیل خود از کابینه دوم رئیس‌جمهور روحانی گفت: «ما نباید توجیه‌کننده ضعف‌های کابینه باشیم. به خصوص که ممکن است در تعیین معاونانی که لزوماً احتیاج به رای مجلس ندارند اتفاقات ناخوشایندتری هم بیفتد. بنابراین ما در مقام توجیه‌کننده نیستیم.»

شاید در روزگاری نه چندان دور این «اصولگرایان» باشند که همچون اواخر دولت اصلاحات، مجبور به دفاع از رئیس‌جمهور روحانی در مقابل حامیان سابق باشند که بیرحمانه از او عبور کرده‌اند. حمیدرضا جلالی‌پور، اصلاح‌طلب دیگرست که چندی قبل به بهانه کابینه، انتقادات تندی را علیه رئیس‌جمهور روحانی روا داشت و در اشاره به یکی از چهره‌های نزدیک به روحانی (واعظی) گفته بود که او با اصلاح‌طلبان مشکل شخصی دارد.

او در عین حال تصریح کرده بود: «بعید است مشکلات روحانی با نه‌اندیشان، واعظی و آشنا پرسود. گزارش روزنامه اصلاح‌طلب قانون علیه رئیس‌جمهور روحانی هم سروصدای زیادی را ایجاد کرد.»

این رسانه در اشاره به مراسم تحلیف روحانی و سخنان رئیس‌جمهور در این مراسم، از چیزی به نام «توهم روحانی» سخن گفته و نوشته بود: همه می‌دانند که روحانی بی‌شک مدیون پشتیبانی و کمک‌هایی است که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به‌ویژه کرد و سبب شد مردم و سایر جریان‌های سیاسی به حمایت از شیخ دیپلمات وارد عرصه شوند. اما گویی خاک، این محبت‌های آیت‌الله را بسیار سرد و روحانی آنها را فراموش کرده است. فرضیه دیگر نیز آن است که گویی روحانی مانند برخی، دچار توهم شده که ۲۴ میلیون رای به دلیل محبوبیت شخص اوست. به نظر، این خیال سبب شده که روحانی به خودمحوری برسد و حتی یادی نیز از بزرگان خود نکند. نمود اصلی این نوع تفکر آقای روحانی را در مراسم تنفیذ و تحلیف مشاهده کردیم. روحانی که مدام در برنامه‌های تبلیغاتی‌اش ذکر هاشمی می‌گفت، در این دو مراسم از زمین و زمان تشکر کرد ولی یاد آن مرحوم نیفتاد.

نمی‌شود به کدهای طلاق سیاسی اصلاح‌طلبان از روحانی حرف زد اما جمله کلیدی و نکته مهمی که روزنامه شرق در سرمقاله خود به آن اشاره کرد چیزی نگفت!

شرق در اشاره به چیزی به نام «تنهایی روحانی»

علیرضا علوی تبار، از فعالان اصلاح‌طلب چندی قبل در مصاحبه با روزنامه اعتماد در اشاره به تحلیل خود از کابینه دوم رئیس‌جمهور روحانی گفت: «ما نباید توجیه‌کننده ضعف‌های کابینه باشیم. به خصوص که ممکن است در تعیین معاونانی که لزوماً احتیاج به رای مجلس ندارند اتفاقات ناخوشایندتری هم بیفتد»



بود: من تصور نمی‌کنم که اصولگراها به این اعتقاد داشته باشند که آنها به سمت حسن روحانی آمده‌اند. در واقع وقتی با اصولگراها صحبت می‌کنیم، معتقدند که آقای روحانی به سمت آنها آمده است. اگر واقعا اصولگراها به سمت روحانی آمده باشند باید غنیمت بشماریم.» خبر آنلاین در ادامه می‌پرسد: «شما فکر می‌کنید این یک تاکتیک موقت است یا برنامه بلندمدتی دارند؟» و پاسخ شنیده بود: «فکر می‌کنم که آقای روحانی، باید به پایگاه رایش را توجه کند. بالاخره همه اصولگراها در جمنام جمع شدند و به آقای رئیسی رای دادند. کدام اصولگرا بوده است که به آقای روحانی رای بدهد. یک نمونه و یک حزب بگویید. در مقابل همه اصلاح‌طلب‌ها یک صد پشت آقای روحانی آمدند و همه به آقای روحانی رای دادند. این پایگاه رای نباید از دست برود، در غیر اینصورت اعتماد مردم از دست می‌رود و در انتخابات بعدی مردم حاضر نمی‌شوند. نه اینکه در انتخابات بعدی مردم به سمت اصولگراها بروند، اصلاً در انتخابات حاضر نخواهند شد.»

#### جدایی چپ‌ها و روحانی؟

«علی صوفی»، عضو شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان به تازگی از بخشی از مصاحبه خود با روزنامه آرمان امروز گفته است: «جریان سیاسی که موجب پیروزی رئیس‌جمهور شده است، هیچ‌گونه وابستگی به روحانی ندارد. جریان اصلاحات به لحاظ سیاسی جریان مستقلی از روحانی است و تنها در دو انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته از روحانی حمایت کرده است، در نتیجه تنها خوش‌عهدی و بدعهدی از روحانی باقی خواهد ماند. اصلاح‌طلبان جریان سیاسی قدرتمندی هستند و مردم نیز به این جریان نظر مثبت نشان داده‌اند.» صحبت‌های صوفی در حالی اظهار شد که چندی قبل از او، موسوی‌لاری، وزیر کشور دولت اصلاحات



## بحران ناکارآمدی و آینده اصلاح طلبان

اوضاع نابسامان جریان اصلاحات در بسیاری مواقع به مدیریت ضعیف بازمی گردد

است. برخی موسپیدان گاف مدیریتی و ضعف افراد را دریافته اند و اوضاع را درک می کنند. مشکل آن است که برونرفت از این فضا از دست افراد موجود بر نمی آید و هر استراتژی برای آینده را با ابهام ناکارآمدی وضع موجود گره زده است. می توان گفت اوضاع امروز اصلاح طلبان مانند همان مثل ایرانی است که می گویند طرف «نه راه پیش دارد و نه راه پس»!

اصلاح طلبان اکنون برای آینده با چند مساله مواجهند. از طرفی کارنامه ای برای مانور سیاسی تبلیغاتی برای ارائه به مردم و جامعه وجود ندارد و از طرفی چهره هایی که بتوانند بدون کارنامه و صرفا براساس شهرت کسب رای کنند بعید است به دلیل اعمال فتنه انگیز سال ۸۸ از سوی شورای نگهبان تایید صلاحیت شوند. راهکار سوخته «تکرار می کنم» اما تنها راه باقی مانده است؛ راهکاری که اکنون جذابیت خود را از دست داده و در وضع موجود هم با سکوئی عجیب نشان داده که قابلیت مدیریت فضای موجود را ندارد. به نظر می رسد تنها مسیر پیش روی اصلاحات تغییر فضای موجود است. آنها تنها مدت کوتاهی فرصت دارند تا از این حالت خارج شوند در حالی که عارف و اعضای امید نیز کاری از دستشان ساخته نیست بنابراین تنها استراتژی نقد است. اصلاح طلبان همانطور که در حدود هفته های اخیر نشان داده اند تلاش می کنند تا منتقد دولت شوند. این تنها چیزی است که فکر کرده اند آنان را کنار مردمی قرار می دهد که به وعده های دولت دلخوش بودند و امروز اتفاقی در زندگی و حل مشکلات خود نمی بینند و سراب برجام نیز چهره واقعی خود را نشان داده است. حال یک نکته باقی می ماند، آیا مردم فراموش می کنند حامی دولت و حسن روحانی چه کسانی بوده اند؟ آیا مردم شعارهای لیست امید را فراموش می کنند؟ آیا مردم عملکرد اصلاح طلبان را در مجلس نادیده می گیرند؟

این سوال هاین بست واقعی است برای جریانی که در کارآمدی باخته و امروز دلخوش به آن است تا چهره منتقد بگیرد و به فراموشی مردم امیدوار باشد. ►

تکرار می کنم از این جمع حمایت کرد نیز اشرافی بر آنان ندارد و این کشتی در تلاطم سیاست غرق گشته و فقدان کارایی لازم برای نقش آفرینی برای حل مشکلات مردم است. در شهرداری نیز گرچه هنوز برای قضاوت زود است اما حاشیه های نجفی بیش از آن است که به کارهای کلان برسد. از بحث استعلام و تاییدش تا کمردرد و مشکلات قلبی همگی در کنار هم باعث شده تا هم اکنون شهرداری در فضای سردرگمی به سر ببرد. اخبار زیرپوستی از وضع مالی شهرداری و فقدان انسجام مدیریتی گرچه هنوز صدای بیرونی ندارد اما به نظر می رسد دیر یا زود صدای آن در خواهد آمد.

### ◀ (ب) فقدان تجربه و تخصص

به نظر مشکل دیگر اصلاح طلبان و جریان امید در شورا به ویژه در مجلس فقدان تجربه است. بسیاری اعضای لیست امید تخصص لازم برای نشستن بر صندلی سبز مجلس را نداشتند و صرفا براساس تصادف و اتفاق وارد شدند. آنکه بزرگ ترین تجربه اش مدیریت مدرسه دخترانه در منطقه ای بوده چگونه می خواهد در تنظیم و وضع قوانین، نظارت بر دستگاه ها یا بودجه تنظیمی و اعمالی نظر دهد یا اثرگذار باشد؟ این مثال نه اینکه تخریب یک فرد باشد بلکه نشانه سطح نمایندگی و فقدان کارآمدی جریانی است که در هیاهوی سیاسی کاری و فضای تبلیغاتی امور مردم را به دست گرفته اما اثری در رفع مشکلات آنان ندارد. امروز کافی است اعضای لیست ۳۰ نفره تهران در مجلس وارد خیابان شوند، آیا بیش از پنج نفر آنان را همین مردم می شناسند؟ واقعا اگر حتی در همین دو سال کنار مردم بودند و هیچ کار دیگری مدنظر نبود حداقل چهره آنان قابل شناسایی می شد. مشکل کارآمدی اصلاح طلبان مشکلی نیست که دیگر با شعار یا تکرار می کنم حل شود گرچه باید سوال کرد او که ضامن لیست و مشوق رای به این جماعت بود الان کجاست و چرا پاسخگوی عملکرد آنان نیست؟ اختلافات رخ داده در شورای سیاست گذاری اصلاح طلبان نیز از همین مسائل و وضع سرچشمه گرفته

◀ امیر ابراهیم رسولی

کارشناس سیاسی



۳ با نگاهی به اوضاع مجلس دهم از یک سو و شورای شهر تهران از سویی دیگر می توان وضعیت سیاسی جریان اصلاح طلب را که با تابلوی امید توانست از مردم تهران رای بگیرد را تحلیل کرد. در کشاکش تایید برجام و آغاز آن لیستی به نام امید توانست در تهران و برخی دیگر از شهرها پیروز شده و به مجلس راه یابد. در مجلس نیز فراکسیونی به همین نام شکل گرفت و عارف رئیس آن شد. مطهری و پزشکیان نیز از همین لیست توانستند به ارکان قدرت در مجلس راه یافته و نواب رئیس شوند. در شورای شهر تهران نیز تقریبا همین روند طی شد تا شورا و شهرداری از آن اصلاح طلبان شود. اما به واقع حداقل دو سال اخیر در مجلس یا ماه های اخیر در شورای شهر چه اتفاقی افتاده است؟ آیا مردم شاهد تغییر یا تحولی بوده اند؟ آیا جز شعار چیزی عاید مردم شده است؟ نگاهی به عوامل ناکارآمدی اصلاح طلبان در این مدت می تواند مردم را در شناخت بیش تر این جریان سیاسی کمک کند.

### ◀ (الف) ضعف مدیریتی

به نظر می رسد اوضاع نابسامان جریان اصلاحات در بسیاری مواقع به مدیریت ضعیف بازمی گردد. عارف به عنوان سرلیست و رئیس فراکسیون نه جایگاه متناسبی در مجلس پیدا کرد و نه به لحاظ استراتژیک پرچم جریانش را توانست علم کند. در بسیاری وقایع از جمله رای اعتماد، ریاست مجلس یا رهبری لیست امید عدم اعتماد به نفس و ضعف قدرت رهبری در وی مشهود بود. با نگاهی به کانال خبری منتسب به جریان عارف بیشترین فعالیت وی صرف کارهای تبلیغی همچون بازدید و پیام تبریک و تسلیت شده و برخی شعارهای تکراری است. همچنین آن که با شعار



# سه ضلعی چالش برانگیز اصلاحات

آیا اصلاح طلبان می توانند راهی برای خروج از بحران بیابند؟

مرتضی بیات

روزنامه نگار

عملکرد مثلث روحانی، عارف و نجفی، در دولت، مجلس و شهرداری رفته رفته در حال رقم زدن آینده سیاسی جریان اصلاحات است. دو دهه از حضور جریان چپ با نام اصلاحات در عرصه سیاسی کشور می گذرد و این جریان با زایش از درون چپ که زمانی پرچمدار تندروی در سپهر سیاست بود وارد فاز جامعه مدنی شد و به قول توماس هابز از وضع طبیعی گذر و به سمت جامعه مدنی و استقرار آن حرکت کرد. اکنون پس از گذشت دو دهه و سیطره این جریان بر سه رکن مهم از قدرت سیاسی کشور ارزیابی عملکردها نشان از سرخوردگی بخشی از اصلاح طلبان دارد. در صورت ادامه این روند قهقراپی باید منتظر بازگشت این جریان به پیشاصلاحات بود.

سرمایه های اجتماعی برای جریان اصلاحات به مثابه چک سفید امضا شده است که هر زمان قابلیت وصول شدن دارد، اما پیش از دو دهه حضور مردمی تضمینی برای تداوم حمایت از اصلاحات نیست. در ادامه به بخشی از چالش های جریان اصلاحات اشاره می کنیم که در رویارویی با طرفداران آنان رادچار سرخوردگی خواهد کرد.

۱- پس از دستیابی اعتدالیون به کرسی ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۲ و از پی آن کسب رای اکثریت لیست امید برای کرسی های مجلس، بارقه ای را برای جریان اصلاحات روشن ساخت که استمرار این روند می تواند در انتخابات ریاست جمهوری و شوراها در سال ۱۳۹۶ تکرار شود؛ اما اکنون پس از پیروزی پی در پی در مجلس و شوراها و راهیابی منتخبان لیست، زمان آن فرا رسیده که ارزیابی عملکرد راه یافتگان به مجلس پیش روی کسانی که در فضای تبلیغات به آنان اقبال نشان داده اند قرار گیرد تا پلی شود برای عبور از انتخابات های بعدی؛ ولی در عالم واقع ارزیابی ها نشان

از آن دارد که فراکسیون امید نسبت به وزنش در ساختار مجلس، قدرت ندارد.

۲- پارلمان شهری پروژه انتخاباتی دیگری بود که جریان اصلاحات با استفاده از دو قطبی سازی جامعه توانست آن را نیز به دست آورد اما چپش لیست شوراها ی شهر همانند لیست امید در مجلس با چراغ خاموش صورت نگرفت. در این دور حذف تعدادی از نیروهای باتجربه و جایگزینی افرادی که هیچ سابقه ای در مدیریت شهری نداشتند برای این جریان هزینه ای به اندازه علنی شدن اعتراضات در رسانه ها به دنبال داشت که از جمله آن می توان به اظهارات احمد حکیمی پور، رئیس فراکسیون اصلاح طلبان شورای چهارم شهر تهران اشاره کرد که گفته بود باید مرز بین اصلاح طلبی، فرصت طلبی و انحصار طلبی در لیست اصلاح طلبان مشخص شود و تاکید کرده بود که متأسفانه شاهد هستیم لیستی برای شورای شهر انتخاب شده که نه تنها مردم را برای حضور در انتخابات تشویق نمی کند، بلکه روی سید رای روحانی نیز تاثیر منفی می گذارد.

۳- «بعضی ها پیروز می شوند یادشان می رود چه کسانی برایشان زحمت کشیدند.» این جمله ای است که بارها در محافل مختلف از زبان برخی فعالان جریان اصلاحات شنیده شده است البته با پسوند «به دنبال سهم خواهی نیستیم». اما چیزی که در عمل ظهور و بروز داشته اعتراضی برای دیده نشدن در تقسیم مناصب، ولی با روکشی از عدم سهم خواهی است که سایه سنگین آن همراه این جریان بوده و از این رو رفتارشناسی سیاسی اصلاحات کنه واقعیت موضوع را برای نظاره گران بیرونی عیان می کند.

۴- پدیده آقازادگی و لزوم کادر سازی در دهه چهارم نظام جمهوری اسلامی از جمله مسائلی است که باید به آن توجه زیادی شود اما به دلیل وابستگی های اجتماعی

اجازه داده نمی شود جز افرادی معدود مسیر پیشرفت را طی کنند و به سطوح کلان مدیریتی دست پیدا کنند. این مشکل در مرتبه دیگر گریبان جریان اصلاحات را گرفته و رسوخ روحیه آقازادگی در میان طیف هایی از این جریان برآیندش سر بر آوردن ژن های خوب از رسانه ها بود که به عنوان یکی از فاکتورهای ریزش سرمایه های اجتماعی برای این جریان می توان برشمرد.

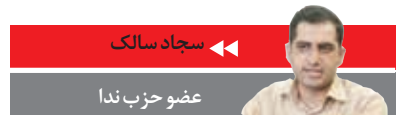
۵- یکی از بزرگ ترین انتقاداتی که به دولت اعتدال مطرح شده سن بالای اعضای کابینه بود که منجر به عدم تحرک و نشاط در دولت می شد. این مشکل به وضوح در بسیاری از وزارتخانه ها نیز قابل مشاهده بود و می توان برخی از مشکلات این وزارتخانه ها را به سن بالای مسئولان این وزارتخانه یعنی وزیر مربوطه نسبت داد اما این معضل در مدیریت کلان کشور به همین جا ختم نمی شود. پس از حضور مدیران سن بالا در دولت، حال شاهد حضور افراد کهنسال در شهرداری تهران هم هستیم. پس از آنکه مرتضی حاجی ۷۰ ساله به عنوان مدیرعامل روزنامه همشهری منصوب شد، سیل انتقادات نسبت به این تصمیم گیری سران اصلاحات از سوی نیروهای جوان اصلاح طلب روانه شد؛ جوانانی که خود را سال هاست پشت چراغ قرمز پیشرفت در این جناح سیاسی می بینند.

بستن مسیرهای پیشرفت برای قشر جوان در میان بزرگان اصلاحات و جلوگیری از گردش نخبه در فضای مدیریتی را می توان از انسداد جریان حیاتی جریان اصلاحات نام برد که فرهنگ پیرسالاری را در مقابل شایسته سالاری و آوازه سازی کرده است. در کنار همه مواردی که در بالا ذکر کردیم از یک سو عاملی برای سرخوردگی سرمایه های اجتماعی این جریان در راستای تداوم آنان در قدرت است و در سوی دیگر عدم عملکرد موفق شهرداری تهران می تواند تمامی راه ها را برای ادامه استمرار این جریان با شکست مواجه کند. ▶



# دوباره لبخند؟ دوباره پیمان؟

عملکرد روحانی و نجفی تعیین کننده است



سجاد سالک

عضو حزب ندا

۵ ماه‌های گذشته شاهد بروز دو نگاه متفاوت در خصوص عملکرد دولت و شهرداری در جمع اصلاح‌طلبان بودیم. تعدادی از چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب همچون یهزاد نبوی و عباس عبدی ضمن حمایت از عملکرد رئیس‌جمهور و شهردار، خواستار دوری از هرگونه سهم‌خواهی شده و در مقابل جمع قابل توجهی از جوانان اصلاح‌طلب و بدنه ستادی فعالان حزبی، از عملکرد حسن روحانی در دولت و محمدعلی نجفی در شهرداری انتقاد کرده‌اند.

در محافل اصلاح‌طلب هم نگاه‌های متفاوتی در خصوص عملکرد روحانی و نجفی دیده می‌شود و همه اینها یک معنای مشخص دارد: «اصلاح‌طلبان فعلا ارزیابی مشخصی در قبال عملکرد دولت و شهرداری نداشته و نمی‌توان جمع‌بندی واحدی از نظر اصلاح‌طلبان به دست آورد.» با این وجود در همین ماه‌های اخیر شاهد یک اتفاق عجیب بودیم و آن اینکه گرچه زمان کوتاهی از دولت دوم روحانی می‌گذرد و نجفی نیز تازه سومین ماه حضور در «بهشت» راسپری می‌کند اما فضای اعتراضات به عملکرد دولت و شهرداری (گرچه فراگیر نیست) اما سمت و سوی تندوتیزی دارد. انگار نه انگار ماه‌های ابتدایی امسال، چه فضای مثبت و امیدوارکننده‌ای در اردوگاه اصلاح‌طلبان حاکم بود و جوانان چگونه می‌خواندند: دوباره لبخند، دوباره پیمان، دوباره ایران... به راستی چه شد که فضای امیدوارکننده جبهه اصلاحات به ناگاه رنگ و بوی اعتراضی گرفت و حالا حتی شاهد بروز برخی سرخوردگی‌ها هستیم؟ برای پاسخ به این پرسش مرور برخی اتفاقات ضروری است:

۱- اصلاح‌طلبان از ابتدا برای تشکیل کابینه‌ای اصلاح‌طلبانه اصراری نداشته‌اند و تمامی حامیان رئیس‌جمهور می‌دانستند که از چهره‌ای اعتدال‌گرا حمایت کرده‌اند. پشتیبانی اصلاح‌طلبان از روحانی برگرفته از ضرورت‌های زمانه بود، در نتیجه همان‌طور که در چهار سال اول دولت روحانی، اصلاح‌طلبان در کابینه نقش پررنگی نداشته‌اند، کاملا مشخص بود که در دولت دوازدهم نیز تاثیر چشمگیری بر روند فعالیت‌های دولت نخواهند داشت.

۲- روابط متقابل اصلاح‌طلبان و روحانی در ایام انتخابات به قدری گسترش پیدا کرد که حامیان چپ‌گرای دولت انتظار داشتند وضعیت اصلاح‌طلبان نسبت به دولت قبل کمی بهتر شود و ویتترین کابینه سیمای تحول‌گراتری پیدا کند. این اتفاق نه تنها نیفتاد، بلکه حتی می‌توان گفت در عمل کابینه کمی محافظه‌کارتر هم شد و بال اصلاح‌طلبی کابینه یعنی اسحاق جهانگیری سقف پرواز کوتاه‌تری نسبت به دولت قبل به دست آورد. در نتیجه بیراه نیست اگر بگوییم آغاز نارضایتی‌ها از دولت به مردادماه امسال و زمان معرفی کابینه برمی‌گردد که وزیران حتی از انتظارات حداقلی اصلاح‌طلبان هم پایین‌تر بودند.

۳- پشتیبانی اصلاح‌طلبان از روحانی برگرفته از ضرورت‌های زمانه بود؛ ضرورت‌هایی که همچنان هم ادامه دارد. باتوجه به اینکه هنوز فضای مطلوبی در عرصه

سیاسی به وجود نیامده قابل پیش‌بینی است که این حمایت تا اطلاع ثانوی ادامه خواهد داشت. در واقع خیلی بعید است در سه سال آینده موضوع قابل مناقشه‌ای حد نارضایتی اصلاح‌طلبان را از حد فعلی بالاتر برود و در نتیجه همین اعتراضات جسته و گریخته اما کنترل شده ادامه خواهد یافت. تنها در صورتی که روحانی نخواهد برای انتخابات بعدی از گزینه اصولگرایی حمایت کند ممکن است در آخرین ماه‌های دولت دوازدهم شاهد افزایش سطح مناقشه باشیم.

۴- با وجود حفظ رویکرد «حمایت مطالبه‌گرا»، ادامه روند فعلی تبعاتی جدی در سطوح مختلف خواهد داشت. به عنوان مثال اگر در طول زمان شاهد جلوه‌های اصلاح‌طلبانه‌ای در دولت نباشیم چهره‌های شاخص این جریان فکری نخواهند توانست پاسخگوی بدنه و نیروهای ستادی و تشکیلاتی اصلاح‌طلب باشند و این نگرانی وجود دارد که فاصله و شکاف بین بدنه اصلاحات با نخبگان و بزرگان این جریان، مشکلاتی را به وجود بیاورد.

۵- از منظر نگاه جناحی و در یک ارزیابی کوتاه‌نظرانه، ناامیدی از چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب به سود اصولگرایان ارزیابی می‌شود و شانس آنها را برای پیروزی در انتخابات افزایش می‌دهد اما عدم تحقق خواست اصلاح‌طلبان از منظر امنیت ملی نگران‌کننده است و با نگاه حافظ منافع ملی باید گفت: به سود نظام سیاسی است که بدنه جوان حامی تغییر از چهره‌های مرجع خود ناامید نشود. چرا که ناامیدی جامعه از اصلاح‌طلبان معلوم نیست عموم مردم را به سوی اصولگرایان هدایت کند، بلکه این خطر محتمل است که افکار عمومی نسبت به هر دو جریان بدبین شده و امید به تغییر را نه در داخل کشور، بلکه در آن سوی آب‌ها جست‌وجو کنند.

اما در نهایت چه خواهد شد؟

اتتلاف اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان یکی از موفق‌ترین اتتلاف‌های سیاسی پس از انقلاب است

و در صورتی که طرفین به الزامات و چارچوب‌های تعیین شده پایبند بمانند این اتتلاف ادامه خواهد یافت. در قضاوت نهایی، نکته مهم کارآمدی و روحیه تحولخواهی است، یعنی اگر ما شاهد عملکرد اصلاح‌طلبانه‌ای از دولت و شهرداری باشیم که چهره‌های غیراصلاح‌طلب در بدنه مدیرانش حضور دارند باز هم رضایت عموم اصلاح‌طلبان فراهم شده و می‌توان از آن دفاع کرد. در هرحال اصلاح‌طلبان به حمایت خود از حسن روحانی همچنان ادامه خواهند داد اما در ماه‌های آینده ضمن حمایت کلی، بر شدت انتقادات و اعتراضات نیز تا حد مشخصی اضافه خواهد شد اما بزرگان این جناح اجازه نمی‌دهند انتقادات شکل تقابل پیدا کند.

در عین حال به نظر می‌رسد اصلی‌ترین چالش در جبهه اصلاح‌طلبان شکاف بین نسلی خواهد بود. نسل قدیم اصلاح‌طلبان به‌رغم بازنشستگی حاضر به ترک کرسی‌های مدیریتی نیستند و فضایی برای رشد نسل جدید اصلاح‌طلبان ایجاد نکرده‌اند. اصلاح‌طلبان بازنشسته همچنین توانسته‌اند بدون ایجاد حساسیت به هیات‌مدیره برخی شرکت‌ها راه پیدا کنند و در نتیجه شاهد اعتراضی از این نسل نخواهیم بود. در عین حال منتشر شدن خبرهایی مبنی بر واگذاری برخی مسئولیت‌ها به فرزندان و مسووبان اصلاح‌طلبان قدیم، فضای منفی و تلخی ایجاد کرده و قابل پیش‌بینی است که نسل دوم اصلاح‌طلبان در سه سال آینده زبان انتقادی در پیش بگیرند اما در این مسیر حمایت نسل اولی‌ها را به دست نیاورند.

در هرحال همه چیز در سه سال آینده به عملکرد روحانی و نجفی گره خورده است. اگر کیفیت خدمت رسانی و کارآمدی در حد قابل قبولی بروز پیدا کند نارضایتی‌های سیاسی مهار شده و مجالی برای عرض اندام پیدا نخواهد کرد اما اگر حاشیه‌های سیاسی با ناکارآمدی توأمان شود، مواجهه غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود. ▶





# ضعف روحانی به نام اصلاح طلبان تمام می شود

گفت و گو با جلال جلالی زاده

باتوجه به این شرایط، آیا اصلاح طلبان از آقای روحانی سرخورده شده اند؟

▲ دسته بندی هایی در بین خود اصلاح طلبان هست. عده ای معتقدند همچنان باید از آقای روحانی حمایت کرد و در شرایط فعلی فاصله، بیشتر نشود. برخی دیگر که به عملکرد آقای روحانی اعتراض دارند. این گروه بیشتر در شهرستان ها هستند. باید ببینیم اصلاح طلبانی که در مرکز هستند و ارتباط کمتری با مردم دارند و بیشتر درگیر تحقق شعارها و اهداف کلی هستند اما اصلاح طلبان در شهرها مستقیم با توده مردم در ارتباط هستند و انتظارات از آقای روحانی برآورده نشده است. برخی از استانداران ارتباط چندانی با مشی آقای روحانی ندارند و اعضای ستادهای تبلیغاتی ایشان را تحویل نمی گیرند. بیشتر طرفداران استانی اصلاح طلبان به عملکرد آقای روحانی، معترض هستند. روسای ستادهای تبلیغاتی آقای روحانی که خودشان هم اصلاح طلب هستند، معترض هستند و انتقادهای شدیدی دارند. حرف شان این است که برای پیروزی آقای روحانی، بسیار تلاش کرده اند ولی ایشان حتی حاضر به ملاقات با اعضای ستادهای استانی شان، نیستند. اگر آقای روحانی ملاقاتی را با فعالین و اعضای ستادهایش ترتیب دهد و از نزدیک مطالبات و نظرات آنها را بشنود، قطعاً یک موج تبلیغ منفی علیه آقای روحانی از بین می رود.

طبق آنچه شما گفتید، شکافی میان اصلاح طلبان در مرکز با اصلاح طلبان در شهرستان ها، ایجاد شده است. مرکز که محافظه کاری پیشه کرده و می گوید باید با روحانی ادامه دهیم و شهرستان ها که پیش رو و مطالبه گر هستند. این شکاف را چگونه ارزیابی می کنید؟

▲ به نظرم اگر آقای روحانی نتواند این مساله را به خوبی جمع کند و نتواند به شعارهای انتخاباتی و وعده هایی که داده است، عمل کند و نتواند دل کسانی



در خصوص ارتباط آقای روحانی اظهار نظرهای متفاوتی از سوی افراد عده ای معتقدند که آقای روحانی تصمیمات خودش پیرجاست و در مقام می گویند ایشان به وعده ها و شعارهای خودش عمل نکرده است. به نظرم عملکرد آقای روحانی بهترین دلیل برای اثبات یا رد این اظهار نظرهاست که آیا واقعا این اظهار نظرهایی که در باره عملکرد ایشان بیان می شود تا چه حد با اهداف اصلاح طلبی همراه هستند یا از آن فاصله دارند. در انتخاب وزرا و استانداران، آقای روحانی نشان داد که یاراه بینایی را در پیش گرفته اند یا به اصلاح طلبان در تحقق وعده هایشان، چندان جدیتی ندارند.

را به دست آورد که برای پیروزی ایشان از جان مایه گذاشته اند و برای موفقیت ایشان هزینه داده اند، حتما این افراد به نیروهای مخالف آقای روحانی تبدیل خواهند شد. در مسائل اقوام و مذاهب می بینیم اهل سنت به رغم آنکه شش و نیم میلیون رای به آقای روحانی داده اند، اما ایشان حاضر نشدند تا مولوی عبدالحمید یا چهره های دیگر از میان اهل سنت را به مراسم تحلیف دعوت کنند. به بسیاری از نامه های مولوی عبدالحمید یا فعالان سیاسی و یا گروه های اصلاح طلب پاسخ نداده اند. این تحمل و مدارا هم یک حدی دارد و ظرفیت مشخصی خواهد داشت. اگر این بی توجهی ها و سهل انگاری را آقای روحانی نسبت به هوادارانش اعمال کند موجب از دست دادن پایگاه اجتماعی ایشان خواهد شد. شاید آقای روحانی بر این تصور باشد که من در دور دوم ریاست جمهوری هستم و دیگر نیازی به رای مردم ندارم و هر کاری را که خودم بخواهم انجام می دهم. به نظرم آقای روحانی نمی بایست تنها به فکر همین دو، سه سال ریاست جمهوری باشد. ایشان باید به فکر حفظ جایگاهش در بین مردم و

هوادارانش باشد تا آنها را از دست ندهد. به نظرم اینکه برای سه، چهار سال و فقط برای رای جمع کردن، تلاش کرده باشند، کار درستی نیست و حتما به ضد خودشان تبدیل خواهد شد.

شما به دو موضوع اشاره کردید: یکی اینکه آقای روحانی انتظارات را برآورده نکرده اند و دوم آنکه بدنه اجتماعی اصلاح طلبان از وضع موجود ناراضی هستند و اعتراض دارند. باتوجه به اینکه آقای روحانی برای پیروزی از پایگاه اجتماعی و سبک رای اصلاح طلبان برای پیروزی استفاده کرده اند، به نظر شما اگر اصلاح طلبان نتوانند جامعه و حامیان خود را قانع کنند که اقدامات آقای روحانی متوجه شخص خودشان است و آنها نقشی ندارند، چه لطمه ای به این سرمایه اجتماعی اصلاحات خواهد خورد؟ و چه تبعاتی را در پی خواهد داشت؟

▲ ضعف آقای روحانی و بی توجهی ایشان طبعاً به نام اصلاح طلبان هم تمام خواهد شد چرا که آنها با تمام توان برای پیروزی آقای روحانی مایه گذاشته اند. اگر حمایت اصلاح طلبان نبود، کسی نبود که برای ایشان کار کند. در اکثر ستادهای ایشان در استان ها، اکثراً چهره های شاخص اصلاح طلب حضور داشتند. افرادی که دارای اعتبار هستند میان مردم و توده ها قابل احترام هستند. مخاطب اصلی مردم، اصلاح طلبان هستند. این دور اگر آقای روحانی نتواند رضایت مردم و اصلاح طلبان را به دست آورند، هم اصلاح طلبان ضرر خواهند کرد و هم خود آقای روحانی. اصلاح طلبان باید به نوعی آقای روحانی را وادار کنند تا به مطالبات مردم پاسخ دهند. به نظرم آقای روحانی نایبستی از اصلاح طلبان فاصله بگیرند. قطعاً جدایی را جامعه از هیچ کدام از این دو طرف نمی پذیرد. پس ضرورت دارد تا با تشکیل جلسات و تعیین افراد رابط اولاً آقای روحانی در جریان مشکلات و مسائل مردم قرار بگیرند و دوماً بتوانند راه کارهای درست و واقعا قابل قبول برای حل مشکلات، اتخاذ نمایند.

باتوجه به جمیع مباحثی که بیان کردید: به نظر تان رویکرد آینده آقای روحانی نسبت به اصلاح طلبان چه خواهد بود؟ آیا روند واگرایی ادامه خواهد داشت یا به فکر اصلاح روابط و به سمت همگرایی حرکت خواهند کرد؟

▲ این موضوع به وضعیت سیاسی آقای روحانی بستگی دارد. باید دید ایشان تصمیم دارند بعد از ریاست جمهوری چه کار کنند. آیا ایشان از سیاست کناره خواهند گرفت یا حضوری فعالانه خواهند داشت؟ آقای روحانی در هر صورت در آینده سیاسی خودشان، هم به اصلاح طلبان نیاز دارند و هم به اصولگرایان. باید دید ایشان بین این دو طیف کدام را ترجیح می دهند و قصد استفاده از برگ برنده کدام جناح سیاسی را دارند؟ اصلاح طلبان به لحاظ حمایت مردمی، دارای پایگاه اجتماعی هستند و اصولگرایان به مراکز قدرت نفوذ دارند. باید دید ایشان می خواهند پایگاه خود را از بین دارندگان مراکز قدرت ایجاد نمایند یا از بین مردم. به نظرم آقای روحانی نیاز به هر دو جناح دارند. اگر آقای روحانی هم بخواهند مانند آقای خاتمی ماندگار شوند، بایستی مردم را انتخاب کنند و این بدان معنی نیست که یک موضع گیری منفی در مقابل مراکز قدرت داشته باشند. ▶





## پشت پرده‌ها را به مردم بگوییم

گفت‌وگوی مثلث با محسن رهامی

بحران ایجاد می‌کردند. این بحران‌ها شدیداً از توان دولت می‌کاهد.

**به هر حال اکنون رویه آقای روحانی موجب ایجاد نارضایتی در جامعه شده و ادامه این روند می‌تواند جامعه‌رای او را سرخورده کند. نگرانی اصلاح‌طلبان از این بابت است که روحانی به پشتوانه بدنه رای اصلاح‌طلبان رئیس‌جمهور شده است.**

▲ طبیعی است که اگر انتظارات جامعه را بالا ببریم و این انتظارات برآورده نشود، سرخوردگی پیش می‌آید. اما اگر ما برای مردم شرایط کار روحانی و مشکلات پشت‌پرده را توضیح دهیم شاید بتواند انتظارات با شرایط و مقتضیات هماهنگ شود.

این دیگر به فضا سازی خود ما بستگی دارد. در این فضا سازی اگر مثلاً کسی را جای آقای خاتمی قرار داده و انتظار داشته باشیم که کابینه‌ای با ترکیب کابینه خاتمی داشته باشد؛ شاهد برآورده نشدن انتظارات و سرخوردگی و ناامیدی احتمالی خواهیم بود. در حالی که باید توضیح دهیم روحانی هیچ وقت نگفته من اصلاح طلب هستم و به عنوان کاندیدای اصلاح طلب وارد میدان نشده‌ام، بلکه اصلاح طلبان همچون مردم، مرحوم آقای هاشمی، آقای ناطق و... از او حمایت کردند. اگرچه سهم حمایت اصلاح طلبان خیلی بیشتر از دیگران بوده است اما روحانی به عنوان کاندیدای اصلاح طلب و با شعارهای اصلاح طلبی وارد میدان نشده است. نه روحانی و نزدیکان او چنین ادعایی دارند و نه باید انتظار جامعه را از دولت او در حد انتظار از دولت آقای خاتمی بالا ببریم.

**پس فکر می‌کنید اصلاح طلبان با تطبیق دادن انتظارات جامعه و واقعیت‌های موجود می‌توانند**

روحانی بد عمل کرده باید دلایل خود را بیان کنند. روحانی وعده‌هایی در خصوص گشایش مسائل اجتماعی، اقتصادی و... داشت. تحقق این وعده‌ها با سختی‌هایی مواجه است و دولت آن اندازه مختار نیست که بتواند کارها را انجام دهد. متأسفانه دوستان به شرایط حاکم در کشور و محدودیت‌های زیادی که دولت آقای روحانی با آنها مواجه است، کمتر توجه می‌کنند. در حوزه زنان نیز از همکاری آنان استفاده کردند. اگر می‌شد که یکی، دو نفر از اعضای کابینه خانم یا از اهل سنت بودند، اتفاق بهتری بود اما امکانش فراهم نشد. ما خودمان پیگیر بودیم که بتوانیم یکی دو نفر از برادران و خواهران اهل سنت به عنوان وزیر در کابینه حضور داشته باشند یا بتوانند استاندار شوند ولی استفاده از پتانسیل آنها نهایتاً خیلی محدود بود. به هر حال فشارهایی بر دولت وجود دارد. دولت نیز می‌خواهد تنش‌ها را کم کند و مینایش بر این نیست که کابینه از ابتدای کار با تنش، فشار و استهلاک انرژی مواجه شود. روحانی فکر می‌کرد این حرکت‌ها بیشتر به فرسایش و کاهش توان دولت منجر می‌شود، بنابراین وقتی یک پیشنهادی داشت و به نتیجه نمی‌رسید، عبور می‌کرد و سراغ پیشنهاد بعدی می‌رفت تا کابینه سریع‌تر قوام بگیرد و کار را شروع کند.

**سخنرانی‌های رسمی و موضع‌گیری‌های روحانی بعد از انتخابات نیز باعث نمی‌شود که گمان کنید او محافظه کارانه‌تر از دولت قبل عمل می‌کند؟**

▲ تحلیل من این است که او فضا را ارزیابی می‌کند و فکر می‌کند حرکت تندتر از این در فضای موجود به تنش و رودرروی کشیده می‌شود، زیر او رقبای جدی دارد. ما در گذشته و زمان آقای خاتمی نیز دیده‌ایم که رقبا چطور

برخی از اصلاح طلبان اعتقاد دارند که آقای روحانی در حال فاصله گرفتن از این جریان است. نظر شما چیست؟

▲ من این را خیلی تایید نمی‌کنم، او با توجه به شرایط کلی کشور و مطابق اقتضائات روز عمل می‌کند. او هیچ وقت اعلام نکرده که اصلاح طلب است و با این عنوان وارد صحنه انتخابات نشد، عقیده خود را بیان کرد و ما نیز با توجه به همین سبک و سیاق و مواضع او در طول ۳۰-۴۰ سال گذشته از او حمایت کردیم، نه اینکه مثلاً بخواهیم او را جای آقای خاتمی بگذاریم؛ روحانی خودش است، با همین دیدگاه‌ها و مواضعی که در گذشته نیز داشته است. به همین خاطر تحلیل من این نیست که از اصلاح طلبان فاصله گرفته است.

**وعده‌های انتخاباتی محقق نشده و تغییر در موضوع گیری‌ها باعث می‌شود که عده‌ای استدلال کنند او از اصلاح طلبان فاصله گرفته است. اگر فاصله‌ای نیست چرا به مطالبات بخش‌هایی از جامعه مثل دانشجویان و زنان کم توجهی می‌شود؟ نمونه‌اش معرفی وزیر علوم بود که اصلاح طلبان خیلی از او استقبال نکردند.**

▲ به هر حال او افراد متعددی را پیشنهاد داد و فراهم نشد. درباره وزارت علوم مثلاً از کاندیداهای متعددی صحبت شد و ما هم پیگیری کردیم که اکثر آنها آقای غلامی که الان وزیر شده نیز از نیروهای اصلاح طلب دوره آقای خاتمی بوده. او از مجموعه انجمن مدرسان دانشگاه است. بله، اولویت‌های روحانی افراد دیگری بودند و ما در جریان بودیم که با چه سختی‌هایی معرفی آنها را پیگیری می‌کردند، ولی به نتیجه نرسیدند. دوستانی که مدعی هستند



نمی‌دهد که احزاب تقویت شود. نتیجه فقدان حزب نیز همین است که اکنون مشاهده می‌کنیم. به اضافه اینکه اگر همین مقدار تلاش و آن جلسات پیگیری‌هایی که خیلی از دوستان در قم و تهران و از طریق رهبری و شورای نگهبان انجام دادند؛ حتماً مجلس دهم نیز مجلسی در حد و اندازه مجلس هشتم و نهم بود. در واقع به مجلس دهم در قیاس با مجلس قبلی باید نمره دهیم، نه در قیاس با شرایط ایده‌آل. منظورم این است که یک نگاه واقع‌بینانه‌تری از شرایط کشور به مردم ارائه دهیم.

#### فکر می‌کنید تأکید بر واقع‌بینی و توضیح شرایط موجب حفظ بدنه رای می‌شود؟

▲ بله، می‌شود با همین شیب جلو برویم. مشکلات را آرام آرام شناسایی و اصلاح کنیم. شیب و تغییرات در ایران بسیار کند است و شرایط حاکم اجازه نمی‌دهد که تغییرات صحیح انجام شود. دوره‌هایی که اصلاح‌طلبان در گذشته زمینه مساعدی پیدا کرده و به میدان آمده‌اند متأسفانه با حرکت افراطی برخی از اصلاح‌طلبان ضربه خورد. افراطیون در اصلاح‌طلبی بیشتر از مخالفت جریان مقابل و جریان اصولگرا به این جریان ضربه زد. دوستان اصلاح‌طلبی که با تئوری اصلاح‌طلبی شروع کردند به حرکت‌های افراطی، حمله علیه آقای هاشمی و اعتدال با بالابردن انتظارات کار را به مجلس ششم رساندند و برخوردهایی که بعد از آن با اصلاح‌طلبان شد، زمینه برای حضور اصلاح‌طلبان را کم کرد. برخی از برخوردهای شدید ناشی از افراط و تفریط جریان‌های منتسب به اصلاح‌طلبان است، یعنی تا میدان مهبی می‌شود جناح‌های تند، انتظارات و سرعت قطار را بالا می‌برند. همان‌طور که دیدیم شعار عبور از خاتمی را مطرح کردند. وقتی انتظارات را تا حدی بالا برده که بگوییم خاتمی هم دیگر به درد نمی‌خورد باید جلوتر از او برویم؛ گرفتار آقای احمدی‌نژاد شدیم. در سال ۱۳۸۴ این مشکلات پیش آمد. بنابراین اکنون نباید و نمی‌خواهیم برگردیم به آن شرایط و انتظارات را تا حدی بالا ببریم که بگوییم روحانی به درد نمی‌خورد. خب بعد چه؟ گرفتار یک احمدی‌نژاد دیگر می‌شویم.

#### این اتفاق اکنون افتاده و گروهی که می‌گویند روحانی فاصله گرفته معتقد هستند که در شرایط موجود نیازی به ادامه ائتلاف نیست.

▲ من نگران هستم که این نوع حرکت‌های ناشی از تفرقه، بالا بردن انتظارات و طرح مسائلی که با واقعیت عینی و خارجی جامعه سازگار نیست، خدای ناکرده ما را دوباره گرفتار یک احمدی‌نژاد دیگر کند.

#### پس شما می‌گویید خوشبین بوده سعی کنیم با توضیح شرایط موجود، انتظارات جامعه را تعدیل کنیم.

▲ اسمش را خوش‌بینی نمی‌گذارم، می‌گویم واقع‌بینی. دانستن واقعیت عینی جامعه و داشتن اطلاعات بیشتر از قضایای پشت پرده افراد را از تحلیل‌های افراطی باز می‌دارد. این خوش‌بینی نیست. ما به انتظارات نیز توجه داریم و فکر می‌کنیم که باید کار بیشتری صورت گیرد ولی نمی‌توانیم دیگر، پیش از این ما تمام تلاش مان را کردیم، استان به استان و شهر به شهر رفتیم و محصول شد این مجلس. اگر احزاب قوی‌تری داشتیم، بهتر از این می‌شد. در این وضعیت باید به مجلس فعلی کمک کرد و در جلسات درون گروهی برای رفع مشکلات کوشید. با همه این‌ها مجلس بعدی نهایتاً می‌تواند ۱۰ تا ۱۵ درصد بهتر از مجلس فعلی باشد. تصور غلطی است اگر بگوییم که این مجلس را برداشته و یک مجلس کاملاً قوی می‌آوریم. ►

▼ پایبندی یا عدم پایبندی به ائتلاف با روحانی و اعتدالیون دغدغه این روزهای اصلاح‌طلبان است. اصلاح‌طلبانی که شاهد هر روز دورتر شدن روحانی از خود و عملکرد ضعیف فهرست‌امیدی‌ها در مجلس شورای شهر هستند؛ دلواپس شده‌اند که نکنند شبهه اصلاح‌طلبان موجب سرخوردگی بدنه رای آنها شده و کارشان را در انتخابات‌های آتی سخت‌تر کنند. از همین رو گروهی فکر می‌کند وقتی طرف ائتلاف در دولت و مجلس راه خود را می‌رود، دیگر دلیلی برای ادامه کار نیست و باید از حالا به فکر گزینه‌های صدرصد اصلاح‌طلب برای ۹۸ سال و ۱۴۰۰ بود. گروه دیگر اما اینقدر بدبین نبوده و ضعف‌های موجود را پای شرایط می‌گذارند. این گروه تأکید دارند که در ۹۲، ۹۴ و ۹۶ بهترین کاری که می‌توانستند را انجام داده‌اند. از نتیجه کار نسبتاً راضی هستند و اصرار دارند که باید همان راه را ادامه داد و پراغیر از آن بیراهه‌ای است که ما را به احمدی‌نژادی دیگر و مجلس هشتم و نهم دیگر می‌رساند. محسن‌رهامی، عضو شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان یکی از همین افراد است.

اصلاح‌طلبان است و شرایط به آنها تحمیل می‌شود. اصلاح‌طلبان نیز چون نمی‌خواهند که کشور به تنش و بحران کشیده شود، با نجابت و حفظ حرمت از این شرایط عبور می‌کنند.

#### ولی برخی از تنورسین‌های اصلاح‌طلب قائل به وجود پدیده‌ای به عنوان شبهه اصلاح‌طلبی هستند. یعنی کسانی که از شرایط اصلاح‌طلبان سوءاستفاده کرده و به مجلس یا... رفتند و بعد از رسیدن به منزل راه خود را می‌روند.

▲ من اسم آن را سوءاستفاده نمی‌گذارم. به هر حال ما در تهران و شهرستان‌ها سراغ آنها رفتیم و افراد را در لیست قرار دادیم. در مورد روحانی نیز همین کار را کردیم. با توجه به شرایط او حمایت کردیم. این مشکل به فقدان تحریک در کشور برمی‌گردد. اگر ما احزایی داشته باشیم که نیروهای خود را تربیت و برای حضور در مجلس و شورا آماده کنند وضع فرق می‌کند. تعهد آنها نیز تعهد حزبی خواهد بود و حزب می‌تواند نیروهای خود را مدیریت کند. بحران فعلی ناشی از بحران احزاب است. تعداد زیادی از نمایندگان مجلس پیش از ورود به مجلس یک بار نیز همدیگر را ندیده بودند. این درحالی است که باید خارج از مجلس و طی سالیان سال با هم همفکری و کار کرد باشند. هیچ جای دنیا این گونه لیست بسته نمی‌شود که شب انتخابات فراخوان داده از داخل فراخوان نمره دهند و افراد را انتخاب کنند. در هیچ نظام دموکراتیک و توسعه‌یافته‌ای از این روش استفاده نمی‌شود. در ایران متأسفانه حرکت حزبی روز اول آسیب دید و اجازه ندادند احزاب فعال شوند.

در حال حاضر نیز روش‌های زیرسیلی اجازه

دوره‌هایی که اصلاح‌طلبان در گذشته زمینه مساعدی پیدا کرده و به میدان آمده‌اند متأسفانه با حرکت افراطی برخی از اصلاح‌طلبان ضربه خورد. افراطیون در اصلاح‌طلبی بیشتر از مخالفت جریان مقابل و جریان اصولگرا به این جریان ضربه زد

#### شرایط را مدیریت کرده و مانع از سرخوردگی شوند.

▲ بله، ما باید مردم را به تغییرات تدریجی امیدوار کنیم. باید توضیح دهیم که با چه شرایطی وارد این بحران شدیم؛ بحرانی پس از بحران دیگر. بعد از بحران هشت ساله افراد ارادیکال، به شرایط موجود رسیده‌ایم و آن بحران‌ها هنوز تمام نشده است. بسیاری از آثار بحران‌های آن هشت سال؛ دوره تحریم و دوره عملکرد بسیار نامناسب دولت قبلی نهم و دهم هنوز باقی است و تا سال‌های سال بر دولت‌های بعدی نیز سایه خواهد افکند. نه تنها دولت روحانی نمی‌تواند از پس مشکلاتی مثل تأمین یارانه‌ها و بسته شدن حساب‌های ارزی و... برآید بلکه به نظر من دولت‌های بعدی نیز نخواهند توانست به راحتی ارگان‌ها را جمع کرده و اوضاع کشور را سروسامان دهند. روحانی در حدی که توانایی داشت خصوصاً در حوزه سیاست خارجی موفق عمل کرد. توجه داشته باشید که ما با خطر شدید تحریم که چه‌بسا ممکن بود به جنگ منتهی شود، مواجه بودیم.

#### شاید بدنه رای اصلاح‌طلبان را با توضیحات مورد اشاره شما بتوان در مورد عملکرد دولت روحانی قانع کرد اما نارضایتی موجود به همین جا ختم نمی‌شود. بدنه مردمی اصلاح‌طلبان از عملکرد آقای عارف و فراکسیون امید در مجلس یا شورا و شهرداری تهران نیز نارضایتی‌هایی دارند. اصلاح‌طلبان برای این بخش از سرخوردگی چه نسخه‌ای دارند؟

▲ این بخش که ارتباطی به دولت ندارد، اصلاح‌طلبان باید خودشان شرایط را مدیریت کنند. اگر همه را به حساب دولت بگذاریم یا انتظاراتی که از دولت، مجلس و... برآورده نشده را یک جا جمع کنیم؛ باعث می‌شود که انتظارات جامعه را بسیار بالا برده و اینطور القا کنیم که قرار است در این سه، چهار سال اتفاق خیلی مهمی برای اصلاح‌طلبان بیفتد. در حالی که چنین چیزی واقع نخواهد شد. در مورد عملکرد مجلس نیز باید به واقعیت‌های موجود توجه داشت. در شرایط صلاحیت گسترده اصلاح‌طلبان، بسیاری از نامزدهای ما در تهران و شهرستان‌ها با سابقه طولانی مدیریت و حضور در مجلس و دولت، رد صلاحیت شدند. قطعاً با حضور آنها می‌توانست بسیاری از مشکلات و معضلات را حل کرد اما آنها رد صلاحیت شده و مجلس از یک سرمایه بسیار بزرگ انسانی محروم شد. با تفسیری که از نظرات به عمل آمد و برخوردی که با نیروهای اصلاح‌طلب شد، قابل پیش‌بینی بود که نتیجه کنار گذاشتن نیروهای باتوان و تجربه بالا چه خواهد بود. وقتی نیمی از بدنه مدیریتی کشور از حضور در صحنه سیاسی و اداره امور باز می‌ماند، این آسیب‌ها قابل پیش‌بینی است.

ما این را در جلسات متعدد خدمت بزرگان و مسئولان ارشد کشور گفتیم و در مورد این خطر برای آینده کشور هشدار دادیم. به هر حال در چنان قضایی لیست بسته شد و بنده نیز سهمی در این خدمت داشتیم. اکنون نیز فکر می‌کنم که مجلس آرام‌آرام کار می‌کند و باید کمک‌شان کنیم؛ مشاوره دهیم و به انتظارات دامن نزنیم. به اعتقاد ما با انتقاد از مجلس و دامن زدن به انتقادات به نتیجه نمی‌رسیم، خصوصاً که سال ۹۸ دوباره انتخابات مجلس را در پیش داریم.

بهتر است رصد کنیم و ببینیم کسانی که به مجلس رفتند چگونه عمل می‌کنند؛ یا شرایطی فراهم می‌شود تا نیروهای قوی‌تر را به مجلس ببریم یا باید از همین‌ها حمایت کنیم. من فکر می‌کنم واقعیت‌هایی که خارج از اقتدار و توانایی اصلاح‌طلبان است را باید درک کنیم. بسیاری از امور خارج از توان تصمیم‌گیری مدیریت

# روحانی باید انتظارات رأی دهندگان را برآورده کند

## گفت و گو با پروانه مافی

چهار سال پیش اصلاح طلبان سهمی از قدرت نداشتند، اما از سال ۹۲ به بعد دوباره در ارکان‌های مختلف حاکمیتی مدیریت‌هایی را بر عهده گرفتند، به نظر شما الان نگاه مردم به عملکرد اصلاح طلبان در مجلس شورای اسلامی، دولت و مدیریت شهری چه طور است؟

▲ هم اکنون اصلاح طلبان شورای شهر تهران را در اختیار دارند و بر دولت و مجلس شورای اسلامی نیز نگاه اعتدال گرایان و اصلاح طلبان حاکم است. در این مدت انسجام نسبتاً مناسبی وجود داشت و هماهنگی و همراهی مناسبی بین افراد برای پیشبرد کارها برقرار بود. البته کشور با مشکلات عدیده و مهمی مواجه است، بخشی از مشکلات مربوط به گذشته‌های دور و برخی هم مربوط به گذشته نزدیک یعنی ۱۰ سال اخیر می‌شود که در مجموع پیچیدگی‌های خاصی را به وجود آورده است. علاوه بر این مساله برخی قدرت‌ها مثل آمریکا به لحاظ عنادی که دارند، مشکلات تحریمی را برای ایران ایجاد می‌کنند و روز به روز حرکت‌های خاصی را برای نیل به مقصود خود می‌آفرینند، طبیعتاً فارغ‌بال و آرامش ذهنی که مدیران تصمیم گیر لازم است مدیران برای خوب فکر کردن، خوب اندیشیدن و خوب عمل کردن داشته باشند کمتر وجود دارد، اما در مجموع انسجام بهتری بین مدیران بخش‌های مختلف کشور اعم از مدیریت شهری و مدیریت کلان به وجود آمده است که نشان از بهبود اوضاع در آینده دارد. یعنی به طور قطع و یقین عرض می‌کنم که ما با پیشرفت‌های جدی برای حل معضلات مهم کشور در آینده روبه‌رو خواهیم بود که پایه‌هایش الان در حال گذاشته شدن است بنابراین برعکس بسیاری از افراد که مایوسانه به موضوعات و مسائل می‌نگرند، آینده کشور را با همه مشکلاتی که امروز شاهد هستیم روشن می‌بینم و امیدوارم این تلاش‌ها و زحمتهایی که با انسجام و هماهنگی به وجود آمده سریع‌تر به ثمر بنشیند و ما موفق به حل معضلات و مشکلات اصلی و عمده کشور شویم.

**علت یأس‌ها را از کجا می‌دانید؟ چرا برخی اصلاح طلبان مأیوس شدند؟**

▲ کسانی که منافع ملی را می‌بینند و در نظر می‌گیرند، نگاه روشنی به آینده دارند؛ بر همین اساس برنامه ملی را بر منافع شخصی ترجیح می‌دهند و کمتر دچار یأس می‌شوند. معتقدم یأس ریشه‌های مختلفی دارد، برخی ریشه‌های یأس ناشی از سرخوردگی‌های فردی، گروهی و جریانی است. به عبارت دیگر وقتی انتظارات نامعقول، غیرمنطقی و خیلی ایده‌آلیستی برآورده نمی‌شود، این مساله می‌تواند ایجاد یأس کند. نکته دیگر آنکه متأسفانه روحیه انحصارطلبی در ما ایرانیان وجود دارد و هر گاه انحصار از دست جریانی، گروه، حزب یا شخص سیاسی خارج می‌شود، این موضوع هم می‌تواند موجب یأس شود. سومین عاملی که می‌تواند برای بروز یأس نام برد نگاه به بیرون و نگاه به پیشرفت کشورهای منطقه است. باید اذعان کنیم که در پرداختن به مسائل اساسی و مشکلات مهم نسبت به برخی کشورهای همسایه مقداری دیر جیبیدیم چون آنها جلوتر از ما هستند و حتی توفیقاتی نیز داشتند، در حالی که ما بیشتر درگیر قوانین و مقررات و رقابت‌های درون سازمانی، درون گروهی و درونی تشکیلاتی هستیم و نتوانستیم پیشرفت‌های لازم را متناسب با گذشت زمان کسب کنیم. اما باتوجه به ساختارهای اساسی که در مجموعه مدیریت شهری و مدیریت کلان کشور امروز

▲ اصلاح طلبان در چهار سال گذشته در قالب ائتلاف با اعتدالیون توفیقاتی را در آورده‌های سیاسی به دست آوردند، اما همانقدر که سهم‌شان در قدرت و اداره امور کشور بیشتر شد، بیشتر در معرض قضاوت افکار عمومی قرار گرفتند. امروز پایگاه اجتماعی جناح اصلاحات عملکرد نمایندگان خود در ارکان مختلف حاکمیت اعم از مجلس شورای اسلامی، دولت و شوراهای ارزیابی می‌کند و برخی تحلیلگران سیاسی و فعالان اصلاح طلب معتقدند براساس عملکردی که از روحانی، عارف و نجفی دیدند سبب رای‌شان نسبت به چند سال گذشته سبک‌تر شده است اما پروانه مافی عضو فراکسیون امید مجلس دیدگاه دیگری دارد. او می‌گوید: «از الان پیش‌بینی معادلات رقابت سیاسی دو سال آینده اقدامی نیست که قرین به واقع شود و در هر انتخاباتی روزهای آخر تعیین می‌کند چه نتیجه‌ای رقم خواهد خورد.»

وجود دارد تا اندازه‌ای این یأس ناجاست. یک بخشی از یأس نیز مصنوعی است یعنی کسانی که چه در درون و چه در بیرون کشور به هر صورت با نظام جمهوری اسلامی موافق نیستند با انتشار دروغ‌هایی در فضای مجازی یا ارتباطات فردی ایجاد یأس می‌کنند و می‌کوشند بدی‌ها، سختی‌ها و ناکارآمدی‌ها را خیلی بزرگ جلوه دهند تا پیشرفت‌ها و موفقیت‌ها کمتر دیده شود. دولت و مجلس و نهادهای دیگر مصمم هستند فضای کسب و کار را رونق دهند و توفیقاتی هم حاصل شده، ان‌شاءالله در آینده این توفیقات بیشتر خواهد بود. معتقدم رونق در حوزه کسب و کار به‌ویژه برای جوانان تحصیلکرده موجب می‌شود بخشی از این یأس تصنعی کاملاً از بین برود. بنابراین امروز جهاد مقدس در کشور، تلاش در راه ایجاد اشتغال، رونق فضای کسب و کار و رفع قوانین و مقررات دست و پاگیر است که مانع از رشد و انجام کارهای نوین می‌شود.

**برخی در اردوگاه اصلاحات معتقدند «برای انتخابات مجلس یازدهم و انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ چالش ایجاد انگیزه در مردم برای مشارکت پرشور و حداکثری وجود دارد که یکی از عوامل سرخوردگی و دل‌سردی پایگاه اجتماعی اصلاح طلبان به عملکرد فراکسیون امید برمی‌گردد». خودتان شاهد بودید که اصلاح طلبان خارج از پارلمان در بزرگراه‌های مختلف وقتی عملکرد فراکسیون امید را وزن کنی و ارزیابی می‌کردند، زبان به انتقاد می‌گشودند، آیا این وضعیت در دو سال آینده عوض خواهد شد؟ آیا خودتان امروز به عملکرد فراکسیون امید نمره قبولی می‌دهید یا معتقدید در دو سال ابتدایی مجلس دهم فراکسیون امید در حال تحکیم پایه‌های کار تشکیلاتی بود و نتیجه این مساله دو سال آینده بیشتر قابل مشاهده است؟**

▲ وقتی ما می‌خواهیم یک ارزیابی عادلانه و عاقلانه از موضوعی داشته باشیم، اول باید شرایط را در مکان و زمان بشناسیم. یک ارزیابی بدون شناخت و بدون در نظر گرفتن شرایط منسوخ است و ارزشی ندارد. فراکسیون امید در چه

شرایطی ایجاد شد و شکل گرفت؟ همه آن اوضاع را می‌دانیم و نمی‌خواهیم به گذشته برگردیم. نیازی به گفتن و تکرار دوباره نیست ولی اشاره می‌کنم که تندروری‌های برخی‌ها را در مجلس نهم فراموش نمی‌کنیم که چه حرف‌های تند را از تریبون مجلس بیان می‌کردند که متأثر از اقدامات آنها بسیاری از مردم از این وضعیت سرخورده شده بودند. بعد نیز محدودیت‌هایی برای حضور افراد در انتخابات مجلس دهم به وجود آمد. اگر اینها را با هم جمع کنیم و حاصل جبری‌اش این‌یستی بود که در قالب ائتلاف امید به مجلس راه پیدا کرد بنابراین براساس در نظر گرفتن وضعیت زمانی و مکانی می‌توانیم به فراکسیون امید نمره قبولی دهیم، چون حداقل آن است که مجلس دهم از یک انسجام و آرامش مناسبی برخوردار است که در مجلس گذشته وجود نداشت. امروز فضای مجلس از تندروری‌ها و افراطی‌گری مبرا است. این را در تصمیمات عاقلانه، مصوبات و نگاه معتدل و جامعه‌پسندش مشاهده می‌کنیم. شاید انتظار برخی افراد از فراکسیون امید یک انتظار مافوق تصور است. من در دفاع از فراکسیون نمی‌خواهم صحبت کنم چون به فراکسیون امید نقد دارم ولی می‌گویم نقد به فراکسیون امید باید منصفانه باشد. وقتی به نقد منصفانه اعتقاد داشته باشیم و شرایط و دستاوردها را مقایسه کنیم می‌توانیم نمره قبولی دهیم و این نمره قبولی می‌تواند پایه مناسبی برای دو سال آینده باشد. معتقدم کسانی از اصلاح طلبان که آن نقد یادشده در سوال را مطرح کردند، حتماً تندرو بودند، یعنی اینکه بگویند «مردم برای مشارکت در انتخابات مجلس یازدهم و انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم انگیزه ندارند» چون شرایط انتخابات در کشور ما نشان داده که معادلات خیلی قابل پیش‌بینی نیست، یعنی ما باید به آن دو سال آینده برسیم. در آن زمان مشخص وضعیت سیاسی کشور، احزاب، گروه‌ها و نگاه مردم مشخص می‌شود. به عبارت دیگر اوضاع آن روزهای نزدیک که برگزاری انتخابات تعیین می‌کند چه خواهد شد، بنابراین پیش‌بینی‌های امروز طوری نیست که حتماً عینیت پیدا کنند.

**دوباره فراکسیون امید یک انتقادهایی هم به هدایت آقای عارف برمی‌گردد. منتقدان می‌گویند «آقای عارف نتوانست آن کار تشکیلاتی را که انتظار می‌رفت در مجلس دهم انجام دهد و به منصفه ظهور برساند» به نظر شما انتقادهایی که خارج از پارلمان در حوزه اصلاح طلبی به آقای عارف می‌شود، چقدر درست است؟**

▲ انتقادها می‌تواند افراطی، تفریطی یا منطقی و معتدل باشد. من نگاه معتدل و منطقی دارم. نگاه افراطی همان است که نمونه‌اش در سوال آمد. یعنی انتظاراتی مافوق آنچه وجود دارد بیان می‌شود، نگاه تفریطی هم عکس آن است. معتقدم آقای عارف یک انسان تحصیلکرده، فرهیخته، سیاسی و با اخلاق است. هر شخصیت سیاسی از یکسری ظرفیت‌ها برخوردار است، ما نمی‌توانیم مجموعه ظرفیت‌هایی را که شاید در چندین نفر وجود داشته باشد از یک نفر بخواهیم. البته ممکن است برخی افراد همه ظرفیت‌های مورد انتظار برای لیدری یک مجموعه سیاسی را داشته باشند اما تعداد آنها محدود است. در واقع معدود آدم‌هایی پیدا می‌شوند که همه ویژگی‌های مثبت یک فرد را به عنوان لیدر و رهبر کار می‌ماندند. ما آقای عارف را به عنوان یک شخصیت تحصیلکرده، سیاسی، با اخلاق و برخوردار از یک روحیه متعادل و محافظه کار می‌شناسیم، بنابراین نمی‌توانیم نظرات و انتقادهای افراطی را دوباره آقای عارف ببذیریم. بر همین اساس من بیشتر از آنکه انتقاد به شخص آقای عارف باشد، به هیأت‌رئیس‌ه فراکسیون امید است چون وقتی جایی شورایی و هیأت‌رئیس‌های اداره می‌شود، افرادی که در آن شورا یا در آن هیأت قرار می‌گیرند، خیلی مهم هستند چون آنها می‌توانند جهت‌ها و برنامه‌های مجموعه را تنظیم



**انتقاد نمایندگان مردم در شورای شهر تهران را برانگیخت به طوری که آنها خواستار بازنگری در این انتصابات شدند. آقای نجفی نیز اعلام کرد هیچ جای دنیا کسی که تازه منصوب شده را تغییر نمی‌دهند، نظر شما چیست؟**

▲ هیچ جای دنیا هم مدیری نمی‌گوید، من هیچ‌گاه از نظرم بر نمی‌گردم. اعضای شورای شهر با رای مردم انتخاب می‌شوند و به نوعی می‌توان گفت شهردار تهران نیز با رای غیر مستقیم مردم انتخاب و مشغول کار می‌شود، بنابراین آقای نجفی از همان پیش‌توانه رای چند میلیونی اعضای شورای شهر استفاده کرده و به این جایگاه رسید.

**انتصابات آقای نجفی را مناسب ارزیابی می‌کنید؟**

▲ من رئیس کمیسیون مشترک درآمد‌های پایدار شهرداری‌های مجلس هستم بنابراین از نوع کار شهرداری‌ها اطلاع دارم. انتصابات آقای نجفی می‌توانست بهتر از این باشد اما امیدواریم او در آینده تجدیدنظرهایی را در انتصاباتش داشته باشد، یعنی این خواست رای دهندگان میلیونی است که رای خود را به اعضای فعلی شورای شهر دادند. البته تغییرات بسیار سخت و سنگین است و محدودیت هم وجود دارد، وقتی افراد جایگاه‌هایی را می‌گیرند و تغییرشان سخت می‌شود. در دوره گذشته شهرداری انتصابات داشتیم که افراد نه سواد، نه تحصیل و نه تجربه لازم را برای حضور در آن جایگاه‌های مدیریتی داشتند اما به آن جایگاه‌های مدیریتی منصوب شدند.

یعنی قرار است یک کار به هم ریخته‌ای سامان پیدا کند، بنابراین کار آقای نجفی مشکل است. اگر انتظار داشته باشیم، او یک دفعه بیاید و همه چیز را تغییر دهد و عوض کند، این افکار ایده‌آلیستی و غیرمنطقی است. آقای نجفی شرایط سختی را در مجموعه ورشکسته شهرداری تهران دارد. چون امروز شهرداری تهران ۳۰ هزار میلیارد تومان بدهی مواجه است و درآمد پایدار هم ندارد. مسئولان گذشته نیز به فروش تراکم و گرفتن عوارض بسنده کردند، عواقب این مساله هم شلوغ شدن شهر و برهم خوردن نظام مدیریتی‌اش شد. ضمن آنکه دیگر از آن درآمد‌های غلط نیز خبری نیست. متأسفانه مردم قضاوت می‌کنند در حالیکه قضاوت‌شان در شرایط و با در نظر گرفتن موقعیت زمانی و مکانی نیست که موجب یأس می‌شود. عملکرد مدیران را باید بر اساس شرایط و ویژگی‌هایی که دارند ارزیابی کرد. آقای نجفی مدیریت مجموعه‌ای با ۳۰ هزار میلیارد بدهکاری را بر عهده گرفت و انشاء الله موفق شود ولی انتظارات نیز مالا یطاق است.

**باتوجه به انتقادهایی که به عملکرد هیات رئیسه فراکسیون امید، آقای روحانی و انتصابات آقای نجفی به عنوان شهردار تهران وجود دارد، به نظر شما اصلاح طلبان ظرف دو سال آینده باید چه کار کنند تا بتوانند به پامترهای مثبت در عملکرد دست یابند؟**

▲ من یک مدیر عملکرد هستم، معتقدم اصلاح طلبان باید کمتر حرف بزنند، کمتر انتقاد کنند، کمتر همدیگر را تخریب کنند و بیشتر به جایگاه‌ها و فضاهایی که در آن قرار گرفتند بیندیشند و با فکر و برنامه‌ریزی مسائل را حل کنند. یعنی با حرف زدن، تخریب و توجیه مسائل نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود. به عمل کار برآید به سخنرانی نیست. اگر در حوزه انجام فعالیت‌ها برای حل معضلات اساسی مردم و مشکلات عمده جامعه عزم جدی، عزم ملی و عزم جناحی وجود داشته باشد، از دوستانی که حتی در گروه سیاسی ما نیز نیستند اما به ملت و کشور و به منافع ملی معتقد و علاقه‌مندند و منافع ملی را ارج می‌نهند استفاده می‌کنیم. این اتفاق خود به خود اصلاح طلبان را پیروز خواهد کرد. در واقع کار و فعالیت است که می‌تواند کارنامه اصلاح طلبان را روشن کند. ►



کشور را بتواند به خوبی به سامان برساند. من قصد دفاع کامل ندارم اما مشکلات مدیریت کلان را می‌دانم، چون خودم مدیر اجرایی بودم و سختی‌های این حوزه را لمس کردم و متوجه هستم مدیران با چه مشکلاتی مواجهند که حتی نمی‌توانند آنها را بازگو کنند. بنابراین این محدودیت‌ها طبیعتاً وجود دارد اما علاوه بر این محدودیت‌ها به نظر آقای روحانی باید انتظارات رای دهندگان خصوصاً اکثریت رای دهندگان را برآورده کند. اکثریت که مشخص است چه گرایش سیاسی دارند.

**یعنی این انتظارات از آقای روحانی هنوز برآورده نشده است؟**

▲ خبر، مجلس همراهی زیادی با آقای روحانی کرد، بسیاری از وزرائی که معرفی شدند مورد اقبال فراکسیون امید نبودند، ولی ما هدفمان همراهی با دولت و رئیس‌جمهور بود چون فعالیت‌ها و کارها بهتر پیش برود. ما معضلات و گرفتاری‌های ما را می‌شناختیم و هدفمان حل مشکلات و گرفتاری‌های مردم بود اما باتوجه به تسامحی که ما درباره رای اعتماد به وزیران داشتیم و همراهی خوبی که با دولت نشان دادیم، انتظار نداریم برخی وزرا بعد از گرفتن رای اعتماد متفاوت شوند. بنابراین الان مجلس ابزارهای نظارتی خودش را مثل تذکر، سوال و استیضاح به دقت اعمال می‌کند و وزرا دائماً برای پاسخگویی به سوالات به مجلس می‌آیند. در مجموع ما برادری خود را ثابت کردیم ولی مفهومش این نیست که از نظارت، کنترل و رصد فعالیت دولت و دستگاه اجرایی چشم‌پوشی کنیم.

**پس شما این حرف را که آقای روحانی بعد از انتخابات چرخش به راست کرده، قبول ندارید؟**

▲ من این حرف‌ها را خیلی قبول ندارم. چون خودم مدیر اجرایی بودم. محدودیت‌های مدیر اجرایی در سطح کلان را می‌شناسم، اما در عین حال معتقدم آقای روحانی باید نظرات اکثریت رای دهندگان را جلب می‌کرد که در این حوزه هنوز خیلی اتفاقی نیفتاده است.

**درباره آقای نجفی نیز انتقادهایی وجود دارد گرچه او دو، سه ماهی است کارش را در شهرداری تهران آغاز کرده، اما انتصابات هیات داشت که**

کنند. پس برعکس همه دوستان انتقاد من به هیات رئیسه فراکسیون امید است که برنامه‌ریزی و نگاه برنامه محور درباره مسائل سیاسی، تقنینی و سایر موضوعات پارلمانی ندارد یا نگاهش به این مسائل ضعیف است. از هیات رئیسه فراکسیون امید انتظار دارم برنامه مشخص و روشنی را برای موضوعات مختلف طراحی کند، به طوری که معلوم باشد در هر موضوع برنامه از کجا شروع و به کدام نقطه ختم می‌شود و در این مسیر هدف چه خواهد بود. چنین انتظاری از هیات رئیسه فراکسیون امید داشتیم اما هیچ‌گاه آن را ندیدیم چون عموماً برنامه‌ریزی‌ها روزمره است و این مساله انتظارات از یک فراکسیون سیاسی را برآورده نمی‌کند. اگر اعضای هیات رئیسه فراکسیون امید را مدیرانی استراتژیست بودند، به خوبی می‌توانستند در تدوین برنامه‌ها دخالت مناسبی داشته باشند که در این صورت نقش آقای عارف نیز بسیار بسیار پررنگتر از آنی می‌شد که الان است، ضمن آنکه خود فراکسیون هم می‌توانست توفیقات بیشتری به دست آورد. من به چرخش مدیران اعتقاد دارم، بر همین اساس انتظار داشتیم در سال دوم مجلس دهم اعضای هیات رئیسه فراکسیون امید تغییر کنند تا نیروهای دیگر بیایند و خون جدید به مدیریت فراکسیون تزریق شود اما این اتفاق رخ نداد. در مجموع من بیشتر انتقادها را ساختاری و مدیریتی می‌بینم تا آنکه متوجه شخص رئیس فراکسیون شود.

**این روزها انتقادهایی هم به آقای روحانی وارد می‌شود، چندی پیش آقای کواکبیان گفت**

**«نمی‌دانیم روحانی اصولگرا شده یا اصولگرایان**

**اصلاح طلب شدند». همچنین برخی تحلیلگران**

**سیاسی معتقدند «آقای روحانی بعد از انتخابات**

**به سمت جناح راست چرخش کرده است»،**

**شما نماینده مردم در مجلس هستید و با اقشار**

**مختلف جامعه ارتباط دارید، آیا آن انتظاراتی که**

**رای دهندگان از آقای روحانی دارند برآورده شده یا**

**او شعارهای انتخاباتی‌اش را به دست فراموشی**

**سپرده است؟**

▲ آقای روحانی قطعاً محدودیت‌های متعددی دارد و

در قالب چارچوب‌ها و محدودیت‌ها باید حرکت کند تا وضعیت



## باید افراد بهتر از عارف را به صحنه بیاوریم

### گفت و گو با محسن غروی‌ان

سید مجتبی جلال زاده

خبرنگار

پس از پیروزی آقای روحانی در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم، نشانه‌هایی از فاصله گرفتن ایشان از اصلاح‌طلبان به چشم می‌خورد. مشخصاً انتقاداتی که این طیف سیاسی در بحث انتخاب اعضای کابینه، داشتند، مبین این موضوع است. به نظر شما، راهبرد آتی اصلاح‌طلبان چه خواهد بود؟ واگرایی یا همگرایی با رئیس‌جمهور را انتخاب خواهد کرد؟

▲ چرخش اندیشه سیاسی و فکری یک رجل سیاسی، آن هم فردی مانند آقای دکتر روحانی، به این سادگی نیست. معتقدم چارچوب و پارادایم فکری یک شخصیت سیاسی را با نگاه به نوع چینش کابینه و انتخاب وزرا، نمی‌شود کاملاً پی برد. اگر چرخشی صورت بگیرد، نشانه‌ها و قرائن بیشتری لازم دارد تا آن را چرخش سیاسی از چپ به راست یا از اصلاح‌طلبی به اصولگرایی بگوییم. برداشت من این است که تفکر دکتر روحانی، همان تفکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی است؛ این موضوع هم طی سال‌های متمادی شکل گرفته است. به هر حال نگاه آقای روحانی، اعتدالی بوده، هست و خواهد بود. تاکتیک‌ها ممکن است تغییراتی داشته باشند، اما این موضوع نمی‌تواند دلیلی بر چرخش فکری و اندیشه سیاسی دکتر روحانی باشد.

به‌نظرم دکتر روحانی همان راه خودشان را ادامه خواهند داد. البته ایشان تا سه سال آینده هم رئیس‌جمهور هستند و ممکن است اقدامات ایشان معطوف به این ماجراست که بعد از دوره ریاست جمهوری، خیلی درگیر پیامدهای منفی نشوند. این ملاحظات وجود دارد و طبیعی هم هست.

این ملاحظه در رفتار و عملکرد که در رفتار آقای روحانی شاهد هستیم و شما نیز به آن اشاره کردید؛ موجب ایجاد شکاف میان ایشان و حامیان اصلاح‌طلبان نمی‌شود؟ طی سه سال پیش‌رو، اصلاح‌طلبان چه تصمیمی دارند؟ آیا محافظه‌کاری پیشه خواهند کرد و تغییرات آقای روحانی را خواهند پذیرفت یا به سمت واگرایی و عبور از رئیس‌جمهور حرکت خواهند کرد؟

▲ اصلاح‌طلبان می‌بایست چهره‌های قدر در زمینه فکر و اندیشه داشته باشند. چهره‌هایی که وجهه علمی داشته و هم از لحاظ جایگاه فعلی در نظام، مقبول باشند. به گمانم در حال حاضر چنین شخصیتی با این ویژگی‌ها

۹ محسن غروی‌ان معتقد است: «اصلاح‌طلبان می‌بایست چهره‌های قدر در زمینه فکر و اندیشه داشته باشند. چهره‌هایی که وجهه علمی داشته و هم از لحاظ جایگاه فعلی در نظام، مقبول باشند. به گمانم در حال حاضر چنین شخصیتی با این ویژگی‌ها مثل آقای روحانی یا در سطح ایشان ندارند؛ بنابراین این چاره‌ای نیست جز پذیرش دکتر روحانی و از همین پتانسیل و ظرفیت ایشان، اصلاح‌طلبان استفاده نمایند چون فرد جایگزین ندارند.»

مثل آقای روحانی یا در سطح ایشان ندارند؛ بنابراین چاره‌ای نیست جز پذیرش دکتر روحانی و از همین پتانسیل و ظرفیت ایشان، اصلاح‌طلبان استفاده نمایند چون فرد جایگزین ندارند.

برای انتخابات بعدی ریاست جمهوری در سال ۱۴۰۰، اصلاح‌طلبان چه رویکردی را در پیش خواهند گرفت؟ آیا به سراغ معرفی یک گزینه صددرصد اصلاح‌طلب خواهند رفت یا با شخصیت معتدل دیگری نظیر آقای روحانی ائتلاف خواهند کرد؟

▲ به‌شخصه خودم را در جایگاه و موقعیت اعتدالیون قرار می‌دهم و بر اساس تجربه و به‌مطالعاتی که طی این چند سال اخیر داشته‌ام، معتقدم که افراط‌نهادان از جانب اصولگرایان و نه از جانب اصلاح‌طلبان در شرایط فعلی ایران، جواب نمی‌دهد و مردم ما که صاحبان اصلی قدرت هستند و مناصب را به شخصیت‌ها واگذار می‌کنند، مشی اعتدالی را می‌پسندند؛ همان‌طور که در جریان انتخابات ریاست جمهوری، خبرگان و شوراها شهر و روستا، نشان دادند. بنابراین اصلاح‌طلبان هم برای رسیدن به موفقیت باید هم‌تراز با این سلیقه و انتخاب مردم حرکت کنند. خیلی نمی‌شود تندروی کرد. شخصیت‌های معتدل مانند دکتر روحانی یا آقای ناطق‌نوری که هم‌رنگ مذهبی هستند و هم رجل سیاسی، اینها از شانس موفقیت بیشتری برخوردارند.

صحبت از اعتدال کردید و گفتید هر دو جریان باید از نیروهای معتدل خودشان استفاده کنند؛ به نظر شما چه میزان امکان دارد تادر کنار دو جریان سیاسی اصلی در کشور، یعنی اصلاح‌طلبی و اصولگرایی، جریان سومی شکل بگیرد؟ آیا اعتدال به سمت جریان سازی، پیش می‌رود؟

▲ اعتدال، عناصری را در اردوگاه اصولگرایی دارد و همین‌طور عناصری را در اردوگاه اصلاح‌طلبی؛ منظورم

از عناصر، عنصرهای فکری و اندیشه‌ورزی است. اعتدال به هر حال، یک عنوان تئوریک و نظری است. مصادیق و شخصیت‌های مطابق با تعاریف و بایسته‌های خودش را بعضاً در جریان اصولگرایی یا جریان اصلاح‌طلبی پیدا می‌کند. این جریان سوم، دقیقاً رقیب این دو جریان سیاسی نخواهد شد؛ بلکه از میان افراد معتدل هر دو جناح، نیروهای خودش را انتخاب می‌کند. از منظر فلسفی و فکری، اعتدال گرایی درواقع، جمع بین اصولگرایی و اصلاح‌طلبی است. جریان سوم، در عرض این دو جریان مطرح نمی‌شود.

اصلاح‌طلبان خود را پیروز شش انتخابات اخیر می‌دانند. اما عملکرد کاندیداهای پیروز، جواب‌گوی خواسته‌های آنها نبوده است و انتقادات بسیاری را مطرح می‌کنند. انتقاداتی که به آقای روحانی می‌شود در انتخاب وزرا یا انتقاداتی که به عملکرد آقای عارف به عنوان رئیس فراکسیون امید در مجلس می‌شود و معتقدند ایشان رهبر خوبی برای اصلاح‌طلبان نیست و با انتقاداتی که به آقای نجفی، شهردار تهران در خصوص انتخاب همکاران خود از میان اصولگرایان می‌شود؛ این موضوع موجب سرخوردگی طرفداران و سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان نخواهد شد؟

▲ به‌نظرم مسائل جریان‌ات سیاسی و چرخش‌های سیاسی و یا پیروزی در برخی از صحنه‌های سیاسی توسط اصلاح‌طلبان، اینها اموری یک‌شبه نیست، به این معنا که فرآیندهای خیلی سریع نیستند؛ بلکه به مرور زمان رخ می‌دهند. به هر حال افرادی هم مثل آقای نجفی یا آقای هاشمی [رفسنجانی] در انتخابات شوراها موفق به پیروزی می‌شوند؛ اینها واقعیات را در صحنه عمل می‌بینند. در مقابل خودشان جریان اصولگرایان را هم می‌بینند. آنها هم سوابق و تجربیاتی دارند؛ بنابراین در عمل نمی‌توانند قاطعانه و دفتاً عمل کنند و همه نیروهای اصولگرایان را به عنوان رقیب، کنار بزنند. به هر حال در کشور کانون‌های قدرت متعدّدند و نمی‌شود به محض رای آوردن فردی و رسیدن به قدرت، صد در صد بر طبق نظرات خودش عمل کند. بالاخره با موافقتی در عمل موجه می‌شود که می‌بایست حکیمانه و به تدریج حرکت کند. معتقدم به هر حال اصلاح‌طلبان و اعتدالیون، آهنگ حرکت‌شان به سمت موفقیت و جذب بیشتر مردم است و آینده در دست این تفکر و تئوری سیاسی خواهد بود.

آقای عارف در سال ۱۳۹۲ به عنوان کاندیدای جریان اصلاحات پا به عرصه رقابت‌های انتخاباتی گذاشتند و در نهایت به نفع آقای روحانی، انصراف دادند؛ سال ۱۳۹۴ هم که به عنوان سرلیست اصلاح‌طلبان به مجلس شورای اسلامی راه پیدا کردند. با در نظر گرفتن این موضوع و همچنین انتقاداتی که به عملکرد ایشان می‌شود، به نظر شما چقدر احتمال دارد گزینه نهایی اصلاح‌طلبان برای انتخاب ریاست جمهوری بعدی، آقای عارف باشد؟

▲ در عالم سیاست احتمال وقوع هر امری هست. اما من به‌شخصه با همه اراداتی که به جناب آقای عارف دارم، نیروهای قدرتر و چهره‌های قوی‌تر از لحاظ پشتوانه تئوریک و نظریه‌پردازی و اندیشه سیاسی هستند که اعتدالیون می‌توانند از آنها استفاده کنند. با اینکه آقای عارف برایم محترم هستند، اما به‌نظرم در مجموع چهره‌های برتر و قوی‌تری در جناح اصلاح‌طلبی و اعتدال گرایی هستند که می‌شود آنها را به صحنه آورد و حتی شانس پیروزی و کسب موفقیت بیشتری هم خواهند داشت. ►





### بیژن و منیژه

نام مؤلف: سوسن طاقدیس، تصویرگر: محرم اسلام‌نژاد

ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

تعداد صفحات: ۳۲

کتاب «بیژن و منیژه» نوشته سوسن طاقدیس و با تصویرگری محرم اسلام‌نژاد، یکی از مجموعه کتاب‌های مصور «نامه نامور» است. این کتاب، اقتباسی از داستان بیژن و منیژه در شاهنامه ابوالقاسم فردوسی است. بیژن و منیژه داستانی است که بازنویسی آن بر عهده سوسن طاقدیس بوده است. سوسن طاقدیس، نویسنده کتاب‌های کودک و نوجوان است که کار خود را با نوشتن داستان «بابای من دزد بود» در کیهان بچه‌ها شروع کرد و جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی برای کتاب «قدم یازدهم» در سال ۱۳۸۶، از جمله افتخارات مهمی هستند که سوسن طاقدیس آن‌ها را کسب کرده است.

داستان بیژن و منیژه روایت علاقه پاک میان «بیژن»، پسر گیو که از پهلوانان و دلوران دربار کیخسرو، پادشاه ایران بود و «منیژه»، دختر افراسیاب شاه سرزمین توران است. مجموعه «نامه نامور»، برای گروه سنی «د» یعنی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول طراحی شده و مجموعه ارزشمندی برای آشنایی نسل جدید با داستان‌ها و حکایت‌های شاهنامه است.

این مجموعه ۱۲ جلدی در سال ۱۳۹۲ برای بار نخست در ۵۰۰۰ نسخه منتشر شد و در سال ۱۳۹۳ با همین شمارگان به انتشار مجدد رسید. اختصار، جذابیت بصری و روایتگری هنری، از ویژگی‌های برجسته این مجموعه دوازده‌گانه به‌شمار می‌رود.





## برجام موشکی امکانپذیر نیست

علی رغم اصرار مقامات آمریکایی و اروپایی در خصوص مذاکره بر سر توان موشکی ایران، مقامات کشورمان بارها اعلام کرده اند که اساساً برجام موشکی میان ایران و دیگر بازیگران بین المللی در کار نخواهد بود. بر اساس منطق قابل دفاع جمهوری اسلامی ایران، برنامه موشکی کشورمان ماهیتی کاملاً دفاعی دارد. از این رو اصرار کاخ سفید و تروییکای اروپایی در این خصوص راه به جایی نخواهد برد.

تیتریک

به این سؤال پاسخ داده ایم: چرا مذاکره موشکی خلاف منافع ملی است؟

## زمزمه مذاکره موشکی از زبان اصلاح طلبان

کرد: «برنامه های موشکی ایران با برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) ارتباطی ندارد.» موگرینی در واکنش به تهدید فرانسوی ها مبنی بر اعمال تحریم های موشکی علیه ایران گفت: «دورنمای اعمال چنین تحریم هایی را در آینده نزدیک نمی بینم.»

### تلاش سناتورهای دموکرات برای وضع تحریم های موشکی علیه ایران

از سوی دیگر، سناتورهای حزب دموکرات آمریکا در کنار سناتورها و اعضای مجلس نمایندگان ایالات متحده در صدور وضع تحریم های موشکی علیه جمهوری اسلامی ایران برآمده اند. بن کاردین، معاون کمیته روابط خارجی سنا و از اعضای دموکرات این مجلس از ایالت مریلند، بیانیه ای درباره وضع بحرانی یمن منتشر کرد. او در این بیانیه ضمن هشدار درباره بحران انسانی یمن، ایران را به دست داشتن در ماجرای حمله موشکی به عربستان متهم کرد.

در این بیانیه آمده است: «اقدام عربستان سعودی در اعلام این مطلب که بندرها و حریم هوایی در مناطق تحت کنترل دولت (مستعفی) یمن باز می شود، گام اول مثبت برای پایان دادن به محاصره یمن است. با وجود این، بنده همچنان به شدت نگران وضع بندرها و فرودگاه های شمال یمن هستم؛ یعنی جایی که اکثر یمنی ها در آنجا زندگی می کنند. این نقاط دسترسی، شاهراه حیاتی برای میلیون ها یمنی است که به شدت

وزارت خارجه فرانسه گفت: «همان طور که می دانید اتحادیه اروپا در حال حاضر تحریم هایی علیه نهادهای موشکی دخیل در برنامه موشک های بالستیک ایران اعمال کرده است.»

او این اظهارات را پاسخ به سوالی برای روشن کردن منظور «امانوئل ماکرون» از بیان اظهاراتی در امارات درباره احتمال وضع تحریم های جدید علیه ایران مطرح کرد. سخنگوی دستگاه دیپلماسی فرانسه در ادامه گفت: «در صورت لزوم، می توان تحریم های جدید [علیه برنامه موشکی ایران] وضع کرد.» در هر حال، پس از لفاظی های دولت آمریکا به ریاست «دونالد ترامپ» درباره توافق هسته ای ایران و گروه ۵+۱ موسوم به برجام، مقام های کشورهای اروپایی از برنامه های خود برای تشدید فشارها علیه برنامه موشکی ایران خبر داده اند.

### واکنش موگرینی به اظهارات مقامات فرانسوی

با این حال مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در عین اینکه تحریم موشکی ایران را نفی نکرده است، اعمال آن را در آینده ای نزدیک بعید دانسته است. فدریکا موگرینی در واکنش به تهدید فرانسوی ها مبنی بر اعمال تحریم های موشکی علیه ایران گفت دورنمای اعمال چنین تحریم هایی را در آینده نزدیک نمی بیند. مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در حاشیه نشست وزرای خارجی اتحادیه اروپا در شهر بروکسل، پایتخت بلژیک، در یک کنفرانس خبری، بار دیگر تاکید

۱ طی یک هفته اخیر بار دیگر شاهد طرح مواضع ضد ایرانی سران آمریکایی و اروپایی علیه توان موشکی ایران بوده ایم. در این میان، برخی سیاستمداران اروپایی مانند امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه پای را از حد خود فراتر نهاده و حمله موشکی انصارالله به ریاض را نیز به ایران نسبت داده اند. به عبارت بهتر، حامیان غربی رژیم آل سعود سعی دارند از شکست اخیر ریاض در مصاف با نیروهای مردمی و ارتش یمن، به عنوان دستمایه ای برای تشدید حملات رسانه ای و تبلیغاتی خود علیه توان موشکی ایران استفاده کنند. با این حال به نظر می رسد این پازل از مدت ها قبل از سوی غرب چیده شده است...

### فرانسه از تحریم های جدید موشکی علیه ایران می گوید

فرانسه یکی از کشورهای اروپایی است که در طرح اتهامات موشکی به ایران و تلاش برای مذاکره موشکی با ایران (جهت شکل دهی برجام ۲ با هدف تحدید توان موشکی ایران) پیشقدم شده است. سخنگوی وزارت خارجه فرانسه روز دوشنبه هفته گذشته اظهارات اخیر رئیس جمهور این کشور را درباره وضع تحریم های جدید علیه ایران به بهانه برنامه موشکی، تکرار کرد. وزارت خارجه فرانسه اعلام کرد ایران در صورت لزوم با تحریم هایی جدید به دلیل برنامه موشکی اش روبه رو خواهد شد. «آگنه روماته اسپاین»، سخنگوی



## پازلی که تکمیل نمی شود تلاش غرب برای مذاکره موشکی با تهران



## ایران باید توان موشکی اش را افزایش دهد فواد ایزدی در گفت وگو با منتل مطرح کرد



## اقتدار درون را ایران صحبتی در حوزه موشکی ندارد

به کمک نیاز دارند. از ائتلاف تشکیل شده به رهبری عربستان سعودی می خواهم تا با آمریکا، سازمان ملل متحد و دیگر شرکای متعهد همکاری کنند تا اقدامات لازم برای بازگشایی همه بندرها و فرودگاه ها صورت پذیرد و از وخیم تر شدن بیشتر بحران شدید یمن جلوگیری شود که همین حالا هم در وضع بسیار بدی قرار دارد.»

این در حالی است که آمریکا اصلی ترین حامی و شریک عربستان در ایجاد بحران در یمن است. در بخش دیگری از این بیانیه به تکرار ادعاهای واهی آمریکا و عربستان علیه ایران آمده است: «در همه بخش های حمله موشکی بالستیک به فرودگاه ریاض در هفته گذشته، رد پای ایران دیده می شود.» او که کشورش حامی ائتلاف متجاوز به یمن است، افزود: «حمایت ایران از حوثی ها باید متوقف شود. آمریکا باید با شرکایش در منطقه خاورمیانه و شورای امنیت سازمان ملل متحد همکاری کند تا پیام روشنی به ایران منتقل شود مبنی بر اینکه اقداماتش در نقض قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد تحمل نخواهد شد.»

این سناتور آمریکایی در ادامه ادعا کرد: «فعالیت های ایران در یمن سبب تشدید مناقشه داخلی این کشور و باعث استمرار آلام مردم یمن می شود و از پیشرفت به سمت گفت وگویی سیاسی برای پایان دادن به جنگ در یمن جلوگیری می کند.» ادعاهای این سناتور آمریکایی در حالی مطرح می شود که مناطق غیرنظامی یمن به صورت روزمره تحت بمباران جنگنده های سعودی قرار دارند و ایران نیز بارها ادعای حمایت تسلیحاتی از نیروهای یمنی را رد کرده است.

## واکنش محسن رضایی به طرح مذاکره موشکی با ایران

اصرار مقامات آمریکایی و اروپایی بر طرح مذاکره موشکی با ایران، با واکنش دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز همراه شده است. سرلشکر محسن رضایی در یادداشتی در صفحه شخصی خود به مناسبت ۲۱ آبان سالروز شهادت شهید حسن طهرانی مقدم، پدر موشکی ایران نوشت که صنعت موشکی ما دفاعی و غیرقابل مذاکره است. متن یادداشت رضایی که در اینستاگرام وی منتشر شده، به شرح زیر است:

«در موضوع هسته ای مذاکره کردیم، زیرا قصد ساختن بمب را نداشتیم؛ اما در موضوع موشک، قصد ساختن موشک را برای دفاع از خود را داریم. بنابراین مذاکره معنا ندارد. ما حاضریم در مذاکرات خلع سلاح اتمی اسرائیل و مذاکرات منطقه عاری از سلاح اتمی شرکت کنیم؛ ولی موشک سپر دفاعی ماست. اگر این سپر تضعیف شود، ما در دفاع از خود ضعیف می شویم.»

## روایت الجزیره از شکست پروژه موشکی ماکرون

در میان خبرگزاری ها و رسانه هایی که طی روزهای اخیر به موضوع توان موشکی ایران و واکنش کشورمان در قبال طرح مذاکره موشکی پرداخته اند، تحلیل شبکه الجزیره قابل تأمل است. الجزیره در این خصوص می نویسد: «ایران درخواست امانوئل ماکرون برای مذاکره درباره برنامه موشکی را رد کرد و با قاطعیت اعلام کرد که چیزی به نام مذاکره یا برجام موشکی وجود نخواهد داشت.» الجزیره در این خصوص می نویسد:

«پس از حمله موشکی حوثی ها به ریاض و در جریان دیدار ماکرون از دوی او اعلام کرد که از برنامه موشکی ایران بسیار نگران است بنابراین به ایران پیشنهاد مذاکره در این باره را داد. در عین حال با اشاره به ادعای عربستان سعودی، رئیس جمهور فرانسه چشم اندازی از تحریم های احتمالی را در رابطه با این فعالیت ها مطرح کرد.»

اما بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، گفت که برنامه موشکی کشورشان دفاعی و غیرمستقیم بوده و به معاهده هسته ای ربطی ندارد. او همچنین در ادامه گفت: «فرانسه کاملاً از موضع کشور ما آگاه است که مسائل مربوط به دفاع ایران قابل مذاکره نیست.» قاسمی در ادامه نیز متذکر شد که ما به مقامات فرانسوی مکرراً گفته ایم که معاهده هسته ای قابل مذاکره نیست و از همه مهم تر نمی توان مسائل دیگر مثل برنامه موشکی را به آن اضافه کرد. فرانسه همواره تلاش کرده است تا معامله هسته ای که ایران با شش قدرت جهانی - انگلیس، چین، آلمان، فرانسه، روسیه و ایالات متحده امضا کرده است را حفظ کند. در ماه گذشته، ماکرون به حسن روحانی، رئیس جمهور ایران، در یک تماس تلفنی گفت که فرانسه همچنان متعهد به توافق است. او اما در عین حال بر ضرورت گفت وگو با ایران در مورد مسائل استراتژیک دیگر از جمله برنامه موشکی بالستیک تهران تأکید کرد.

طی روزهای اخیر فشار بر ایران بسیار بیشتر شده است و به نظر می رسد فرانسه ماموریت کشاندن ایران را به میز مذاکره ای دوباره این بار در مورد برنامه موشکی دارد؛ درخواستی که تا امروز ایرانی ها با قاطعیت آن را رد کردند و نشان دادند مایل به ورود به بحرانی دیگر نیستند.»

## مخالفت قاطع خرازی و شمخانی با مذاکره موشکی

اعمال فشار مقامات غربی برای مذاکره در خصوص توان موشکی ایران با واکنش قاطعانه سایر مقامات کشورمان نیز مواجه شده است. «کمال خرازی» وزیر خارجه اسبق ایران در گفت وگو با روزنامه تریبی اشتاندارد گفت که درباره (برنامه) موشکی ایران مذاکره ای صورت نخواهد گرفت. کمال خرازی که به منظور شرکت در نشست اروپایی به وین رفته همچنین با «ولفگانگ شولس» صدراعظم سابق و رئیس انجمن سیاست خارجی و سازمان ملل اتریش دیدار کرد.

وی درباره نقش کشورهای اروپایی در حمایت و تداوم توافق هسته ای ایران هم گفت که اگر آمریکا کنار گذاشته شود، شانس توافق به این بستگی دارد که اروپا چطور استقلال خود را حفظ می کند و به مسئولیت های خود پایبند باقی می ماند.

وزیر خارجه اسبق ایران گفت که تمامی طرف های دیگر امضا کننده توافق هسته ای تلاش می کنند که آمریکا در توافق باقی بماند. وی درباره مذاکره درباره برنامه موشکی ایران هم گفت: «مذاکره دیگری با مذاکره تکمیلی در کار نخواهد بود. مساله موشکی و توانایی ما در زمینه دفاع قابل مذاکره نیستند.»

این مقام ایرانی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا می توان درباره نقش ایران در منطقه به ویژه در سوریه وارد مذاکره شد هم گفت: «درباره این مسائل هم نمی توان با ایران مذاکره کرد. نفوذ ایران در منطقه تاریخی است و

وقتی که این کشور در کشوری دیگر حضور دارد، چنین اقدامی با خواست دولت محلی صورت می گیرد.»

دربابان علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز اخیراً در مراسم سی و هشتمین سالروز گرامی داشت ۱۳ آبان در این خصوص تأکید کرده است: «امروز در حالی که پایبندی «جمهوری اسلامی به برجام بیش از ۸ بار توسط آژانس بین المللی انرژی اتمی تأیید شده و تمام کشورهای دنیا بر غیرقابل مذاکره بودن برجام تأکید می کنند و اذعان دارند که موضوعات موشکی و منطقه ای قابل مذاکره نیست اما شاهد آن هستیم که راهبرد آمریکایی ها، اعمال تحریم های جدید و تلاش بیهوده علیه ملت ایران است. از دیگر تلاش های آمریکایی ها متحد کردن هم پیمانان متفرق خود در منطقه است و به طور قطع اتحاد و اجماع درون حاکمیت در جمهوری اسلامی کمک شایانی برای ارائه صدای واحد و پرداختن به مشکلات داخلی به منظور ایجاد این راه حل ها جهت ایجاد یک سکوی پرش در دستورکار ملت و حاکمیت ایران خواهد بود.»

## دفاع نقیب زاده از مذاکره موشکی با غرب

با این حال، احمد نقیب زاده، استاد اصلاح طلب دانشگاه تهران در سرمقاله ای در روزنامه آرمان خواستار مذاکره موشکی با غرب گردید. وی طی یادداشتی در روزنامه آرمان پیشنهاد مذاکره موشکی را مطرح کرد.

در قسمتی از این یادداشت آمده است:

«اروپایی ها همان طور که بارها اعلام کردند در قبال ایران و بر سر موضوع برجام با آمریکا اختلاف نظر دارند و در زمینه موشکی ایران با آمریکا موافقت هایی دارند. برجام را که بارها گفته اند قابل مذاکره مجدد نیست ولی بر سر بحث موشکی ایران، خواهان مذاکره هستند اما نه چون آمریکایی ها که می خواهند بدون مذاکره و اخطار قبلی، دست به اعمال تحریم های جدید بزنند یا بخواهند این برنامه را از بیخ و بن باطل کنند و از ایران بخواهند دست از این موضوع بردارد. البته آنها هم گفته اند در صورت عدم رسیدن به نتیجه در این مورد، ممکن است تحریم های جدیدی وضع کنند.» در ادامه این یادداشت آمده است: «مواضع اروپایی ها تا حدی خردمندانه به نظر می رسد. هم می خواهند که هیاوهی آمریکایی ها را ساکت کنند و هم نمی خواهند موضوع موشکی ایران به یک بحران غیرقابل بازگشت تبدیل شود. البته ایران هم در موقعیت خوبی قرار دارد و به اهداف خودش رسیده و قادر است که این برنامه ها را در همین نقطه کنونی متوقف کند. بردیش از دوهزار کیلومتر در برنامه های ایران نیست.»

## منطق موشکی ایران کاملاً قابل دفاع است

واقعیت امر این است که به رغم تلاش همه جانبه کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا برای تحدید توان موشکی ایران و البته استقبال معدود گروه های داخلی از این ایده، چنین بار کجی هرگز به منزل نخواهد رسید. چنانچه مقامات کشورمان تأکید کرده اند موضوع توان موشکی ایران غیرقابل مذاکره بوده و شرایط موجود در منطقه و تهدیداتی که ایالات متحده و هم پیمانان اروپایی و صهیونیستی آن در غرب آسیا ایجاد کرده اند، ما را ملزم به تقویت توان دفاعی و موشکی خود کرده است. منطقی که غرب اساساً در برابر آن استدلالی ندارد. ►

# پازلی که تکمیل نمی شود

## تلاش غرب برای مذاکره موشکی با تهران

حسن گودرزی

خبرنگار

۲ در جریان سلسله مذاکرات هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱، ایالات متحده آمریکا و تروپیکای اروپایی اصرار ویژه‌ای روی گنجانیدن موضوع توان موشکی ایران در برجام داشتند. جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا و وندی شرم، معاون وی معتقد بودند بدون مهار موشکی ایران و تحدید توان دفاعی کشورمان، اساساً نمی‌توان از توافقی موفق! با ایران سخن به میان آورد. حتی آنها در جریان برگزاری مذاکرات سال ۱۳۹۳ در مسقط (پایتخت عمان)، هر گونه مذاکره در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران را منوط به گنجانیدن بحث توان موشکی ایران در برجام کردند. این موضوع منجر به شکست آن دور از مذاکرات و کاهش شدید احتمال دستیابی طرفین به توافق هسته‌ای گردید. در نهایت، پس از آنکه مقامات آمریکایی و اروپایی اصرار جمهوری اسلامی ایران بر سر این موضوع (عدم گنجانیدن موضوع توان موشکی در برجام) را مشاهده کردند، تصمیم گرفتند از خواسته خود در این خصوص موقتاً صرف نظر کرده و آن را موکول به آینده کنند.

هم‌اکنون در سال ۲۰۱۷ میلادی قرار داریم. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا صراحتاً در نطق اخیر خود در تقابل با توافق هسته‌ای، بر لزوم تحدید توان موشکی ایران و گره زدن آن به برجام سخن به میان آورده است. مقامات اروپایی و مخصوصاً مقامات فرانسوی نیز از سوی ترامپ ماموریت پیدا کرده‌اند تا این موضوع را تا حصول نتیجه‌ای معین پیگیری نمایند. امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور جوان فرانسه طی هفته‌های اخیر به سکاندار اصلی تروپیکای اروپایی در معادله تقابل موشکی با ایران تبدیل شده است. ماکرون حتی در اظهاراتی وقیحانه، مدعی شده که حمله موشکی انصارالله به ریاض، کار ایران بوده است! هم‌اکنون صدای مقامات آمریکایی از جمله ترامپ از حلقوم رئیس‌جمهور فرانسه شنیده می‌شود. به عبارت بهتر، ماکرون از سوی ترامپ ماموریت پیدا کرده تا روی گنجانیدن موضوع توان موشکی ایران در برجام اصرار ورزد و اگر نتوانست این اقدام را

صورت دهد، موضوع برجام ۲ (با موضوع تحدید توان موشکی ایران) را در دستورکار قرار دهد.

در جریان برگزاری نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، ماکرون و ترامپ دیدار مفصلی با یکدیگر بر سر برجام داشتند. در همان دیدار، ماکرون به ترامپ تعهد داده است تا تمامی توان خود را روی مهار موشکی ایران متمرکز نماید. در این میان، اساساً اهمیتی ندارد که ایالات متحده آمریکا و تروپیکای اروپایی بخواهند از چه طریقی این اقدام را صورت دهند؛ اینکه آن را در بطن برجام گنجانده و یا آنکه در قالب توافقی جدید به مهار موشکی ایران بپردازند. هر دوی این موارد، بر خلاف منافع ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

موضوع مهار موشکی ایران، دغدغه مشترک دموکرات‌ها و جمهوریخواهان در ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود. همراهی مطلق دموکرات‌های کنگره (مجلس نمایندگان و سنا) با این موضوع، خود بیانگر بسیاری از حقایق در این خصوص است. در این میان، اصلی‌ترین دغدغه دموکرات‌ها و برخی جمهوریخواهان سنتی این است که بدون برهم‌خوردن برجام، پروژه مهار موشکی ایران کلید خورده و مذاکرات موشکی با ایران با هدف انعقاد برجامی جدید آغاز شود. حتی چنانچه اشاره شد، جان کری، وزیر امور خارجه سابق ایالات متحده و تیم همراه وی نیز از این ایده استقبال می‌کنند. نکته جالب توجه اینکه طی ماه‌های اخیر، کمترین انتقادی از سوی مقامات حزب دموکرات آمریکا و حتی اعضای تیم سابق مذاکره‌کننده هسته‌ای آمریکا در این خصوص (برجام موشکی) بیان نشده است. این نقطه، نقطه اتفاق نظر و اشتراک کبوترها و بازهای آمریکایی در قبال ایران محسوب می‌شود.

فرا تر از آن، برخی اعضای تیم سابق مذاکره‌کننده هسته‌ای آمریکا نیز از اعمال فشارهای مشترک اخیر واشنگتن و تروپیکای اروپایی بر سر مهار قدرت موشکی ایران استقبال کرده و حتی پیشنهادهایی را در این خصوص به وزارت امور خارجه آمریکا و ترامپ ارائه داده‌اند. یکی از این افراد ریچارد نفیو، عضو تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای آمریکا و معمار تحریم‌های ایران بوده است. وی که یک دموکرات محسوب می‌شود، اخیراً در این خصوص به نکات

قابل تاملی اشاره کرده است. وی در بخشی از این مقاله که در مجله «فارن افرز» منتشر شده برنامه موشکی ایران را «تهدیدی علیه آمریکا و متحدانش» خوانده، اما نوشته ادامه این برنامه توسط ایران به معنی شکست توافق هسته‌ای برجام نیست.

نفیو در این خصوص می‌نویسد: «ایران در مذاکرات هسته‌ای با گروه ۵+۱ اصرار داشت که موضوع موشکی در هر گونه توافق بر سر برنامه هسته‌ای گنجانده نشود. به‌رغم این، تیم آمریکا در بخش زیادی از ۱۸ ماه گفت‌وگو که به برجام ختم شد، هنوز به دنبال آن بود که به عنوان بخشی از این توافق با ایران بر سر برنامه موشکی‌اش به توافق برسد. آمریکا (دولت ترامپ) باید از راهبردی دوجبه‌ای، متشکل از امتیازها و تنبیه‌ها (معروف به راهبرد چماق و هویج) برای مذاکره بر سر برنامه موشکی ایران استفاده کند.»

مواضع نفیو نشان می‌دهد که چگونه دموکرات‌ها و جمهوریخواهان آمریکا بر سر موضوع گنجانیدن توان موشکی ایران در برجام یا انعقاد برجام ۲ با هدف مهار توان موشکی ایران با یکدیگر اتفاق نظر دارند. واشنگتن و سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه قصد دارند بر سر «برد موشک‌ها»، «وزن کلاهک‌ها» و «تعداد موشک‌های تحت مالکیت ایران» با کشورمان وارد مذاکره شوند. در چنین شرایطی هر گونه پیمایی که مفهوم «معامله‌پذیر بودن توان موشکی ایران» را به طرف مقابل (آمریکا و متحدانش) ارسال نماید، پیمایی مغایر با امنیت ملی کشورمان محسوب می‌شود. از این رو دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان باید این خط قرمز را به عنوان موضوعی غیر قابل تغییر و پررنگ به واشنگتن و تروپیکای اروپایی تفهیم نماید.

در نهایت اینکه متعاقب اعلام نظر کنگره آمریکا در خصوص برجام، فشار کشورهای اروپایی از جمله فرانسه و انگلیس بر سر مذاکره موشکی با ایران افزایش خواهد یافت. در چنین شرایطی لازم است مجموعه دستگاه‌های اجرایی و نظارتی کشورمان مواضع محکم و قاطعانه‌ای در این خصوص اتخاذ کنند. بدیهی است که به همت ملت ایران و مسئولان کشورمان، اساساً پازل موشکی ترسیم‌شده غرب علیه ایران تکمیل نخواهد شد. ►





# اتهامات موشکی آمریکا ارزشی ندارد

گفت‌وگوی مثلث با مرتضی صفاری نطنزی



طی روزهای اخیر، مقامات آمریکایی اتهامات تازه‌ای را علیه برنامه موشکی ایران مطرح کرده‌اند. به عنوان مثال در یکی از این موارد، دونالد ترامپ حمله موشکی انصارالله به ریاض را به جمهوری اسلامی ایران نسبت داده است. ارزیابی شما از این گونه اتهامات چیست؟

▲ بدیهی است که اتهامات موشکی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران مسبوق به سابقه بوده و تازگی ندارد. از سوی دیگر، این اتهامات اساساً ارزشی ندارد و در قالب سیاست خصمانه واشنگتن علیه کشورمان قابل تحلیل و ارزیابی است. از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا به امروز این سیاست خصمانه ادامه داشته و مقامات دولت فعلی آمریکا نیز در حال ادامه همان سیاست هستند. در این خصوص، مقامات آمریکایی سخنانی را مطرح می‌کنند که دارای مبنایی مستند و قابل پذیرش برای افکار عمومی دنیا و جامعه بین‌الملل نیست. در مقابل این سخنان، لازم است دست‌اندرکاران کشورمان مواضع اصولی خود را اتخاذ کنند و تلاش کنیم دیگر کشورها و بازیگران جامعه بین‌الملل را با واقعیات موجود در کشورمان آشنا سازیم تا تحت تاثیر القانات ایالات متحده آمریکا قرار نگیرند.

تاکنون بارها عنوان شده است که شرایط موجود

در منطقه و نظام بین‌الملل و مخصوصاً تهدیداتی

که از سوی آمریکا، رژیم صهیونیستی و متحدان

آنها در منطقه وجود دارد، ما را ملزم به تقویت

توان دفاعی و موشکی خود ساخته است. نظر

شما در این خصوص چیست؟

▲ قطعاً همین‌طور است. دکترین دفاعی کشورمان به دلیل شرایط جغرافیایی، سیاسی، تجربه دفاع مقدس و ظرفیت‌های داخلی تأکید جدی برای استفاده از توان موشکی دارد و این امر قابل مذاکره با هیچ کشوری نیست. این مسأله، مبنایی کاملاً حقوقی و منطقی دارد. بر اساس منشور ملل متحد حق دفاع از ملت، کشورها و حفظ تمامیت ارضی برای همگان در نظر گرفته شده و در قواعد بین‌المللی نیز تأکید بر تقویت توان دفاعی صلح‌آمیز دارد، بنابراین نمی‌توان در خصوص توان دفاعی کشورمان با دیگران مذاکره کنیم. از سوی دیگر، هر کشوری بر اساس شرایط منطقه‌ای می‌تواند از ابزارها و ظرفیت‌های مختلف برای تقویت توان دفاعی‌اش بهره‌برد.

بنابراین، حق ملت ما این است که شیوه دفاع از خود را انتخاب کند. بدیهی است که هیچ کشور دیگری نمی‌تواند در این خصوص اظهار نظر کند. واقعیت امر این است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، منافع ایالات متحده آمریکا در منطقه همواره در خطر بوده و با عبارتی بهتر، سیاست‌ها و طرح‌های واشنگتن و متحدانش در منطقه با شکست مواجه شده است. در چنین شرایطی ایالات متحده آمریکا سعی دارد از ابزارهایی مانند اعمال تحریم و فشارهای دیگر استفاده کند تا کشورمان را تحت تأثیر قرار دهد. سال‌های زیادی است که ایالات متحده آمریکا این اقدامات را علیه کشورمان صورت می‌دهد اما به اهدافش نرسیده است. در مقابل، شاهد هستیم که توسعه و اقتدار جمهوری اسلامی ایران در معادلات منطقه‌ای و فرماندهی‌های افزایش یافته است.

به نظر شما چرا ایالات متحده آمریکا در برهه

فعلی روی توان موشکی جمهوری اسلامی ایران

تمرکز ویژه‌ای کرده و به قول خود، در صدد مهار

اختیار داشته باشید یا از کدام یک ابزارهای دفاعی استفاده نکنید، چون ما آزاد هستیم تا از مرزها و تمامیت ارضی خودمان دفاع کنیم، بنابراین این خارج از حوزه اختیارات ایالات متحده آمریکاست که به ما القبای نحوه چگونه دفاع کردن را بیاموزد.

بومی شدن علم تولید صنایع دفاعی در کشور نکته دیگری است که باید در این خصوص مورد توجه قرار گیرد. توان موشکی‌ای که ما امروز توانستیم آن را بومی‌سازی کنیم، حاصل تجربیات دفاع مقدس، دانشمندان و مهندسانی است که برای خدمت به نظام و مردم تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند و ما به هیچ وجه از آمریکا و متحدانش برای توسعه صنایع دفاعی خودمان کسب اجازه نخواهیم کرد چون ما بر اساس موازین بین‌المللی در تقویت صنایع دفاعی حرکت می‌کنیم و قرار نیست که کشوری را مورد تهدید قرار دهیم و بنابراین تمام اقدامات ما بدون ابهام و شفاف است.

در چنین شرایطی ایالات متحده آمریکا در صدد تحدید توان موشکی و دفاعی کشورمان برآمده است. تصویب قانون کاتسا نیز در همین راستا قابل ارزیابی است. تفاوت قانون کاتسا با تحریم‌هایی که از سال ۱۳۶۳ به بهانه تروریسم اعمال شده است، تمرکز بیشتر روی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و صنعت موشکی کشورمان است. این در حالی است که صنعت موشکی ایران مسأله جدیدی نیست و در گذشته نیز آنها هیچ گونه کمک یا امکانی را در ارتباط با صنایع نظامی در اختیار ما قرار نمی‌دادند و ما در این زمینه نیز تحریم بودیم. ایالات متحده آمریکا با این قانون تحریمی به دنبال گسترش ایران‌هراسی است. این مسأله به دلیل آنکه روی ورود سرمایه‌های خارجی به داخل کشورمان تأثیر می‌گذارد، نقض برجام محسوب می‌شود. ►

۳ طی هفته‌های اخیر شاهد تشدید جو آفرینی‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای و سیاسی ایالات متحده آمریکا و برخی کشورهای اروپایی از جمله فرانسه علیه جمهوری اسلامی ایران هستیم.

به نظر می‌رسد غرب تمامی توان خود را در راستای تحدید توان موشکی و دفاعی کشورمان به کار گرفته است. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران همواره تأکید کرده است که توان دفاعی و موشکی کشورمان به مثابه یک خط قرمز و غیرقابل مذاکره است. در این خصوص گفت‌وگویی با مرتضی صفاری نطنزی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی صورت داده‌ایم که از نظراتان می‌گذرد.

قدرت دفاعی و موشکی کشورمان برآمده است؟

▲ به موضوع مهمی اشاره شد. واقعیت امر این است که توان دفاعی ما بر اساس صنعت موشکی تعریف شده است، بنابراین واشنگتن به همین دلیل از جانب جمهوری اسلامی ایران همواره آشفتگی و انگشت را روی توان موشکی کشورمان گذاشته است. در اینجا تأکید می‌کنم که سرمایه‌گذاری برای پیشرفت صنایع موشکی کشور بر اساس مقررات بین‌المللی انجام شده و دفاع مشروع، حق هر کشوری است. چگونگی نحوه دفاع جمهوری اسلامی ایران را هیچ دولتی نمی‌تواند به ما دیکته کند، یعنی اینکه به ما بگویند شما چه ابزارهای دفاعی را باید در



## ایران باید توان موشکی اش را افزایش دهد

گفت‌وگوی مثلث با فواد ایزدی

**دکتر ایزدی، دلایل ایران برای عدم پذیرش هر گونه مذاکره‌ای در مساله موشکی چیست؟**

▲ اگرچه مقام معظم رهبری در خصوص بحث هسته‌ای اجازه مذاکره دادند و در زمان مذاکرات فرمودند اگر تجربه برجام موفقیت‌آمیز باشد، در حوزه‌های دیگر هم می‌توان وارد شد زیرا مذاکره، فی‌نفسه امر ناپسندی نیست، اما تجربه مذاکره در برجام با آمریکا رضایت‌بخش نبود. درواقع اگر کره شمالی به دلیل سابقه مذاکرات در برجام و عدم پایبندی ایالات متحده به تعهداتش، وارد مذاکره با آمریکا نمی‌شود؛ ما نیز باید از این مساله عبرت بگیریم و این امر را تکرار نکنیم زیرا تجربه برجام نشان داد واشنگتن امتیازات محدودی را روی کاغذ می‌دهد که در عمل هم آن امتیازات را نمی‌دهد و هم امتیازات بسیار گسترده‌ای را می‌گیرد. لازم به ذکر است آمریکایی‌ها در چند حوزه با ایران مشکل داشتند که مساله هسته‌ای تنها یکی از حوزه‌ها بود. اکنون نیز خیلی روی این مساله تاکید ندارند، زیرا برنامه هسته‌ای ایران کم‌وبیش متوقف شده است و دلیلی برای تمرکز ویژه آمریکا روی بحث هسته‌ای ایران وجود ندارد. اما امروز شاهد از درون تهی کردن برجام و افزایش تحریم‌های جدیدی علیه ایران هستیم، تحریم‌هایی که پیش از برجام وجود نداشتند. ضمن اینکه روی بحث قدرت موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران نیز متمرکز شده‌اند و سعی دارند تا اهرم‌های دیگر قدرت ایران از جمله در حوزه‌های موشکی و نفوذ منطقه‌ای را نیز از ایران بگیرند. به همین خاطر مذاکره با آمریکای ترامپ اشتباه است، زیرا ترامپ همان اقدامی را که در مورد برجام انجام داد در ارتباط با توافقات دیگر نیز انجام

۴ به دنبال طرح پیشنهاد مذاکره موشکی از سوی یکی از کارشناسان و اساتید دانشگاه کشورمان، آن هم در شرایطی که کشورهای غربی به خصوص آمریکا و فرانسه نیز بحث گفت‌وگوهای موشکی را با وجود غیرقابل پذیرش بودن آن برای ایران بارها مطرح کرده‌اند، گفت‌وگویی با دکتر فواد ایزدی، استاد دانشگاه تهران و کارشناس مسائل بین‌الملل در خصوص دلایل جمهوری اسلامی ایران برای رد هر گونه مذاکره موشکی انجام دادیم. به عقیده وی با توجه به عدم محدودیت ایران در موضوع موشکی و بدعهدی آمریکا در حوزه برجام، ایران نباید تن به هیچ گونه مذاکره‌ای در خصوص بحث موشکی دهد؛ ضمن اینکه حتی ایران باید بر توانش در این زمینه بیفزاید تا نشان دهد که بدعهدی با ایران تبعاتی را به همراه دارد.

خواهد داد و درخواست‌های دیگری را مطرح خواهد کرد زیرا این مسلک آمریکاییان است که مذاکره می‌کنند اما هیچ پایبندی به تعهداتشان ندارند و پس از آن همه چیز را کتمان می‌کنند. از این جهت زمانی یک مذاکره صورت می‌گیرد که به توافق بینجامد و این توافق در صورتی ارزشمند است که طرف مقابل به تعهداتش در توافق پایبند بوده و عمل کند. اما تجربه پیشین در خصوص مذاکره با ایالات متحده آمریکا نشان داد که آنها به تعهداتشان عمل نمی‌کنند. به همین خاطر مذاکره با آمریکاییان همان دیوانگی است که آقای حسن روحانی فرمودند،

خصوصاً در بحث موشکی که هیچ محدودیت بین‌المللی برای ایران وجود ندارد. در مورد سلاح هسته‌ای نیز ایران به دنبال سلاح هسته‌ای نبود، اما آنها بر بهانه محدودیت سلاح هسته‌ای، برجام را به ایران تحمیل کردند. بنابراین با توجه به عدم محدودیت ایران در موضوع موشکی و بدعهدی آمریکا در حوزه برجام، ایران باید در حوزه‌هایی که نقض برجام نیست مانند بحث موشکی، اعتراضش را اعلام کند. در این راستا ایران باید تن به هیچ گونه مذاکره‌ای در خصوص بحث موشکی ندهد، ضمن اینکه بر توانش در این زمینه نیز بیفزاید؛ تا از این طریق به نوعی نشان دهد که بدعهدی با ایران تبعات بدی را به همراه دارد زیرا وجود دولت‌های مقتدر به‌ویژه در منطقه‌ای مانند خاورمیانه خیلی مطلوب آمریکا نیست. اگرچه دلیلی ندارد که غرب و به‌ویژه آمریکا در رابطه با نقش آفرینی منطقه‌ای ایران نگرانی داشته باشد چرا که ایران اگر تحرکاتی داشته و یا از موشک استفاده کرده، این تحرکات در راستای مقابله با داعش بوده است و غرب باید از این رویکرد ایران استقبال کند. اما احساس واشنگتن این است که ایران برای هژمونی آنها در منطقه مزاحمت ایجاد خواهد کرد و از این رو به‌خاطر داشتن یک نگاه زیاده‌خواهانه چنین اظهاراتی را علیه ایران مطرح می‌کنند.

**با توجه به اینکه ایالات متحده در صدد جلب حمایت کشورهای اروپایی برآمده است و در همین راستا نگاه فرانسه نیز به مساله موشکی ایران با آمریکا همسو شده است، ایران باید چه سیاستی را در برابر کشورهای اروپایی در پیش بگیرد؟**

▲ کشورهای اروپایی اگر مایل به همکاری با ایران باشند، باید توافق برجام را درست اجرا کنند. به این صورت که اگر یک شرکت اروپایی تحت فشار ایالات متحده از همکاری با ایران تمکین کند، اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی از آن شرکت حمایت کرده و هزینه‌های احتمالی را بپردازند و موانع پیش‌رو را بردارند. بنابراین در ابتدا باید یک ارزیابی از عملکرد آنها نسبت به برجام انجام داد که در این مرحله شاهد رضایت آنها از انجام این توافق هستیم اما این رضایت به تنهایی برای ما کافی نیست و راهگشای مشکلات متاثر از فشارهای ایالات متحده نیست. در قدم بعدی اگر نتیجه ارزیابی مثبت باشد، می‌توانیم در حوزه‌های دیگر نیز با اروپاییان وارد مذاکره شویم. اما بحث موشکی و نفوذ منطقه‌ای از جمله موضوعاتی است که قابل مذاکره نیست، زیرا اینها اهرم‌های قدرت ایران هستند و هیچ کشوری اهرم قدرتش را به تاراج نمی‌گذارد. ضمن اینکه تاریخ نیز نشان داد اروپاییانی که صدام را به سلاح‌های شیمیایی تجهیز کردند، خیلی قابل اعتماد نیستند.

**به عنوان سوال آخر، به نظر شما استراتژی جمهوری اسلامی ایران در خصوص مساله موشکی باید چگونه باشد؟**

▲ یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که در اختیار آمریکا قرار دارد ابزار تحریم است. بنابراین از آنجایی که در بحث هسته‌ای توانستند با تحریم، ایران را پای میز مذاکره بیاورند، تصور می‌کنند امروز نیز می‌توانند با همین روش در خصوص بحث‌های موشکی و منطقه‌ای ایران را پای میز مذاکره بیاورند. اما ایران به هیچ‌وجه نباید در این خصوص مذاکره کند. از آنجایی که ایران هیچ محدودیت بین‌المللی در حوزه موشکی ندارد، دلیلی ندارد در این خصوص پای میز مذاکره رود. ضمن اینکه سرعت پیشرفت را در این حوزه افزایش می‌دهیم، تا بدعهدی که آنها در توافق برجام کردند را جبران کنیم زیرا طرف مقابل باید متوجه شود که تصویب تحریم‌های جدید، واقتی داشته و هزینه‌بر خواهد بود و ایران در زمینه‌های دیگری از جمله موشکی که از قضا نقض برجام هم نیست، پیشرفت خواهد کرد. ►



مختلف به مخاطبین داخلی و خارجی اعلام شود. آمریکا و اروپا با توجه به روابط تاریخی و سنتی که با رژیم صهیونیستی، عربستان و کشورهای عربی منطقه داشته‌اند در تلاش هستند در راستای اهداف پلید مثلث آمریکا، صهیونیسم و عربستان سعودی جهت فشار به ایران و راضی کردن ریاض و تل آویو، پروژه موشک‌هراسی ایران را مطرح و بحث شروع مذاکرات ایران با آمریکا و غرب را در خصوص مساله توان موشکی ایران مهیا کنند. این امر همان طور که مقام معظم رهبری و مقامات دولتی و لشکری اعلام کرده‌اند، خط قرمز کشور در خصوص منافع و امنیت ملی است.

به همین جهت با بحث شروع مذاکرات در خصوص پرونده موشکی در واقع سنگر دفاع از حریم انقلاب و کشور را در اختیار دشمن قرار داده‌ایم؛ چرا که خواسته آنها تنها با پرونده هسته‌ای و موشکی تمام نمی‌شود بلکه جهان غرب به دنبال تغییر حکومت و مبارزه با اندیشه انقلاب اسلامی است و تازمانی که آنها ضربه نهایی به اصل انقلاب و ولایت فقیه که منبع قدرت و اقتدار کشور در داخل و خارج است را نزنند از اهداف توسعه طلبانه خود علیه مردم ایران دست بر نخواهند برداشت. به همین جهت هرگونه مذاکره مجدد در خصوص برجام و پرونده‌های جدیدی همچون پرونده‌های موشکی، حقوق بشر و غیره در واقع شکست سنگر دفاع از موجودیت نظام مقدس اسلامی و جایگاه ولایت فقیه است. به همین جهت بایستی با استفاده از توان کشور در داخل و خارج و سازمان‌های بین‌المللی نسبت به افشای اهداف پلید مثلث صهیونیسم-آمریکا-عربستان اقدام کرد و همان طور که حضرت امام خمینی (ره) فرمودند که اگر ما یک قدم از منافع خود در قبال دشمنان عقب برویم دشمنان ده قدم جلو خواهند آمد، پس بایستی به آمریکا و حامیان آنها فهماند که توافق هسته‌ای یک اعلام حسن نیت بود که موجب توافق برجام شد و از روی ضعف صورت نگرفت. ▶

## توافقات ثانویه نداریم

برجام از روی حسن نیت بود نه از روی ضعف



◀ میرقاسم مومنی

مدیرعامل موسسه مطالعات بین‌المللی چشم‌انداز ابرار نوین

نمونه از این تکنولوژی‌ها تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای و موشکی ایران است که مردم و دولت ایران جهت ادامه رشد اقتصادی و فنی نیازمند این فن و تکنولوژی بوده و هستند و توان موشکی نیز با تجربه از ۸ سال دفاع مقدس جهت حفظ مرزها و امنیت کشور توسعه یافته است.

مذاکره در خصوص پرونده هسته‌ای و امضای توافقنامه هسته‌ای موسوم به برجام در واقع یک نگاه صلح‌آمیز از سوی ایران جهت افشای ادعاهای دروغین آمریکا و کشورهای اروپایی در خصوص پرونده‌های هسته‌ای کشور بوده است که در اوج قدرت و اقتدار نظامی و اقتصادی کشور انجام گرفت. عمده هدف این مذاکرات، جلوگیری از ماجراجویی و خنثی کردن اهداف پلید آمریکا نسبت به کشور ما و در منطقه خاورمیانه بوده است. اما مساله مهم این است که امضای توافقنامه هسته‌ای با آمریکا و غرب و رسیدن به توافق برجام موجب شده است عده‌ای در داخل و خارج توافق برجام از سوی ایران را به عنوان نقطه ضعف جمهوری اسلامی ایران و نظام تلقی کنند و براساس این استراتژی سعی دارند از اهرم تحریم و روش مورد استفاده در توافق برجام در راستای رسیدن به توافقات ثانویه همچون موشکی، حقوق بشر، تروریسم و گروه‌های جهادی در منطقه نیز استفاده کنند. این امر موجب می‌شود که آمریکا، اروپا و ضدانقلاب‌های داخلی با فشارهای مختلف و با هدف مشترک نسبت به اهداف ملی کشور توطئه کنند. اما مساله مهم این است که توافق برجام با هدف اعلام نیت صلح و براساس اهداف عالی کشور امضا شده و این توافق در اوج قدرت و آمادگی کشور بوده است نه در ضعف و ناامیدی و موضوع بایستی از طرق

پیریزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به رهبری حضرت امام خمینی (ره) موجب دگرگونی ساختار سیاسی در منطقه خاورمیانه و بخش‌های مهمی از جهان شد. اهداف و پیام انقلاب به سرعت به اقصای نقاط دنیا رسید و موج عظیمی از علاقه‌مندان به انقلاب را در کشورهای مختلف با خود همراه کرد. این پیام انقلاب که مبنی بر حمایت از مظلومان و مسلمانان جهان و مبارزه با ظلم کشورهای استعمارگر بود، موجب بیداری ملت‌های منطقه شد و روحیه مقاومت را در برابر صهیونیست‌ها تقویت کرد. در چنین شرایطی استعمارگران و ظالمان به رهبری آمریکا و همراهی اروپا جهت فشار به ایران و متوقف کردن توسعه اندیشه‌های انقلاب، علاوه بر سازماندهی گروه‌های ضدانقلاب در داخل و خارج و انجام کودتاهای نافرجام، ۸ سال جنگ تحمیلی را بر ملت ایران تحمیل کردند که این اراده قوی و روحیه انقلابی مردم ایران تحت رهبری ولایت فقیه بود که کشور را از هر توطئه داخلی و خارجی مصون داشت. در شرایط بعد از جنگ و سازندگی، اعمال تحریم‌ها و محدودیت‌هایی که به بهانه‌های مختلف علیه مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران در مقاطع مختلف وضع شده بود نه تنها هیچ تأثیری بر اراده و توسعه علمی و فناوری کشور نداشت بلکه موجب بومی‌سازی بسیاری از تکنولوژی‌های مختلف و جدید در کشور به همت جوانان انقلابی شد. یک



# اقتدار درون‌زا

## مسائل موشکی قابل مذاکره نیست

حسن بهشتی پور

کارشناس مسائل هسته‌ای



با وجود تاکید مقامات ایرانی بر این مساله که بحث دفاعی ایران قابل مذاکره و گفت‌وگو نیست اما علاوه بر ایالات متحده آمریکا اخیراً از سوی فرانسه نیز شاهد لفاظی‌هایی هستیم مبنی بر اینکه باید بر سر مساله موشکی ایران گفت‌وگوهایی صورت گیرد. در این بین در داخل کشور نیز هفته گذشته یکی از اساتید دانشگاه در

را ارتقا بخشد. بنابراین از یک سو بحث موشکی ایران قابل مذاکره نیست و کشورهای دیگر حق دخالت در آن را ندارند و از سوی دیگر سابقه مذاکرات برجام و بدعهدی طرف مقابل در اجرای آن نشان داد که حتی برای دفع دشمن و مصالح کشور نیز نمی‌توان وارد هیچ مذاکره‌ای با طرف آمریکایی شد. زیرا آمریکا علاوه بر اینکه در توافق برجام به آنچه تعهد داشت، عمل نکرد، بلکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری فعلی ایالات متحده آمریکا در صدد برهم زدن کل توافق برآمده است. در نتیجه ایالات متحده اول باید تکلیف برجام را مشخص و به تعهداتش در قبال برجام عمل کند؛ بعد از آن ما می‌توانیم در خصوص گفت‌وگو در هر موضوعی با آنها

منطقه است. بنابراین ضمن احترام به نظر استاد محترم، معتقدم ایران باید با اقتدار صنایع دفاعی‌اش را در تمامی زمینه‌ها به‌ویژه در موضوع موشکی تقویت کند. همچنین باید به این موضوع نیز توجه کرد که همه کشورهای در زمینه مسائل دفاعی و نظامی پیشرفت می‌کنند اما در مورد این مسائل تبلیغات نمی‌کنند. در ایران نیز نباید این موضوعات مهم و ضروری را در این برهه، رسانه‌ای و تبلیغاتی کنند. جمهوری اسلامی باید در زمینه مسائل دفاعی به خودکفایی برسد، پیشرفت روزافزون داشته باشد و با قدرت و قوت همچنان در صنایع موشکی، هوا و فضا و هواپیماسازی پیشرفت کند. ضمن اینکه دلیلی ندارد جهانیان را در جریان جزئیات و کلیات فعالیت‌های دفاعی‌مان قرار دهیم و حاشیه‌سازی کنیم.

همچنین باتوجه به اینکه از یک سو در توافق برجام به هیچ‌روی مساله موشکی مطرح نشده است و فقط در قطعنامه ۲۲۳۱، در مورد موشک‌های ایران صحبت شده است و از سوی دیگر مذاکرات ایران با اروپا در چند وجه مختلف صورت گرفته و فقط موضوع برجام نیست، بنابراین در این مقطع ما باید سیاستی را در پیش بگیریم که بین ایران و کشورهای اروپایی اجماع به وجود آوریم. درواقع به‌رغم اختلافاتی که وجود دارد، اما همچنان می‌توانیم در جهت پیشبرد منافع کشورمان با این کشورها تعاملات پربازده داشته باشیم. به عبارت دیگر روابط ایران با اتحادیه اروپا باید به شکلی مدیریت شود که در درجه اول ایران به اروپا وابستگی پیدا نکند و در درجه دوم نیز به هیچ طریقی قدرت دفاعی کشور کاهش پیدا نکند. بنابراین جمهوری اسلامی باید ضمن حفظ اقتدار دفاعی و نظامی کشور، با اتحادیه اروپا و کشورهای همچون چین، روسیه، هند و کره جنوبی که طرف‌های اصلی تجاری ایران هستند، تعاملاتش را ادامه دهد زیرا همان گونه که اشاره کردم در حال حاضر بیشتر تجارت خارجی ایران با کشورهای مذکور انجام می‌شود. به همین خاطر ما باید سیاستی را در پیش بگیریم که به‌رغم اراده ایالات متحده، این کشورها را با خود همسو کنیم. اکنون که در مورد مساله برجام بین اتحادیه اروپا و آمریکا اختلاف نظر به وجود آمده، این فرصت برای ایران فراهم شده تا با کشورهای اروپایی برای کسب حداکثر منافع و مصالح کشور اجماع‌سازی کند.

بنابراین در این شرایط در موضوع دفاعی که با اروپا و نه به هیچ کشور دیگری مذاکره و گفت‌وگو نخواهیم داشت تا اقتدار و عزت کشورمان پایرجا باشد. اما در موضوعات سیاسی و همکاری‌های اقتصادی و تجاری همچنان باید با اتحادیه اروپا و برخی کشورهای آسیایی روابطمان را ادامه دهیم. ضمن اینکه باید توجه داشت همکاری‌ها و تعاملاتمان را محدود به یک کشور نکنیم و با توزیع این روابط از همه فرصت‌های پیش‌روی‌مان استفاده کنیم. از طرف دیگر باتوجه به نظراتی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دارد، این ادعا که ممکن است ایران کلاهک هسته‌ای بسازد، موضوعیت ندارد و در دکتترین نظامی ایران جایگاهی ندارد. بنابراین نگرانی‌های مطرح‌ه از جانب غرب در مورد مسائل نظامی ایران بی‌اساس و پایه است و اصولاً جایی برای گفت‌وگو و مذاکره در این زمینه‌ها وجود ندارد. در نهایت باید یادآور شد هر نوع مذاکره‌ای سازش نیست و هر مذاکره‌ای به معنای امتیاز دادن یا امتیاز گرفتن نیست. همچنین دیالوگ و مذاکره با هم تفاوت دارند و در مذاکره دو طرف در مورد موضوع مشخصی با هم گفت‌وگو می‌کنند. ▶



تصمیم بگیریم. ضمن اینکه مساله موشکی به دلیل مواضع دفاعی اصلاً قابل مذاکره نیست. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که دو طرف گفت‌وگو، اصولاً برای دستیابی به یک هدف مشخص مذاکره می‌کنند. در حال حاضر صلح و امنیت ایران با موضوع موشکی گره خورده است؛ این در حالی است که اکنون ایران به لحاظ تجهیزات نظامی-هوایی و هواپیما در منطقه برترین قدرت نیست و به لحاظ تعداد نیروهای مسلح و لجستیک و پشتیبانی نیز نیاز به ارتقا دارد. بنابراین ما در ابتدا باید موازنه نظامی را با اقتدار تامین و موقعیت‌مان را تثبیت کنیم، سپس در مورد اینکه با چه کسی و در باب چه موضوعی مذاکره کنیم، تصمیم بگیریم. البته باز هم تاکید می‌کنم که موضوع موشکی که یک مساله دفاعی است اصلاً قابل مذاکره نیست؛ زیرا این مساله یک موضوع سیاسی نیست بلکه یک موازنه نظامی در سطح

گفت‌وگویی این گونه مطرح کرده که باید درباره موشک‌ها مذاکره کنیم تا خطر جنگ و تحریم برداشته شود. در خصوص مذاکره موشکی چند نکته مطرح و قابل توجه است؛ موضوع اول، بحث دفاع از کشور است. در موقعیت کنونی، جمهوری اسلامی ایران با اقتدار درون‌زایی که داشته، پیشرفت قابل توجهی در صنایع موشکی به دست آورده است. ضمن اینکه این قابلیت‌ها جنبه دفاعی دارند. به خاطر داریم در شرایطی که در اوایل انقلاب، از سوی عراق و رژیم بعثی، جنگ بر ایران تحمیل شده بود و ارتش بعثی شهرهای مختلف ایران را بمباران می‌کرد، ایران به صنایع موشکی مجهز نبود. به همین خاطر برای دفاع از کشورمان از کشورهای زیادی تقاضای کمک موشکی کردیم اما به جز چند مورد، درخواست‌مان بی‌پاسخ ماند. از این‌رو در آن زمان مجموعه نظام تصمیم گرفتند که به سمت خودکفایی در صنایع موشکی حرکت کنند تا در برابر تهاجم دشمن بتوانیم از خودمان دفاع کنیم. بنابراین باید گفت مجموعه صنایع موشکی ایران تنها جنبه دفاعی دارد و براساس صنایع بومی و توسط نخبگان داخلی این پیشرفت‌ها صورت گرفته است. همچنین لازم به ذکر است طرح این ادعا از جانب آمریکا در حالی است که طی سال‌های گذشته حجم وسیعی از تسلیحات به کشورهای همسایه ایران فروخته شده و منطقی است که در این شرایط ایران نه تنها باید به صنایع دفاعی تجهیز باشد بلکه باید آن

**جمهوری اسلامی باید ضمن حفظ اقتدار دفاعی و نظامی کشور، با اتحادیه اروپا و کشورهای همچون چین، روسیه، هند و کره جنوبی که طرف‌های اصلی تجاری ایران هستند، تعاملاتش را ادامه دهد**





## عصر طلایی دایناسورها

نام مؤلف: عرفان خسروی

ناشر: نشر طلایی

تعداد صفحات: ۶۴



کتاب «عصر طلایی دایناسورها»، یک دانشنامه تصویری و مختصر در مورد موجودات درشت هیکلی است که سال‌ها پیش در زمین زندگی می‌کردند: دایناسورها! بعد از آنکه نویسنده کتاب، عرفان خسروی، کتاب «فرهنگ‌نامه دایناسورها» را نوشت و با استقبال گسترده مخاطبان روبه‌رو شد، این استقبال او را تشویق کرد تا کتاب حاضر را بنویسد.

این کتاب، روی حس کنجکاوی کودکان و نوجوانان حساب ویژه‌ای باز کرده است و مخاطبان اصلی کتاب را نوجوانان تشکیل می‌دهند؛ گواه این مطلب، مقدمه‌ای است که خود نویسنده در ابتدای کتاب نگاشته است. به‌علاوه، فضای تصویری و نقاشی‌مانند کتاب، تابلوهای رنگارنگی از زندگی دایناسورها را در برابر چشمان تصویرخواه مخاطب قرار می‌دهد و مهر تأییدی است بر اینکه این کتاب برای نوجوانان پرسشگر و کنجکاو نوشته شده است. نکته جالب برای دایناسورها که ذهن مخاطب را قلقلک می‌دهد، دیدن تصاویر این موجودات است و این کتاب با آگاهی صحیح از این نیاز، به صرف نوشته اکتفا نکرده و بیشتر تصویرمحور بوده است.

روزآمدی، واژه‌نامه، حمایت از محیط‌زیست و آشناسازی مخاطب با روش علمی از ویژگی‌های کتاب است. در انتهای کتاب نیز نقشه جامع زندگی دایناسورها و خلاصه آنچه در کتاب است، به‌صورت مختصر برای مخاطب بازعرضه می‌شود.



تحولات اخیر در منطقه خاورمیانه از جمله استعفای غیرمنتظره سعد حریری، نخست وزیر لبنان در ریاض و مطرح کردن ادعاهایی علیه ایران و حزب الله و موشک پرانی انصار الله یمن به سمت عربستان و ادعای سعودی ها مبنی بر اینکه ایران به حوثی ها موشک داده است، این پرسش ها را مطرح کرده که آیا منطقه آبستن حوادث جدیدی است و آیا شیخ جنگ بر فراز خاورمیانه مشاهده می شود یا اینکه این تحولات صرفاً فراقتنی محمد بن سلمان از مشکلات داخلی محسوب می شود؟!

تیتریک

احتمال وقوع درگیری نظامی میان ایران و عربستان بسیار کم است

## پروژه تولید جنگ هراسی



عارف بیژن

پژوهشگر حوزه بین الملل

### تشدید تنش ها در روابط ایران و عربستان

شرایط فعلی و متقابل ایران با عربستان سعودی و برخی کشورهای عربی خلیج فارس یک رویارویی جدید و خطرناک به وجود آورده که در سایه آتش زیر خاکستر عمل کرده است. این امر ناشی از این اصل است که هر یک از کشورها با هر ابزاری که دارند حداکثر استفاده را می کنند تا طرف مقابل را به قبول دیدگاه خود سوق دهند. به همین صورت ایران و عربستان با همه اشتراکاتی که دارند به این نتیجه رسیدند که نمی توانند از طریق سیاسی با یکدیگر ارتباطی داشته باشند و با انتخاب دولت ثالث (سوئیس) به عنوان دولت حافظ منافع، روابط دیپلماتیک خود را متوقف کردند. اگرچه بحران ایران و عربستان سعودی از زمان توافق هسته ای ۲۰۱۵ بین ایران و ۵+۱ شدت گرفت و در ابعاد دیگر نیز گسترش پیدا کرد، زمینه های اختلافی دیگر بین این دو کشور را می توان در حمله به کنسولگری

و به خواسته خود نبوده است. اتفاق دیگر اینکه در همان شب اعلام شد که موشکی از طرف حوثی ها به سمت فرودگاهی در نزدیکی ریاض شلیک شده که البته توسط سیستم دفاعی عربستان نابود شد. اگرچه حوثی ها مسئولیت این حمله را بر عهده گرفتند اما مقامات عربستانی و آمریکایی به سرعت این حمله را از سوی ایران و حزب الله دانستند و آن را هشدار برای حمله مستقیم نظامی علیه عربستان مطرح کردند. آنچه روی داده است نشان از یک رویارویی بالقوه نظامی در صورت عدم تفاهم سیاسی دارد. حال در این ارتباط سوالاتی مطرح است از قبیل اینکه ۱- آیا تنش بین ایران و عربستان احتمال جنگ مستقیم یا نیابتی را ممکن می سازد؟ ۲- عکس العمل آمریکا و اسرائیل به تنش ها چگونه قابل ارزیابی است؟ و ۳- با وجود درگیری بین این بازیگران، منطقه به چه سمتی پیش خواهد رفت؟

۱ طی هفته های اخیر تحولات منطقه خاورمیانه آن چنان با سرعت در حال رخ دادن است که امکان بررسی جامع آن دشوار است. یکی از رویدادهای مهم و بی سابقه استعفای ناگهانی سعد حریری، نخست وزیر لبنان در ۴ نوامبر است که تنش را بین کشورهای منطقه به وجود آورده است. به طوری که چند روز بعد و در تاریخ ۱۸ آبان عربستان و به دنبال آن چند کشور دیگر عربی از شهروندان خود خواستند بلافاصله لبنان را ترک کنند. اینکه حریری استعفای خود را در ریاض بیان کرد و در آنجا به دلیل دو تابعیتی بودن مانده است، این فرضیه را تقویت می کند که او در انجام این کار تحریک شده



**معماری امنیت خاورمیانه**  
آمریکا، ایران و عربستان باز یگران اصلی سناریوهای آینده منطقه هستند



**برون فکنی تعارضات**  
ریاض پروژه ایران هراسی را تشدید خواهد کرد



**فانتزی سیاسی**  
جبهه مقابل ایران آمادگی نبرد جدیدا ندارد

عربستان در تهران و مشهد، جنگ سوریه، یمن، عراق، اختلاف با قطر و... ذکر کرد. پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و سفرش به عربستان که موضع گیری تندی علیه ایران داشت را هم باید در این راستا تحلیل کرد که هر دو ایران را به عنوان دشمن مشترک در نظر گرفتند.

با توجه به تغییرات حاکمیتی در عربستان، قدرت گیری محمد بن سلمان، اقدامات او در بازداشت بسیاری از مخالفان داخلی، این نگاه را از جانب عربستان تقویت می کند که رویارویی با ایران در شرایط کنونی می تواند ضربه محکمی به آن کشور باشد و هزینه آن کمتر از زمانی خواهد بود که قدرت و نفوذ ایران در منطقه بیشتر شود. علت این امر را باید در این دانست که از یک سو عربستان سعودی که از سال ۲۰۱۵ سیاست تهاجمی را آغاز کرده از اقدامات و حضور منطقه ای ایران به ستوه آمده، در جنگ سوریه نتوانسته ایران و حزب الله را تضعیف کند و فقط هزینه های هنگفتی را صرف حمایت از داعش و دیگر گروه های افراطی کرده است. از سوی دیگر، عربستان در روابط خود با عراق به مشکل خورده و نتوانسته عراق را از ایران و محور مقاومت دور کند و متقابلاً نفوذ ایران در عراق بیشتر شده است. عربستان به خوبی می داند که نفوذ و قدرت ایران پس از سقوط صدام حسین در ۲۰۰۳ در منطقه بیشتر شده و سخت می تواند جلوی آن را بگیرد. علت دیگری که می توان برای دشمنی ایران از نگاه عربستان ذکر کرد اینکه ریاض با وجود صرف هزینه های میلیاردی در جنگ یمن اما نتوانسته به پیروزی چشمگیری برسد و جای پای ایران و حزب الله را در یمن حس می کند. به همین دلیل به حریری فشار آورد که در متن استعفا از دخالت های ایران و حزب الله در مسائل داخلی و منطقه ای به عنوان دلیل اصلی نام برد. مورد دیگر اینکه، عربستان خود را به عنوان کانون جهان اسلام (مکه و مدینه) می داند و ناگهان ایران را به عنوان رقیب خود در نظر می گیرد که ترس از ایجاد هلال شیعی و برهم خوردن توازن سنی، این کشور را وادار به مقابله با آن می کند. همچنین عربستان معتقد است ایران توانسته کریدور زمینی تهران به بیروت را در مدیترانه ایجاد کند که این را خطری برای منطقه در نظر می گیرد. به همین دلیل بود که حمله موشکی از جانب حوثی ها را به ایران نسبت داد تا به بهانه موشک بالستیک که به زعم آنها، ایران در اختیار حوثی ها قرار داده جامعه بین المللی را به این سمت سوق دهد که ایران خطرناک است و باید جلوی آن را گرفت.

آنچه باید در پس استعفاي حریری بدان توجه کرد این است که تنها کارت بازی عربستان که امکان درگیر کردن آمریکا، اسرائیل و کشورهای عربی را در قبال ایران و حزب الله داشت، لبنان بود. اکنون این مساله مطرح است که آیا عربستان می تواند با این اقدام از اسرائیل بخواهد مستقیماً وارد جنگ با حزب الله شود که سال هاست در مرزهای شمالی اسرائیل قرار گرفته است؟ این مساله که آیا اسرائیل به چنین کاری اقدام می کند خود جای بحث دارد. یکی از اهدافی که عربستان به دنبال آن است اینکه به زعم عربستان، حزب الله لبنان از انصار الله یمن حمایت می کند و همین امر باعث صرف هزینه های زیاد از خزانه عربستان در جنگ یمن شده است. بنابراین آنچه می تواند اقدامات خصمانه عربستان را مشروعت ببخشد همین امر است که حزب الله و ایران

را در مرکز توجه قرار دهد و حمله احتمالی به لبنان را قانونی بداند. آنچه ریاض برای این هدف برنامه ریزی کرده صحبت های حریری بود. حریری بیان داشت که ایران و حزب الله را به خاطر اقدامات خصمانه و دخالت آنها در امور اعراب مقصر می داند و ادعا کرد که جانش در خطر است. او با اشراف به عمق نفوذ ایران در لبنان ادعا کرد که ایران، لبنان را به گروگان گرفته است و دود آن در منطقه سرانجام به چشم خودش خواهد رفت. با توجه به گفته های حریری در واقع می توان گفت عربستان سعی دارد جبهه جدیدی را در لبنان برای مقابله با ایران و حزب الله باز کند. حریری نیز با استعفاي خود، لبنان را مستقیماً در خط مقدم مبارزه قدرت بین تهران و ریاض قرار داد و بر میزان خطر در خاورمیانه افزود.

#### اسرائیل به دنبال جنگ سوم با حزب الله

شاید از جهاتی بتوان این فرضیه را مطرح کرد که شاید خشونت ترین دولت در منطقه که از تنش بین کشورها آن هم کشورهای مسلمان بهترین استفاده را می برد، اسرائیل است. رژیم اسرائیل به صورت چراغ خاموش اهداف و برنامه های خود را به بهترین نحو ممکن پیش می برد. به نظر می رسد رهبران اسرائیلی و نظامی اسرائیل به این نتیجه رسیده اند که درگیری با حزب الله به طور فزاینده ای محتمل است، به رغم اینکه طی چند ماه اخیر هشدارهایی داده اند مبنی بر اینکه جنگ سوم لبنان خطرناک تر و مرگبارتر از جنگ دوم لبنان در سال ۲۰۰۶ است. با توجه به تنش اخیر بین ایران و عربستان شاید اسرائیل منتظر بهترین فرصت است تا احتمال رویارویی با حزب الله برایش فراهم شود و از این طریق ایران را نیز با مشکل مواجه کند. نشانه های این امر هم تنش های اخیر در مرزهای شمالی با سوریه و لبنان است که افزایش یافته است. در واقع، گفته شده که عربستان از اسرائیل خواسته است به لبنان حمله کند؛ دلیل این امر را باید در دو نکته ذکر کرد. اول اینکه، بین عربستان و لبنان مرز مشترکی وجود ندارد و نیروهای عربستان بایستی از طریق اراضی اشغالی فلسطین بیایند. در این مورد به نظر می رسد اسرائیلی ها به درخواست عربستان هرگز علیه لبنان جنگ به راه نمی اندازند بلکه به درخواست آمریکا و بر اساس منافعی این کار را می کنند. اما این نکته را هم باید لحاظ کرد که استقبال آشکار اسرائیلی ها از استعفاي حریری، سناریوی دیگری را نیز به ذهن متبادر می کند مبنی بر اینکه زمانی که موضوع مقابله با حزب الله و تلاش برای از بین بردن این خطر برای اسرائیل مطرح باشد امکان هماهنگی بین آنها و حتی آمریکا ممکن است. این امر یادآور این است که عربستان در سال ۲۰۰۶ آشکارا از حمله اسرائیل به حزب الله حمایت کرد و از حزب الله خواست که نتایج این حملات را تحمل کند. دوم اینکه، عربستان در یک جبهه درگیر شده است و دیگر به تنهایی توان مبارزه جدید را ندارد. ریاض بسیاری از پول های خود را در سوریه و یمن هزینه کرده و دیگر قادر به تامین همه جانبه نیروی انسانی و مالی برای جنگ میان مدت و بلندمدت نیست. بنابراین لازم می داند که یا به صورت نیابتی این جنگ صورت گیرد یا اینکه بتواند حداقل حمایت ها را برای این مهم جلب کند. به نظر می رسد بهترین گزینه برای عربستان در رابطه با حمله احتمالی به حزب الله و لبنان، اسرائیل باشد. اسرائیل هم خود را برای جنگ سوم لبنان با حزب الله آماده

کرده است. صحبت های سید حسن نصرالله و متقابلاً رهبران اسرائیل نشانگر این امر است. همچنین با در نظر گرفتن شکل احتمالی درگیری آینده، می توان گفت مانورهایی که اسرائیل طی این چند ماه اخیر با چندین کشور بین المللی و در مرزهای شمالی خود صورت داده، شبیه سازی روی حزب الله است. چرا که اکنون شرایط با سال ۲۰۰۶ متفاوت است و حزب الله نسبت به آن سال قدرت نظامی زیادی پیدا کرده است. در همین راستا، نیروی هوایی اسرائیل اعلام کرد که لبنان می تواند در معرض بمباران هوایی عظیمی در روزهای آغازین جنگ با تلفات زیاد قرار گیرد. امیر اسشل، فرمانده نیروی هوایی اسرائیل در کنفرانس هرتزلیا ۲۰۱۷ بیان داشت، آنچه ما در ۳۴ روز توانستیم در جنگ لبنان انجام دهیم، اکنون در ۴۸ تا ۶۰ ساعت می توانیم انجام دهیم. بر اساس برآوردها، از زمان جنگ ۲۰۰۶، حزب الله به عنوان موفق ترین بازیگر نظامی غیردولتی، با ۲۰ هزار جنگجوی تمام وقت و آموزش دیده، ۲۵ هزار نیروی ذخیره و تعداد زیادی موشک آماده نبرد است. استراتژیست های اسرائیلی احتمال جنگ با حزب الله را مورد تردید قرار نمی دهند اما آنها تعجب می کنند که روسیه، ایران و حزب الله که در سوریه در حال جنگ هستند، به چنین مناقشه ای چه پاسخی خواهند داد. در واقع اسرائیل امیدوار بود حزب الله در جنگ سوریه ضعیف شود اما ناامید شد و حضور و نفوذ ایران و حزب الله را در مرزهای جولان بسیار نزدیک می بیند. بنابراین اسرائیل، بحران داخلی لبنان و تنش بین ایران و عربستان را بهترین فرصت برای خود می بیند تا از آن امتیازی به دست آورد. از یک سو، دین شاپیرو، سفیر سابق آمریکا در اسرائیل با اشاره به اقدامات بن سلمان در بازداشت شاهزادگان بیان داشت که «بن سلمان یک مرد ناشکیبا است. برکناری حریری ممکن است یک بازی سعودی برای آغاز یک واکنش اسرائیلی باشد و بینی حزب الله را خونین کند.» از سوی دیگر، بر اساس بیانیه ای که از دفتر بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل صادر شد، اسرائیل در ماه های اخیر به جنگ علیه حزب الله در لبنان تهدید شده و از تصمیم حریری برای استعفا به خاطر دخالت ایران و حزب الله به عنوان زنگ بیداری برای جامعه بین المللی علیه تجاوز ایران استقبال کرد.

#### شرایط آینده منطقه

با توجه به تمامی سناریوهای موجود برای حمله احتمالی عربستان و اسرائیل به لبنان، یا درگیری مستقیم ایران و عربستان، آنچه به عنوان فرضیه می توان در نظر گرفت و امکان رد آن نیز وجود دارد، این است اگر خاورمیانه را به عنوان یک پیاز تصور کنید و لایه های آن را بیرون بیاورید، می توان از پیچیدگی آنچه در حال رخ دادن است تصویری ارائه کرد. تصور کنید که در هر کدام از لایه ها یک بازیگر تاثیرگذار وجود دارد که به سهم خود می تواند معادلات منطقه را بر هم بزند. اما در شرایط کنونی به نظر نمی رسد هیچ یک از کشورها (آمریکا، ایران، عربستان، رژیم اسرائیل و دیگر کشورهای عربی خلیج فارس)، منفعتی برای ورود به یک جنگ تمام عیار نظامی داشته باشند. اگر چه عربستان امیدوار است از فضای به وجود آمده و نگرانی آمریکا و اسرائیل در قبال ایران و حزب الله استفاده کرده و با حمایت آنها فشارهایی را علیه تهران و حزب الله ترتیب دهد که به اهداف عربستان

# انتقام‌گیری ولیعهد

## سیاست‌های رادیکال ریاض در مقابله با ایران ناکارآمد بوده است

داود احمدزاده

کارشناس مسائل خاورمیانه



۲ سیاست عربستان سعودی در چند دهه اخیر همواره در قالب محافظه‌کاری و عدم درگیری در منطقه در پیوند استراتژیک با آمریکا دنبال شده است؛ در واقع طی این سال‌ها، تامین امنیت داخلی و منطقه‌ای و برقراری توازن قوا از طریق مشارکت در طرح‌های نظامی غرب در خاورمیانه باعث شده بود که عربستان در قبال تحولات خاورمیانه به ویژه موضوع فلسطین، کلیدی‌ترین بحران منطقه، واکنش جدی از خود نشان ندهد. از دیگر سو وقوع انقلاب اسلامی شیعی و سرایت آن به کشورهای حوزه خلیج فارس موجب شد که عربستان برای حفظ وضع موجود و ممانعت از گسترش نفوذ ایران در میان اقلیت شیعی در منطقه، طرح تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و مقابله با آن را دنبال کند. بنابراین در جنگ هشت ساله بیشترین کمک‌های مالی و نظامی به رژیم بعثی صدام با محوریت عربستان و کشورهای همسو صورت گرفت و نتیجه آن نیز شکل‌گیری یک جبهه عربی واحد در قبال بازتاب انقلاب اسلامی در منطقه بود.

در هر صورت طی چند دهه اخیر رقابت توأم با تنش در سه حوزه انرژی، ژئوپلیتیک و هسته‌ای، شکل‌دهنده فضای کلی روابط تهران-ریاض بوده است. بنابراین قبل از به قدرت رسیدن ملک سلمان، سیاست کلی این کشور بر اساس رویکرد سنتی محافظه‌کارانه و عدم ورود به جنگ مستقیم با ایران پی‌ریزی شده بود اما اکنون این رویکرد محافظه‌کارانه کنار گذاشته شده است.

با به قدرت رسیدن ملک سلمان و شیفت قدرت در خاندان آل سعود (سپیدی‌ها) سیاست‌های عربستان در قالب رادیکال، تهدید کشورهای منطقه و تسلیم و دیکته کردن این سیاست‌ها بر کشورهای حوزه خلیج فارس پیگیری می‌شود.

در این میان با توجه به کهولت سن پادشاه و توافق پنهانی محمد بن سلمان، ولیعهد تازه‌نصب و خام‌اندیش سعودی با آمریکا برای اجرای سیاست‌های کاخ سفید و ایجاد ناآرامی بیشتر، شاهد گسترش تنش و جنگ‌های نیابتی با ایران در منطقه هستیم.

در قالب همین سیاست خارجی رادیکال و ایجاد ناآرامی بیشتر در منطقه، ائتلافی از کشورهای عربی با محوریت ریاض با هدف تکرار پروژه ایران‌هراسی، معرفی فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران در قالب برهم‌زننده امنیت در منطقه و گسترش تهدید نظامی ایران تشکیل شده است. همچنین ریاض در کنار رژیم اسرائیل از مخالفین اصلی برجام و گشایش روابط ایران و غرب بوده و خواهد بود. از دیگر سو، پس از بروز ناآرامی‌های مدنی در شمال آفریقا و خاورمیانه عربی و حمایت ایران از حرکت‌های مردمی، به دلیل نوع نگاه تهران و ریاض به ماهیت این تحولات، روند تنش میان دو کشور فزونی یافت.

در جبهه سوریه با توجه به حضور پررنگ تر ایران برای تقویت محور مقاومت و همسویی استراتژیک با روس‌ها، شاهد دوام و بقای رژیم سوریه، کوتاه آمدن برخی از کشورهای اروپایی از لزوم برکناری بشار اسد و دوری بیشتر ترکیه از محور عربی و عربی در منطقه بودیم که این عوامل بر تیره‌روزی‌های ریاض افزوده است. از دیگر سوز و زوال

کمک کند. به‌طور ملموس می‌توان به تحریم‌هایی که علیه ایران و حزب‌الله در سطح بین‌الملل صورت گرفته، اشاره کرد. در نهایت می‌توان نکات زیر را برای سیاست‌باز یگران تأثیرگذار در تنش به وجود آمده در نظر گرفت.

۱- از یک سو، منافع آمریکادار در این است که از وقوع یک جنگ تمام عیار جلوگیری کند؛ زیرا واشنگتن بهترین ابزار را برای مقابله با ایران و حزب‌الله، فشارهای مالی می‌داند تا حمله نظامی. از سوی دیگر، این تنش باعث شد آمریکا بتواند از لحاظ روانی افکار عمومی را به سمت ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی جلب کند و یک بازار خوبی برای تسلیحات خود در نظر بگیرد. به عنوان مثال، وقتی حمله موشکی حوثی‌ها به ریاض صورت گرفت، انهدام آن توسط سیستم دفاعی آمریکا که عربستان خریداری کرده بود، انجام گرفت. اگرچه نگاه‌ها به سمت ایران منعطف و گفته شد ایران، موشک بالستیک را به حوثی‌ها داده است اما ایران این ادعا را رد کرد و آن را ساخت یمن دانست. عادل الجبیر، وزیر خارجه عربستان گفت حمله موشکی حوثی‌ها به منزلت اعلان جنگ از سوی ایران است و تهدید کرده است که در فرصتی مناسب پاسخی درخور به آن خواهند داد. اما با یستی گفت که این حمله از جانب حوثی‌ها بوده و آمریکا و عربستان به دنبال جنگ روانی علیه ایران بودند. بنابراین می‌توان گفت این حمله موشکی از جنبه تبلیغاتی برای فروش تسلیحات آمریکا در منطقه مورد بهره‌برداری قرار گرفت و موسسات صنعتی-نظامی آمریکا از بازار تسلیحاتی که به وجود آمده، استقبال می‌کنند.

۲- عربستان به تنهایی این توان را ندارد که مستقیماً وارد جنگ با ایران یا لبنان شود. به دلیل اینکه هم مرز مشترک با لبنان ندارد و هم توانایی تامین نیروی انسانی و مالی برای یک جنگ میان مدت و بلندمدت را ندارد. عربستان از سال ۲۰۱۵ در جنگ یمن هزینه‌های میلیاردها دلار از خزانه خود صرف کرده و مجبور است برای شروع جنگ یا حداقل حمایت‌ها را کسب کند یا به صورت نیابتی این جنگ را صورت دهد. در کنار آن باید درگیری عربستان در سوریه، عراق و تنش با قطر را نیز در نظر گرفت. در واقع عربستان با این تهدیدات ۱- قصد دارد به نحوی افکار عمومی کشورش را از تحولات داخلی این کشور که با موجی از بازداشت‌های سیاسی در هرم قدرت همراه است، منحرف کند. ۲- در سطح خارجی تلاش دارد برای مقابله با ایران یک نوع اجماع منطقه‌ای و فراق منطقه‌ای علیه حزب‌الله لبنان و ایران ایجاد کند.

ایران هم به دلیل اینکه در دو جبهه سوریه و عراق به نوعی در حال جنگ نیابتی است سعی دارد از ورود مستقیم به جنگ دیگر در منطقه اجتناب کند.

اگرچه تشکیلات دفاعی و سیاسی اسرائیل، ماه‌ها است که از آنچه در مرزهای شمالی (بلندی‌های جولان) رخ می‌دهد، ابراز نگرانی کرده‌اند اما آنها تصور می‌کردند حزب‌الله در سوریه تضعیف شود. این در حالی است که این تفکر اشتباه بود و به قول سیدحسن نصرالله، حزب‌الله از سال ۲۰۰۶ تاکنون، ۱۰۰ برابر قوی‌تر شده است. دلیل اینکه احتمال جنگ اسرائیل با حزب‌الله کم است اینکه رژیم صهیونیستی نگران آزار مهمات حزب‌الله است و اینکه تعداد زیادی از موشک‌های حزب‌الله ممکن است به هر شهری از اسرائیل ضربه اساسی بزند و باعث مهاجرت بسیاری از شهروندان اسرائیلی به خارج از این سرزمین شود که این برخلاف اعتقاد به موطن یهود است که آنها به دنبال آن هستند. بنابراین اسرائیل با اینکه می‌داند باید با حزب‌الله مبارزه کند اما اکنون نمی‌خواهد این کار را انجام دهد و منتظر چراغ سبز آمریکا خواهد ماند (این تحلیل شاید تغییر نکند). در نهایت لازم است به نقش مصر و روسیه هم در این تنش‌ها توجه کافی داشت. ▶

داعش در عراق و تداوم همکاری دولت مرکزی آن برای حفظ روابط استراتژیک در حوزه سیاسی و نظامی با ایران، با وجود تلاش پیوسته عربستان و آمریکا برای برهم‌زدن روابط دو همسایه، حاکی از سردرگمی روزافزون بن سلمان در عرصه تصمیم‌گیری است.

بنابراین واگذاری جبهه سوریه و عراق به ایران برای ملک سلمان، پسر تازه‌کار پادشاه، بس‌گران تمام شده است. بنابراین در عرصه میدانی برای انتقام‌گیری از ایران و حذف حزب‌الله لبنان از معادلات داخلی و منطقه‌ای، موضوع استعفای حریری و ایجاد آشوب سیاسی در لبنان را طرح‌ریزی کرد. حتی ممکن است عربستان برای انتقام‌گیری از حزب‌الله و ایران، جنگ نیابتی را با برهم‌زدن امنیت در لبنان دنبال کند.

می‌توان گفت امروز ما شاهد پروژه جدید در لبنان هستیم؛ یک پروژه عربی-عربی که با هدایت و حمایت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در حال پیگیری و پی‌ریزی است. بی‌ثبات‌سازی امنیت داخلی لبنان با هدف انتقام‌گیری از نیروهای محور مقاومت در منطقه و شکست در جبهه‌های متعدد در مقابل ایران صورت می‌گیرد. بنابراین این احتمال مطرح است که عربستان، مجری طرح جدید خشونت ساختاری در منطقه به‌ویژه در لبنان با چراغ سبز آمریکا و رژیم صهیونیستی باشد. باید توجه داشت که بحث بحران آفرینی که از سوی واشنگتن و تل‌آویو صورت می‌گیرد با هدف ایجاد درگیری قومی و فرقه‌ای در منطقه خاورمیانه و حفظ بقا و برتری نظامی اسرائیل است. چرا که در وضعیت فعلی در جهان اسلام، دو قدرت اصلی تهران و ریاض هستند که درگیری احتمالی این دو قدرت ضمن سرازیر کردن دلارهای نفتی به سوی کاخ سفید به حفظ برتری نظامی اسرائیل در منطقه بدون پرداخت هزینه بالایی خواهد انجامید. این پروژه شومی است که می‌تواند کل منطقه را با آشوب غیرقابل پیش‌بینی روبه‌رو سازد. از سوی دیگر مدیریت بحران در ایران با توجه به عقلانیت لازم برای پرهیز از جنگ احتمالی و درگیری رودرو است ولی ایران توان دفاع و حفظ منافع خویش در منطقه را دارد و بارها آن را به نوعی ثابت کرده است.

از سوی دیگر با تداوم ناآرامی‌ها در یمن و تقویت نیروهای حوثی بعد از هدف قرار گرفتن فرودگاه ریاض با موشک دوربرد، دوباره هجمه رسانه‌ای شدیدی در منطقه علیه ایران شروع شده و ریاض بدون ارائه سند متقن، مسئولیت این کار را متوجه ایران کرده است. عدم توانمندی در پاسخگویی به این موشک‌پرانی و ترس از تبدیل نیروهای انصارالله به یک الگوی مقاومت جدید در منطقه از یک سو باعث اتهام‌زنی مکرر به جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر منجر به توجیه حملات پی‌درپی به داخل یمن شده است.

در هر صورت پس از تجربه شکست در عراق و سوریه، بحث شکست سوم در جبهه یمن به عنوان کابوسی ترساک برای پادشاه جوان و بی‌تجربه عربستان تعبیر شده است و امکان دارد که با باخت در جبهه یمن تمام هزینه‌های نظامی در رویارویی با رقیب استراتژیک او در خاورمیانه یعنی ایران به نوعی بر باد رود.

در نهایت اینکه نزدیکی زمینی نیروهای انصارالله به مرزهای عربستان از یک سو و هدف قرار گرفتن شهرهای نزدیک عربستان از سوی دیگر، بر هراس و واکنش پادشاه عربستان افزوده است. ▶





## معماری امنیت خاورمیانه

آمریکا، ایران و عربستان بازیگران اصلی سناریوهای آینده منطقه هستند

به دنبال برنامه تسلیحات هسته‌ای و نیز دخالت در منطقه است. داعش و جبهه النصره همان‌طور که در سال ۲۰۱۵ شناخته شدند و اوج گرفتند، از بین رفته‌اند؛ اما جنگ سوریه همچنان ادامه دارد و حتی در حال افزایش است. سوریه میدان جنگی است که در آن قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای دست به جنگ‌های نیابتی می‌زنند. خشونت‌های فرقه‌ای که به وسیله رقابت‌های مشابه انجام می‌شود، بازیگران لبنان را به سوی مبارزه با یکدیگر متقاعد می‌کند.

در حالی که کشورهای ضعیف منطقه در این روند به هرج و مرج کشیده شده‌اند، قدرت‌های بزرگ شامل عربستان سعودی، ایران، مصر و ترکیه همچنان قوی و پایدار هستند. بهبود تدریجی قیمت نفت در اوایل سال ۲۰۲۰، که باعث ثبات اقتصادی می‌شود، یکی از دلایل مهم این پایداری است. عراق یک کشور تقسیم شده محسوب می‌شود، اما موفقیت در برابر داعش وضعیت را از نظر امنیتی به‌طور نسبی تثبیت کرده است.

این سناریو نسبت به وضعیت سال ۲۰۱۶ در مواردی متفاوت است که ایالات متحده درگیر تلاش برای ثبات در منطقه از جمله با استفاده از ابزار نظامی است. با ادامه جنگ‌های مدنی و نیابتی در منطقه، ایالات متحده بر مبارزه با تروریسم در داخل و خارج از کشور تمرکز می‌کند. حتی احتمال دارد که ایالات متحده و متحدانش به‌ویژه اروپا، مجبور به استقرار تسلیحات نظامی بیشتری در

فعال ایالات متحده در منطقه.

۲- خروج ایالات متحده از منطقه؛ ادامه تضاد و خصومت میان ایران و عربستان سعودی.

۳- تشنج‌زدایی میان ایران و عربستان سعودی؛ خط‌مشی سیاسی و نظامی آمریکا متناسب با تشنج‌زدایی در خاورمیانه.

۴- تحقق رویای صلح منطقه‌ای؛ حفظ صلح و آرامش منطقه‌ای میان ایران و عربستان سعودی.

**سناریوی اول: روابط خصمانه ایران و عربستان سعودی؛ حضور فعال ایالات متحده در منطقه.**

از اواسط سال ۲۰۲۰، ایالات متحده از رویکرد محتاطانه دولت باراک اوباما، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا مبنی بر دخالت در خاورمیانه رها شده است و به‌طور گسترده‌ای در خاورمیانه دخالت سیاسی و نظامی خواهد کرد. این دخالت‌ها شامل مدیریت جنگ‌های دامنه‌دار در سوریه، عراق، یمن و لبنان است که در اواخر سال ۲۰۱۶ اوج گرفته‌اند.

درگیری و رقابت میان ایران و عربستان همچنان ادامه دارد. عربستان سعودی همچنان ایران را به‌عنوان یک تهدید برای نفوذ منطقه‌ای در تمام سطوح نگاه می‌کند. به‌رغم موفقیتی که ایران در اجرای برجام به دست آورده است، عربستان سعودی به نیت ایران بی‌اعتماد است و این کشور را متهم می‌کند که مخفیانه

◀◀ امیر هوشنگ میرکوشش

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد



۳

معماری امنیت خاورمیانه بیش از یک دهه است که در حال تغییر است؛ ترکیبی از درگیری‌های غیرمسلحانه، شورش‌ها، قیام‌های ناگهانی و جنگ‌ها، بخشی از این منطقه را به نزاع و درگیری واداشته است. علاوه بر این، به‌طور کلی تحولات با گزینه‌های سیاسی مجموعه‌ای از قدرت‌ها و گروه‌های سیاسی در منطقه و فراتر از آن یکسان نبوده است. فقدان پیش‌بینی معادلات منطقه به مدیریت ضعیف بحران‌های منطقه افزوده شده و در نتیجه آمادگی و آماده‌سازی برای واکنش به بحران‌های ناگهانی وجود ندارد.

هدف این پژوهش، کشف تحولات امنیتی منطقه خاورمیانه در آینده است. پرسش اصلی آن است که آینده احتمالی خاورمیانه در یک دهه پیش‌رو (تا ۲۰۲۵) باتوجه به تحولاتی که امروز شاهد آن هستیم، چگونه خواهد بود؟ فرضیه مقاله بر اساس پیش‌بینی پیشرفت‌های امنیتی آینده و چهار سناریوی احتمالی برای خاورمیانه مورد آزمون قرار خواهد گرفت. این چهار سناریو عبارتند از:

۱- روابط خصمانه ایران و عربستان سعودی؛ حضور

منطقه برای تثبیت وضعیت کشورهای جنگ‌زده و با هدف حفاظت از مردم، جلوگیری از نسل‌کشی و جنایت و نیز تامین منافع ملی خود شوند.

این امر می‌تواند غرب را با افزایش هزینه‌های نظامی و سیاسی، افزایش مشکلات در همکاری در سازمان ملل متحد و پتانسیل جنگ مستقیم با دیگر قدرت‌های بزرگ در منطقه مانند روسیه، عربستان سعودی و ایران در وضعیت دشواری قرار دهد.

**سناریوی دوم:** خروج ایالات متحده از منطقه؛ ادامه تضاد و خصومت میان ایران و عربستان سعودی. در دهه پیش‌رو، ایالات متحده آمریکا به‌طور قابل توجهی محدودیت نظامی خود را در خاورمیانه تشدید خواهد کرد. چندین تحول باعث این محدودیت می‌شود؛ یکی از این تحولات آن است که ایالات متحده دیگر به انرژی خاورمیانه وابسته نیست. با توجه به پیشرفت تکنولوژی استخراج و ذخایر گسترده گاز غیرمتعارف موسوم به شیل، ایالات متحده در رابطه با انرژی به خود کفایی می‌رسد. معامله هسته‌ای ایران هنوز تحت نظارت است و ایالات متحده توانسته به آرامی روابط خود را با تهران بهبود بخشد. هیچ رویداد فاجعه‌آمیز یا به‌طور گسترده غیرمنتظره‌ای رخ نداده است که واشنگتن را مجبور به بازگشت فعالانه به منطقه کند. چین در آبراه دریایی شرق و جنوب آن کشور به‌طور فزاینده‌ای قاطعانه عمل می‌کند و آمریکا بیشتر بر آن بخش از جهان تمرکز دارد. چالش‌های پیش‌رو برای معماری امنیت اروپا توسط روسیه نیز به این معنی است که بیشتر نیروهای نظامی ایالات متحده در اروپا به کار گرفته می‌شود. این موضوع باعث خلاء قدرت در خاورمیانه می‌شود که روسیه و به میزان کمتری چین مشتاقانه تلاش می‌کنند تا آن را پر کنند. در نتیجه، خاورمیانه به‌طور فزاینده‌ای به حوزه‌های مورد علاقه تقسیم می‌شود.

عدم توانایی جامعه بین‌المللی برای یافتن راه‌حل پیش‌روی جنگ‌های خاورمیانه با افزایش تنش بین ایران و عربستان سعودی روبه‌رو شده است. تا سال ۲۰۲۰ جنگ در سوریه، عراق و یمن حل نشده است. جامعه بین‌المللی همچنان در وضعیتی قرار دارد که قادر به توافق در مورد یک رویکرد مشترک که منجر به خاتمه دادن جنگ‌ها شود، نیست. هم ایران و هم عربستان سعودی، نیروهای زمینی خود را در سوریه مستقر کرده‌اند، اما تاکنون هردو کشور بسیار مراقبت کرده‌اند که سربازان دو طرف مستقیماً رودرروی یکدیگر قرار نگیرند. با این وجود در این سناریو امکان رودررویی دو کشور در مقابل هم بسیار زیاد است که در این صورت می‌تواند با مقابله دریایی، هوایی، موشکی و بمباران تاسیسات نفتی و زیربنایی در طول سواحل ایران و عربستان خسارات سنگینی به طرفین وارد آورد. ادامه درگیری‌ها باعث افزایش خصومت بین دو کشور می‌شود و دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و عراق را نیز وارد جنگ می‌کند. جنگ مستقیم بین دو کشور قدرتمند در خاورمیانه اکنون یک واقعیت است.

اگر این اتفاق رخ دهد، این سناریو تأثیرات شدیدی برای اروپا خواهد داشت. جنگ ایران و عربستان ممکن است کوتاه‌باشد، اما در صورت یک درگیری طولانی‌مدت، استفاده از آبراه خلیج فارس را برای سال‌های پیش‌رو دشوار می‌سازد. بنابراین جامعه بین‌المللی مجبور خواهد شد کاری انجام دهد، اما به علت عدم مداخله بیش از یک دهه ایالات متحده در این منطقه، این امر دشوار خواهد بود. نتیجه این جنگ‌ها برای اروپا می‌تواند گسیل پناهندگان بیشتری نسبت به سال ۲۰۱۵ باشد. اروپا احتمالاً مقصد انتخابی برای پناهندگان و مهاجران جنگ‌زده بدون در نظر گرفتن قوانین اروپایی مهاجرت خواهد بود. پیامد دیگر، گسترش جنگ‌های

منطقه‌ای، این است که به رادیکالیزه شدن مداوم شهروندان اروپایی و افزایش تهدید تروریسم نسبت به اروپا می‌انجامد.

**سناریوی سوم:** تشنج‌زدایی میان ایران و عربستان سعودی؛ خط‌مشی سیاسی و نظامی آمریکا متناسب با تشنج‌زدایی در خاورمیانه از اواسط سال ۲۰۲۲ به بعد، خاورمیانه پیشرفت چشمگیری در جهت روابط مستحکم‌تر و درگیری‌ها داشته است. رکود سیاسی و نظامی منطقه‌ای ایالات متحده بیش از ۱۰ سال است که ادامه دارد. رهبری ایالات متحده در تسخیر قراردادهای صلح، کلید دستیابی به جنگ در سوریه، یمن و عراق بود. آمریکا اگرچه به‌طور جدی متعهد به مشارکت منطقه‌ای است، اما بر تضمین ثبات تأکید می‌کند؛ تغییر رژیم دنبال نشده و سیاست دموکراتیزه کردن خاورمیانه نیز وجود ندارد.

در نتیجه بسیاری از موافقت‌نامه‌های صلح به جنگ سوریه، عراق و یمن پایان داده و ایران و عربستان سعودی روابط سازنده‌تری را طراحی کرده‌اند؛ این نتیجه روند طولانی و دشوار مذاکرات صلح است. فرمولی عمومی که برای به اشتراک گذاری قدرت در جوامعی که قبلاً ورشکسته و تقسیم شده‌اند، پذیرفته شده است. قدرت‌های منطقه‌ای با درک این موضوع که تروریسم غیرقابل کنترل است و باعث تهدید مستقیم و بی‌ثباتی کشورها و نظام‌ها می‌شود نسبت به این فرمول صلح و پایداری آن متعهد شده‌اند.

در عراق، پیروزی بر داعش و برگزاری یک رشته انتخابات موفق باعث توافقات سیاسی مثبت و ثبات سیاسی شده است. مسائل اختلافی بر سر سرزمین و منابع طبیعی با دولت منطقه‌ای کردی در نهایت حل و فصل می‌شوند. عدم توسعه اقتصادی مناسب، نیاز به تعاملات متقابل اقتصادی بین منطقه‌ای را برجسته کرده است. کاهش قیمت نفت باعث شده عربستان سعودی سرعت اصلاحات اقتصادی گوناگون را تسریع کند و هزینه‌های زیادی را برای آموزش و ساختارهای پیشرفته و ساختار سازمانی با هدف کشف نوآوری‌ها صرف کند. اقتصاد ایران با تأکید بر لیبرالیسم اقتصادی بیشتر به سمت بازار حرکت می‌کند و کنترل دولتی کمتری دارد. ایران به عنوان بزرگ‌ترین بازار بالقوه در خاورمیانه، می‌تواند باعث تحرک اقتصادی و رونق تجارت داخلی شود. تعادل سازنده‌تر نظامی بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، پس از یک دهه تقویت شدید ارتش عربستان، به درک ثبات در همه طرف‌ها افزوده است.

ایالات متحده نیز به جای تغییر رژیم بر ترویج ثبات تأکید می‌کند و به دنبال دکترین دموکراتیزه کردن خاورمیانه نیست. این سناریو عواقب مثبتی نه تنها برای منطقه، بلکه برای اروپا نیز دارد. یکی از این پیامدها این است که جریان پناهندگان اروپایی کاهش می‌یابد. یکی دیگر از پیامدهای مهم این است که حذف فکری و عملی داعش و گروه‌های تروریستی دیگر در پناهگاه خاورمیانه می‌تواند تهدیدات نسبت به اروپا را کاهش دهد. بنابراین حل اختلافات در خاورمیانه از طریق توقف اقتدارگرایی در برخی کشورهای منطقه، به تدریج باعث پیروزی و منفعت همه کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌شود.

**سناریوی چهارم:** تحقق رویای صلح منطقه‌ای؛ پایداری و حفظ صلح و آرامش منطقه‌ای میان ایران و عربستان سعودی.

از اواسط دهه مورد نظر، ایالات متحده آمریکا محدودیت خود را در منطقه خاورمیانه متعادل کرده و در حال پیگیری سیاست متعادل سازی دریایی است.

واشنگتن پس از استفاده از تمام ابزارهای مربوطه از جمله حضور نظامی قوی برای کمک به برقراری صلح در سوریه و عراق، بسیاری از نیروهای نظامی خود را از خاورمیانه خارج کرده و تمرکز خود را بر پشتیبانی از بازسازی جنگ ویرانگر میان کشورها قرار داده است. در مورد امنیت منطقه‌ای، ایالات متحده با دولت‌های منطقه به صورت دوطرفه و موردی روابط ایجاد می‌کند. قدرت‌های منطقه‌ای مسئولیت بیشتری برای تضمین ثبات و امنیت دارند. تجارت و اقتصاد مهم‌ترین مورد برای ایالات متحده است و امنیت یکی از اولویت‌هاست. ایالات متحده به‌طور موثر از نقش طولانی‌مدت خود در تامین امنیت در خاورمیانه و به‌ویژه در خلیج فارس رهایی یافته است؛ این روند پیامدهای عمیقی بر روابط ایران و عربستان داشته است.

در انتهای دهه مورد بررسی، ایران و عربستان سعودی به سمت روابط بیشتر و دوستانه‌تر خواهند رفت. به‌طور غیرمنتظره‌ای به نظر می‌رسد که این وقایع و حوادث ناشی از خروج ایالات متحده از منطقه بوده است. ایران و عربستان سعودی (همراه با شرکای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس) برای چندین دهه به دخالت دولت‌های غیرمنطقه‌ای در خلیج فارس به عنوان تعادل و تامین‌کننده امنیت عادت کرده‌اند. تحت سلطه ایالات متحده، سیاست رویارویی از خطرات کمتری برخوردار خواهد بود؛ اگرچه نوید یک دریای قوی از آمریکا در منطقه نیز می‌تواند خطرناک باشد.

با وجود گشودن ایالات متحده در ترتیبات امنیتی منطقه، هر دو کشور مجبور به بازنگری در استراتژی‌های خود هستند و منافع کلیدی خود را دنبال می‌کنند. به‌طور خلاصه، ایران و عربستان تصمیم گرفته‌اند که امنیت و ثبات خلیج فارس در گروهی همکاری‌های آنها باشد. ایران و شورای همکاری خلیج فارس برای چندین دهه، روابط تجاری خوبی را در خلیج فارس تجربه کرده‌اند. رویکرد ایران این است که مجدداً سیاست اعتمادسازی در خلیج فارس را دنبال کند. مدل تجارت محور دویی ترویج شده است. سلطه بر خلیج فارس، اختلافات ارضی، با اختلاف بر سر منابع که می‌تواند ثبات منطقه را با خطر مواجه کند از دستورکار کشورهای منطقه خارج شده است. زیرا منافع همه کشورهای منطقه در گرو ثبات و همکاری است. در عربستان سعودی در نتیجه اصلاحات محدود، افکار عمومی نقش بیشتری را ایفا می‌کند. افکار عمومی در هر دو کشور ایران و عربستان به نظر می‌رسد پشتیبان روابط سیاسی و اقتصادی دو طرف هستند و تمایل هر دو کشور برای افزایش اعتمادسازی نقش افکار عمومی را برجسته کرده است.

حل و فصل جنگ‌ها در سوریه و عراق، پیش شرط روابط نزدیک میان ایران و عربستان بوده است؛ همچنین روند آشتی پس از جنگ در منطقه به عنوان پروسه‌ای است که جاه‌طلبی‌های بسیاری از اقلیت‌ها و نیروهای بین‌المللی را که دارای نقش مهمی در خاورمیانه هستند دربر می‌گیرد. برای اروپا، این سناریو رویدادی عالی از وقایع است که منعکس‌کننده امیدها و ایده‌هایی است که اتحادیه اروپا برای آنها تلاش کرده است. همکاری اقتصادی، صلح و سازش، نوید منطقه و جهانی را می‌دهد که در یک دهه قبل دست‌نیافتنی بود.

احتمال به واقعیت پیوستن هر کدام از سناریوهای چهارگانه تنها در صورتی است که شگفتی‌سازها (Wild Cards) در وقوع آنها دخالت نکنند. شگفتی‌سازها رویدادهایی هستند با احتمال پایین که اگر در آینده رخ دهند تأثیر بسیار زیادی بر آینده خواهند گذاشت. ▶



سناریوهای مختلفی را می‌توان مطرح کرد؛ در یک حالت ممکن است که عربستان صحنه داخلی لبنان را با ایجاد درگیری میان نیروهای شیعه و سنی به هم بریزد که این گزینه به نظر من بعید است زیرا مردم لبنان اوضاع سوریه را از نزدیک رصد می‌کنند بنابراین با حکمت و درایت وارد درگیری با یکدیگر نخواهند شد.

در حالت دیگر شاید عربستان و متحدانش، تروریست‌های وارداتی را در کشوری همچون لبنان فعال کنند، یعنی مانند حالتی که در سوریه شاهد بودیم؛ در آنجا نیز ابتدا جنگ داخلی کلید زده شد و سپس تروریسم وارداتی، صحنه را به دست گرفت. به این نکته باید توجه کرد که گزینه کوچ تروریسم به سمت لبنان شاید بیش از دیگر گزینه‌ها قابل بررسی و محتمل باشد چرا که حدود دو ماه پیش حزب الله با برخی گروه‌ها از جمله جبهه النصره تفاهماتی داشت که از شمال لبنان به شرق سوریه بروند ولی آمریکا مانع شد. به نظر می‌رسد که جلوگیری از حرکت جبهه النصره به این منظور بوده که شاید روزی از آنها نیز سوءاستفاده شود. یکی دیگر از سناریوهایی که در خصوص جنگ نیابتی در لبنان مطرح است حمله رژیم صهیونیستی به این کشور برای تضعیف قدرت حزب الله است که البته با موضع گیری اخیر رژیم اسرائیل بعید به نظر می‌آید آنها نسبت به چنین اقدامی مبادرت ورزند. درواقع اسرائیلی‌ها ابراز آمادگی کرده‌اند که هرگونه کمک اطلاعاتی و مشورتی در اختیار عربستان خواهند گذاشت که این بدان مفهوم است که اسرائیل ظرفیت و صلاحیت را در این مقطع ندارد که مانند سال ۲۰۰۶ بخواند حمله‌ای به لبنان داشته باشد ضمن اینکه نتیجه جنگ قبلی را در نیز در کارنامه خود دارد.

بنابراین این سناریو که جنگ نیابتی در لبنان شکل بگیرد تا حدودی از جنگ مستقیم محتمل تر است ولی بازم گزینه خیلی قابل بحث و توجهی نیست. درحقیقت اگر نگاه واقع‌گرایانه‌ای به شرایط منطقه داشته باشیم گزینه جنگ به‌طور کلی بعید به نظر می‌رسد. اقدامات و اظهارنظرهایی که اکنون در این منطقه شاهد هستیم شاید پس‌لرزه اتفاقات مهم‌تری باشند. عربستان سعودی شش سال به دنبال حذف بشار اسد از صحنه سیاسی در سوریه بود اما موفق نشد. بنابراین سعودی‌ها صحنه را باخته‌اند و به لحاظ سرمایه‌گذاری مادی و معنوی نیز ضرر بسیاری متحمل شدند. اکنون ریاض نمی‌خواهد این زمین باخته را از دست بدهد. در این فضا، اتفاقاتی که از این پس رخ خواهد داد به نحوه بازی دست‌اندرکاران منطقه‌ای و فرماندهان بستی دارد. در نهایت اینکه رژیم اسرائیل و آمریکا در شکل‌دهی به تحركات اخیر در منطقه نقش بسیار پررنگی داشتند و به دلیل ضديت با ایران و محور مقاومت در بسیاری از فضا سازی‌ها و اقدامات با عربستان همسو هستند.

همچنین سوالي که هنوز پاسخی برای آن یافت نشده، این است که چرا محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی همزمان با اصلاحات داخلی دست به سلسله اقدامات سخت‌گیرانه خارجی و جنگ روانی علیه ایران زده است. شاید یک گمانه‌زنی در این خصوص این باشد که ریاض با هدف انحراف اذهان عمومی از مشکلات داخلی، بحث دشمن‌تراشی ایران را با جدیت دنبال می‌کند و هدفش حل و فصل مسائل داخلی است. در خصوص مسائل منطقه نیز حتی اگر عربستان از سوریه بگذرد و آن کشور تسلیم شود اما در مورد یمن کوتاه نخواهد آمد زیرا ریاض در این کشور سرمایه‌گذاری بسیاری کرده و با اقداماتی که انجام داده، و جاهت عربستان در جهان اسلام و عرب لطمه خورده و نزد غرب نیز اقداماتش پیرامون حمله به مردم بی‌دفاع این کشور خیلی منطقی و قابل توجیه نیست. در نتیجه ریاض تلاش خواهد کرد به هر صورت که شده مساله یمن را حل و فصل کرده و از زیر بار این جنگ خود رها کند. ▶



## مخاطرات جنگ مستقیم برای عربستان زیاد است

احتمال کوچ دادن تروریست‌ها به لبنان وجود دارد

نصرت‌الله تاجیک  
سفير پیشین ایران در اردن



این گونه به نظر می‌رسد طرفین به تفاهماتی رسیده‌اند که برای آینده منطقه بسیار مهم است و اجلاس آینده سوچی در تعیین سهم هر یک از طرف‌ها از کیک خاورمیانه بسیار موثر خواهد بود. در این فضا، ما اخیراً شاهد شدت گرفتن تنش‌های درون منطقه‌ای هستیم؛ از یک سو به دنبال پرتاب موشک انصارالله به ریاض، عده‌ای مدعی شده‌اند که موشک متعلق به ایران بوده و از دیگر سو هفته گذشته سعد حریری، نخست‌وزیر لبنان پس از سفر غیرمنتظره‌ای که به ریاض داشت از سمت خود استعفا داده و اتهاماتی را نیز علیه ایران و حزب الله مطرح کرد. پس از این تحولات برخی معتقدند که شاید در آینده در منطقه شاهد درگیری‌های نظامی مستقیم میان تهران و ریاض و یا نیابتی در لبنان باشیم. با در کنار هم قرار دادن شرایط موجود در این فضا به نظر نمی‌آید که عربستان به جنگ مستقیم با ایران به هر دلیلی مبادرت کند؛ زیرا مخاطرات جنگ مستقیم برای عربستان و منطقه خیلی زیاد است و ظرفیت چنین اقدامی برای ریاض وجود ندارد. ایران، کشوری است که هشت سال جنگ تحمیلی عراق زمان صدام را از سر گذرانده و بعید است عربستان این گونه تصور کند که با یک سری تجهیزات بتواند از جنگ مستقیم با ایران پیروز خارج شود. یعنی هرچقدر هم تبحر داشته باشند و از سوی صهیونیست‌ها تشویق شوند اما با توجه به توانمندی‌های این کشور و مشکلات و مسائلی که ریاض با آن روبه‌روست، این ظرفیت در عربستان وجود ندارد که وارد یک جنگ دیگر شود. عربستان حتی نتوانسته طی سه سال گذشته از جنگ با یمن پیروز بیرون بیاید. بنابراین عقل حکم می‌کند عربستان به دنبال آرامش خارجی باشد تا بتواند مشکلات داخلی را سروسامان دهد و در این شرایط، سناریوی جنگ مستقیم خیلی قابل تصور نیست.

در این بین شاید گزینه جنگ نیابتی بیشتر قابل بررسی باشد و عربستان به جای رودررویی مستقیم به سمت رودررویی غیرمستقیم حرکت کند. در این حالت،

۴ پس‌لرزه‌های دوران پس‌اداعش در خاورمیانه آغاز شده است؛ دورانی که به دوران مابعدبخت عربستان به ایران در سیاست خاورمیانه‌ای اش گره خورده است. این دو مولفه یعنی پس‌اداعش و بخت سیاست‌های منطقه‌ای ریاض در مقابل تهران، شرایط بسیار مبهمی را برای کل منطقه و کشورهای تأثیرگذار فراهم کرده است. به نظر می‌آید که درون منطقه کشورهایی مانند ایران و عربستان هر کدام دارای کارت‌هایی برای بازی هستند و تلاش می‌کنند که برای تثبیت موقعیت خود از این کارت‌ها به نحو مطلوب استفاده کنند. در مقابل از سوی کشورهای برون منطقه‌ای نیز سلسله اقداماتی در حال پیگیری است و آنها منطقه را به حال خود رها نکرده‌اند. مجموعه اقدامات کشورهای فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای را باید در یک ماتریس چند در چند قرار داد تا حالت‌های مختلف را بتوان مورد بررسی قرار داد. در این میان اخیراً از سوی کشورهای فرامنطقه‌ای همچون ایالات متحده آمریکا و روسیه تحركاتی را شاهد هستیم که بر تحولات آینده منطقه تأثیرگذار خواهد بود؛ از یک سو در «آستانه هفت» شاهد تلاش روس‌ها برای برگزاری اجلاسی قوی‌تر در خصوص سوریه بودیم و احتمالاً اجلاس بعدی در سوچی روسیه برگزار شود؛ از سوی دیگر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در حاشیه اجلاس ایک در ویتنام گفت‌وگوهایی راجع به مسائل منطقه داشتند. به نظر می‌آید که از یک طرف روس‌ها در حال پیگیری سلسله اقداماتی در صحنه سیاسی منطقه هستند و در مقابل آمریکا، سلسله اقداماتی را در رابطه با داعش و تسلیح گروه‌های نزدیک به خود در سوریه انجام می‌دهد. به دنبال رایزنی روسای جمهوری آمریکا و روسیه در حاشیه ایک،

# از موازنه بخشی تا ائتلاف سازی

## چشم‌انداز تنش آفرینی عربستان در رقابت با ایران چگونه است؟

◀ مهار نقش منطقه‌ای تهران

از این زاویه است که باید به استدلال آن دسته از کسانی که معتقدند عربستان با همراهی آمریکا و اسرائیل دست به چنین اقدامی خواهد زد، پاسخ داد. اگرچه شاهد یک نوع همسویی بین این بازیگران در پروژه فشار بر ایران هستیم، اما این به منزله همگرا شدن نظرات آنها در ورود به یک جنگ مستقیم نیست، بلکه تمرکز بر نقش منطقه‌ای ایران و فشار بر متحدان تهران از جمله حزب الله لبنان است. در این خصوص برنامه موشکی ایران و کمک‌های تهران به متحدان منطقه‌ای خود در این راستا قابل تعریف است و شاهد یک نوع اجماع نسبی در این مورد هستیم. اصلی‌ترین طرحی که باعث شده تا برنامه موشکی ایران مجدداً در یک فضای بین‌المللی مطرح شود، قانون کاتسا است. این قانون راهبرد منطقه‌ای مقابله با تهدیدهای متعارف و غیرمتوازن ایران در خاورمیانه و شمال آفریقا، اعمال تحریم‌های بیشتر در پاسخ به برنامه موشک‌های بالستیک ایران، اعمال تحریم‌های مرتبط با تروریسم در رابطه با اشخاص مسئول در نقض حقوق بشر، اعمال تحریم‌های تسلیحاتی، تداوم تأثیر تحریم‌های مرتبط با حمایت ایران از تروریسم و... است که در کنگره آمریکا تصویب و به امضای ترامپ رسیده و از ۹ آبان اجرایی شده است. این طرح در سطح منطقه‌ای با همراهی عربستان و اسرائیل همراه شده و در سطح بین‌المللی نیز برخی دولت‌های اروپایی همچون فرانسه بر آن تأکید کرده‌اند. در این چارچوب است که هدف عربستان نه جنگ و رویارویی مستقیم، بلکه مهار نقش منطقه‌ای ایران و متحدان آن از طریق یک ائتلاف منطقه‌ای است که ضمن بالا بردن هزینه‌های اقدامات تهران، مشروعیت اقدامات ایران را نیز با تحریم‌های گسترده، مخدوش کند. اگرچه این بحران آفرینی سعودی‌ها برای برقرار ساختن موازنه، مجدداً به تنش‌ها دامن می‌زند و جنگ نیابتی تهران و ریاض را وارد فرآیند جدیدی می‌سازد که اخیراً عبدالرحمن راشد از الشرق الاوسط بر آن به‌جای درگیری مستقیم تأکید کرده است.

◀ جمع‌بندی

اظهارات هماهنگ مقامات سعودی که توسط سعد حریری و دونالد ترامپ نیز همراستا شده است، نشان می‌دهد که ریاض و واشنگتن در تلاش هستند تا مانع از نفوذ ایران در سوریه، لبنان و یمن از طریق ائتلاف سازی و اعمال تحریم‌های مالی و تسلیحاتی شوند. در این چارچوب آنچه برای عربستان مهم است و بر نقش منطقه‌ای آن تأثیرگذار است، بازگرداندن موازنه در رقابت با ایران است. در سال‌های اخیر مقامات سعودی در کانون‌های بحران همچون بغداد، دمشق، بیروت و صناعا، عرصه را به رقیب خود واگذار کرده‌اند و نتوانسته‌اند به‌رغم هزینه‌های گزاف و شکل دهی به ائتلاف‌های عربی-اسلامی، پیروزی‌های میدانی را کسب و آن را در فرآیندهای بحرانی تبدیل به نفوذ کنند. از این زاویه است که ریاض در تلاش است تا با تغییر رویکرد خود در ارتباط با عراق، سوریه و لبنان، با نزدیک شدن به گروه‌های داخلی، عرصه را برای ایفای نقش جدی فراهم کند و در سطح منطقه‌ای نیز با همراهی آمریکا و جلب نظر اسرائیل، زمینه محدودسازی حضور ایران را فراهم نماید. ▶

بیشتر جبهه‌های نبرد با ایران از جمله در عراق، سوریه، لبنان و یمن، برتری نسبی خود را از دست داده‌اند و همزمان با مشکلات دیگری از جمله سرایت بحران به بحرین و تنش با قطر نیز مواجهند. ترکیه، پاکستان و مصر نیز که تا قبل از این به‌نظر می‌رسید هم‌پیمانان عربستان در منطقه در هرگونه درگیری با ایران هستند، در مقطع کنونی و به دلیل وجود برخی منافع مشترک با تهران، دچار سردرگمی و عدم موضع‌گیری روشن هستند. ائتلاف گسترده عربی و اسلامی عربستان که تا پیش از این گفته می‌شد یک محور سنی علیه ایران و هم‌پیمانان آن است، نیز با بحران کارکردی مواجه است. همه این موارد نشان از این دارد که

◀ کامران گرمی

کارشناس مسائل خلیج فارس

تغییرات شتابان داخلی در عربستان سعودی که همزمان با تحولات منطقه‌ای در لبنان (استعفای سعد حریری در ریاض) و یمن (حمله موشکی حوثی‌ها به فرودگاه ملک خالد) همراه شده است، ضمن دامن زدن مجدد به فضای ایران‌هراسی و این بار بر سر برنامه موشکی، این سوال را میان افکار عمومی و محافل



عربستان، ایران را مقصر این تحولات می‌داند و درصدد است تا با مقابله با تهران، ضمن عقب‌راندن ایران، تکلیف این رقابت تنش‌زا و فرسایشی را در جهت تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای فراهم کند.

اگرچه نمی‌توان این سناریو را با توجه به سیال بودن تحولات و تکثر متغیرها منتفی دانست، اما به دلایل مختلف، احتمال آن بسیار پایین است. اصلی‌ترین علت، عدم تمایل عربستان برای رویارویی مستقیم با ایران است. چه به دلیل آسیب‌پذیری‌های سرزمینی از جمله قرار گرفتن تاسیسات و میادین نفتی این کشور در شرق عربستان با جمعیت شیعه و در ساحل خلیج فارس و چه به دلیل برخی ضعف‌های نظامی و مهم‌تر از اینها، مشخص نبودن ابعاد و گستره و دورنمای چنین جنگی است که باعث می‌شود تا مقامات سعودی از ورود به چنین فرآیندی اجتناب کنند.

اما شاید دلیل مهم‌تری که باعث می‌شود تا عربستان سعودی از ورود به درگیری مستقیم نظامی با ایران اجتناب کند، برنامه‌های اقتصادی این کشور به خصوص چشم‌انداز ۲۰۳۰ است که در آن تأکید شده عربستان سعودی باید در یک روند پایدار به توسعه همه‌جانبه به خصوص در سطح منطقه دست پیدا کند. طبیعتاً چنین نگاهی که مبتنی بر جذب سرمایه‌گذاران خارجی، ایجاد شهرها و شهرک‌های اقتصادی، علمی و تفریحی در یک فضای باثبات و به دور از تنش است، جنگ هیچ توجیهی برای مقامات آل سعود به خصوص محمد بن سلمان نخواهد داشت، بلکه در تضاد با چنین نگاهی است.

علمی برجسته ساخته است که آیا ایران و عربستان پس از سال‌ها تنش و رقابت پیدا و پنهان، به سمت جنگ و درگیری مستقیم پیش خواهند رفت؟ آیا در مقطع کنونی جنگ میان دو کشور واقعیت پیدا کرده یا این بیشتر یک بلوف از سوی محمد بن سلمان و مقامات سعودی برای پوشاندن اهداف دیگر از جمله تسویه حساب‌های سیاسی در داخل عربستان است؟ پاسخ دقیق به این سوال‌ها اگرچه دشوار است اما می‌توان براساس دیگر نشانه‌ها و تحولات پیشین و پسینی که به سرعت در حال اتفاق افتادن است، آن را تبیین کرد.

◀ امکان یا امتناع جنگ

اظهارات تند مقامات سعودی در مقطع کنونی که البته در دو سال اخیر و پس از روی کار آمدن ملک سلمان به اوج رسیده است به این فضا دامن زده که عربستان برای یک رویارویی مستقیم با ایران آماده می‌شود. خریدهای تسلیحاتی انبوه از آمریکا، انگلیس، فرانسه و روسیه، جنگ یمن، حمایت مالی و رسانه‌ای از رویکرد دولت ترامپ علیه ایران، تلطیف روابط با اسرائیل، وعده کشاندن جنگ به داخل ایران از سوی محمد بن سلمان و دیگر نشانه‌های موجود همگی نشان می‌دهد که عربستان درصدد افزایش قدرت داخلی و منطقه‌ای خود به خصوص ائتلاف با دشمنان سابق علیه تهران است.

این استدلال به خصوص با بخت‌های ژئوپلیتیک ریاض در برابر تهران نیز تقویت شده است. سعودی‌ها در



نظامی میان دو قدرت منطقه‌ای ایران و عربستان باید به چند نکته حائز اهمیت توجه کرد:

۱- از زمان تأسیس پادشاهی عربستان سعودی تا امروز، این کشور به استثنای دو مورد جنگ خلیج فارس و بحرین یمن که البته هر دو مورد نیز بسیار موقت یا محدود بوده به هیچ درگیری مستقیم نظامی دیگری ورود نکرده است. این می‌تواند نشان‌دهنده تمایل نخبگان سیاسی این کشور به جنگ‌های نیابتی و پرهیز از درگیری مستقیم باشد.

۲- به رغم هزینه‌های نظامی بسیار بالا و برخورداری از تسلیحات نظامی بسیار پیشرفته اما نظامیان این کشور جنگجویان چندان قابل اتکایی خصوصاً در نبرد با یک نیروی نظامی کلاسیک و کارآمد، به نظر نمی‌رسند. به عنوان مثال عملیات نظامی این کشور در یمن و خصوصاً استفاده از هواپیماهای پیشرفته علیه مواضع حوثی‌ها هنوز نتوانسته به نتایج مشخص و قابل قبولی برای عربستان ختم شود و مبارزین حوثی همچنان بخش عمده مناطق شمالی یمن را در کنترل خود دارند.

۳- عربستان در زمان زمامداری ملک سلمان و ولیعهد وی سرمایه‌گذاری گسترده‌ای جهت جذب توریسم به این کشور را آغاز کرده و تلاش می‌کند در حوزه‌های دیگر تجاری و خدماتی نیز به قدرت برتر منطقه تبدیل شود. بنابراین ورود این کشور به یک جنگ بسیار پرهزینه می‌تواند تمامی طرح‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها را با آسیب جدی مواجه سازد. عطف به موارد یاد شده حاکی از آن است که سعودی‌ها تمایل و صرافتی جهت ورود به یک جنگ مستقیم و رودررو ندارند. با این حال این کشور در حضور در جنگ‌های غیرمستقیم و نیابتی از انگیزه و توانایی بیشتری برخوردار است. سوریه، یمن و عراق نمونه‌های بارز جنگ‌های غیرمستقیم عربستان محسوب می‌شوند. اما در خصوص لبنان و احتمال تبدیل شدن این کشور کوچک به محل منازعه مسلحانه و نیابتی دو قدرت ایران و عربستان باید به نکات ذیل توجه کرد:

۱- لبنان به مدت ۱۵ سال (۱۹۷۵-۱۹۹۰) جنگ داخلی ویرانگر و خونین را تجربه کرده و به نظر می‌رسد که مردم و حتی نخبگان این کشور نیز تمایل و رمقی جهت بازگشت به ایام تلخ جنگ داخلی که با حملات زمینی و هوایی اسرائیل نیز توأم بودند ندارند.

۲- لبنان پس از پایان جنگ داخلی بخش عمده تلاش خود را بر توسعه و رشد اقتصادی خصوصاً جذب گردشگر صرف کرده، بنابراین نخبگان این کشور از هر دو جناح (۱۴ و ۸ مارس) به این امر واقفند که جنگ برای آنها و منافع اقتصادی‌شان بسیار مضر خواهد بود.

۳- هر دو کشور عربستان و ایران سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در لبنان داشته و به این امر واقفند که جنگ داخلی می‌تواند به از میان رفتن سرمایه‌ها منجر گردد. با تفاسیر فوق می‌توان نتیجه گرفت که احتمال وقوع درگیری نظامی مستقیم و حتی جنگ نیابتی در لبنان در حال حاضر بسیار پایین و نازل به نظر می‌رسد. با این وجود عربستان سعودی به منظور برون‌فکنی تعارضات داخلی خود تلاش خواهد کرد که با شدت بیشتری ایران و برنامه‌های موشکی این کشور را به عنوان یک تهدید بزرگ جلوه داده و در این راه از تمامی ابزارهای دیپلماسی و رسانه‌ای نهایت استفاده را داشته باشد. عربستان نیز مانند اسرائیل و دولت فعلی آمریکا از برجام و برنامه موشکی ایران ناخشنود است و همین امر، ادامه فشار بر ایران در عرصه دیپلماسی منطقه‌ای از سوی عربستان را افزایش خواهد داد. ▶

## برون‌فکنی تعارضات

ریاض پروژه ایران‌هراسی را تشدید خواهد کرد

رامتین رضایی

عضو هیات تحریریه مجله ایرانی روابط بین‌الملل

استعفای غافلگیرکننده سعد حریری، نخست‌وزیر سابق لبنان در سفر وی به عربستان و متعاقب آن اصاب یک موشک به فروگاه شهر ریاض از سوی مبارزین حوثی در یمن، بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران را بر آن داشته که برآورد کنند دور جدیدی از تقابل میان این دو قدرت منطقه‌ای و متعارض آغاز شده است. وقوع این دو حادثه با شروع تسویه حساب‌های سیاسی در خاندان آل سعود و شاهزاده‌های عربستان توسط ولیعهد جدید و جوان که تقریباً در تاریخ این کشور بی‌سابقه یا کم‌سابقه به شمار می‌رود، همراه شده است. مجموعه این حوادث و سرعت وقوع آن حکایت از پیچیدگی وضعیت و خصوصاً تعارضات ایران و عربستان دارد. در روزهای اخیر برخی از تحلیل‌ها احتمال رودرروی مستقیم نظامی این دو کشور را از نظر دور نداشته و بخش عمده دیگر وقوع یک جنگ نیابتی اما این بار در میدان و کارزار لبنان را پیش‌بینی کرده‌اند. از جنبه رسانه‌ای و تبلیغاتی باید گفت که محمدبن سلمان در روزهای اخیر خود را به عنوان شخصیت و چهره‌ای خبرساز و بسیار نقش‌آفرین نشان داده است. وی خود را به عنوان آغازگر اصلاحات بی‌سابقه در سرزمین سنت‌زده عربستان به جهان معرفی کرد و سپس خود را ولیعهدی مقتدر نشان داد که مخالفین اصلاحات خود را با قدرت تمام سرکوب می‌کند.

عربستان سعودی در سالیان اخیر خصوصاً از زمان به قدرت رسیدن ملک سلمان همواره تلاش جهت ایفای نقش و مسئولیتی بسیار فراتر از یک قدرت اقتصادی یا مذهبی داشته و اکنون رویای تبدیل شدن به قدرت نظامی، سیاسی و فرهنگی منطقه را در سر می‌پروراند. اما به راستی رویدادهای اخیر چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟ استعفای سعد حریری و سخنان وی علیه مداخله و نفوذ ایران در لبنان، کشته شدن، بازداشت و حبس تعدادی از شاهزادگان قدرتمند سعودی چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند؟ در پاسخ به این سوالات باید گفت که در حال حاضر بیشترین میزان بحران مشروعیت و تعارضات داخلی

از زمان تأسیس کشور عربستان سعودی (۱۹۳۲ میلادی) تاکنون در این پادشاهی خاندانی به چشم می‌خورد. اگرچه تعارضات و تنش‌های داخلی در میان دولت‌های خاورمیانه امری مرسوم به شمار می‌رود اما در خصوص عربستان به نظر می‌رسد که این تنش داخلی از حد معمول و مرسوم فراتر رفته و در حال تبدیل شدن به یک بحران سیاسی است. از سوی دیگر طی یک سال گذشته عربستان به شکلی بی‌سابقه با پدیده کسری بودجه مواجه شده و در حوزه اقتصادی این پادشاهی بسیار پرهزینه نیز یک بحران پنهان را تجربه می‌کند. تنش‌های داخلی یاد شده از زمان بر تخت نشستن سلمان بن عبدالعزیز آغاز و به اوج رسیده. اصلاحات بسیار توفانی وی که با تصفیه و برکناری بخش قابل توجهی از مقامات، نجیب‌زادگان و شاهزادگان همراه بود موجی از

مخالفت و تعارض را در خاندان سلطنتی و نهادهای قدرت علیه وی برانگیخت. از زمان پادشاهی وی هزینه‌های نظامی به شدت فزونی یافته و حملات گسترده به یمن آغاز و به اوج رسید. تجربیات تاریخی دوران مدرن نشان می‌دهد که نظام‌های سیاسی بسته و اقتدارگرا در شرایط مواجهه با تعارضات داخلی، تلاش و صرافت فراوانی جهت برون‌فکنی این تعارضات نشان می‌دهند. در چنین شرایطی نظام‌های سیاسی یاد شده میل بسیار بیشتری جهت تقابل گریبی در خارج از مرزهای خود به منظور ایجاد انسجام و افزایش مشروعیت داخلی دارند. به تصویر کشیدن یک تهدید یا دشمن خارجی خصوصاً در سطح منطقه‌ای و بزرگ جلوه دادن آن نیز از اقدامات نظام‌های سیاسی اقتدارگرای بحرین زده در داخل به شمار می‌رود. با در نظر گرفتن این فرضیه بهتر می‌توان رفتار تقابل گرایانه و فزاینده عربستان با ایران را مورد تحلیل قرار داد. ملک سلمان به منظور ایجاد همبستگی داخلی و مهم‌تر از آن کسب مشروعیت و حمایت در میان مردم، شاهزادگان و علمای وهابی به منظور پیشبرد اصلاحات مدنظر خود نیازمند ارائه چهره یک رهبر قهرمان و مبارز در مقابل تهدید فرضی ایران و شیعیان منطقه به مردم و نخبگان عربستان و سایر دولت‌های عربی است. به همین علت عربستان و شخص ملک



سلمان و ولیعهد ماجراجوی وی امروز در یمن، بحرین، عراق و سوریه تلاشی مضاعف را جهت نشان دادن این ویژگی‌ها و مسئولیت‌های خطیر تصویر شده به خرج می‌دهند. حمایت از سعد حریری و مواضع وی را در همین راستا می‌توان مورد بررسی قرار داد. بنابراین موج جدید تقابل میان عربستان و ایران را نه صرفاً در تعارضات رقابت‌های منطقه‌ای دو کشور بلکه باید در وضعیت داخلی پر تنش عربستان، موقعیت و ویژگی‌های شخصی پادشاه و ولیعهد این کشور جست‌وجو کرد.

امادر خصوص احتمال وقوع منازعه مستقیم نظامی میان ایران و عربستان سعودی از یک سو یا احتمال بروز جنگ نیابتی در لبنان از سوی دیگر، ضروری است که مساله با دقت بیشتر و در نظر گرفتن داده‌های کارآمدتری مورد تحلیل قرار گیرد. ابتدا در مورد احتمال جنگ مستقیم



## حرکت شتابان ریاض

آیا پاییز ۲۰۱۷ خاورمیانه آبستن بحرانی دیگر است؟

سیده مسعوده میرمسعودی

سر دبیر مجله روابط بین‌الملل



✓ خاورمیانه شاید یکی از پرتنش‌ترین مناطق در جهان به‌شمار رود که همیشه آبستن رویدادهای غیرمنتظره در جهان است. این منطقه مهم از نظر ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچری هیچ‌گاه بدون تنش نبوده و همیشه رقابت‌های آشکار و پنهان در آن، آتش جنگ‌های نیابتی و مستقیم را برایش به‌ارمغان آورده است.

بهارهای عربی رنگارنگ در سال‌های گذشته بعضی از کشورها را حتی در نقشه جغرافیایی از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز کم‌رنگ کرده است. سوریه را باید بدترین کشور از نظر تاثیر این تحولات بدانیم که بحران آن به جنگ داخلی تبدیل شده و پای قدرت‌های خارج از خاورمیانه را هم به داخل این منطقه کشانده است.

در این تحلیل تلاش بر آن است که کشورهای درگیر در این بحران، به‌طور منطقه‌به‌منطقه واکاوی شده و یک آینده‌پژوهی کوتاه‌مدت برای هر منطقه انجام گیرد. البته اگر بخواهیم تنش‌های خاورمیانه را در رویکرد آکادمیک بررسی کنیم رویکرد سازه‌انگاری چارچوب مناسبی است.

۱- عربستان در خاورمیانه یکی از کشورهای کلیدی است که سعی دارد با پتانسیل‌های اقتصادی، انرژی و نقش این کشور به‌عنوان قطب مذهبی غالب در منطقه، وزنه بازیگری در منطقه را به سمت خود سنگین کند. از بازی در زمین سوریه و عراق گرفته تا قدرت‌نمایی در قبال قطر و در تنش مستقیم در یمن و به تازگی شگرد جدید در مورد لبنان را می‌توان تیتروار به‌عنوان عملکرد عربستان در منطقه مطرح کرد؛ اقدامات و تحرکاتی که مخالفات و تنش‌های آشکار و پنهان با ایران را به‌عنوان تکمیل‌کننده رفتار تهاجمی عربستان به‌دنبال داشت و در ادامه همراهی و پشت‌گرمی ایالات متحده آمریکا نیز تکمیل‌کننده این رفتار است. رفتار اخیر سعد حریری و استعفای غیردیپلماتیک او در ریاض، به اتهامات عربستان مبتنی بر اجبار حریری و

را در تصمیم‌گیری و نگاه بودجه‌ای مساوی ببیند شاید راه سهل‌تری برای مرمت و بازسازی عراق یکپارچه پیدا کند. در آینده‌پژوهی کوتاه‌مدت آینده عراق، برای برگشتن به مسیر عادی راه طولانی را در پیش دارد و حداقل در کوتاه‌مدت، اگر بتواند یکپارچگی خود را حفظ و در بازسازی زیرساخت‌ها تلاش کند کار بزرگی برای این کشور جنگ‌زده کرده است.

۳- سوریه کشوری که هنوز در دوران تب به‌سر می‌برد؛ با اینکه داعش نفس‌های آخرش را در این کشور می‌کشد، سوریه میدانی برای بازیگری شرق و غرب مشابه دوران جنگ سرد شده است. سوریه برای رهایی از سایه جنگ داخلی، راهی بسیار مبهم پیش روی خود دارد.

برای آینده‌پژوهی این کشور جنگ‌زده با فشار اسد و سناریو قابل طرح است: الف: اسد بماند و با ترمیم، بازسازی و کمک سایر دولت‌ها، به دوران سلامتی بازگردد که این سناریو می‌تواند «ممکن» باشد.

ب: اسد برود و جایگزین آن مثل تونس دولت‌شورایی سرکار بیاید که این سناریو غیرممکن است.

۴- لبنان کشوری با موازاتیک قومی، مذهبی و هویتی که با استعفای عجیب سعد حریری وارد صحنه بازی شده است. لبنان با توافق طایف یک نوع اتحاد ظاهری از گروه‌های هشتم مارس و ۱۴ مارس و در نهایت سهم مساوی مسیحی‌ها و اهل تسنن و شیعیان را در پیکره حکومتی دنبال می‌کند. هرچند حزب‌الله به پشت‌گرمی ایران توانسته در لبنان قدرت بگیرد ولی استعفای سعد حریری کمی دیوارهای یکپارچگی لبنان را سست کرده و ورود سایر دولت‌های منطقه‌ای و غیرمنطقه‌ای را آسان کرده است.

البته با تاکید کرس تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا بر یکپارچگی لبنان و حمایت قاطع از سعد حریری، دخالت رقبای منطقه‌ای در امور این کشور تضعیف شده و آینده لبنان در حال حاضر به‌طور ضمنی بستگی به تصمیم آمریکا دارد.

۵- ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای مهم مطرح است که توانسته یکپارچگی خود را حفظ کرده و با رفتار خود در سیاست خارجی منطقه، این تلقی را در کشورهای منطقه به‌وجود آورده که بدون حضور ایران هیچ موضوع منطقه‌ای، نه تنها قابل حل نیست، بلکه راه حل مطرح شده باید بتواند منافع ایران را هم تأمین کند. البته پشت‌گرمی روسیه و چین و تا حدودی اتحادیه اروپا در این رفتار ایران تاثیر زیادی داشته است. ایران با اتهام آمریکادال بر نقض روح برجام درگیر است هرچند تهران نیز با بازیگری جدید توانسته پرسیتر خود را در منطقه حفظ کند. ایران کشوری با یک پیشینه قوی است که اکثر کشورهای منطقه زمانی تحت سیطره آن بوده‌اند؛ پس اگر از بعد تاریخی به موضوع نگاه کنیم این کشورها «خارج نزدیک ایران» محسوب می‌شوند و ایران ورود به بعضی از موضوعات را وظیفه خود می‌داند. در آینده پژوهی برای ایران در منطقه مخصوصاً با موضوع برجام، دو سناریو در کوتاه‌مدت مطرح است:

الف: کنگره آمریکا تصمیم نه به لغو برجام بلکه به اصلاح برجام بگیرد و تحریم‌های بیشتری بر ایران تحمیل کند. همچنین متحدین خارج منطقه ایران مثل روسیه و چین ایران را تنها بگذارند که در این صورت ایران ضعیف و در صحنه خاورمیانه کم‌اهمیت می‌شود. البته به‌نظر نویسنده سناریو ناممکنی است چون ایران بازیگر توانایی است و کارت‌های بازی گوناگونی برای بازی با رقبای خود دارد و در زمان‌های مختلف از آنها استفاده خواهد کرد.

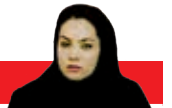
ب: ایران اگر بخواهد همچنان در صحنه خاورمیانه تاثیرگذار باشد باید رقبایش در منطقه، آن را به‌عنوان «قدرت برتر» بپذیرند و این مهم ایجاد نمی‌شود مگر با سیاست اتحاد داخلی و تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی و همچنین تعامل نسبی در منطقه با ابزارهای نرم. البته تصمیم‌گیری آمریکا در اینکه کدام سناریو برای ایران اتفاق بیفتد قابل چشم‌پوشی نیست. ▶

ترغیب او به استعفا افزود. البته معمای استعفای حریری هنوز یکی از موضوعات پرتعمیر، از نگاه تحلیلگران است. پرتاب موشک از یمن به عربستان، چانه‌زنی آل سعود برای وارد کردن این اتهام و اتهامات دیگر به ایران به‌علاوه اصلاحات ملک سلمان در عربستان که به‌نوعی با پهلوی دوم در ایران مشابهت‌هایی دارد، به یکی دیگر از موضوعات اصلی عربستان تبدیل شده است. در آینده‌پژوهی عربستان این سوال پیش می‌آید که نیت ریاض از حرکتی این چنین شتابان در رفتار داخلی و خارجی چیست؟ در جواب می‌توان گفت عربستان درک کرده که دیگر ابزارهای انرژی و سایر پتانسیل‌ها در عصر جهانی شدن کارآمد نیست و سعی دارد با اصلاحات در داخل، زدودن فساد اقتصادی و اجرای قوانین و قواعد دولت‌های دموکراتیک چهره خود را تغییر دهد. همچنین ریاض دریافته که ابتدا باید بتواند در عرصه داخلی مسئولیت‌پذیری و شفافیت را در طبقه ایت این کشور اجرا کند که این امر، هم نیاز است و هم کاری بسیار دشوار. در کشوری که سالیان سال حاکمیت غیرشفاف داشته و حکومت یک طبقه بر مردم را شاهد بوده‌ایم، تغییر، شاید ممکن باشد ولی هزینه زیادی برای این طبقه خواهد داشت و با کمترین اشتباه در مدیریت این موضوع، جهان باید در انتظار بهاری دیگر در پاییز عربستان باشد. در بعد خارجی، سیاست‌های عربستان ادامه همان سیاست خارجی قبلی خود است. در آینده‌پژوهی سیاست خارجی عربستان به جرات می‌توان گفت چون هماهنگی و هارمونی با سیاست داخلی ندارد در کوتاه‌مدت با شکست رویه‌روست و تا در سیاست خارجی تجدیدنظر نکند، نمی‌تواند در عصر جهانی شدن ایده همگون شدن با کشورهای دموکراتیک را به عرصه عمل برساند.

۲- عراق کشوری دیگر در خاورمیانه است که بیشترین تهاجم چه از خارج منطقه و چه داخل منطقه را تحمل کرده و در یک ماه اخیر، موضوع استقلال خواهی کردستان عراق نیز بار دیگر، به مشکلات این کشور اضافه کرده است. البته در مورد عراق، شاید تصمیم‌گیران کلیدی به خاطر وضعیت خاص عراق کم‌توان بوده‌اند. در آینده‌پژوهی اگر عراق بتواند در پارلمان این کشور، تمام گروه‌های موجود



## فانتزی سیاسی



سمیه نوظهوری

کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای

تحولات اخیر منطقه این روزها به نوعی به تحولات داخلی و خارجی عربستان سعودی پیوند خورده است. ریاض روزهای پر خبری را سپری می‌کند؛ از بحث استعفای سعد حریری، نخست‌وزیر لبنان در این کشور گرفته تا مطرح شدن سناریوهایی مبنی بر احتمال جنگ مستقیم یا نیابتی در منطقه که یک سر آن سعودی‌ها هستند. برای واکنش سیاست‌های آل سعود و تحرکات ولیعهد جوان این کشور که متنی است با اقدامات خود خبرساز شده است، باید بیشتر به تحولات درونی عربستان سعودی توجه داشت.

هادسن اعتقاد دارد که سلسله سعودی شامل ۲ تا ۳ هزار مرد است که اکثریت پست‌های مهم و حساس را بر عهده دارند؛ این در نوع خود یک سازمان سیاسی پیچیده با کارایی بالاست.

عربستان، کشوری است که از نظر نهادهای دموکراتیک شدیداً در ضعف است و ماهیت اقتدارگرایانه صرف دارد. در جهان معاصر، عربستان تنها کشوری است که به نام یک خاندان (آل سعود)، منتسب است. قسمت اعظم اقتصاد این کشور بر پایه صادرات نفت استوار است. از این رو، با توجه به اینکه عربستان نمونه‌ای بارز از یک دولت تحویلدار است، دارای ویژگی‌های خاص خود است و مهم‌تر اینکه مردم عربستان از لحاظ فرهنگی و سیاسی خاص هستند و وفاق کمتری با دیگر مناطق دارند.

عربستان سعودی از نظر تاریخی یک حکومت سلطنتی مطلقه است؛ کشوری است که ذخایر نفتی دارد و از نظر مذهبی زیر نفوذ یکی از محافظه‌کارترین و سخت‌گیرترین فرقه‌های اسلامی قرار دارد که در آن زنان ناگزیرند سر تا پای خود را در چادر سیاه پنهان کنند و در مقایسه با مردان، در حقوق کمتری برخوردارند. در این میان بررسی فساد در نظام عربستان سعودی بسیار مشکل به نظر می‌رسد.

این در حالی است که در روزهای اخیر یک رشته اقدامات بی‌سابقه در این کشور رخ داده است؛ ۱۱ شاهزاده، ۳۰ مقام پیشین و فعلی، تعدادی از وزرای عربستان و چند تاجر به اتهام مفاسد اقتصادی بازداشت شدند. این بازداشت‌ها با چراغ سبز پادشاه عربستان و به دستور ولیعهد جوان سعودی انجام شده است. این بازداشت‌ها که اکثراً به خاطر اتهام‌های فساد است جنبه‌های سیاسی نیز می‌تواند داشته باشد. ظاهراً این بازداشت‌ها تازه‌ترین اقدام به خاطر تحکیم قدرت بیشتر شاهزاده محمد، پسر برگزیده پادشاه عربستان سعودی است. در این کشور نیز همانند سایر کشورهای سلطنتی عربی دعوا بر سر قدرت است؛ شاهزاده محمد ۲۲ ساله در کنار مشاورت پدرش، در بخش نظامی، خارجی و اقتصادی کشور نقش برجسته‌ای دارد.

اما از منظری دیگر این گونه به نظر می‌رسد که تغییرات مهم و قابل ملاحظه‌ای در اداره امور مملکت در حال وقوع است. ولیعهد جوان سعودی با اصلاحات بزرگ و عمیق در نظر دارد وابستگی اقتصاد کشور به

نفت را کاهش دهد و درهای عربستان را به روی دنیا بیشتر باز کند. عربستان سعودی آینده خود را در گرو سرمایه‌گذاری‌های خارجی و پرداختن به اقتصاد غیرنفتی و ایجاد مراکز توریستی برنامه‌ریزی کرده است؛ اما تقریباً هیچ‌گونه زمینه مساعدی در این کشور وجود ندارد. به همین خاطر است که تصمیم قاطع رهبران این کشور مبنی بر نوسازی در تمامی سطوح اقتصادی، سیاسی و حتی مذهبی و اجتماعی آغاز شده است. یکی از طرح‌های این کشور تشویق سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی برای سرمایه‌گذاری در عربستان است.

از همین منظر دولت سعودی در یکی از مهمترین اقدامات خود از محدودیت‌های اعمال شده توسط وهابیت در بسیاری از موضوعات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جلوگیری می‌کند و به همین منظور برخلاف گذشته، علمای وهابی و تندروان مذهبی را از مرکز قدرت دور کرده است. رابطه بین آل سعود و مقامات مذهبی به سال ۱۷۴۴ بازمی‌گردد که در واقع نوعی تلفیق مشروعیت مذهبی و قدرت نظامی محسوب می‌شد. نیاکان عبدالوهاب روی امور دینی، اجتماعی و فرهنگی تسلط داشتند و در حال حاضر همچنان بر نهادهای مذهبی کشور تسلط دارند و فتواهایی صادر می‌کنند که سیاست‌های آل سعود را توجیه می‌کنند. بر اساس نظریه استیلا و پذیرش، این فرهنگ از سوی مردم به همراه سایر مبانی مشروعیت به حکومت عربستان در ثبات کمک می‌کند.

طبق نظریه استیلا مردم با قدرتمندترین فرد یا قبیله کنار آمده و حکومت در یک معنا حق کسی است که از سایرین قدرتمندتر باشد. با این حال همواره اتحاد بین رژیم‌ها و متنی‌ها از سوی مخالفان بسیار مورد انتقاد قرار گرفته است و اقدامات اخیر دولت این کشور مبنی بر کم‌رنگ کردن نقش این گروه مهم در جامعه عربستان در راستای اصلاحات گسترده‌اش است. شاید بزرگترین چالش در برابر آل سعود، جایگزینی برای وهابی‌گری است که در پس آن بتواند حکومت مطلق دائمی خود را قانونی جلوه دهد. اما احتمالاً هیچ جایگزین فوری را به راحتی نمی‌تواند ارائه دهد.

در رویکرد سیاست خارجی این کشور، یکی از سیاست‌هایی که آل سعود مدت‌هاست در پیش گرفته، تلاش این کشور برای تمایزش از گروه تروریستی داعش است. عربستان سعودی خود را به عنوان قربانی خشونت علیه جهادی‌ها معرفی می‌کند و با ادعاهایی در رابطه با بزرگ‌نمایی نقش ایران به عنوان منبع خشونت و بی‌ثباتی در خاورمیانه سعی در تطهیر نقش خود در حوادث گوناگون خاورمیانه دارد. به نظر می‌رسد در این راستا تلاش‌های عربستان سعودی توفیقی نداشته است. از سوی دیگر برای بررسی تحولات منطقه و عربستان باید به استعفای مشکوک سعد حریری، نخست‌وزیر لبنان در ریاض پرداخت. در همان روز دستگیری شاهزادگان و افراد پرنفوذ به جرم مفاسد اقتصادی، سعد حریری در سفرش به عربستان استعفای خود را اعلام کرد و یک جبهه جدید میان عربستان و رقیب سنتی‌اش ایران گشود.

همچنین شلیک ناگهانی موشک به سوی ریاض از طرف حوثی‌های یمن، جبهه قدیمی اختلافات میان این دو کشور را بار دیگر مشتعل ساخت. مسلماً این

خانه‌تکانی شتابزده که نمی‌تواند به مسائل حاد منطقه‌ای از جمله استعفای سعد حریری در لبنان و قضیه ناآرامی‌ها در اقلیم کردستان نامربوط باشد، مساله دنباله‌داری است که تا این گردباد سیاسی فروکش نکند موضوع روشن نخواهد شد.

به نظر می‌رسد که استعفای حریری و ادعاهایی که علیه ایران مطرح کرده تاحدی سیاست‌های ریاض و تل‌آویو را در قبال منطقه مشخص می‌کند. بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه ساعاتی پس از استعفای حریری در روز ۱۳ آبان رسماً اعلام کرد: «استعفای حریری بخشی از سناریوی جدید برای تنش‌آفرینی در لبنان و منطقه است.»

روزنامه کویتی «الجریده» نیز گزارش داده است که اسرائیل در حال حاضر به دنبال حمله به حزب الله نیست زیرا ارتش این کشور در حال آماده‌باش نبوده و فقط باید خطوط قرمز تل‌آویو در سوریه حفظ شود. شاید مهمترین هدف عربستان و متحدانش در منطقه، حذف تانکی زنجیره شیعه (هلال شیعی)، حزب الله در لبنان، حوثی‌ها در یمن و حشد الشعبی در عراق باشد. همچنین دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در سفر اخیرش به خاورمیانه با بنیامین نتانیاو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، پادشاه اردن، شاهزاده سعودی و حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق دیدار و رایزنی داشت.

می‌توان اینگونه تحلیل کرد که واشنگتن با این دیدارها و اعزام نماینده ویژه به فلسطین عملاً پروسه ائتلاف سیاسی را کلید زده است؛ ائتلافی شامل آمریکا، رژیم اسرائیل و برخی کشورهای عربی از جمله عربستان سعودی که اهداف اصلی‌شان تقابل با ایران، کاهش نفوذ این کشور در منطقه و احتمالاً برنامه‌ریزی برای ورود به منطقه ممنوعه استراتژیکی در سوریه و بلندی‌های جولان است.

در نهایت با در نظر گرفتن کلیت شرایط منطقه به نظر می‌رسد فعالان نبرد خلیج فارس فقط می‌توانند یک فانتزی سیاسی باشد چرا که عرصه‌های نبردهای این چنینی غیر قابل کنترل هستند و نتیجه، بازی با حاصل جمع صفر خواهد بود. بنابراین فعالان احتمالاً محور مقابل ایران چنین ریسکی نخواهد کرد. ▶



**دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در سفر اخیرش به خاورمیانه با بنیامین نتانیاو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، پادشاه اردن، شاهزاده سعودی و حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق دیدار و رایزنی داشت**

## رفع خطر

کار حضور نمایندگان ایران در فصل آینده لیگ قهرمانان آسیا «بیخ» پیدا کرده و هنوز مشکلاتی وجود دارد که اگر حل نشود سهمیه‌ها را در خطر حذف قرار می‌دهد و اگر استقلال و پرسپولیس حذف شوند طبیعتاً فشار روی وزارت ورزش و دولت هم زیاد خواهد شد. شاید به همین خاطر است که وزیر ورزش هم در اندیشه سفر به مالزی است.

# ورزش

تیتریک



سه تیم بزرگ ایران به آسیا خواهند رفت

## قبولی ناپلئونی استقلال و پرسپولیس



**مشکلات حقوقی و مالی سرخابی‌ها  
جدی است**  
طلبکار تازه‌ای پیدا شود AFC برخورد  
تندی با ما خواهد داشت



**من مسبب بحران مالی  
پرسپولیس نیستم**  
گفت‌وگوی مثلث با محمد رویانیان



**همه ما لرزیدیم  
برای مردم کردستان**

ما چرا از چندماه پیش شروع شد؛ از نامه کنفدراسیون فوتبال آسیا که خطاب به دبیرکل فدراسیون فوتبال ایران بود؛ نامه‌ای که به صدور یا عدم صدور مجوز برای باشگاه‌های بدهکار ایرانی می‌پرداخت. در طرف دیگر ماجرا، فدراسیون فوتبال سعی کرد دست به نیت‌خوانی بزند. به همین دلیل فدراسیون فوتبال نامه‌ای به کنفدراسیون فوتبال آسیا نوشت و با آن نامه کوشش کرد تا کمیته استیناف و کمیته تعیین وضعیت بازیکنان را مرجع رسیدگی به بدهی‌های باشگاه‌ها بداند اما کنفدراسیون فوتبال آسیا در پاسخ به فدراسیون فوتبال ایران اشاره دارد به اینکه می‌خواهد بداند در فوتبال ایران به کدام باشگاه‌ها به اشتباه مجوز حرفه‌ای داده‌اند.

کنفدراسیون فوتبال آسیا درباره بدهی باشگاه‌ها بسیار جدی است و پس از مداخلات با باشگاه‌های بدهکار، این اتفاق خوشایندی است که کنفدراسیون به این مساله ورود کرده تا وضعیت بحرانی فوتبال ایران در مباحث اقتصادی سروسامان بگیرد. در رسانه‌ها اما برداشت‌های غلطی از نامه‌ای افسی خطاب به دبیرکل فدراسیون فوتبال شکل گرفت. ای افسی پیگیر بدهی‌های باشگاه‌های بدهکار است و حتی می‌خواهد بداند که چرا برای باشگاه‌های متخلف مجوز حرفه‌ای صادر شده اما در رسانه‌ها این نکته جا انداخته شد که ای افسی دیگر پیگیر تخلفات مالی باشگاه‌ها نیست و همه چیز را به فدراسیون سپرده است. این برداشت غلط و خوش‌خیالی که شاید فدراسیون نیز از آن راضی است و به آن دامن زد، می‌توانست حتی به قیمت حذف نمایندگان فوتبال ایران از حضور در لیگ قهرمانان آسیا منجر شود. کنفدراسیون فوتبال آسیا منتظر حسن نیت فدراسیون فوتبال و برخورد قانونی با باشگاه‌های بدهکار بود و در نامه‌اش نیز به این انتظار اشاره کرد.

متن نامه کنفدراسیون فوتبال آسیا بدین شرح بود: «دبیرکل محترم فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران

اظهارنظر کنفدراسیون فوتبال آسیا درخصوص مکاتبات طلبکاران باشگاه‌ها

این نامه در پاسخ به نامه مورخ ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۷ (۴ مهر) شما درخصوص موضوع فوق ارسال می‌شود. ما از اظهارات شما مبنی بر مسئولیت داشتن کمیته انضباطی و استیناف فدراسیون جهت رسیدگی به اختلافات مالی بین افراد و باشگاه‌ها آگاه شدیم که در حال حاضر کمیته تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون شما مرجع ذی‌صلاح جهت رسیدگی به این موضوعات است. ما همچنین متوجه شدیم که کمیته استیناف شما و دادگاه CAS مراجع رسیدگی بعدی است.

به منظور حمایت از تلاش‌های ارکان فوق در فدراسیون شما، ما تمام شکایاتی را که علیه باشگاه‌ها دریافت می‌کنیم، برای شما می‌فرستیم. لطفاً از این موضوع اطمینان حاصل نمایید که شکایات‌های فرستاده‌شده توسط AFC به شما، به نخستین رکن یا همان کمیسیون بدوی و استیناف بخش صدور مجوز فدراسیون ارسال شود تا اینکه به باشگاه‌های بدهکار که مشکلات بدهی خود را حل نکرده‌اند، مجوز حرفه‌ای داده نشود. این موضوع همچنین به AFC کمک می‌کند

تا متوجه شود که به کدام باشگاه‌ها به اشتباه مجوز داده شده است و پرونده آنها را به کمیته کنترل ورود (بررسی صلاحیت) و یا کمیته انضباطی AFC ارجاع دهد. از شما به دلیل حمایت‌تان از تلاش‌های AFC جهت نظارت و مدیریت بدهی‌های معوقه باشگاه‌ها در فوتبال آسیا سپاسگزاریم.»

ایسنا درخصوص نامه AFC در گزارشی نوشت: برداشت‌های خوش‌باورانه از این نامه را کنار بگذاریم. فدراسیون فوتبال با این مراعات و مداخلات که اگر قرار بر محرومیت و لغو مجوز حرفه‌ای باشگاه‌های بدهکار باشد، دیگر نمی‌تواند لیگ را برگزار کند، همیشه با متخلفین بدهکار کنار آمده و کار به اینجا رسیده که قیمت فوتبال گران‌تر شده و باشگاه‌ها بدهکارتر شده‌اند. اگر فدراسیون فوتبال همیشه برخوردهایی سختگیرانه و قانونی با باشگاه‌های بدهکار داشت، نخستین واکنش این باشگاه‌ها هزینه‌های کمتر و کوشش برای پرداخت بدهی‌ها بود و ولخرجی‌های بیهوده و بساط خریدهای غلط و گران هم جمع می‌شد. باشگاه‌های ایرانی در حالی که میلیاردها و میلیاردها بدهکارند، همچنان از امضای قراردادهایی بی‌پشتوانه و گراف ابایی ندارند. این یک دلیل روشن دارد، آنها می‌دانند که فدراسیون فوتبال هرگز احکام کمیته انضباطی را اجرا نمی‌کند، نه خبری از جریمه و کسر امتیاز از باشگاه‌های بدهکار است و نه خبری از لغو مجوز حرفه‌ای. احکامی که کمیته انضباطی و استیناف صادر می‌کند و باشگاه‌ها بدهکار اعلام می‌شوند در فدراسیون خاک می‌خورد و خیل طلبکاران فوتبال به حقوق خود نمی‌رسند. ورود ای افسی به ماجرای بدهی باشگاه‌ها را دخالت بین‌المللی ندانیم و از این دست حرفه‌ای غیر حرفه‌ای را کنار بگذاریم. آبروی ملی ورزش با بدهی چند باشگاه یا محرومیت و جریمه آنها نمی‌رود. آبروی ورزش وقتی حفظ می‌شود که سازوکار اقتصادی درست و حرفه‌ای را در باشگاه‌ها بنا کنیم و از این آشفته‌بازار اقتصادی در باشگاه‌داری بگذریم و به مرحله تازه‌ای برسیم. بهترین تصمیم برای فدراسیون فوتبال همراهی با سختگیری و برخوردی قانونی است، نه ادامه مداخلات که جز ورشکستگی باشگاه‌ها حاصلی ندارد.

این نامه همچنین خیلی زود با واکنش مدیران سرخابی مواجه شد. آنها باید با بدهکاران خود تسویه حساب می‌کردند و از بحران حذف از آسیا عبور می‌کردند. در نهایت یکسری اقداماتی صورت گرفت که باشگاه‌های در خطر حذف توانستند مجوز لازم برای حضور در آسیا را کسب کنند. آنجا که کمیته بدوی صدور مجوز حرفه‌ای با انتشار گزارشی وضعیت باشگاه‌های ایرانی برای دریافت مجوز حرفه‌ای سازی را اعلام کرد. در این گزارش آمد:

«گروه‌بندی باشگاه‌ها بر اساس رنکینگ فصل گذشته لیگ برتر خلیج فارس (۲۰۱۷-۲۰۱۶)»

۱- گروه A شامل باشگاه‌های پرسپولیس، استقلال تهران، تراکتورسازی تبریز، ذوب‌آهن اصفهان، گسترش فولاد تبریز، فولاد خوزستان و سایپا خواهد بود که باتوجه به فرآیند رسیدگی موفق به کسب مجوز حرفه‌ای شدند.

۲- گروه B شامل باشگاه‌های سپاهان اصفهان و پیکان، صنعت نفت آبادان است که باتوجه به فرآیند

رسیدگی موفق به کسب مجوز ملی شده‌اند. ۳- گروه C شامل باشگاه‌های استقلال خوزستان، نفت تهران، پدیده طلایی خراسان، سیاه‌جامگان مشهد، پارس جنوبی جم و سپیدرود رشت است که باتوجه به فرآیند رسیدگی موفق به کسب مجوز حرفه‌ای و مجوز ملی نشده‌اند.

بدیهی است ارزیابی صورت گرفته این کمیته بر مبنای اسناد و گزارشات ابرازی باشگاه‌های مذکور بوده و مسئولیت صحت و سقم اسناد بر عهده باشگاه‌های صادرکننده آن خواهد بود.»

به این ترتیب تنها ۷ باشگاه لیگ برتری موفق به دریافت مجوز مورد نظر AFC شدند و تنها سه باشگاه نیز مجوز ملی را دریافت کردند اما ۶ باشگاه دیگر که همگی مشکلات مالی زیادی دارند، موفق به دریافت این مجوز نشدند.

کمیته بدوی صدور مجوز حرفه‌ای فدراسیون فوتبال پس از بررسی مدارک تیم‌های لیگ برتری مشخص کرد که تیم‌های استقلال، پرسپولیس، تراکتورسازی و ذوب‌آهن به‌عنوان نمایندگان ایران به AFC معرفی شدند.

بنابراین پس از کش و قوس‌های فراوان کمیته بدوی صدور مجوز حرفه‌ای متشکل از مهدی محمد نبی، غلامرضا پهلوان، عباس موسوی، احمدرضا براتی و کوروش خزایی مدارک تیم‌های استقلال، پرسپولیس و تراکتورسازی را کامل دانست اما با ناقص دانستن مدارک نفت تهران تکلیف نمایندگان ایران در فصل آینده لیگ قهرمانان آسیا را مشخص کرد.

با این حساب استقلال، پرسپولیس و تراکتورسازی در فصل ۲۰۱۸ لیگ قهرمانان آسیا حضور خواهند داشت اما به جای نفت تهران، ذوب‌آهن به‌عنوان تیم چهارم لیگ برتر راهی مرحله پلی‌آف این مسابقه‌ها می‌شود.

سه تیم استقلال، پرسپولیس و تراکتورسازی با استفاده از قانون بررسی مجدد بدهی‌هایشان به افراد حقیقی و حقوقی تا فصل آینده می‌توانند در این رقابت‌ها حضور یابند اما برای سال آینده نیاز به بررسی مجدد پرونده‌هایشان را دارند تا تکلیف بدهی‌ها مشخص شود. اما پس از اینکه استقلال، پرسپولیس و تراکتورسازی مجوز حرفه‌ای کسب کردند باشگاه استقلال درباره کسب این مجوز بیانیه‌ای صادر کرد.

در این اطلاعیه‌ای که باشگاه استقلال درخصوص وضعیت بدهی‌های خود صادر کرده، آمد: «بدهی‌های انباشته مربوط به سال‌های گذشته باشگاه استقلال، طی چند ماه گذشته با حمایت وزارت ورزش و فدراسیون فوتبال و تلاش‌های مدیران باشگاه استقلال و همراهی بازیکنان و کادرفنی سال‌های گذشته برطرف شده که توضیحاتی درخصوص روش‌های حل این مشکل ارائه می‌شود:

۱- با بخشی از طلبکاران تسویه حساب قطعی شده و آنها مطالباتشان را از باشگاه دریافت کرده و تسویه حساب کرده‌اند.

۲- با برخی طلبکاران توافق کامل شده و ضمانت‌های لازم جهت پرداخت مطالبات به صورت تقسیط نیز ارائه شده است.

۳- در مورد برخی طلبکاران، با استفاده از

ظرفیت‌های قانونی آیین‌نامه‌های کمیته استیناف، درخواست تجدیدنظر خواهی ویژه شده که بدون تردید رای کمیته محترم استیناف لازم‌الاجرا است.

۴- در خصوص دسته چهارم از طلبکاران باشگاه، تضامین مالی و مبالغ مالی لازم به کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال تحویل گردیده و در صورت تایید نهایی توسط مراجع قانونی و حقوقی، مطالبات آنها از طریق تضامین ارائه شده پرداخت می‌گردد.

۵- گروه پنجم نیز آن دسته از طلبکارانی هستند که از باشگاه استقلال طلب داشته اما شکایتی نداشته‌اند و باشگاه به‌صورت توافقی و تقسیط در حال رسیدگی در کمیته تعیین وضعیت و به تبع آن پرداخت مطالبات ایشان است.

با توجه به اینکه باشگاه استقلال یک باشگاه بزرگ، پرافتخار و مردمی است، همه تلاش مدیران باشگاه این بوده که هرچه زودتر مشکل بدهی‌های سنواتی گذشته برطرف شود. با عنایت به زحمات کشیده شده ماه‌های اخیر در این راه، بدون تردید تلاش‌های آنهایی که به دنبال ضربه زدن و حذف استقلال از لیگ قهرمانان هستند و در این راه کوشش زیادی هم کرده‌اند، نقش بر آب خواهد شد و به یاری پروردگار و حمایت همیشگی هواداران شریف، باشگاه استقلال بدون مشکل و با سربلندی در جام باشگاه‌های آسیا حضور خواهد داشت.

در خاتمه از همه هموطنان شریف و اهالی فوتبال و خانواده بزرگ استقلال تقاضای نماید از پرداختن به حواشی که باعث ضربه زدن به این باشگاه مردمی است خودداری کرده و مدیران باشگاه با آغوش باز پذیرای نقطه نظرات و شکایات همه عزیزان ذنبغ خواهند بود و تمام تلاش خود را در کسب رضایت و شفاف‌سازی امور به کار خواهند برد.»

اما یکی از مواردی که باعث تعجب اهالی فوتبال بود عدم صدور مجوز حرفه‌ای برای باشگاه سپاهان است. چرا باشگاه سپاهان مجوز حرفه‌ای نگرفت؟ مدیر بخش مجوز حرفه‌ای باشگاه فولاد مبارکه سپاهان در پاسخ به این سوال گفت: «مشکلات ورزشگاه نقش جهان از دلایل اصلی عدم صدور مجوز حرفه‌ای برای این باشگاه است.»

محمدعلی بصیریان، مدیر بخش مجوز حرفه‌ای باشگاه درباره دلیل ناکامی آیین باشگاه اصفهانی از کسب مجوز حرفه‌ای اظهار کرد: «بندهای ۱۰-۱ الی ۱۴-۱ الزامات کنفدراسیون فوتبال آسیا (مربوط به استادیوم‌های خانگی جزو الزامات با معیار ۸ محسوب

شده و باشگاه‌ها باید این معیار را رعایت کنند ولی متأسفانه ورزشگاه نقش جهان فاقد الزامات ۸ بود و مورد تایید برای برگزاری مسابقات آسیایی نیست.» او همچنین گفت: «موضوع مالکیت ورزشگاه نقش جهان، اتاق کنترل استادیوم، گواهینامه‌های ایمنی و امنیتی توسط هیچ یک از ارگان‌های ذی صلاح کشور مورد تایید قرار نمی‌گیرد. مشکلات ساختاری استادیوم، ورودی‌ها و خروجی‌ها، طرح خروج اضطراری، سازمان ایمنی و امنیتی، تاییدیه‌های نور و چمن ورزشگاه نقش جهان هم از جمله مواردی است که نقش جهان در آنها کمبودهایی دارد و بنابراین پنجره مربوطه در AFC برای باشگاه قرمز است و عملاً استادیوم برای برگزاری مسابقات آسیایی مورد تایید نیست.»

وی ادامه داد: «فقط مجوز ملی برای باشگاه و استادیوم نقش جهان صادر شده و در آن فقط اجازه برگزاری مسابقات داخلی صادر شده است. تنها دلیل محرومیت باشگاه از دریافت مجوز حرفه‌ای فقط مشکل استادیوم بود و این باشگاه در سایر الزامات به‌طور کامل مدارک خود را ارسال و نمره قبولی دریافت کرده است.»

این در حالی است که سهمیه دوم فوتبال ایران که باید از میان ترانکتورسازی یا استقلال انتخاب شود هم به موضوع پربحثی تبدیل شده است. سایت ورزش ۳ در این باره می‌نویسد: فدراسیون فوتبال آسیا در دستورالعمل خود ابهام درباره تیم‌های ایرانی را برطرف کرده است. با حذف نفت تهران به عنوان قهرمان جام حذفی از مسابقات لیگ قهرمانان فصل آینده، ذوب‌آهن اصفهان به عنوان چهارمین سهمیه ایران در فصل آینده لیگ قهرمانان آسیا طبق قوانین AFC شرکت خواهد کرد. بنابر قوانین فدراسیون فوتبال آسیا و به استناد بند ۱۲، ماده ۵ آیین‌نامه حضور در لیگ قهرمانان سال ۲۰۱۷ بالاترین تیم حاضر در لیگ فصل گذشته که موفق به دریافت گواهی حرفه‌ای‌سازی شده است می‌تواند در لیگ قهرمانان آسیا شرکت کند. موضوع مهم اما در این میان باتوجه به نامشخص بودن وضعیت سهمیه ایران در لیگ قهرمانان، معرفی سهمیه شماره دو ایران در فصل آینده لیگ قهرمانان است. سهمیه ایران به عنوان چهارمین و یا سومین تیم منطقه غرب آسیا ۲ تیم در مرحله گروهی و ۲ تیم در مرحله حذفی خواهد بود و اگر اتفاقات سال گذشته مانند حذف نمایندگان عراق و کویت تکرار نشود، نمایندگان سوم و چهارم فوتبال ایران در مرحله پلی آف و یا حذفی شرکت خواهند کرد و از این‌رو مشخص شدن سهمیه دوم ایران که می‌تواند در مرحله گروهی حاضر شود، حائز اهمیت است.

AFC در آیین‌نامه‌ای که برای فدراسیون‌های فوتبال ارسال کرده، صراحتاً درباره حذف قهرمان جام حذفی در صورت عدم دریافت مجوز صحبت نکرده اما دو نکته در این آیین‌نامه نشان می‌دهد که استقلال به عنوان نایب قهرمان لیگ، بعد از پرسپولیس نماینده دوم ایران خواهد بود و این شانس را دارد تا مستقیم در مرحله گروهی حاضر شود.

اولین نکته به این موضوع اشاره دارد که در این آیین‌نامه هیچ‌گاه به نایب قهرمان جام حذفی اشاره نشده زیرا مانند تمامی تورنمنت‌های حذفی تنها قهرمان جام حذفی مهم است و تیم دوم، سهمیه‌ای کسب نمی‌کند. نفت تهران نیز موفق به دریافت گواهی حرفه‌ای‌سازی نشده و همچنان قهرمانی آیین تیم در جام حذفی بابر جاست.

دومین نکته به ماده ۳ بند ۱۲ بازی می‌گردد. AFC در این بند به این موضوع اشاره می‌کند که اگر فدراسیون فوتبال یک کشور مسابقات جام حذفی ملی (سراسری)

نداشته باشد، ۴ تیم حاضر در مسابقات لیگ قهرمانان براساس رتبه لیگ رده‌بندی خواهند شد و به این ترتیب استقلال باتوجه به نایب قهرمانی در فصل گذشته، می‌تواند مستقیماً راهی مرحله گروهی شود.

با این حال به نظر می‌رسد باشگاه‌هایی که تا همین یکی دو هفته پیش در خطر حذف از لیگ قهرمانان آسیا قرار داشتند، حالا با ترندهایی مدارک لازم برای توجیه کردن کنفدراسیون فوتبال آسیا را برای مقر AFC ارسال کرده‌اند.

سه‌شنبه هفته گذشته امیرحسین صادقی مدافع سابق استقلال که حدود یک میلیارد و ۵۰ میلیون تومان از این باشگاه طلبکار است به دلیل بی‌توجهی مسئولان این باشگاه به درخواست‌های این بازیکن برای وصول مطالباتش با ارسال نامه به کمیته تعیین وضعیت فیفا خواستار محرومیت این باشگاه از پنجره نقل و انتقالات آینده شد.

آرش شکرریز، وکیل امیرحسین صادقی گفت: «باتوجه به درخواست‌های مکرر ما برای روشن شدن وضعیت طلب یک میلیارد و ۵۰ میلیون تومانی صادقی و همچنین بی‌توجهی مسئولان باشگاه و لغو ننستی که خودشان درخواست داده بودند، نامه‌ای را تنظیم و به کمیته تعیین وضعیت فیفا ارسال کردم. آقای داوورزی، معاون وزیر ورزش چند شب پیش در یک برنامه تلویزیونی مدعی شد که مشکلات باشگاه‌ها حل شده است. اگر حل شده است آقای داوورزی به ما اعلام کنند ما کی و کجا خدمت او برسیم تا مطالبات صادقی را دریافت کنیم.»

وی افزود: «از آنجا که طبق آیین‌نامه جدید فیفا در صورتی که یک بازیکن بیش از دوماه از یک باشگاه طلبکار باشد و آن را پرداخت نکند، بازیکن مربوطه می‌تواند با شکایت مانع فعالیت نقل و انتقالاتی این باشگاه شود، به همین علت از آنجا که امیرحسین صادقی اقرارنامه رسمی باشگاه استقلال را برای پرداخت مطالباتش دارد و آن را دریافت نکرده است، نامه‌ای را به فیفا تنظیم و خواستار محرومیت باشگاه استقلال از پنجره نقل و انتقالاتی آینده شدم. قرار است به زودی پاسخ این شکایتنامه ما به باشگاه استقلال ارسال شود.»

هنوز خبر شکایت تازه‌ای در خصوص بدهکاری باشگاه پرسپولیس منتشر نشده است. آیا با شکایت برخی طلبکاران این باشگاه‌ها فصل جدیدی از مشکلات و بحران مالی در این باشگاه‌ها آغاز خواهد شد؟

مسئولان فوتبال و ورزش ایران در حالی حضور چهار نماینده در لیگ قهرمانان آسیا را قطعی دانسته‌اند که کنفدراسیون آسیا هنوز هیچ اظهارنظر یا تایید رسمی در این مورد نداشته است. به نظر می‌رسد رایزنی در این مورد هنوز ادامه دارد و شاید سفر مهدی تاج به مالزی ارتباط مستقیمی به این موضوع داشته باشد.

رئیس فدراسیون فوتبال دوشنبه هفته گذشته راهی مالزی شد و گفته می‌شود وزیر ورزش و جوانان نیز در اندیشه انجام این سفر است. البته رفتن مسعود سلطانی‌فر به مالزی هنوز قطعی نیست اما گفته می‌شود احتمال این سفر نیز وجود دارد.

به نظر می‌رسد کار حضور نمایندگان ایران در فصل آینده لیگ قهرمانان آسیا «بیخ» پیدا کرده و هنوز مشکلاتی وجود دارد که اگر حل نشود سهمیه‌ها را در خطر حذف قرار می‌دهد و اگر استقلال و پرسپولیس حذف شوند طبیعتاً فشار روی وزارت ورزش و دولت هم زیاد خواهد شد. شاید به همین خاطر است که وزیر ورزش هم در اندیشه سفر به مالزی است. ▶



**به نظر می‌رسد رایزنی در این مورد هنوز ادامه دارد و شاید سفر مهدی تاج به مالزی ارتباط مستقیمی به این موضوع داشته باشد**



# مشکلات حقوقی و مالی سرخابی‌ها جدی است

طلبکار تازه‌ای پیدا شود AFC برخورد تنیدی با ما خواهد داشت

هم باید پاسخگو باشند. نمی‌دانم باشگاه به چه منابع مالی دست پیدا کرده که اینگونه بدهی‌های گذشته را تسویه کرده است. خدا کند این حرف راست و درست باشد و دیگر هیچ طلبکاری از گذشته به این باشگاه رجوع نکند که البته من به شخصه بید می‌دانم اینگونه باشد. اما اگر از این پس هر طلبکاری پیدا شود مسئولیت آن به همه آقایان باز می‌گردد. باشگاه استقلال مشکلی بزرگتر از مشکلات مالی دارد و آن هم مشکلات حقوقی این باشگاه است. این باشگاه در حال حاضر مدیرعامل و اعضای هیات مدیره قانونی ندارد و در حالی این آقایان در باشگاه مسئولیت دارند که در ثبت شرکت‌ها نفرت دیگری با این عناوین ثبت شده‌اند. هیات مدیره باید یک صورتجلسه ساده تنظیم و به ثبت شرکت‌ها مراجعه کند و تغییرات را اعمال نمایند. این اصلا کار سختی نیست و من نمی‌دانم چرا آقایان نمی‌خواهند مسئولیت جایی که در آن قرار دارند را به صورت قانونی بپذیرند. اگر آقایان که عضو هیات مدیره هستند خودشان و امضای شان را قبول دارند خیلی راحت می‌توانند صورتجلسه کرده و تغییرات را در ثبت شرکت‌ها اعمال نمایند تا اینطوری نباشد که امضای مدیرعامل باشگاه در AFC فاقد اعتبار باشد.

چرا آبروی فوتبال و مملکت‌مان را خیلی راحت به بازی می‌گیریم. دنیا قرار است از ما چه تصویری داشته باشد؟ ورزش اتاق شیشه‌ای است. خیلی از بخش‌های دیگر شاید اگر خطاهایی هم داشته باشند چندان به چشم نیفتد و بتوانند فرافکنی کنند یا لایوشانی کنند اما ورزش امری است که در عین اجتماعی بودن بسیار در معرض دید و قضاوت قرار دارد. بنابراین انتخاب با ماست. اینکه آبروی این کشور را حفظ کنیم یا آن را زیر سوال ببریم. متأسفانه آقایان در مورد ماجرای اخیر آبروی فوتبال‌مان را نادیده گرفتند چون اگر چند وقت دیگر طلبکار دیگری شکایت خود را به طور جدی پیگیری کند معلوم نیست برخورد بعدی کنفدراسیون فوتبال آسیا با ما چه خواهد بود. ▶

آنکه ما خلاف این مسیر در حال حرکت هستیم. متأسفانه واقعیت ماجرا را نمی‌گوییم. چرا دروغ می‌گوییم؟ ما تا هفته قبل حرفه‌ای نبودیم اما چگونه ظرف یک هفته حرفه‌ای شده‌ایم؟ رئیس سازمان برنامه و بودجه در نمایشگاه مطبوعات مصاحبه می‌کند و می‌گوید مشکل مالی استقلال و پرسپولیس را حل می‌کنیم. چرا؟ مگر نه اینکه در برنامه ۵ ساله ششم قرار نیست دولت به باشگاه‌های حرفه‌ای پولی پرداخت کند؟ اصلا این کمک مالی ممنوع است. اگر کمکی صورت بگیرد عمل غیرقانونی انجام شده است. اما چگونه با افتخار در این باره حرف می‌زنیم، امری است که من آن را نمی‌فهمم. بعد هم وقتی نمایندگان مجلس اعتراض می‌کنند که چرا کار غیرقانونی می‌کنید داد آقایان بلند می‌شود که برخی نمایندگان نمی‌خواهند مشکلات مالی استقلال و پرسپولیس حل شود. بنابراین متأسفانه ما هیچ افق روشنی برای تحقق فوتبال حرفه‌ای نداشته‌ایم و الان هم این اتفاق یعنی کاستی‌های حقوقی که نزد مدیران دو باشگاه استقلال و پرسپولیس وجود دارد، بیش از پیش باعث از دست رفتن اعتبار فوتبال‌مان شده است. اگر یک جست‌وجوی ساده داشته باشم متوجه می‌شوند که صاحبان اصلی استقلال و پرسپولیس چه کسانی هستند. صاحبان این دو باشگاه طبق اسنادی که در سازمان ثبت شرکت‌ها وجود دارد آقایانی هستند که سهامدار این باشگاه هستند، نه آقایانی که خودشان را جلوی دوربین‌ها و رسانه‌ها انداختند و گفتند این بحران را حل کردیم. کدام بحران را حل کردند؟ این یک شویی رسانه‌ای بود. این یک تبلیغ بود برای کسانی که اصلا صاحب اصلی این باشگاه‌ها نیستند.

با همه اینها می‌خواهم عرض کنم اگر از این به بعد این باشگاه طلبکاری از گذشته داشته باشد، نه تنها مدیران و مسئولان باشگاه باید پاسخگوی ادعای امروزشان باشند، بلکه پای مسئولان کمیته بدوی تعیین وضعیت باشگاه‌ها که مجوز حرفه‌ای آن را صادر کردند هم وسط است و آنها

کاملاً اولیایی

مدیرعامل اسبق باشگاه استقلال



دوره‌ای که محسن صفایی فراهانی ریاست فدراسیون فوتبال را بر عهده داشت عنوان حرفه‌ای را مطرح کرد. باشگاه‌های فوتبال ایران لفظ حرفه‌ای را بدک کشیدند. قرار بر این بود که ابتدا این عنوان به نام باشگاه‌ها ضمیمه شود تا نهایتاً ظرف سه تا پنج سال باشگاه‌ها به این مهم دست پیدا کنند و در عمل نیز کاملاً حرفه‌ای باشند. البته برای حرفه‌ای شدن دستورالعمل‌هایی هم تدوین شد. اینکه باشگاه‌ها باید صاحب اسنادیوم باشند، زمین تمرین اختصاصی داشته باشند، درآمدزا باشند و در راه و روش مالی خود روی پای خود بایستند و نیازی به دولت نداشته باشند. به هر حال قرار بود زمینه‌های این تغییر و تحول هم ایجاد شود. اما متأسفانه این اتفاق رخ نداد. بعد از اینکه آقای فراهانی از ریاست فدراسیون فوتبال کناره‌رفت، هیچ قدم تازه‌ای برای حرفه‌ای شدن باشگاه‌ها برداشته نشد. باشگاه‌ها نه تنها حرفه‌ای نشدند و در این مسیر قرار نگرفتند بلکه روز به روز بدعکاتر و وابسته‌تر شدند.

بنابراین فوتبال ما عنوان حرفه‌ای را بدک می‌کشید اما به صورت آمانتوری کار ادامه پیدا می‌کرد. حالا قصه اینجاست که هر سال با یک سری ترغیب تازه باشگاه‌های بدهکار ما مجوز حرفه‌ای خود را از کنفدراسیون فوتبال آسیا دریافت می‌کنند. یک زمانی سازمان لیگ این کار را انجام می‌داد و برای تیم‌هایی که به هیچ وجه مستحق عنوان حرفه‌ای نبودند دست به سندسازی می‌کرد. توجیه آقایان هم این بود که فوتبال ما حتماً باید در لیگ قهرمانان آسیا سهمیه داشته باشد. الان هم به نظر من با یک جادوی خاصی باشگاه‌های بدهکار را حرفه‌ای نشان می‌دهند و برای شان مجوز حرفه‌ای هم می‌گیرند. احتمالاً این جادویی که این روزها درباره‌اش صحبت می‌شود به مدیریت فوتبال ما هم سرایت کرده که آقایان ظرف یک هفته از عنوان غیر حرفه‌ای به حرفه‌ای می‌رسند. می‌گویند الزاماتی که باید انجام می‌شد صورت گرفته است. من این حرف را متوجه نمی‌شوم. اساساً روال کار در باشگاه‌های ما طور دیگری شده است. مدام قانون را دور می‌زنیم. به عنوان مثال برای تغییر مدیرعامل این هیات مدیره باشگاه است که این تغییر را باید صورت دهد و نتیجه را به اطلاع ثبت شرکت‌ها برساند که فلان مدیر رفت و فلان مدیر آمد. در این صورت امضاها و مسائل حقوقی رعایت شده است. اما چنین اتفاقی رخ نداده است. دوستان عزیز در کمیته بدوی صدور مجوز حرفه‌ای فوتبال ایران با صدور مجوز حرفه‌ای برای چند باشگاهی که همه می‌دانیم تا چه حد در مسائل و بدهی‌های مالی مشکل دارند، در واقع خودشان را زیر سوال برده‌اند.

آقایان نبی، براتی، مهدی و سایر اعضای این کمیته باید پاسخگو باشند. این عزیزان هیچ کدام با فوتبال غریبه نیستند. همگی به فوتبال ما آشنایی دارند. تمام جزئیات مالی باشگاه‌ها را می‌دانند اما اینکه چرا همین آقایان می‌آیند و به حرفه‌ای‌گری باشگاه‌های بدهکار را می‌دهند، مساله‌ای است که تعجب من را برانگیخته است. ورزش، زمینه قهرمانی و قهرمانی زمینه پهلوانی است. یکی از اهداف ورزش تحقق راستی و راست کرداری است. حال



## من مسبب بحران مالی پرسپولیس نیستم

گفت‌وگوی مثلث با محمد رویانیان

۳ محمد رویانیان یکی از مدیران عامل خبرساز تاریخ باشگاه پرسپولیس محسوب می‌شود. او نرخ فصل نقل و انتقالات فوتبال ایران را بالا برد و با عقد قراردادهای سنگین شرایط را برای رقبای پرسپولیس سخت و سخت‌تر کرد اما آن روزها کمتر کسی تصور می‌کرد که قراردادهای سنگین رویانیان با اعضای تیم تا چه حد در آینده می‌تواند مشکل‌آفرین باشد. هر چند او درباره این انتقادات پاسخ‌های خاص خودش را ارائه می‌کند. متن گفت‌وگوی مثلث با وی را می‌خوانید.

اما اتفاق بدی افتاد. قرارداد مانوئل ژوزه نیز به بحران تبدیل شد و تا همین چندی پیش باشگاه پرسپولیس با این مربی پرتغالی چالش‌هایی داشت. نظر شما چیست؟

▲ حضور مانوئل ژوزه در پرسپولیس اتفاق بدی بود. از این جهت من ممکن است شرم‌منده هواداران باشم و صادقانه هم اعتراف می‌کنم که اتفاق بدی بوده است. اما هواداران باید این را بدانند که باعث این اتفاق فقط من نبودم و بعد از جدایی من از باشگاه پرسپولیس یک مجموعه‌ای از تصمیمات اشتباه و همین‌طور بی‌توجهی به پرونده این مربی پرتغالی باعث شد تا کار به جاهای باریک کشیده شود. حتی این را هم به شما بگویم که قصد داشتم تا با شبکه‌ای پرتغالی صحبت کنم و به مردم پرتغال بگویم اجازه ندهند یک فردی مثل ژوزه از اسم‌شان استفاده کند و خودش را یک پرتغالی مثلاً اسطوره بداند. ایشان واقعا نامردی نکرد، واقعا خلاف کرد و واقعا مستحق جریمه بود، نه اینکه ما را محکوم کند. من مسبب بحران مالی پرسپولیس نیستم.

به هر حال او طبق قراردادی که با او بسته شده بود علیه باشگاه شکایت کرد و در نهایت حرف خودش را به کرسی نشاند. این اسمش نامردی نیست. قبول ندارید؟

▲ به هر حال من تبعات منفی این ماجرا را به جان خریدم و قبلاً هم از هواداران با تمام وجود عذرخواهی کرده‌ام. اما باز هم می‌گویم که هواداران بدانند هیچ خلاقی و جرمی صورت نگرفته است. مساله اصلی این است که عدم پیگیری درست پرونده باعث شد تا ماجرا بیخ پیدا کند. این را هم بگویم که من در این باره حرف‌های زیادی دارم که نمی‌خواهم آنها را فعلاً بازگو کنم. اما سوال من این است که چه کسی ژوزه را آورد، به چه شکلی آمد و به چه نحوی انتخاب شد و چه کسی او را آورد. چه اتفاقی افتاد که ما محکوم شدیم.

چرا؟

▲ نه. فعلاً اجازه بدهید سکوت کنم.

آقای رویانیان! این روزها بحث به‌هکار بودن باشگاه پرسپولیس و البته کسب مجوز حرفه‌ای موضوع داغ رسانه‌هاست. در این باره صحبت می‌کنید؟

▲ من قصد مصاحبه ندارم. قبلاً هم حرف‌هایی زده‌ام که برخی همکاران شما حرف‌هایم را طور دیگری منعکس کرده‌اند. در مورد بدهی‌ها نیز قبلاً یعنی همان زمانی که از پرسپولیس جدا شدم و توصیه‌ها و پیشنهادهایی ارائه کردم که متأسفانه به هیچ‌یک از آنها عمل نشد.

چه توصیه‌هایی؟

▲ قصد تکرارشان را ندارم.

مایلید درباره برخی بدهی‌های باشگاه در دوره مدیریت‌تان صحبت کنید، مثلاً در مورد بدهی علی‌دایی که این روزها بحث آن مطرح است؟

▲ در مورد قرارداد آقای دایی باید بگویم که خیلی‌ها جوسازی می‌کنند. به عنوان مثال از قرارداد نجومی حرف می‌زنند در صورتی که اصلاً مبلغ قرارداد آقای دایی بالا نبود. اتفاقاً قراردادی که با آقای دایی بستیم نسبت به خیلی از مربیان دیگر که با ایشان هم‌طراز هم بودند کمتر بود. ضمن اینکه فراموش نکنیم آقای دایی تیم را نایب‌قهرمان کرد.

این نایب‌قهرمانی چه ارتباطی به بالا آمدن بدهی‌های باشگاه پرسپولیس دارد؟

▲ این سوال را من نباید جواب بدهم. آقایانی که مربی تیم نایب‌قهرمان را برکنار کردند باید با ایشان حساب و کتاب‌های لازم را انجام می‌دادند، باید به این سوال شما پاسخ بدهند.

اما بالاخره شما می‌دانید که چرا آن قرارداد به‌زعم شما ساده امروز به یکی از بدهی‌های سنگین باشگاه پرسپولیس تبدیل شده است. نمی‌دانید؟

▲ آنچه می‌دانم این است که علی‌دایی می‌گفت باشگاه باید مالیاتش که فکر کنم حدود صد خرده‌ای میلیون تومان بود را بدهد؛ اما باشگاه این کار را نکرد و ایشان هم از طریق قانونی اقدام کرده است. فکر می‌کنم حق داشت که به دنبال حق و حقوق خودش باشد. مساله‌ای که من را اذیت می‌کند این است که خیلی‌ها ندانم کاری‌های خودشان را می‌خواهند به گردن من بیندازند. این کار اصلاً اخلاقی نیست. اینکه ما صوری می‌کنیم و جنجال به پا نمی‌کنیم دلیلش این نیست که پاسخی نداریم. نه. ما نمی‌خواهیم شرایط باشگاه پرسپولیس به هم بریزد. این روزها پرسپولیس بیش از هر چیز دیگری به آرامش نیاز دارد. ضمن اینکه من دوست نداشتم در دوره‌ای که خدمتگزار هواداران پرسپولیس بودم آنها هیچ نگرانی‌ای داشته باشند.

مگر نه اینکه این مربی در دوران مدیریت شما با انتخاب شما به پرسپولیس آمد؟ این را قبول ندارید؟

▲ چرا! من می‌گویم که مردم باید بدانند که ژوزه چگونه انتخاب شد. عملکردش چه بود و چرا موفق نبود. ژوزه‌ای که ۲۳ جام گرفته بود چرا در ایران موفق نبود و چه کسی بیرونش کرد و چگونه از ایران رفت و چه اتفاقاتی رخ داد که حق ما ناحق شد.

پرسپولیس با همه بدهی‌های خود بالاخره موفق شد مجوز حرفه‌ای از AFC کسب کند. نظر شما چیست؟

▲ مجوزهای حرفه‌ای باشگاه‌ها صوری صادر شده است و واقعی نیست. مسئولان فوتبال به جای اینکه همدیگر را بکوبند برای توسعه حرفه‌ای باشگاه‌ها تلاش کنند تا به صورت واقعی تیم‌ها مجوز حرفه‌ای دریافت کنند.

چرا می‌گویید که این مجوز به صورت صوری صادر شده است؟

▲ روشن است. باشگاه‌های شاخص‌های اصلی را دریافت نکردند، بلکه سازمان لیگ شاخصه‌های حداقلی را در نظر گرفته تا باشگاه‌ها بتوانند مجوز حرفه‌ای دریافت کنند.

البته AFC هنوز حرفه‌ای بودن پرسپولیس را تایید نکرده است.

▲ امیدوارم AFC شاخص‌ها را قبول کند، در غیر این صورت آسیب به فوتبال ما وارد می‌شود و باشگاه‌ها نمی‌توانند در لیگ قهرمانان آسیا شرکت کنند. به نظرم وزارت ورزش و جوانان باید به صورت اساسی پیگیری حرفه‌ای کردن باشگاه‌ها باشد تا فوتبال ما توسعه یابد.

بعضی‌ها در باره بدهی ۲۱۰ میلیاردی باشگاه پرسپولیس صحبت می‌کنند. واقعا چنین بدهی وجود دارد؟

▲ من رقم دقیق بدهی‌ها را نمی‌دانم اما عمده بدهی‌های پرسپولیس مالیاتی است که از ۱۵ سال پیش جریمه‌ها به این بدهی مالیاتی اضافه شده و باشگاه پرسپولیس مجبور به پرداخت این مبلغ سنگین شده است. به عنوان مثال طلب باشگاه آمریکایی حدود ۱۰۰ میلیون تومان بود که بعد از جدایی ام از پرسپولیس این طلب پرداخت نشد و اکنون این باشگاه آمریکایی از پرسپولیس شکایت کرده است.

می‌دانید که آقای طاهری هم از سمت خود کناره‌گیری کرده است. نظر شما در این باره چیست؟

▲ استعفا طاهری در زمان مناسبی صورت نگرفته و او باید تا پایان فصل بماند چرا که ثبات مدیریت در موفقیت پرسپولیس مهم است. همچنین وزارت ورزش باید مشکل بازنشستگی طاهری را حل کند تا او بتواند در پرسپولیس بماند. من در رسانه‌ها درباره بدهی ۹ میلیاردی باشگاه در دوره مدیریت طاهری نقدهایی خواندم. به نظر من بدهی در پایان کار مدیران پرسپولیس طبیعی است. البته امیدوارم طاهری همانند من زجر نکشد و با سلامتی از باشگاه پرسپولیس خارج شود.

از قرار معلوم شما حامی طاهری هستید و عملکرد او را مثبت می‌دانید؟

▲ قطعاً حامی او هستم. او مدیر خوبی است و در پرسپولیس هم عملکرد خیلی خوبی داشته است. اکنون درباره بدهی بر جا مانده از طاهری نمی‌شود قضاوت کرد. امیدوارم دوستان مادر وزارت ورزش روی طاهری فشار نیاورند و اجازه بدهند او به فعالیتش در پرسپولیس ادامه بدهد. ►



# درد مردم مابدهکار بودن استقلال و پرسپولیس نیست

انتخاب مدیران شایسته برای سرخابی‌ها بیش از کمک مالی ارزش دارد

◀◀ امیررضا واعظی آشتیانی

مدیرعامل اسبق باشگاه استقلال



**۴** اتفاقی که به خصوص برای دو باشگاه استقلال و پرسپولیس رخ داد در نوع خود بی نظیر بود. این باشگاه‌ها با بدهی‌های میلیاردی در آستانه محرومیت از حضور در لیگ قهرمانان آسیا بودند و بالطبع ظرف مدت زمانی کوتاه هم نمی‌توانستند بدهی‌های خودشان را تسویه کنند اما ناگهان ظرف یک هفته چگونه و طبق چه مکانیزمی همه بدهی‌ها تسویه و مدارک حرفه‌ای این باشگاه‌ها برای کنفدراسیون فوتبال آسیا ارسال شد. آقایان فکر می‌کنند که فیفا یا کنفدراسیون فوتبال آسیا اخبار مربوط به فوتبال ایران را نمی‌دانند یا اینکه خودشان را به ندانستن زده‌اند. این طور نیست. وقتی که باشگاه‌های ایران در محاصره رسانه‌ای بدهکاران قرار گرفته‌اند دیگر نباید اینگونه مصلحت‌اندیشی‌ها اعمال شود. فیفا و کمیته انضباطی فیفا و همچنین AFC با دقت تمام اتفاقات باشگاه‌های فوتبال ایران را رصد می‌کنند. آنها می‌دانند که فوتبال ایران بیشترین پرونده‌های ممکن را در بخش مالی دارد. پس چگونه است که این باشگاه‌ها ظرف مدت یک هفته همه بدهی‌های خودشان را تسویه می‌کنند. نکته مهم‌تر اینکه طلبکاران به‌طور مرتب با رسانه‌ها مصاحبه می‌کنند. آیا این مصاحبه‌ها را نمی‌بینند که خیلی راحت می‌گویند بدهی‌های باشگاه‌مان تسویه شده است یا اینکه اساساً قرار نیست این مشکلات از طریق خردمندی حل شود. چرا خردورزی جای خودش را به مصلحت‌اندیشی داده است؟ این تصمیمات نشان می‌دهد که این اتفاقات اصلاً سنجیده نیست. این رفتارها نشان می‌دهد که به دنبال محاصره کردن ورزش کشور هستند و نتیجه‌اش چیزی جز به انزوای ورزشی و پرطرفدار مثل فوتبال نیست. چرا متولی ورزش کشور با

این مسائل برخورد قانونی نمی‌کند؟ حالا فرض بفرمایید که یک سال و دو سال هم از حضور در لیگ قهرمانان آسیا محروم شویم. چه اشکالی دارد. بگذارید محروم شویم اما برویم و خودمان را اصلاح کنیم. باور کنید که ارزش دارد. محروم شویم اما خودمان را درست کنیم. اما آقایان فکر می‌کنند با این سندسازی‌ها می‌توانند برای این کشور و فوتبال ایران آبرو بخرند. این طور نیست. کار بدتر خواهد شد. مطمئن باشید مشکلات در آینده مضاعف خواهد شد. در دهه‌های گذشته بازی و باندبازی از کنار بدهی برخی باشگاه‌ها گذشتند. از استیفای حقوق برخی مربیان و بازیکنان گذشتند و با کدخدانمنشی و رقیق‌بازی سعی کردند مشکلات را حل کنند هر چند حل نکردند. حالا کنفدراسیون فوتبال آسیا نسبت به جریان بدهکاری و بحران مالی در فوتبال ایران حساس شده است. اما آقایان با سندسازی و حرفه‌ای جلوه‌دادن باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس در حقیقت آخرین میخ‌های تابوت فوتبال ایران را محکم‌تر کوبیدند. فوتبال ایران به‌طور حتم شکست خواهد خورد. این رفتارها در آینده نه‌چندان دور مشکلات را مضاعف می‌کند که در آن مقطع دیگر هیچ راهی برای اصلاح وجود نخواهد داشت. وقتی ظرف کمتر از یک هفته می‌گویند این باشگاه‌ها حرفه‌ای هستند و هیچ بدهی ندارند چه معنایی دارد؟ معنی‌اش روشن است. سندسازی کرده‌اند. اشتباهات و تصمیمات غلط خودشان را توجیه کرده‌اند. یا دستور گرفته‌اند که این کار را بکنند یا اینکه واقعا خودشان نمی‌دانند تصمیمات امروزشان در آینده چه تبعاتی را می‌تواند همراه داشته باشد. اگر دستور گرفته‌اند مطمئن باشند که در آینده مورد سرزنش قرار خواهند گرفت؛ برای چند صباحی مسئولیت بیشتر دستورهای غیر حرفه‌ای را اجرا کردند. اگر این رویه‌ای باشد که آقایان به کار گرفته‌اند باید در آینده منتظر تبعات سنگین این راه غلط خودشان باشند. چه‌بسا کسانی که دستور می‌دهند خودشان چند روز دیگر نباشند اما آنهایی که این دستور را اجرا کرده‌اند

حتماً خواهند بود و باید پاسخ روشنی به هواداران بدهند. من نمی‌خواهم قضیه را باز کنم. اما روشن است که باتوجه به حساس بودن مساله استقلال و پرسپولیس توصیه‌هایی در کار بوده که تحت هیچ شرایطی این باشگاه‌ها از حضور در لیگ قهرمانان آسیا محروم نشوند. آقایان هر برخورد یا انتقادی که صورت می‌گیرد را سیاسی قلمداد می‌کنند. برخورد فیفا که دیگر سیاسی نیست. شاید کنفدراسیون فوتبال آسیا در مواقعی عملکرد سیاسی داشته است اما مساله بدهکاری باشگاه‌های ایرانی که دیگر قرار نیست طور دیگری جلوه کند و ما به همه آنهایی که از باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس طلبکارند انگ سیاسی بزنیم. مساله روشن است. یک‌سری بدهکاری‌هایی وجود دارد که استقلال و پرسپولیس چشم خودشان را روی اینها بسته‌اند. مناسفانه آقایان عادت کرده‌اند هر شکایتی را سیاسی قلمداد می‌کنند. این یک فرمول تعریف شده است که فیفا در مورد مسائل مالی با هیچ فدراسیونی تعارف ندارد. استقلال و پرسپولیس زیر نظر دولت اداره می‌شوند. باید بدهی‌شان مورد بررسی قرار بگیرد. راه‌حل این بحران این نیست که صورت‌مساله را پاک کنند و بگویند نه، این تیم‌ها بدهکار نیستند. عدم نظارت، انتخاب مدیران ضعیف و عدم حسابرسی درست و دقیق در مورد استقلال و پرسپولیس باعث شده که کار این باشگاه‌ها به اینجا بکشد. غرامت این ندانم‌کاری‌ها که نباید از جیب مردم پرداخت شود.

آقایان اصلاً طبق قانون حق کمک کردن به دو باشگاه استقلال و پرسپولیس را نداشتند. چون طبق قانون مصوب مجلس شورای اسلامی اصلاً قرار نیست به ورزش حرفه‌ای کمکی صورت بگیرد. بنابراین آقایانی که خیلی راحت قانون را زیر پا گذاشتند باید در برابر نمایندگان ملت در مجلس شورای اسلامی پاسخگو باشند. آقایان طی این دوره‌های اخیر مدیرانی را در راس این باشگاه‌ها قرار داده‌اند که به نظر من شایسته نیستند که اگر شایسته بودند باشگاه‌ها چشمشان به جیب دولت و ملت نبود که کمکی از راه برسد. ▶

## همه مالرزیدیم

برای مردم کرمانشاه

یادداشت ویژه

◀◀ مهدی ربوشه

دبیر گروه ورزش



همین‌ها بودند که پا پس نکشیدند و همین مردمان هستند که محرومیت را تاب می‌آورند اما دم نمی‌زنند. آنها سر به زیر و باوقارند و در عین حال باشکوه. من بارها به غرب ایران سفر کرده‌ام. جاده‌هایش پر از دلتنگی است. از گندمزارها و کوه‌های بلند که می‌گذری هر از گاهی به چایخانه‌هایی می‌رسی که پیران عصا به دست و شال بر کمر بسته، خیره شده‌اند که میهمانی از راه برسد. پیش پایت بلند می‌شوند. اصلاً می‌شوند یک مشت خاک و تو درمی‌مانی که این همه مهر از کجا می‌آید؟ آن هم در این طبیعت سرد. این مردمان درست همین جا غافلگیر می‌کنند. چه لبخند و مهر و میهمان‌نوازی‌شان از دل آن طبیعت خشک و سرد همه معادلات را به هم می‌زند. حالا همشهریان و هموطنان عزیزم کنار آوار نشستند با دلتنگی که سوز سرما زخمش را مضاعف می‌کند. نمی‌دانم. سر خط نوشتن را شاید گم کرده‌ام. اما همین قدر می‌دانم که باید برای مردم جردیده کرمانشاه بنویسم. هفته‌ای که گذشت روزهای تلخی را در تقویم‌مان ثبت کرد. روزهایی که نباید فراموش کنیم. درست مثل زمستانی که چند وقت دیگر از راه می‌رسد و اگر

**۵** هفته گذشته غرب ایران لرزید. به دنبالش همه لرزیدیم. نوشتن درباره این بلای طبیعی برایم سخت است. نمی‌دانم از مرور کدام خبر شروع کنم. از فداکاری مادری شروع کنم که فرزندش را به آغوش فشرده تا زیر آوار جان ندهد و همه جانش را به کودکش بخشید یا از جشن تولدی که آوار شد. از پیران دستار بسته و تن خسته‌ای بگویم که سرما رقی از جان‌شان گرفته یا از کودکی که پدر و مادر از دست داده؛ نشسته روی خوارها آوار. سر روی زانو گذاشته و بهت زده به خانه‌ای نگاه می‌کند که تا همین چند شب پیش پر از لبخند و خوشی بود. همه مالرزیدیم وقتی کرمانشاه لرزید. آنها، یعنی مظلومان دردکشیده‌ای که هم در سال‌های جنگ از جور منافقین و دشمنان ایران آزار می‌دیدند و هم سال‌ها بعد در محرومیت‌های سخت اقتصادی قرار گرفتند اما

سرکشی و رسیدگی به مناطق زلزله‌زده را فراموش کنیم، بی‌معرفتی کرده‌ایم.

هفته‌ای که گذشت تلخ بود. اما همدلی مردم ایران در یاری‌رسانی به مردم بلازده کرمانشاه موهبت بزرگی بود. خیلی‌ها با اطلاع‌رسانی به موقع و ساز و کار درستی برای کمک به زلزله‌زدگان ایجاد کردند و البته اهالی ورزش نیز در این ماجرای تفاوت نبودند و به‌طور مستقیم وارد معرکه شدند تا تسلی خاطر بازماندگان زلزله کرمانشاه باشند. در چنین مواقعی است که مردم قهرمان واقعی را از قهرمان مجازی باز می‌شناسند. خیلی‌ها با پیام‌های تسلیت‌شان البته نشان دادند که نسبت به درد هموطن خود بی‌اعتنا نیستند اما افرادی در این بین استین بالا زدند و به کمک‌رسانی مشغول شدند. مثل علی دایی و مثل خیلی‌های دیگر که نشان دادند همه ما ایرانی هستیم و قرار نیست درد یکدیگر را فراموش کنیم. شاید به خاطر پراکنده‌گویی این آشفته‌ترین یادداشتی است که در دوران روزنامه‌نگاری‌ام می‌نویسم اما هر چه میان خبرها گشتم سوژه‌ای بهتر از این برای نوشتن پیدا نکردم. اهالی ورزش و در واقع همه مردم ایران در هفته‌ای که گذشت کنار هم بودند؛ همدل و یاری‌کننده. این حرکت جمعی تسلی‌بخش است. برای مردمی که خیره می‌مانند تا میهمانی از راه برسد تسلی‌بخش است. برای مردمی که به مهربانی و غریب‌نوازی شهره‌اند، راحت جان است. برای مردمی که... ▶

## عرش بر زمین

رونمایی از آخرین اثر استاد فرشچیان



هنوز هم وقتی از هنر عاشورایی یاد می‌شود، بی اختیار خیلی از ما یاد تابلوی عصر عاشورا می‌افتیم؛ اثری از استاد محمود فرشچیان که غم و اندوه را به زیباترین شکل ممکن ترسیم کرده است. استاد اثر تازه را رونمایی کرده است؛ یک اثر عاشورایی دیگر.

تابلوی نفیس «عرش بر زمین (گودی قتلگاه)» به سبک نگارگری و با تکنیک اکریلیک روی مقوای بدون اسید در ابعاد ۸۲،۵ در ۱۰۱ سانتی متر سال گذشته توسط توسط استاد فرشچیان طی حدود ۱۰ ماه خلق شده و امسال به موزه آستان قدس رضوی اهدا شده است.

«عرش بر زمین» بازگوکننده واقعه عاشورا و صحنه تأثرانگیز وداع حضرت زینب (س) با پیکر مطهر امام حسین (ع) در گودال قتلگاه است که سوگواری فرشتگان همراه با حضرت زینب (س) محیطی غمبار را در آن به تصویر کشیده است.

در این تابلو هر قسمت، خود به تنهایی یک تابلوی مجزا است که نقطه طلایی آن، در محل تلاقی حضرت زینب (س) و پیکر مطهر حضرت امام حسین (ع) است. علاوه بر تابلوی «عرش بر زمین»، چهار تابلوی دیگر استاد با عنوان‌های: «عصر عاشورا»، «پرچمدار حق حضرت ابوالفضل (ع)»، «هدیه عشق (حضرت علی اصغر (ع))»، و «شام غریبان» از آثار اهدایی استاد فرشچیان به موزه حرم مطهر امام رضا (ع)، روایتگر وقایع تاریخی تاسوعا و عاشورای حسینی است.

استاد فرشچیان پیش از این در مصاحبه‌ای درباره این اثر گفته بود: «این تابلو به نوعی قتلگاه امام حسین (ع) را نشان می‌دهد و برخلاف دیگر آثاری که تاکنون در این ارتباط نشان داده شده، در آن نه اثری از نیزه است و نه خون و سایر مواردی از این دست. بلکه به قول شاعر خوش تر آن باشد که سر دلبران / گفته‌آید در حدیث دیگران. در واقع در این اثر فقط دو پای امام حسین (ع) و حضرت زینب (س) را تصویر کرده‌ام، چون براساس مطالعاتی که داشته‌ام و به استناد روایت‌های مذهبی، بعد از به وقوع پیوستن واقعه کربلا و کشته شدن امام حسین (ع) تنها کسی که بر بالین او حاضر بود حضرت زینب (س) بوده است.»

در حال حاضر ۱۷ اثر ارزشمند که توسط این استاد پراوازه هنر نگارگری کشور کشیده شده است به همراه یک اثر اهدایی مربوط به خاندان ایشان در تالار اختصاصی آثار اهدایی محمود فرشچیان در ساختمان موزه قرآن و نقایس آستان قدس رضوی در معرض دید زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی قرار دارد.

او درباره علت اهدای این آثار به موزه آستان گفته است: «چون سال‌هاست خادم حرم امام رضا (ع) هستم و حتی این افتخار را داشته‌ام که به طراحی ضریح آن

حضرت نیز پردازم. از اینها گذشته ارادت به امام هشتم به نوعی در خانواده ما موروثی بوده است. نام پدرم غلامرضا بود و خود هم از چهار، پنج‌سالگی که در خانه‌مان، مراسم مذهبی برگزار می‌شد، دنبال کسی که جای به میهمانان تعارف می‌کرد، قدم می‌بردیم. یعنی از دوران کودکی این حس و حال و علاقه در من وجود داشته است و خادم اهل بیت (ع) بودم.

از اینها گذشته نکته مهمی که در هنر تمام کشورها مطرح است این است که ریشه در مذهب و باورهای مذهبی دارد. این مولفه در آثار مهم‌ترین هنرمندان جهان مثل میکل آنژ، برنی، روبنز و... نیز وجود داشته است.

هنر همواره ریشه قدسی و درونی دارد و وقتی همه این احساسات با یکدیگر توأم می‌شوند، اثری که هنرمند ارائه می‌کند از گیرایی بیشتری برخوردار می‌شود. حتی یادم هست در سال‌های اخیر مجسمه‌ای از حضرت مریم (س) و حضرت عیسی دیدم که ساخته برنی نی بود. وقتی در مقابل این اثر قرار گرفتم به گریه افتادم و متأثر شدم. دلیلش این است که آن هنرمند براساس باورها و اعتقادات قلبی‌ای که داشته به خلق این اثر پرداخته و طبعاً وجود چنین ویژگی‌هایی باعث می‌شود مخاطب با تماشای چنین اثری تحت تأثیر قرار گیرد.»

برای تابلوی عرش بر زمین یک مراسم رونمایی برگزار شد. این مراسم به همت سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی و با حضور جمعی از مسئولان این مجموعه بزرگ موقوفاتی و فرهیختگان اهل هنر و معرفت برپا شد. حجت الاسلام والمسلمین سیدابراهیم ریسی، تولیت آستان قدس رضوی در این مراسم گفت: «این دواتر هنری و دینی به دست توانای هنرمندان مخلص و دل‌داده آستان حضرت امام رضا (ع) خلق شده و کار فوق العاده و اعجاب برانگیز است. استاد زمانی آذر، این اثر خود را در سفر رهبر معظم انقلاب به تبریز به معظم له اهدا کرد که اینک در گنجینه هدایای رهبر معظم انقلاب در موزه آستان قدس رضوی جا گرفته است. اثر نگارگری استاد محمود فرشچیان نیز در نوع خود بسیار ارزشمند است و این هنرمند تاکنون آثار بسیاری به این موزه اهدا کرده است. وجه مشترک این دو اثر به کار گرفتن قلم است و اینکه پروردگار متعال در قرآن کریم به قلم سوگند یاد می‌کند، دارای ارزش بسیار است.

هر قلمی مورد سوگند قرآن کریم نیست، بلکه قلمی که مسطور توحیدی داشته باشد مورد سوگند پروردگار است. قلم همواره در تاریخ اسلام همراه با حکمت بوده و فرهنگ اسلامی نیز هنری دارد که همراه با مدنیت و حکمت است. شکوه و عظمت دفاع مقدس و انقلاب اسلامی در آثار هنری به همراه مجاهدت‌هایی که مردم خلق کرده‌اند،

تبلور ویژه می‌یابد و آثار معنوی آن برای نسل‌های آینده بهتر و بیشتر است. آثار مکتوب و هنری که تاکنون درباره انقلاب اسلامی خلق شده بسیار بیشتر از آثار مربوط به انقلاب‌ها و جنبش‌های سیاسی دیگر دنیاست اما برخی تلاش می‌کنند این آثار را در حاشیه قرار دهند. برخلاف هنر رایج در غرب که آمیخته با ایندال است، هنر اسلامی آمیخته با حکمت است. بقای تمدن‌ها به هنر است و هویت یک جامعه برای اینکه در فراز و نشیب‌های زمان گم نشود و از میان نرود باید با هنر در آمیزد. در ثبت آثار هنری، به لحاظ کمی و کیفی انقلاب اسلامی در قیاس با دیگر انقلاب‌های جهان - که برخی از آنها بیشتر به کودتا شبیه بوده - مظلوم واقع شده است.

تعداد آثار هنری از قبیل کتاب و فیلم که از انقلاب فرانسه یا روسیه خلق شده را با انقلاب اسلامی مقایسه کنید؛ در این کشورها هرگز به انقلاب‌شان به عنوان یک موضوع متروکه و تمام شده نگاه نمی‌شود. اگر دفاع مقدس و شکوه و عظمت مردم در صحنه‌های مختلف و خلق رشادت‌ها و آنچه در عاشورا اتفاق افتاده، در هنر جلوه کند، بقای آن در نسل آینده بهتر تضمین می‌شود. موسسه آفرینش‌های هنری، کتابخانه و سایر بخش‌های فرهنگی و هنری آستان قدس با ایجاد پایگاهی برای رفت و آمد هنرمندان و تشکیل باشگاه اندیشه‌ورزی و تضارب آرا به خلق آثار هنری فاخر کمک می‌کنند.»

در این مراسم همچنین از قرآن کریم حکاکی شده روی ۱۱۴ قطعه سنگ گرانبه: اثر «داود زمانی آذر» هنرمند نقاش، مجسمه‌ساز و شاعر تبریزی نیز رونمایی شد. این قرآن کریم با سوزن گلدوزی حکاکی و با حدود ۱۸۰ گرم پودر طلا در مدت شش سال و چهار ماه، تزئین و در سال ۱۳۹۳ اهدا شده است. بزرگ‌ترین قطعه سنگ این اثر متعلق به سوره «بقره» با ۱۷ سانتی متر قطر و کوچک‌ترین سنگ آن نیز متعلق به سوره «ناس» با ۴ میلی متر قطر است.

کتابت آیات هر سوره به صورت دوار در اطراف عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» حک شده و سوره‌ها نیز به ترتیب قرآنی از سوره بقره آغاز و هر ۱۱۴ سوره تا سوره «ناس» به دور سگی به شکل کعبه که سوره «حمد» روی آن حک شده در طواف هستند.

استاد زمانی آذر، فعالیت هنری را بدون تعلیم در مکتب استادی و به صورت خودآموز به نقاشی روی گونی آغاز کرده و چون علاقه به خلق آثار بدیع و تازه داشته، بعد از سال‌ها با رواج این رشته به دنبال خلق هنری جدید و متنوع به ریزنقاشی و ریزمجسمه روی آورده است. این اثر ارزشمند قرآنی در موزه هدایای مقام معظم رهبری واقع در ساختمان موزه قرآن و نقایس آستان قدس رضوی به نمایش درآمده است. ▶





## نقاش دغدغه‌مند

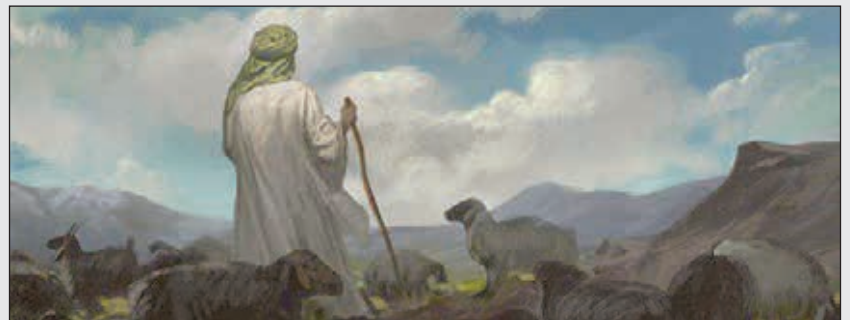
از کاظم چلیپا تقدیر شد

متعهد بنا به گفته قرآن کریم هیچ وقت به بن بست نمی‌رسد. کسی که دنبال ملاقات پروردگار است باید عمل صالح انجام دهد و عمل صالح این هنرمند نیز خلق همین آثار است. خیلی از جشنواره‌ها در برخی هنرها، شرکت در برابر خداوند هستند و باعث می‌شود هنرمند قبل از آنکه حقیقت را در نظر داشته باشد، نگاهش به سلیقه داوران باشد. خوشبختانه هنرمندان متعهد کشور اینگونه نیستند. طی ۳۰ ساله که توفیق شد در حوزه هنری با آقای چلیپا آشنا شوم وی را شخصیتی دغدغه‌مند و صادق دیدم. چلیپا برای خود اصولی دارد و به عنوان یکی از رکن‌های هنر انقلاب اسلامی مطرح است. «وی با اشاره به خاطره‌ای درباره دیدار هنرمندان تجسمی با رهبر معظم انقلاب اسلامی، ادامه داد: «حضرت آقا در آن دیدار چند بار از آقای چلیپا یاد کردند و حال وی را پرسیدند و فرمودند که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در زمینه‌های هنر تجسمی کسی را نداشتیم و تنها چند نفر از جمله آقای چلیپا و حبیب‌الله صادقی و چند هنرمند دیگر بودند و در جبهه مقابل، هنرمندان بسیاری حضور داشتند. بنابر همین گفته‌های رهبر انقلاب، معتمد حق استادانی مانند استاد چلیپا بسیار عظیم است.» ▶

تاریخچه است. امام حسین (ع) در مسیر مکه تا کربلا از افراد زیادی برای شرکت در قیام دعوت کرد که بسیاری از آنها بهانه آوردند و دعوت امام را قبول نکردند؛ یک نفر پیشنهاد داد که اسب خود را به امام تقدیم کند اما امام گفت: «من هفت اسب دارم؛ من خودت را می‌خواهم». کسانی که در واقعه کربلا با امام همراه شدند تمام دارایی خود را در این راه فدا کردند. سفر اخیری که به کربلا داشتیم دو صحنه حزن‌انگیز برای من پیش آمد. یکی در صحن امیرالمومنین (ع) که دیدم روی گلدسته‌ها نام مبارک امام حسین (ع) نوشته شده بود و یاد حادثه عظیمی که برای فرزند امیرالمومنین پیش آمد و حالا این نام روی گلدسته حرم پدرش نوشته شده است مرا غمگین کرد. دیگری در حرم امام حسین که از شخصی پرسیدم قبرهای موجود در ضریح متعلق به چه کسانی است و او برای من توضیح داد. زمانی که امام سجاد (ع) برای دفن پیکر پدر بزرگوارش به کربلا آمد گفت: «صدایی از رگ‌های بریده پدرم آمد...» (در اینجا گریه مانع ادامه صحبت‌های استاد چلیپا شد.) در ادامه محسن مومنی شریف، رئیس حوزه هنری پس از تجلیل از کاظم چلیپا گفت: «وی یک هنرمند متعهد و آیینی در حوزه هنرهای تجسمی است و هنرمند

کاظم چلیپا در میان اولین هنرمندانی جای دارد که نامشان به عنوان نقاش انقلاب در حافظه تاریخ هنر ایران ثبت شده است، بسیاری از ما حتی اگر نام صاحب اثر را نداریم نقاشی‌هایی از او را در دهه اول انقلاب به یاد داریم که به تبلیغ و ترویج مفاهیمی چون ایثار، شهادت، از خودگذشتگی، مقاومت، مبارزه و ایستادگی می‌پرداخت و سپس با گذشت زمان آثار او شکل‌ها و مفاهیمی متناسب با مباحث روز پیدا کردند. این هفته از استاد چلیپا تقدیر شد. در آیین تجلیل از برگزیدگان یازدهمین سوگواره هنر عاشورایی که با حضور محسن مومنی شریف، مسعود نجابتی، کاظم چلیپا، فاضل نظری، سیدمسعود شجاعی طباطبایی، حسن روح‌الامین و کوروش زارعی در حوزه هنری برگزار شد از «کاظم چلیپا»، نقاش برجسته انقلاب اسلامی و دفاع مقدس هم تجلیل شد. در این مراسم بازنمایی تابلوی «توبه حر» این هنرمند نیز صورت گرفت. در این مراسم کاظم چلیپا ضمن عرض تسلیت به مردم داغدار کرمانشاه گفت: «پیاده‌روی اربعین، سفری به دیگر سوی عالم و انتهای دنیاست و در این سفر بسیاری از مسائل برای انسان، تعیین کننده می‌شود. اشتیاقی که در پیاده‌روی اربعین برای شرکت‌کنندگان وجود دارد دارای

پروژه منتشر شد. روح‌الامین که خالق آثار مشهوری همچون عرش بر زمین افتاد، شیرین تر از عسل، آتش پرستارم شده، آخرین سرباز لشکر و آیا تو برادر منی است و سبک وی در طراحی آثار تاثیرگذار از ادوار مختلف تاریخی اسلام زبازند است به عنوان طراح کانسپت‌های اولیه و مشاور هنری پروژه به همین سبب صورت گرفته است. او در مدت زمان حدود ۲ ماه به خلق این هفت اثر هنری پرداخت که در این آثار فضاهایی همچون شب مکه، لیله المیبت، برده‌داری، غزوات پیامبر، قافله، ولادت نور و چوپان به صورت نقاشی دیجیتال به چشم می‌خورد. روح‌الامین درباره این کارها گفته است: «در حال حاضر من با ۷ تابلو کانسپت‌های اولیه این پروژه را طراحی کرده‌ام. نقاشی‌هایی که به گونه‌ای شامل یکسری از ایده‌های اولیه است که می‌تواند در اختیار کارگردان و نویسنده قرار بگیرد که سوزهای باشد برای بهره‌بردن از فضایی که در این حوزه وجود دارد. نقاشی دیجیتال تنها اسمش نقاشی دیجیتال است و به عنوان نمونه در کارهای خود من اصول آن مثل همان اصل‌های نقاشی رنگ روغن و... است. در این فضا شما به جای ترکیب رنگ با روغن و وزن آن روی بوم از قلم نوری و مدیوم‌هایی استفاده می‌کنی که به شکل دیجیتال وجود دارند، در نتیجه خروجی نهایی کار یکی است و تفاوت چندانی با دیگر شیوه‌ها ندارد، چرا که اصول ثابت است و تنها ابزار تغییر کرده است. در این حوزه نیز ما نه تنها عقب نیستیم بلکه هنرمندانی را داریم که در سطح بین‌المللی کار می‌کنند و این موضوع جالب توجهی است.»



تلویزیونی اعم از داخلی و خارجی با فعالیت بیش از ۵۰۰ هنرمند هموطن تولید می‌شود. این اثر که عظیم‌ترین و پرهزینه‌ترین اثر انیمیشن ایران و جهان اسلام محسوب شده و با کیفیت درجه یک جهانی تولید انیمیشن ساخته خواهد شد کشور ایران را در زمره تولیدکنندگان انیمیشن تراز اول جهان قرار می‌دهد. این سریال با هدف جذب مخاطب عام بازه‌های تاریخی قبل از ولادت پیامبر (ص) تا انتهای امامت حضرت علی (ع) را به تصویر خواهد کشید. پیش‌بینی مدت تولید این سریال حدود شش سال است. مجموعه بلند «محمد رسول الله (ص)» در استودیو انیمیشن رضوان تولید خواهد شد که متشکل از هنرمندان انقلابی فعال در صنعت انیمیشن ایران است. به تازگی اخباری مبنی بر پیوستن آقای حسن روح‌الامین، نقاش و هنرمند عرصه تجسمی که آثار قابل توجهی در حوزه هنرهای آیینی و مذهبی دارد، به این

## هفت طرح

حسن روح‌الامین به انیمیشن  
محمد رسول الله (ص) پیوست

مراسم افتتاحیه بزرگ‌ترین پروژه انیمیشن تاریخ ایران، محمد رسول الله در تاریخ ۱۵ آذرماه مصادف با ولادت باسعادت پیامبر عظیم‌الشان اسلام و در سالن همایش بصیرت واقع در لانه جاسوسی برگزار می‌شود. این سریال بلند انیمیشنی در ۱۰۴ قسمت (اپیزود) ۲۲ دقیقه‌ای و در ۴ فصل در مجموع معادل ۲۲۸۸ دقیقه منطبق بر بالاترین کیفیت برای ارائه در شبکه‌های خانگی و شبکه‌های



## اشک فوتبال

ایتالیا و بوفون به جام جهانی نرسیدند



اشک که می‌ریخت، هیچ کس نمی‌توانست آن لحظه را بدون تأثیر ببیند، مثل گلادیاتور پیری می‌مانست که یک عمر در همه میدان‌ها پیروز شده بود و در آخرین نبرد، نبردی که وعده داده بود آخرین نبردش باشد، پشت دروازه مانده بود و می‌گریست. آن اشک‌ها، آن گریه‌ها همه را تحت تأثیر قرار داد، همه را، آخر این جیان لوییچی بوفون بود که می‌گریست، بهترین شماره یک همه این سال‌ها، خیلی‌ها برای اینکه نتوانسته بودند به او گل بزنند، گریه کرده‌اند و او در روزی که بازم گل نخورد، به گریه افتاد. این اولین بار بود که به جام جهانی نرسیده بود و آخرین بازی او در تیم ملی ایتالیا، همان تیمی که با آن قهرمان جهان شده بود و جام طلایی را بالای سر برده بود، با یک ناکامی و تلخی بی‌پایان به انتها رسید؛ او اشک می‌ریخت و این گریه همه را تحت تأثیر قرار می‌داد، حتی داور مسابقه را!

متیو لاهوز که در دیدار امشب ایتالیا-سوئد چند تصمیم بحث‌برانگیز داشت و برخورد توپ به دست بازیکنان دو تیم در محوطه جریمه را پنهانی اعلام نکرد؛ اما در پایان بازی و با مشخص شدن ناکامی ایتالیا، او بوفون را در آغوش گرفت و با او همدردی کرد؛ هرچند این حرکت داور هم از اندوه دروازه‌بان دوست‌داشتنی ایتالیا کم نکرد و او دقیقاً بعد با چشمانی اشکبار از بازی‌های ملی خداحافظی کرد. بله، ایتالیا دیگر بوفون را ندارد؛ بوفون که پس از ۱۷۵ بازی با پیراهن تیم ملی ایتالیا خداحافظی کرد، در سال ۲۰۰۶ با این تیم قهرمان جام جهانی شد، و در سال ۲۰۱۲ توانست به فینال یورو راه یابد.

ایتالیا که در دیدار رفت مرحله پلی‌آف جام جهانی با نتیجه ۰-۱ مغلوب سوئد شده بود، در دیدار برگشت در سن سیرو نتوانست به نتیجه‌ای بهتر از تساوی بدون گل دست پیدا کند و از رسیدن به جام جهانی بازماند. بوفون که در پایان این فصل از فوتبال خداحافظی خواهد کرد، امیدوار بود که با حضور در جام جهانی روسیه، به اولین بازیکنی تبدیل شود که حضور در شش جام جهانی را تجربه می‌کند؛ اما این اتفاق رخ نداد و از این تیم خداحافظی کرد: «واقعاً ناامیدکننده است. نه برای من، بلکه برای فوتبال، زیرا ما در راه چیزی که برای کشور بسیار مهم بود، ناکام ماندیم. این تنها حسرتی است که دارم و مطمئناً به این خاطر نیست که دوران حرفه‌ای‌ام به پایان رسیده، زیرا زمان می‌گذرد و اکنون زمان مناسبی برای خداحافظی است. فقط حیف شد که آخرین بازی رسمی من با ناکامی در رسیدن به جام جهانی همراه شد. ما حریف را دست کم نگرفتیم، زیرا آنهایی که در چنین دیدارهایی بازی کرده‌اند، می‌دانند

که روبه‌رو شدن با چنین تیم‌هایی چه معنایی دارد و از نظر روانی، جبران شکست ۰-۱ چقدر سخت است. شاید ما بهترین فوتبال‌مان را ارائه ندادیم. این چیزی است که به خاطرش حسرت می‌خوریم. ما فاقد انرژی و برندگی لازم برای گلزنی بودیم.»

البته بوفون در ادامه حرف‌هایش سعی کرد به هواداران فوتبال ایتالیا این امیدواری را بدهد که آینده متفاوت خواهد بود: «ما غرور، قدرت و سماجت داریم، ما می‌دانیم چگونه دوباره بلند شویم و همیشه هم این کار را کرده‌ایم. من تیم ملی ایتالیا را در شرایطی ترک می‌کنم که می‌دانم این تیم می‌تواند خودش را نشان دهد. همه کسانی را که در این مسیر فوق‌العاده همراهم بودند را به آغوش می‌کشم. سرزنش باید به‌طور مساوی برای همه باشد، با هم می‌بریم، با هم می‌بازیم.»

خداحافظی بوفون بازتاب گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی داشت و بسیاری از همبازی‌ها و رقبای او، از سرخیو راموس تا آلس دی‌پیرو، برای او پیام دل‌داری فرستادند، از بین این همه شاید پیام ایگر کاسیاس که سال‌ها رقیب او برای کسب عنوان بهترین دروازه‌بان جهان بود جالب‌تر بود: «نمی‌خواهم تو را این گونه ببینم. می‌خواهم تو را مانند آنچه برای همه هستی و همیشه خواهی بود، ببینم؛ اسطوره. افتخار می‌کنم که با تو آشنا شدم و چندین بار در مقابلت بازی کردم. هنوز هم باید با بازی‌هایت ما را شاد کنی شماره یک.»

### کابوس ونتورا

آخرین باری که ایتالیا قادر به راه‌یابی به جام جهانی نبوده به ۶۰ سال پیش و جام جهانی ۱۹۵۸ بازمی‌گردد که اتفاقاً میزبان آن سوئد بوده است. میزبان تا فینال هم پیش رفت اما در نهایت با نتیجه ۵-۲ مغلوب برزیل با پله و دیگر ستارگانش شد. حالا و بعد از ۱۴ دوره متوالی حضور، ایتالیا باز پشت سد سوئد گیر کرده و نتوانست مجوز صعود به جام جهانی را کسب کند. در این بین آنچه متهم اصلی این ماجرا شناخته می‌شود، پیرمردی موقر است که به عنوان سرمربی روی نیمکت ایتالیا می‌نشست. برای اینکه بدانیم که نقش او تا چه اندازه در اینجا پررنگ است، یک نمونه کافی است. اتفاقی که در میانه بازی با سوئد رخ داد، همان‌جا که در جریان دیدار، ونتورا تصمیم گرفت که دهروسی را راهی زمین کند تا از تأثیرگذاری بالای هافبک ایتالیایی بهره‌برد. با این وجود، تصاویر تلویزیونی نشان می‌دهد که دهروسی شدیداً با این تصمیم مخالفت کرده است. وقتی یکی از اعضای

کادرفنی به او می‌گوید که خودش را گرم کند که به زمین برود، او پاسخ می‌دهد: «چرا من باید به زمین بروم؟ ما به تساوی نیاز نداریم، باید ببریم! به ونتورا احمق بگو که تمام بازیکنان می‌خواهند اینسینیه به زمین برود نه من!»

در نهایت دهروسی نیز به میدان نرفت، ولی بازیکنی که او معتقد بود می‌تواند نتیجه را عوض کند، یعنی اینسینیه نیز توسط ونتورا به زمین فرستاده نشد و همانطور که هافبک رم پیش‌بینی کرده بود، بازی با نتیجه مساوی به پایان رسید و ایتالیا پس از ۶۰ سال به جام جهانی نرسید. هرچند دهروسی پس از بازی از ونتورا و مردم ایتالیا عذرخواهی کرد اما این نشان می‌دهد که بازیکنان ونتورا را قبول نداشتند و فکر می‌کردند تصمیمات فنی او اشتباه است. جامپیرو ونتورا، پس از بازی اعلام کرد که به دلیل ناکامی تیمش در رسیدن به جام جهانی از مردم کشورش عذرخواهی می‌کند، اما تأکید کرد که تیمش کم کاری نکرده است: «افتخار می‌کنم که بخشی از تیم ملی ایتالیا بوده‌ام. افتخار می‌کنم که با قهرمانان بزرگ و جوانانی که در حال پیشرفت هستند، کار کردم. متأسفم به خاطر اتفاقاتی که امشب رخ داد و برای بار هزارم متوجه شدم که مردم ایتالیا چه شور و انگیزه و هیجانی دارند. از همه به خاطر حمایتی که از ما کردند، ممنوم. لیاقت مردم و تیم ما بیش از این بود.»

از ونتورا که بگذریم خیلی از عوامل دیگر می‌توانند در نرسیدن ایتالیا به جام جهانی مؤثر باشند؛ فساد دامنه‌دار، عقب‌ماندن از قافله فوتبال مدرن، مشکلات بسیار مالی، واسپاری لیگ به سرمایه‌داران تازه‌کار، نبود استعداد درخشان تازه، مشکلات جدی مدیریتی، ضعف بزرگ آکادمی‌ها، ونتورا و همه اینها باعث شده که همه به این توصیه بوفون قبل از خداحافظی فکر کنند، او راست می‌گوید، ایتالیا نباید به دوران متوسط بودن عادت کند و راه‌حل شاید همین باشد که یکی از اسطوره‌های این کشور یعنی کاناوارو می‌گوید: «بیباید به جای پرداختن به این اقتصاح، از ایتالیای جوانی که در آینده ظهور می‌کند؛ حمایت کنیم. بباید آن ایتالیایی را بسازیم که همه جهان به آن غبطه می‌خورند. متأسفانه این اتفاقات [نرفتن به روسیه] خواب نیست و ما بیداریم!»

خداحافظ مومیایی‌هایی که کنترل فوتبال ایتالیا را در دست دارید و حالا فضایی به جواترها بدهید. از این مسیر لغتی‌ما، راه‌تان را بچ کنید و بیرون بروید. ▶



## به یاد عاشورا روایت کودکان محرم

انتشارات مدرسه با چاپ مجموعه کتاب‌های «یادداشت‌های یک نویسنده» داستان‌ها و قصه‌هایی را از مرحوم امیرحسین فردی نویسنده متعهد انقلاب که سال‌ها پیش در مجله کیهان بچه‌ها به چاپ می‌رسید را روانه بازار کرده است. «قصه باغی که باغبانش رفته باشد» سومین مجلد از این مجموعه کتاب‌ها است که در آن قصه‌ای از واقعه عاشورا برای کودکان روایت شده است. این کتاب با ۴۲ قصه و داستان به زبان کودکان موضوعات مختلفی را به کودکان می‌آموزد. نصف جهان دنیای بزرگ من، آهنگ باران، دلم می‌خواهد به کبک‌ها بگویم به کوهپایه نیایند، آشنای مهربان، بال‌های پرواز، کدام کتاب؟ مال همه، خوش‌خطا این طرف بدخطا آن طرف، به یاد عاشورا، تابستان تابستان!، فردا دیر می‌شود همین امروز، وقتی که آن خبر رسید، دکتر شهر ما، هنر و هنرمندان، صدای تو، تولد نور، با من حرف بزن، دو بسیجی دو نویسنده، تو بزرگ شدی، تلاش و امید، بعد از آن چند روز غم‌انگیز، پرچم سبز در سینه سنگلاخی کوه، نوشته‌های عجیب و غریب بی‌مزه، عید فطر قله رمضان و... از جمله داستان‌های این کتاب هستند. در بخشی از داستان «به یاد عاشورا» آمده است: «در روضه‌خوانی‌ها شنیده‌ای که می‌گویند: بعد از آنکه امام حسین (ع) و ۷۲ نفر از یاران او در صحرای کربلا شهید شدند، ظالم‌ها خیمه‌ها را به آتش کشیدند و زن‌ها و بچه‌ها را اسیر کردند. آنها بچه‌های کوچک را با پای برهنه روی ریگ‌ها و تیغ‌های بیابان دواندند و به آنها شلاق زدند. سپس آنها را سوار بر شترها کردند و به سوی شهرهای کوفه و شام به راه افتادند...»

## سایه تاک خاطرات یک سروان چتر باز

«سایه تاک» شامل خاطرات سروان پیاده چتر باز، رحیم افشاری به کوشش راحله صوری توسط انتشارات سوره مهر کتاب منتشر شده است. این روایت‌ها به گفته صوری، ابتدا به شیوه معمول خاطره‌نگاری از طریق مصاحبه جمع‌آوری شده و در ادامه تمامی مصاحبه‌ها به صورت کامل پیاده و مکتوب شده و سپس بر مبنای این مصاحبه‌ها متن کتاب از زاویه دید مولف و بر اساس اولویت‌های انتخابی او برای انتخاب و چینش حوادث در کتاب قرار گرفته است. خاطرات رحیم افشاری اگرچه زندگی یک نظامی ساده است، شرح فراز و نشیب‌هایی است که بر او و هم‌زمانش رفته و شاهد خوبی است بر این مدعا که برای پی‌بردن به تمام رمز و رازها و گوشه‌های تاریک آن جنگ شاید بهتر باشد ابعاد انسانی جنگ را دریابیم؛ حتی آن لحظاتی که رزمندگان تصمیم می‌گیرند قدم به میدان جنگ بگذارند و لحظاتی که گلوله‌ها در کمین‌شان هستند و مرگ و زندگی آنها را رقم می‌زند را دریابیم، ببینیم و بشنویم. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «روز به نیمه رسیده بود. آفتاب چشمم را می‌زد. مغزم از هرم آفتاب می‌سوخت و دیگر فقط تشنگی بود که تعیین تکلیف می‌کرد. چشمانم را به سختی باز کردم. سربازها جلوی چشمم مثل سایه‌های سرگردان به رقص درآمدند. همه چیز بوی نیستی و مرگ می‌داد. دورتر سربای دیدم که زیر نور آفتاب می‌درخشید. موج می‌زد و مرا به سمت خود می‌کشید. خواستم بگویم بچه‌ها آب پیدا کردم اما کونی فریاد زدن. سربا را که دیدم بدنم شل شد. صدای شرشر آب و بر هم خوردن قالب‌های یخ در پیاله آب در گوشم پیچید. خواستم دستم را دراز کنم و آب خنک را یک نفس سر بکشم اما سرم هزار کیلو وزن داشت و روی گردنم سنگینی می‌کرد...»

## کافی شاپ

### نمایشی در ادای احترام به مدافعان حرم

نمایش «کافی شاپ» به نویسندگی و کارگردانی حسینی بی‌نویسی از ۲۲ آبان ماه در تماشخانه ماه حوزه هنری به صحنه می‌رود. این نمایش، داستان رساندن خبر شهادت رزمنده‌ای به اسم عباس به مادرش است که از بیماری قلبی رنج می‌برد. حسین پرستار، محبوبه یزدانی، محمد رضایی مقدم و بهادر میرناصری به عنوان بازیگر در این نمایش ایفای نقش می‌کنند.

داستان این نمایشنامه درباره یاور و زیور، پیرمرد و پیرزنی است که دو فرزند آنها در جنگ تحمیلی به شهادت رسیدند و اکنون تنها فرزند و بازمانده‌شان عباس، از سفر دور و درازی می‌آید. یاور، همسرش را که بیماری قلبی دارد به کافی شاپ سالار که در بالای تپه‌ای که مشرف به آبادی قرار دارد، می‌آورد تا آرام‌آرام خبر ناگواری را به او بگوید که مبادا دچار ایست قلبی شود... از هر دری سخن به میان می‌آورد و در نهایت نمی‌تواند به صراحت خبر شهادت فرزند آخرشان عباس را بگوید. در پایان، سیاوش (همرم عباس) تنها نشانه‌هایی از عباس را به آنها می‌دهد؛ اما به رغم تصور



یاور، زیور مستحکم‌تر از قبل خبر را می‌شنود. حسینی بی‌نویسی، کارگردان نمایش کافی شاپ برای معرفی این اثر گفته است: «از اواخر سال ۹۵ با توجه به اینکه خیل عظیم جوانان برای دفاع از حرم اهل بیت (ع)، شهید می‌شدند به این فکر افتادم تا با تولید نمایشنامه، دین و وظیفه خود را به شهدا ادا کنم. در این اثر بستری همچون فضای کافی شاپ را فراهم کرده‌ام تا فرهنگ وارداتی کافی شاپ که در فرهنگ اصیل ما رخنه کرده را یادآور شود. من در این اثر به مخاطب نشان می‌دهم که این روزها به جای قهوه‌خانه

و فضای سنتی که پیش از این محفلی برای پرده‌خوانی و نقالی بود، فضای اروپایی کافی شاپ در جامعه ما پا گرفته است.

در این نمایش تقابل دو تفکر سنتی و اروپایی انعکاس داده می‌شود و با دو کاراکتر که نگاه‌های متفاوتی به موضوعات اجتماعی دارند، تفاوت‌ها در نوع نگرش افراد را نشان می‌دهم. بازی‌های نمایش کاملاً رئال است و به دور از بازی‌های اغراق شده، با وجود فراز و فرودهای پیچیدگی ندارد و روایتی ساده از زندگی آدم‌هاست. بستر اصلی نمایش رازن و شوهر پیر پیش می‌برند و دو جوان نیز به آنها اضافه می‌شوند که این تقابل تفکر دو نسل است. ما در این نمایش از لجه شیرین برای جذب مخاطب استفاده کرده‌ایم به طوری که کاراکتر مرد گویش دامغانی و کاراکتر زن گویش شیرازی دارد.

من با این روش سعی کرده‌ام تا فضای روستایی بیشتر به مخاطب القا شود. ۴۰ دقیقه نخست اجرا مخاطب را به فضایی وارد می‌کند که به هیچ عنوان نمی‌تواند بخش پایانی نمایش را پیش‌بینی کند. در حقیقت در این شکل از طراحی از عنصر غافلگیرکنندگی مخاطب استفاده شده که باعث می‌شود به رغم تفکر و تصوراتش شگفت‌زده شود و با پایانی متفاوت روبه‌رو شود. من معتقدم این نوع نمایش‌ها باید به دور از هر نوع شتاب‌زدگی و شعارزدگی اجرا شود.»

## پیشخوان جهانی



تایم، ماکرون را رهبر آینده اروپا دانست



اشپیکل به رابطه چین و غرب پرداخته است



بازی اکونومیست با عقاب و ترامپ





عنوان کتاب: هنر بافتنی بزرگسالان

نام مؤلف: مریم یوسفی

ناشر: بین المللی حافظ



عنوان کتاب: هنر بافتنی خردسالان

نام مؤلف: اکرم ذاکری

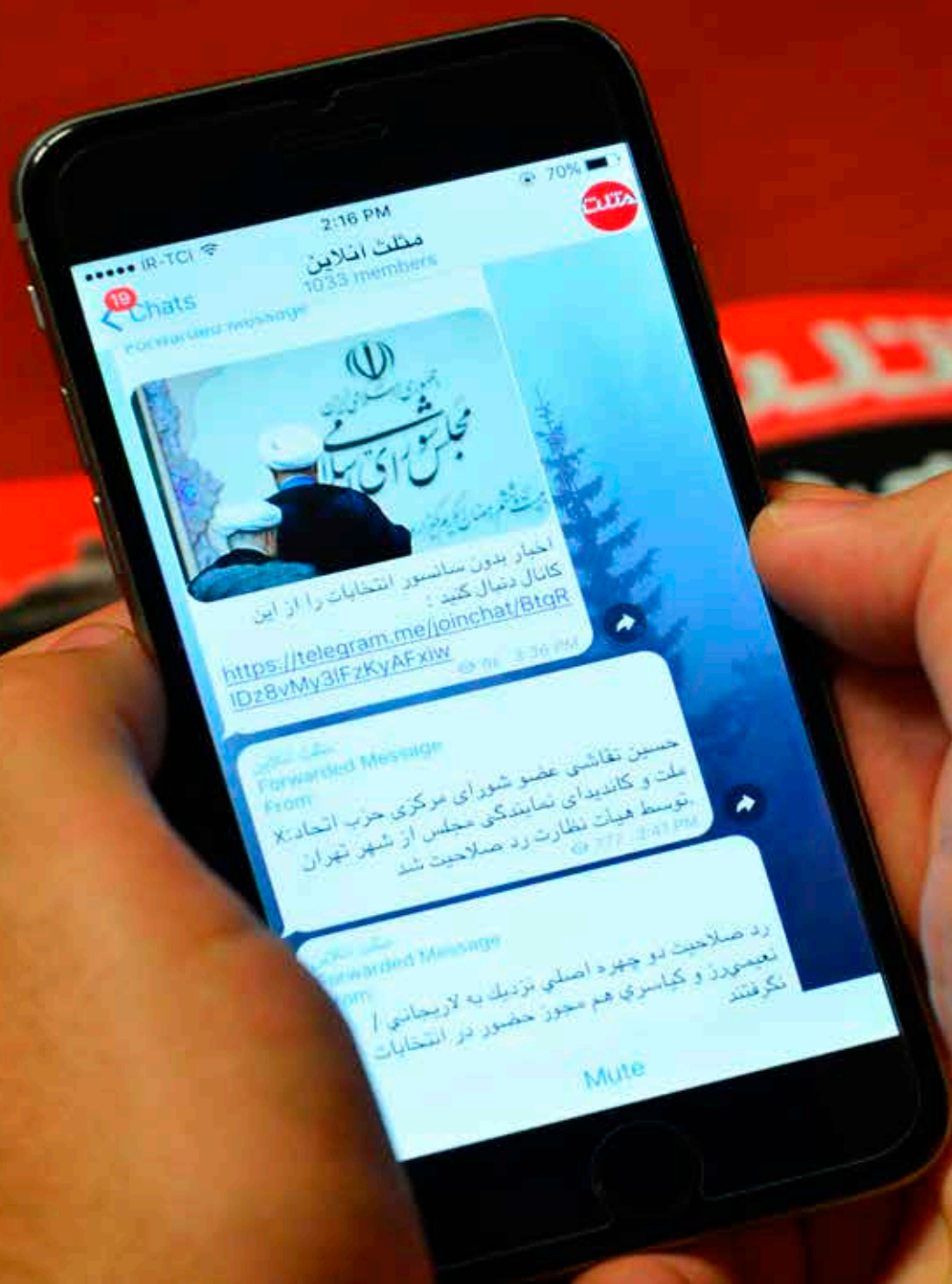
ناشر: بین المللی حافظ





# کانال تلگرامی مثلث آنلاین فوری از اخبار مطلع شوید

@ mosalasonline



اِنْ الْحَيُّنْ مُصْبِحِ الْمَدَى وَيَسْتَبْرِئُ الْحَيَاةَ



بهترین فرصت برای کمک به  
کودکانی که تمنای زندگی دارند

☎ ۰۲۱ - ۲۳۵۴۰ \* ۷۲۰ #

شماره حساب بانک پارسیان: ۸۱۰۴۴۴۴۹



محک

مؤسسه خیریه حمایت از  
کودکان مبتلا به سرطان

[mahak-charity.org](http://mahak-charity.org)





کتاب هایتان را همه می خوانند...



